



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

بررسی کارآمدی و اثربخشی قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

پاییز ۱۳۸۸

بررسی کارآمدی و اثربخشی
قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی
ایران
(مقایسه با قوانین ترکیه ، چین و روسیه)

رحمان حسنی

شوکت شایسته

پگاه محمود جعفری

مهسا آریا منش

الهام شبستری حسینی

مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی ایران

پاییز ۱۳۸۸

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۴	فصل اول - مفهوم و اهمیت سرمایه گذاری خارجی
۴	گفتار اول - مفهوم سرمایه گذاری خارجی
۵	گفتار دوم - اهمیت سرمایه گذاری خارجی
۸	فصل دوم - شرایط جذب سرمایه گذاری خارجی
۸	گفتار اول - سیاست گذاری اقتصادی
۹	گفتار دوم - ساختار اقتصادی
۱۰	گفتار سوم - عوامل تشویقی و حمایتی
۱۱	گفتار چهارم - عوامل سیاسی
۱۲	فصل سوم - حمایت از سرمایه گذاری خارجی در ایران
۱۲	گفتار اول - تاریخچه حمایت و مراحل اخذ مجوز
۱۵	گفتار دوم - عوامل مؤثر بر افزایش و کاهش انگیزه سرمایه گذاری خارجی در ایران
۲۶	گفتار سوم - قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی

۳۹	فصل چهارم – حمایت از سرمایه گذاری خارجی در ترکیه
۳۹	گفتار اول – تاریخچه حمایت و مراحل اخذ مجوز
۵۶	گفتار دوم – قانون سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۶۱	فصل پنجم – حمایت از سرمایه گذاری خارجی در چین
۶۱	گفتار اول – تاریخچه حمایت و مراحل اخذ مجوز
۷۳	گفتار دوم – قوانین
۸۶	فصل ششم- حمایت از سرمایه گذاری خارجی در روسیه
۸۶	گفتار اول – تاریخچه حمایت و مراحل اخذ مجوز
۹۴	گفتار دوم – قانون فدرال درباره سرمایه گذاری های خارجی در فدراسیون روسیه
۱۰۹	فصل هفتم – بررسی تطبیقی شاخص های حمایت از سرمایه گذاری خارجی در قوانین ایران ، ترکیه ، چین و روسیه
۱۳۴	فصل هشتم – جایگاه ایران، ترکیه ، چین و روسیه در جذب سرمایه گذاری خارجی در دنیا و فضای کسب و کار
۱۴۷	نتیجه گیری

فصل اول - مفهوم و اهمیت سرمایه گذاری خارجی

گفتار اول - مفهوم سرمایه گذاری خارجی

سرمایه گذاری خارجی در کتاب جامع « پالگریو » به صورت تملک دارایی ها (از جمله سهام، اوراق بهادار و غیره) توسط سرمایه گذار در خارج از موطن خود تعریف شده است. در مواقعی که دارایی ها شامل تجهیزات فیزیکی تولید، شود سرمایه گذاری خارجی، مستقیم تلقی می شود.^۱

به نظر « کوین » سرمایه گذاری مستقیم خارجی عبارت است از نوعی سرمایه گذاری که به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در موسسه ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه گذار، صورت گیرد و نتیجه آن کسب حق رأی موثر در مدیریت یک شرکت (یا موسسه) باشد.^۲

طبق تعریف آنکتاد سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) شامل سرمایه گذاری هایی می شود که در شرکتی خارج از کشور سرمایه گذار، جهت کسب سود مداوم در آن شرکت اتفاق می افتد. در واقع سرمایه گذاری مستقیم خارجی از مشارکت یک شرکت مادر با شرکت وابسته به آن شکل می گیرد که با هم یک شرکت فراملیتی را شکل می دهند. شرکت مادر باید کنترل شرکت وابسته را در دست گیرد و طبق تعریف صندوق بین المللی پول، برای به دست آوردن کنترل یک شرکت باید حداقل ۱۰٪ از سهام و یا قدرت رأی آن شرکت را به دست آورد.

^۱ - گروه مطالعات و پژوهش های حقوق اقتصادی و بازرگانی، تضمین سرمایه گذاری خارجی در ایران و مطالعه موردی موانع سرمایه گذاری در ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ص ۵
^۲ - منبع پیشین، ص ۵

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به سه صورت سرمایه‌سهمی، سرمایه‌گذاری مجدد درآمدها و وام‌های بین شرکتی اتفاق افتد. هنوز هم مفهوم FDI که به معنای مشارکت سرمایه‌گذاری حداقل ۱۰٪ در سرمایه یک شرکت در خارج از مرزهاست، با مشکلات تفسیری مواجه است. این مشکلات نه تنها به دلیل پیچیدگی ذاتی آن، بلکه به دلیل روش‌های مختلف اندازه‌گیری و دسترسی محدود به داده‌های قابل مقایسه ایجاد می‌شود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انتقال سرمایه دولتی یا خصوصی از کشوری به کشور دیگر، به منظور بهره‌برداری مستقیم از آن در فعالیتهای اقتصادی است، به نحوی که طرف خارجی در مدیریت فعالیت اقتصادی موردنظر، نقش مؤثری داشته باشد. در سطوح شرکتی، FDI به معنای تأسیس شرکت و یا تملک یک شرکت خارجی با فرض نفوذ مدیریتی در عملیات آن مؤسسه است. در FDI، شرکت سرمایه‌گذار ریسک بیشتری را در مقایسه با صادرات و یا اعطای امتیاز متحمل می‌شود و در عوض انتظار کنترل مدیریتی، عملیاتی و منافع بلندمدت بیشتری دارد. سرمایه‌گذار مستقیم خارجی با قبول مسئولیت مالی و پذیرش خطر در سود و زیان، به طور احتمالی راهبری و اداره واحد تولیدی را نیز به‌طور مستقیم در دست می‌گیرد. به این ترتیب، سرمایه‌گذار به‌طور مستقیم در اجرای فعالیت‌های تولیدی، نقشی مؤثر دارد.^۲

گفتار دوم - اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی

بند اول - اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در دنیا

در شرایط نوین اقتصاد جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی نقش بسیار مهمی بازی می‌کند. دیگر دوران رویارویی با سرمایه‌گذاری خارجی و نفی آن به سر آمده و بیشتر بحث‌ها، حول این محور می‌چرخد که چه نوع سرمایه‌گذاری برای کشور مفید است و از چه راه‌هایی می‌توان سرمایه‌های خارجی را به کشور جذب کرد. سرمایه‌گذاران خارجی به ویژه شرکت‌های فراملیتی برای ارتقای سطح رقابت‌پذیری و کسب سود بیشتر، علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد و مزیت‌دار شده‌اند. عملیات فراملیتی‌ها و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنین می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشورهای میزبان به طرق مختلف و در ابعاد گوناگون تاثیر گذارد که این مسئله از نظر دولت‌های میزبان اهمیت زیادی دارد. طیف این متغیرها بسیار گسترده می‌باشد؛ مانند تاثیر بر اشتغال، تجارت، ترازپرداخت‌ها، ساختار صنعتی، تحرك اجتماعی و سیاسی و... که هر کدام به نوبه خود دارای پیچیدگی‌های خاص خود است. از دهه

^۲ - پروژه سرمایه‌گذاری خارجی در دنیا و منطقه، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، سال ۱۳۸۷، صص ۶ و ۷.

۱۹۷۰ به بعد سرمایه خارجی رشد بالایی داشته و از رشد تجارت پیشی گرفته به طوری که بیش از دو برابر رشد صادرات کالا و خدمات بوده است.^۴

در سطح مدیریت کلان هر جامعه‌ای بی‌شک اهمیتی ویژه به سرمایه‌گذاری داده می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاری به معنای عام خود می‌تواند سرچشمه همه تحولات اقتصادی - اجتماعی در جامعه باشد و از این رو مدیریت بر آن نیز از اهمیت و حساسیت بسیار بالایی برخوردار است. دلیل این امر آن است که سرمایه در جوامع امروز جهان از هزینه فرصت بالایی برخوردار است و از این‌رو در جامعه‌ای از جوامع جهان مستقر شده و در فرایند ارزش‌آفرینی اقتصادی نقش بر عهده می‌گیرد که ریسک کمتر و درآمد بالاتری را داشته باشد.

این حالت فرار بودن سرمایه در جهان امروز که در آن مرزهای سیاسی - جغرافیایی در برابر فعل و انفعالات اقتصادی رنگ باخته‌اند، دوچندان شده است و مدیریت بر آن نیز پیوسته ظریف‌تر و حساس‌تر می‌شود. این ویژگی هم شامل سرمایه‌های بومی می‌شود و هم سرمایه‌های بیگانگان را دربرمی‌گیرد. چه بسا که سرمایه‌های بیگانگان نسبت به هر ناملایمتی، حساسیت بیشتری نشان دهند و جایی دیگر را برای استقرار برگزینند. به ترتیب مدیریت بر سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل به یک هنر مدیریتی می‌شود که ایجاب می‌کند تا با توسل به انواع سیاست‌ها زمینه‌های جذب آنها را فراهم آورد. این ظریف‌کاری اهمیتی ویژه دارد و در مدیریت اقتصادی جامعه باید جایگاه خودش را پیدا کند. تاکید بر اهمیت قضیه تنها ریشه در این موضوع ندارد که بسیاری از کشورهای جهان یعنی کشورهای در حال توسعه و فقیر جهان با کمبود سرمایه و منابع سرمایه‌ای روبرو هستند. امروزه نقش سرمایه چیزی بیش از این است.

جهان امروز در دوره خاصی از تاریخ اقتصادی خود بسر می‌برد که در آن تقسیم بین‌المللی کار دستخوش تغییرات عمیقی نسبت دوره کلاسیک خود یعنی دوره پس از انقلاب صنعتی شده است: امروزه زنجیره تولید ارزش بین‌المللی شده است و هر جامعه به فراخور توان بالقوه خودش که با مدیریت مناسب به صورت بالفعل درمی‌آید، جایگاهی را در این زنجیره به خود اختصاص می‌دهد. شاید نمونه بارز این امر در پهنه بین‌المللی تقسیم کار، کشور پهناور چین باشد. در سال‌های اخیر چین به دومین کشور جذب‌کننده سرمایه تبدیل شده است و هم‌اکنون طیف گسترده‌ای از صنایع جهان، آن کشور را به عنوان یکی از منابع اصلی و ارزان تامین‌کننده قطعات می‌انگارند. دلیل آن نیز روشن است: سرمایه خارجی تنها یک نقش یعنی تامین کمبود منابع مالی را در یک کشور بر عهده نمی‌گیرد. نکته اساسی در همین جاست که مدیریت سرمایه‌گذاری هر جامعه‌ای می‌تواند (و باید) با هنر خاص خود، سرمایه‌های خارجی (و همچنین سرمایه متعلق به بومیان مقیم خارج) را جذب کند تا:

- سرمایه‌های مزبور با خود دانش فنی و تکنولوژی را به همراه آورند و با فعالیت در جامعه میزبان به نشر آن پردازند. بدین ترتیب دانش فنی و تکنولوژی، در عمل، فرایند بومی شدن یعنی سازگاری با محیط خود را تجربه می‌کند تا

^۴ - موسوی و قانعی، سید علیرضا و مهوش، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، مجله تدبیر، شماره ۱۷۳، مهرماه ۱۳۸۵، چکیده، ص ۱.

از این طریق به نقطه بهینه بهره‌وری عوامل نزدیک‌تر گردد. دستیابی بومیان به این دانش فنی و تکنولوژی، به‌طور طبیعی جایگاه جامعه را در تقسیم بین‌المللی کار هم معین می‌کند.

- سرمایه‌های مزبور با خود بازار انواع کالاها و خدمات خاص خویش را هم می‌آورند. این نیز نقش پررنگ و پراهمیتی است که بر ظرافت مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی می‌افزاید. سرمایه خارجی در حقیقت برپایه امکانات بالقوه و بالفعل جامعه میزبان خود و با تکیه بر پایگاه خود در تولیدات جهانی، جایگاهی را در زنجیره تولید به جامعه میزبان اختصاص می‌دهد. عواملی مانند سرمایه اجتماعی، سطح دانش و تکنولوژی، و به ویژه مدیریت جامعه در تعیین سطح این جایگاه و سرعت ارتقای آن نقشی کارساز بر عهده دارند.

پیامدهای طبیعی یک مدیریت کارآمد برای سرمایه‌گذاری خارجی را چنین می‌توان برشمرد:

- افزایش اشتغال و کاهش بیکاری.

- گسترش دادو ستد اشخاص داخلی با خارجیان.

- تامین جایگاهی مناسب تر در زنجیره تولید ارزش در سطح جهان.

- افزایش درآمد مردم از طریق انجام فعالیت های تولیدی و خدماتی.

- توسعه کارآفرینی و بالا رفتن رقابت در بازار داخلی و خارجی.^۵

بند دوم - اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از روش‌های موثر و کارآمد به منظور افزایش تولید، رشد اشتغال، صادرات بیشتر، بالاتر رفتن سطح دانش و فناوری و در نهایت رشد اقتصادی، به‌ویژه طی چند سال اخیر بیش از پیش، مورد توجه دولت‌مردان ایران قرار گرفته است تا از این راه ضمن تزریق منابع مالی کافی به بخش‌های مختلف اقتصادی خود، زمینه را برای توسعه پایدار و نفوذ در بازارهای جهانی فراهم کنند.

از آن جا که اقتصاد ما، به شدت به بخش نفت متکی است، عدم ثبات درآمدهای نفتی در سال های اخیر و کاهش قیمت نفت در بازار جهانی (به استثنای سال ۱۳۸۳) مشکلاتی را در تمامی زمینه‌ها، به ویژه در بخش صنعت ایجاد نموده است.

^۵ - مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی و چالشهای فراروی، مجله تدبیر، شماره ۱۷۵، آذر ماه سال ۱۳۸۵

به همین علت، ضرورت ایجاد می‌کند که راحل های بلندمدت و کارآمدتری در زمینه تحصیل ارز و خارج شدن از اقتصاد تک محصولی و توسعه صادرات غیر نفتی به منظور رفع معضلات موجود اتخاذ شود، چرا که مدت زیادی به آغاز دوران پایان نقش نفت در اقتصاد و توسعه ایران نمانده است.

فصل دوم - شرایط جذب سرمایه گذاری خارجی^۶

هر چه کشوری از امکانات گسترده تری برای کاهش هزینه های تولید برخوردار باشد و سطح تکنولوژی بالاتری داشته باشد جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به آن کشور بیشتر خواهد بود. در واقع علت اصلی ورود حجم بالایی از این نوع سرمایه به کشورهای توسعه یافته وجود شرایط فوق الذکر در این کشورها می باشد عوامل تاثیر گذار بر این جریان را می تواند به شرح زیر برشمرد:

گفتار اول - سیاست گذاری اقتصادی

هر گاه سیاست گذاری های اقتصادی در کشور میزبان، در راستای ایجاد فضای باز و با ثبات اقتصادی باشد، میزان ریسک سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت و به تبع آن عوامل اقتصادی مؤثر بر جریان سرمایه را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- سیاست پولی: این سیاست ها تعیین کننده عوامل مؤثر بر نرخ تورم در کشور است. در واقع هر چه سطح تورم در کشور میزبان پایین تر باشد میزان کاهش در ارزش دارایی ها و سود خالص سرمایه گذاری کمتر خواهد بود در نتیجه ریسک سرمایه گذاری تقلیل یافته و به تبع آن جریان سرمایه گذاری مستقیم افزایش می یابد.

^۶ - موسوی، علی رضا و قانعی، مهوش، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران، مجله تدبیر، شماره ۱۷۳، مهرماه ۱۳۸۵.

۲- سیاست مالی: نشان دهنده وضعیت کسری بودجه دولت و درآمدهای مالیاتی است. در صورت وجود کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی، شاهد بروز تورم در کشور میزبان خواهیم بود و همان طور که عنوان شد این امر اثر منفی بر جریان سرمایه خارجی دارد. به علاوه وجود مالیات مضاعف بر درآمد شرکت های سرمایه گذار اثر منفی بر این جریان خواهد داشت. طبیعی است که سرمایه گذار نمی تواند در دو کشور مالیات بپردازد. همچنین بالا بودن مالیات بر درآمد و سود فعالیت های تولیدی و خدماتی منجر به کاهش درآمد آنان پس از کسر مالیات شده و با کاهش سطح بازدهی، سرمایه گذاری خارجی به کشور کاهش خواهد یافت.

۳- سیاست ارزی: مجموعه سیاست های ارزی نشان دهنده وضعیت سیستم ارزی است. در صورتی که نرخ ارز ثبات داشته باشد اطمینان بیشتری در فضای اقتصادی کشور ایجاد می شود و به تبع آن تصمیم گیری برای سرمایه گذاران خارجی ساده تر می شود.

۴- سیاست بازرگانی: میزان آزادی بازرگانی خارجی را نشان می دهد. هر چقدر معافیت های گمرکی بر نهاده های واسطه ای و سرمایه ای مورد نیاز سرمایه گذاران خارجی بیشتر باشد، جریان FDI به کشور بیشتر خواهد بود.

۵- سیاست های ناظر بر مقررات: شامل اطلاعات رسمی و قابل دسترس، تعیین جهت گیری حکومت و جامعه به سمت سرمایه های خارجی و محدودیت های انتقال سرمایه است. هر چقدر اطلاعات شفاف تر و دسترسی به آن امکان پذیرتر باشد، اعتماد سرمایه گذاران خارجی به ارزیابی هایشان بیشتر و جریان سرمایه گذاری به کشور تسهیل می شود. همچنین نگرش مردم و قوانین و مقررات حاکم بر جریان سرمایه، نیز اهمیت بسزایی دارد.

گفتار دوم - ساختار اقتصادی

هر چقدر ساختار و زیر ساخت های اقتصادی يك کشور قوی تر باشد، سرمایه گذاران خارجی تمایل بیشتری به سرمایه گذاری مستقیم در آن کشور دارند. عمده ترین عوامل ساختاری اقتصاد که به طور مستقیم بر جذب سرمایه مؤثر است عبارتند از:

۱- ثبات تراز تجاری: ثبات تراز تجاری به مفهوم پایداری نظام تجارت خارجی بوده و در نتیجه اعتماد سرمایه گذاران خارجی را به سرمایه گذاری جلب می نماید.

۲- گستردگی بازار: هر چقدر بازار کشوری گسترده تر باشد و هنوز اشباع نشده باشد جریان سرمایه به آن کشور تقویت می شود.

۳- بدهی خارجی: هر چقدر بار بدهی کشوری کمتر باشد امکان تأمین مالی از طریق جریان ورود سرمایه به آن کشور تقویت می شود.

۴- ساختار تأمین مالی : هر چقدر وضعیت نظام بانکی کشور قوی تر باشد و تسهیلات آسان تر و بیشتری به مشتریان خود ارائه دهد، زمینه های لازم را برای سرمایه گذاران خارجی بیشتر فراهم می آورد.

۵- تأسیسات زیر بنایی: وجود زیر ساخت های اقتصادی گسترده تر نظیر راه ها ، بنادر ، سیستم های ارتباطی و ... عوامل مؤثر در جذب سرمایه هستند.

۶- نیروی کار ماهر و توسعه منابع انسانی : با پیچیده تر شدن فرآیند تولید کالاها و خدمات در جهان ، وجود نیروی کار غیر ماهر دیگر مزیت به شمار نمی رود . لذا کشورهایی در جذب سرمایه موفق تر هستند که از يك نیروی کار آموزش دیده برخوردارند.

۷- وجود شبکه اطلاع رسانی گسترده : در صورت وجود يك شبکه اطلاع رسانی قوی که اطلاعات به روز و دقیق را در خصوص نیروی کار ، زیر ساخت ها ، امتیازات و ... در اختیار سرمایه گذاران قرار دهد ، انگیزه ورود سرمایه به کشور تقویت می شود.

گفتار سوم - عوامل تشویقی و حمایتی

برخی از کشورها جهت جلب سرمایه گذاران خارجی اقدام به اعطای امتیازاتی می کنند . مسلم است که هر چه میزان امتیازها بیشتر باشد سرمایه گذاران با تمایل بیشتری به سرمایه گذاری اقدام می کنند . در این ارتباط می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- معافیت مالیاتی در مورد تولیدات شرکت های سرمایه گذار خارجی

۲- اعطای پوشش های بیمه ای سرمایه گذاران

۳- اعطای معافیت های گمرکی در مورد واردات نهاده های مورد نیاز شرکت های سرمایه گذار خارجی

۴- اعطای یارانه در امر آموزش نیروی کار محلی

۵- ایجاد مناطق آزاد برای سرمایه گذاری

۶- اعطای تسهیلات زیر بنایی و خدمات عمومی ارزان تر نظیر آب و برق

۷- تضمین برگشت سود و اصل سرمایه و جلوگیری از مصادره و ملی کردن آنها

گفتار چهارم - عوامل سیاسی

زمانی که بازار آزاد به درستی عمل نکند ، مثل موقعی که مکانیزم بازار نتواند امکانات موجود را به طور کامل به کار گیرد ، یا مزیت های رقابتی جدید را توسعه بخشد و یا نتواند علائم مناسب را به کارگزاران اقتصادی بدهد تا تصمیم گیری مناسب در سرمایه گذاری نمایند ، دخالت دولت الزامی است . البته این دخالت به نحوی است که دولت قادر باشد نسبت به طراحی ، به کار گیری و نظارت بر سیاست هایی که ناتوانی را جبران می نماید ، اقدام کند. به طور خاص ، سیاست های دولت در مورد سرمایه گذاری مستقیم خارجی از دو جهت باید با عدم توانایی مکانیزم بازار برخورد کند : اول از نظر عدم توانایی بازار در ارائه اطلاعات مناسب و ایجاد هماهنگی در مسیر سرمایه گذاری ، که می تواند موجب جذب ناکافی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و یا کیفیت نامناسب سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذب شده باشد . دوم از نظر عدم هم سویی منافع سرمایه گذاران و علایق اقتصادی کشور میزبان . این عوامل باعث می شوند که سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثرات منفی بر توسعه داشته باشد و یا در صورت تحقق ، به مدت طولانی دوام نیابد . البته علایق سرمایه گذاران و منافع ملی کشور میزبان ، ممکن است هماهنگ نباشند . در این حالت نیاز به سیاست هایی خواهد بود که اختلاف از میان برداشته شود و به همین دلیل لزوم دخالت دولت در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی قابل توجه می شود . به علاوه برخی مواقع دولت ها احساس می کنند که لازم است سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به دلایل غیر اقتصادی کنترل نمایند . برای مثال ممکن است ضرورت ایجاد کند که فعالیت های فرهنگی یا استراتژیک فقط در دست افراد ملی باقی بماند .

به طور یقین این پیامدها همراه با يك رشته پیامدهای اجتماعی خواهند بود که همگی تبعات مثبتی برای جامعه دارند . شاید هم به دلیل همین پیامدهای اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی گسترده ای باشد که رتبه بندی کشورها را از لحاظ جذب سرمایه خارجی باید به عنوان یکی از شاخص های پرمعنی تلقی کرد .

فصل سوم - حمایت از سرمایه گذاری خارجی در ایران

گفتار اول - تاریخچه حمایت^۷ و مراحل اخذ مجوز

بند اول - تاریخچه حمایت

قبل از سال ۱۳۳۵

قرارداد میان دولت ایران و بارون جولوس روپتر (دولت انگلستان) را که در سال ۱۲۹۸ هجری قمری منعقد گردید، شاید بتوان نخستین اقدام عملی در سرمایه گذاری خارجی در کشور دانست. اگرچه این قرارداد به لحاظ ماهیت استعماری آن و مخالفت ها هیچ گاه به مرحله اجرا نرسید اما شانزده سال بعد امتیاز تاسیس یک بانک به مدت ۵۰ سال به همان شخص واگذار شد. در سال ۱۹۰۱ میلادی (سال ۱۲۸۰ شمسی) هم وسیع ترین امتیاز نفتی کشور برای مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس داری (درحقیقت دولت انگلستان) داده شد. اگرچه این قرارداد در سال ۱۹۳۲ لغو شد اما چند ماه بعد قرارداد ۶۰ ساله دیگری با شرکت دولتی انگلستان امضا شد که شامل قرارداد شیلات شمال و چند قرارداد دیگر سرمایه گذاری تحمیلی دولت های سلطه گر در زمینه منابع و معادن راهبردی کشور بود.

^۷ - فصلنامه توسعه صادرات، شماره ۵۸، بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۵.

این موارد نمونه هایی است که سابقه ذهنی ناخوشایندی را در مورد سرمایه گذاری خارجی در کشور به وجود آورده است.

همزمان با تصویب قانون تجارت و قانون ثبت شرکت ها (۱۳۱۰ شمسی) نوع دیگری از سرمایه گذاری خارجی و درحقیقت از نوع خصوصی- خارجی در کشور آغاز شد.

با ملی شدن صنعت نفت و افزایش توان مبادله ارزی کشور به طور طبیعی سرمایه گذاران خصوصی خارجی متوجه درآمد روبه افزایش ایران از نفت و بازار بکر آن شدند، اما بیم ملی شدن، آن ها را از سرمایه گذاری در ایران باز می داشت که البته با تصویب قانون ملی نشدن سرمایه های خصوصی و سپس تصویب (قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی) ثبت شرکت ها با سهامداران خصوصی خارجی در ایران افزایش یافت.

در سال های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۴ به ترتیب ۱۰ و ۳۱ شرکت جدید به ثبت رسید و در مجموع در این دوره ۱۶۷ شرکت ایرانی با سهامداران خصوصی خارجی به ثبت رسید.

سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷

با تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی (مصوب ۱۳۳۴ و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۳۵) نقطه عطفی در تاریخ سرمایه گذاری خصوصی خارجی در ایران به وجود آمد. دولت از این طریق بخشی از سرمایه های خصوصی و تولیدی خارجی را زیر پوشش و حمایت ها و تسهیلات خاصی برای آنها در نظر گرفت. اما شمول این قانون، اختیاری بود نه اجباری.

سهامدار خصوصی خارجی می توانست برای دریافت مجوز قانونی درخواست ارائه دهد و دولت در صورت تشخیص صرفه و صلاح، سرمایه خارجی را زیر پوشش این قانون قرار می داد، در غیر این صورت در قالب قانون تجارت و قانون ثبت شرکت ها در ایران سرمایه گذاری می کردند.

سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱

در این دوره دولت به رغم مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و فشارهای اقتصادی، تعهدات خود را در قبال سرمایه گذاران خارجی به طور کامل و بی نظیر ادا کرد به گونه ای که از آن به عنوان حمایت بیشتر در مقایسه با سرمایه گذاران داخلی یاد می شود. در قانون برنامه های پنج ساله اول و دوم توسعه کشور نیز به موضوع استفاده از سرمایه های خارجی توجه ویژه شد و برای فراهم کردن زمینه مساعد تر جذب سرمایه های خارجی در برنامه سوم توسعه نیز بیشتر به این

موضوع اهمیت داده شد. قانون جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی که خود عامل مهمی در جذب و هدایت سرمایه های خارجی به کشور است پس از حدود ۴۸ سال بازننگری شد و در سال ۱۳۸۱ قانون جدید (تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی) به تصویب رسید و جایگزین قانون قبلی شد.

بند دوم – مراحل اخذ مجوز

مراحل اخذ مجوز سرمایه گذاری در ایران به شرح زیر است:

مرحله اول : ارائه درخواست پذیرش سرمایه گذاری به سازمان :

به متقاضیان توصیه می شود اطمینان حاصل نمایند اطلاعات مندرج در فرم درخواست پذیرش با استفاده از مطالعات توجیه فنی و اقتصادی طرح و در صورت عدم وجود چنین مطالعاتی، به کمک آخرین اطلاعات و داده های طرحی که مایل به سرمایه گذاری در آن هستند تنظیم شده باشد. به همین منظور در طول تدارک درخواست پذیرش، کارکنان اداره کل سرمایه گذاری های خارجی سازمان می توانند طرف مشورت قرار گیرند .

مرحله دوم : بررسی درخواست پذیرش سرمایه گذاری توسط هیات سرمایه گذاری خارجی :

به دنبال ارائه درخواست، سازمان سرمایه گذاری گزارشی در خصوص درخواست مزبور به منظور بررسی و اخذ تصمیم از سوی هیات سرمایه گذاری خارجی تهیه می نماید . این فرایند به طور معمول بیش از ۱۵ روز کاری از زمان دریافت درخواست پذیرش بطول نمی انجامد . به طور معمول از نمایندگان سرمایه گذاران خارجی نیز برای شرکت در جلسه هیات سرمایه گذاری خارجی دعوت بعمل می آید . در هر صورت هیات سرمایه گذاری خارجی می بایست طی حداکثر یک ماه در خصوص درخواست پذیرش اخذ تصمیم نماید .

مرحله سوم : ارسال پیش نویس مجوز سرمایه گذاری برای سرمایه گذار خارجی :

به منظور حصول اطمینان از رضایت سرمایه گذار خارجی از تصمیم هیات پیش نویس، مجوز سرمایه گذاری پیش از صدور برای سرمایه گذار خارجی ارسال می گردد.

این کار فرصت آن را برای سرمایه گذار خارجی فراهم می سازد که جزئیات محتوای مجوز سرمایه گذاری را بررسی نموده و پیش از صدور نهایی آن موافقت یا مخالفت خود را ابراز دارد .

سازمان از هرگونه اظهار نظر مخالف با تصمیمات هیات سرمایه گذاری خارجی استقبال نموده و آماده است موضوع را دوباره به منظور بررسی مجدد در هیات مطرح نماید .

مرحله چهارم : صدور مجوز سرمایه گذاری :

مجوز نهایی در هیچ شرایطی پیش از آنکه سازمان به طور رسمی از موافقت سرمایه گذار خارجی با محتوای پیش نویس مجوز اطلاع حاصل نماید صادر نمی گردد . در پی دریافت تائیدیه سرمایه گذار در خصوص پیش نویس مجوز ، مجوز نهایی با امضای وزیر امور اقتصادی و دارائی صادر می گردد.

گفتار دوم - عوامل موثر بر افزایش و کاهش انگیزه سرمایه گذاری خارجی در ایران

بند اول - عوامل مؤثر بر افزایش انگیزه سرمایه گذاری خارجی در ایران^۸

ویژگی های ممتاز ایران، انگیزه مناسبی در جذب سرمایه گذاری خارجی بوده است که اهم آن به شرح ذیل است:

- 1- موقعیت استراتژیک : موقعیت جغرافیایی منحصر بفرد در قلب محل اتصال خاورمیانه ، آسیا و اروپا که با ترتیبات تجاری ، گمرکی ، مالیاتی و سرمایه گذاری منطقه ای و فرا منطقه ای فراوانی تقویت گردیده است.
- 2- امکانات بازار داخلی و نزدیکی به سایر بازارها : بازار داخلی گسترده با جمعیتی ۶۵ میلیونی و در حال رشد و همچنین دسترسی سریع به بازارهای همسایه با قریب به سیصد میلیون جمعیت.
- 3- مزیت های نیروی کار : ذخیره ای عظیم از نیروی انسانی آموزش دیده، کارا و با صرفه در اقتصادی متنوع و دارای بخش های صنعت و خدمات گسترده.
- 4- زیرساخت های توسعه یافته: شبکه ای از زیرساخت های گسترده در سراسر کشور در حوزه های مخابرات ، راه ، راه آهن و غیره.
- 5- هزینه پائین تولید و خدمات عمومی: دامنه متنوعی از انرژی ، مخابرات ، حمل و نقل و همچنین خدمات عمومی.
- 6- منابع طبیعی فراوان : ذخایری عظیم و متنوع از منابع طبیعی ، از نفت و گاز تا فلزات و غیر فلزات که بیانگر دسترسی آسان به مواد خام می باشد.
- 7- شرایط اقلیمی : برخورداری از آب و هوایی چهار فصل به عنوان مزیتی برای انجام فعالیت های کشاورزی در سراسر سال و سرتاسر کشور.

۸- مشوق های مالی: تعدیل نرخ های مالیات بر درآمد شرکت ها از تا ۶۵٪ به یک نرخ ثابت ۲۵٪ در عین وجود معافیت های متنوع مالیاتی.

۹- ثبات سیاسی: حمایت سرمایه های خارجی، به منظور تامین امنیت و حمایت کامل از سرمایه گذاری های خارجی بر مبنای شفافیت و استانداردهای بین المللی.

۱۰- قانون سرمایه گذاری جدید: تصویب قانون جدید تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی برای جایگزینی قانون قبلی جلب و حمایت سرمایه های خارجی، به منظور تامین امنیت و حمایت کامل از سرمایه گذاری های خارجی بر مبنای شفافیت و استانداردهای بین المللی.

بند دوم - عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه سرمایه گذاری خارجی در ایران^۹

۱- عوامل خارجی

در عرصه بین المللی، یکی از موانع اصلی برای سرمایه گذاری های خارجی نقش مسلط آمریکا در اقتصاد جهانی است، از جمله تحریم سرمایه گذاری در ایران، فشار آوردن بر سایر کشورها جهت اجرای این تحریم، به کارگیری فشارهای سیاسی، تهدیدها و ... مانعی جدی در این زمینه برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است.

مهمترین مشکل موجود در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران نیز مسئله تنش با غرب به ویژه با آمریکا است. با وجود در پیش گرفتن سیاست تنش زدایی، این مسئله همچنان به قوت خود باقی است.

مجموعه ای از عوامل باعث ایجاد نگرش منفی در مورد ایران در سطح بین المللی و در نتیجه، تحت الشعاع قرار گرفتن مسئله جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی شده است. از جمله این عوامل می توان به بهانه جویی های غرب در مورد مسائلی چون حقوق بشر، سلاح های کشتار جمعی، حمایت از تروریسم، حمایت از فلسطین در درگیری های موجود میان اعراب و اسرائیل و ... اشاره کرد.

از دیگر موانع این مسئله، آن است که آمریکایی ها شرکت ها را از سرمایه گذاری در ایران منع می کنند. طبق قانون ایلسا (اوت ۱۹۹۶) شرکت های خارجی که در ایران در زمینه نفت و گاز بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال سرمایه گذاری نمایند، مشمول تحریم های آمریکا خواهند شد. این امر تهدیدی برای سرمایه گذاری در ایران (به خصوص برای شرکت های بزرگ) محسوب می شود.

^۹ - گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل معاونت پژوهش های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، چالش های ایران در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تیرماه ۱۳۸۴.

با توجه به مراتب فوق مادامی که مواضع خصمانه دولت آمریکا علیه ایران ادامه دارد، تحقق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور با مشکلات اساسی مواجه است.

۲- عوامل داخلی

۱- چهارچوب‌های سیاست‌گذاری

الف - خصوصی‌سازی

اگر در فرایند خصوصی‌سازی، حضور و مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی مجاز باشد، این امر موجب جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور می‌شود. در عمل نیز خصوصی‌سازی در کشور با توفیق چندانی همراه نبوده است. آنچه در اینجا مد نظر است نه اثرات مستقیم خصوصی‌سازی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بلکه اشاره به این نکته مهم است که بدون فراهم شدن بستر فعالیت بخش خصوصی در کشور، توسعه صنعتی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امکان‌پذیر نیست.

در واقع، خصوصی‌سازی به معنای وسیع کلمه به معنای اعطای نقشی مهم‌تر به نیروهای بازار در تخصیص منابع، نظام تولید، توزیع کالاها و خدمات قابل فروش در بازار است. بنابراین، پیش شرط موفقیت آن ایجاد بستر مناسب برای فعالیت بخش خصوصی از طریق مقررات‌زدایی، تضمین مالکیت، اصلاح قانون کار، قانون مالیات‌ها و کارآمد کردن قوه قضائیه در رسیدگی به دعاوی تجاری است. وجود بخش خصوصی بزرگ، قوی و کارآمد برای بر عهده گرفتن سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مقیاس مشترک با شرکت‌های فراملیتی خارجی، زمینه مساعدی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فراهم می‌آورد. هر چند گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است، اما تا حصول به وضع مطلوب باید اصلاحات اساسی متعددی در قوانین و نهادهای موجود به خصوص در بعد انحصارزدایی به عمل آید.

ساختار بخش عمومی ایران نیز آن‌چنان متمرکز و برخوردار از چنان واحدهای بزرگی است که برای واگذاری آنها چندان تقاضایی در بخش خصوصی وجود ندارد و بسیاری از واحدهای صنعتی از جمله پالایشگاه‌ها و صنایع فولاد و پتروشیمی را یک شبه نمی‌توان خصوصی نمود.

ب- آزادسازی اقتصادی

از جمله موانع دیگر، موانع ساختاری است. گرچه هیچ کشوری وجود ندارد که سیاست‌های کاملاً برون‌گرایانه در پیش گیرد، اما اقتصاد درون‌گرای ایران باعث هدر رفتن بسیاری از فرصت‌های اقتصادی شده است. در این ساختار حکومتی نفوذ و کنترل دولت بر اقتصاد (حمایت دولتی) کم و بیش بالا است. حمایت دولت از صنایع (گرچه برخی کشورها با وجود اقتصاد حمایتی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موفق بوده اند، که در جای خود نیاز به بحث دارد)، نبود رقابت و در نتیجه ایجاد انحصار را در پی خواهد داشت. در این سیاست اقتصادی، سرمایه‌گذاری اقتصادی ناچیزی صورت می‌گیرد و در بیشتر اوقات، این سرمایه‌گذاری ناچیز، در بخش ماشین‌آلات (مورد عینی ایران) صورت می‌گیرد. سیاست حمایتی از طریق افزایش تعرفه اعمال می‌شود. در عصری که جهانی‌سازی اقتصاد به سمت آزاد سازی هر چه بیشتر ساختار اقتصادی پیش می‌رود، اصل حمایت‌گرایی نه تنها باعث عقب‌ماندگی اقتصادی، بلکه حاشیه نشینی اقتصادی - سیاسی می‌گردد و عضویت در سازمان‌های اقتصادی دیگر را نیز با مشکل روبه رو می‌سازد. حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند یکی از راه‌های مؤثر آزادسازی اقتصادی باشد.

در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیاری از مسؤولان کشور دو نظر کاملاً متفاوت دارند. عده‌ای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را ابزاری برای خودکفایی، افزایش رقابت، تکنولوژی، نوآوری، کاهش ریسک سیاسی و اقتصادی و ... می‌دانند و در مقابل گروهی دیگر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را نوعی وابستگی دانسته و مخالف آن هستند. این در حالی است که در قیاس با بیشتر کشورهای در حال توسعه همچون چین، هند و ... که آزادسازی اقتصادی را در عمل در پیش گرفته‌اند، ایران هنوز با مسائل ابتدایی آزادسازی اقتصادی دست به‌گریبان است.

با توجه به پذیرفته شدن درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، لازم است ایران تغییرات اساسی و حساب شده‌ای در قوانین مربوط به آزادسازی تجاری انجام دهد و نیز این فرصت را به عنوان یک تجربه عملی تا پذیرفته شدن نهایی در این سازمان تلقی نماید.

ج- ریسک سیاسی

بر اساس اعلام سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) ریسک سیاسی در ایران در سال ۱۳۸۳ ابتدا از ۶ به ۵ و سپس به ۴ رسیده است. سرمایه‌گذار برای کسب سود به دنبال محلی امن با هزینه بیمه کمتر و در نهایت هزینه تمام شده کمتری است. در نتیجه، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری موجب افزایش جذب سرمایه برای تولید خواهد شد.

تلاش دولت برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی و مخالفت برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با این طرح‌ها این احتمال را قوت می‌بخشد که روند رو به رشد سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با مشکل مواجه گردد.

پیش از این، خلاء قانونی مانع اصلی در جلب سرمایه خارجی به حساب می‌آمد و سرمایه‌گذاران خارجی را که نگران مصادره اموال خود بودند از حضور در ایران باز می‌داشت، اما اکنون اختلاف نظر دولت و مجلس به مانعی تازه در بخش سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل شده است، امری که ریسک سرمایه‌گذاری را به شدت افزایش می‌دهد.

اگرچه قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری گامی صحیح است، اما پاسخگوی نیازهای کشور نیست. جلب و تشویق سرمایه‌گذاری به طور کلی و سرمایه خارجی به طور اخص، مستلزم اصلاح بنیادین نظام حقوقی کشور در عرصه‌های مختلف می‌باشد. تصویب این قانون توأم با سایر اصلاحات ساختاری می‌تواند در مجموع موجب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور شود و زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را تسهیل کند. میزان طرح‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ معادل ۲/۴ میلیارد دلار بود که بیش از ۵۰ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی پذیرفته شده در طول سال‌های ۸۲-۱۳۷۲ را تشکیل می‌داد. این امر نشان دهنده اثربخشی اقدامات انجام شده در زمینه جذب سرمایه‌گذاری طی سال‌های اخیر است.

ارزیابی کاهش میزان ریسک سرمایه‌گذاری در ایران از عدد ۶ در سال ۱۳۷۵ به عدد ۴ در سال ۱۳۸۲، نشان دهنده کاهش نرخ خطر پذیری به دلیل اجرای سیاست‌های موفق در عرصه خارجی است. از جمله موارد عینی افزایش ریسک سیاسی در ایران را در سال ۸۳ در مورد برنامه مجلس هفتم برای لغو قرار داد ایران سل (ترک سل) شاهد بودیم. گرچه طبق تصویب مجلس هفتم ۵۱٪ از سرمایه باید به شریک ایرانی و ۴۹٪ به شریک خارجی تعلق گیرد، این مورد نشان داد که قوانین و مقررات در ایران حتی با تغییر مجلس نیز تغییر می‌کند، چه برسد به عوامل دیگر.

با نگاهی به موضوع سرمایه خارجی، اولین مسئله پیش‌رو امنیت ملی است، اما به این موضوع باید با نگاهی کاملاً متفاوت با برخی دیدگاه‌های رایج و افکار حاکم بر جامعه نگریست. اگر در گذشته امنیت ملی را تابعی از تأمین نیازهای ملی و ایجاد رضایتمندی در جامعه می‌دانستیم و آن را شاخص توسعه اقتصادی قلمداد می‌کردیم که موجب ثبات ملی نیز می‌شود، امروزه در اقتصاد به هم تنیده جهانی، امنیت ملی مجموعه‌ای از رضایتمندی‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی است و این بدان معنی است که حکومتی می‌تواند ضریب امنیت ملی را بالا برد که در کنار پاسخگویی به نیازهای داخلی، موجبات همگرایی منطقه‌ای و جهانی را نیز فراهم کند.

امروزه، چیدمان مشارکت در دنیا به گونه‌ای است که بسیاری از روابط سیاسی محصول روابط اقتصادی است و دخالت دادن یک سرمایه‌گذار خارجی در اقتصاد کشور، به معنی درگیر کردن منافع وی در مناسبات تجاری دو کشور است و حضور او درگرو ثبات سیاسی و اقتصادی کشور و نیز امنیت ملی است. از این دیدگاه است که درگیر کردن منافع منطقه‌ای و جهانی در اقتصاد ملی باید به یک رسالت تبدیل شود. این یک ضرورت جهانی است که اگر امروز به استقبال آن نرویم فردا با هزینه بیشتری خواهان آن هستیم.

درواقع، کسانی که با سرمایه‌گذاری خارجی مخالفند، معتقدند که سرمایه‌گذاری خارجی، اصل سرمایه‌گذاری داخلی را تهدید می‌کند و به سرمایه‌گذار داخلی اجازه ورود به حوزه‌های اقتصادی را نمی‌دهد.

از جمله مشکلات قانونی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، «اصل ۸۱» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده است. بر اساس این اصل «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است». این اصل جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را با چالش مواجه کرده است. قانون جدید «تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی» ابهامات مربوط به این اصل را برطرف ساخت. در بند «د» ماده ۲ این قانون، سهم سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های اقتصادی و نیز در دیگر رشته‌ها به ترتیب ۲۵ و ۳۵ درصد تعیین شده است.

از دیگر موانع قانونی، اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مورد تعیین نهاد داوری در سرمایه‌گذاری خارجی و حل و فصل اختلافات می‌باشد. موضوع اصل ۱۳۹ حل اختلافات میان دولت ایران و سرمایه‌گذار خارجی در خصوص تعهدات دوسویه است که سرانجام باید در دادگاه‌های ایران بررسی شود. عدم آشنایی سرمایه‌گذاران خارجی و بیم و نگرانی آنها از قوانین و مقررات داخلی کشورها و دادگاه‌های محلی امری شناخته شده است. از این رو، آنها ترجیح می‌دهند یک نهاد و مرجع بین‌المللی بی‌طرف، اختلافات را حل و فصل نماید.

از جمله چالش‌های دیگر که می‌توان بدان اشاره کرد، اصل چهل و چهارم قانون اساسی است. این اصل مقرمی دارد: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، با برنامه ریزی منظم و صحیح، استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه، راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولت و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل منطبق باشد، از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط، قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.»

در بخش آخر اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است که «تفصیل ضوابط، قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند». قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جزئیات مربوط به چگونگی اجرای اصل ۴۴ را پیش‌بینی کرده است.

قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی با هدف رفع نارسایی‌های قانون قبلی و ایجاد شرایط مناسب فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید. قانون مزبور برای بهره‌مندی صاحبان سرمایه خارجی از حقوق

و حمایت های یکسان با سرمایه‌گذار داخلی، سازوکار مطلوبی پیش بینی نموده و در مورد نحوه مشارکت، چگونگی فعالیت در رشته های مجاز بخش خصوصی، سلب مالکیت، پرداخت غرامت، انتقالات ارزی و خروج سرمایه تمهیدات لازم را در نظر گرفته است.

۲- موانع اقتصادی

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته توسط "آنکتاد" در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ارزیابی اقتصادی بر اساس انگیزه بنگاه های "جویای بازار"، "جویای منابع" و "جویای بهره وری" صورت می‌گیرد. ایران با توجه به منابع عظیم طبیعی - به خصوص ثروت نفت - جمعیت زیاد و موقعیت ژئوپلتیک و همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی و خلیج فارس می تواند منبع ایده آلی برای سرمایه‌گذاران خارجی باشد.

با وجود جنبه های مثبت اقتصادی در ایران برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ایران از نظر بسیاری از جنبه‌ها خصوصاً از دیدگاه‌های بنگاه های جویای بهره وری دارای بازدهی مناسب نیست، از جمله این موارد بنادر، جاده‌ها، حمل و نقل و مسائلی از این قبیل می باشد. ایران اگرچه از نظر نیروی کار فراوان و ارزان و تنوع منابع طبیعی دارای مزیت‌های بالقوه‌ای برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می باشد، اما به علت مشکلات زیر بنایی ذکر شده، هزینه های تولید در ایران بالا می‌باشد.

الف - زیر ساخت‌های فیزیکی

وجود موانع زیر ساختی برای جذب سرمایه‌های خارجی، طیف وسیعی از موانع و مشکلات را شامل می شود. موانع قانونی از جمله این موانع است که بدان‌ها اشاره شد. از جمله موانع دیگر در این زمینه عدم عضویت مؤثر ایران در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی است. عدم وجود سیستم مناسب حمل و نقل در تمامی سطوح آن در کشور نیز از دیگر موانع زیرساختی است.

ب- نیروی کار

دسترسی به نیروی کار غیر ماهر و ارزان یکی از عوامل سنتی مکان یابی شعب شرکت های فراملیتی است. آنها با استفاده از نیروی کار ارزان، محصولات کاربر تولید می کنند یا مراحل کاربر را از زنجیره تولید ارزش افزوده به کشورهای در حال توسعه انتقال می دهند.

هزینه دستمزد در ایران برای نیروی کار ماهر در مقایسه با کشورهای صنعتی ارزان است. اما باید توجه داشت که اولاً هزینه دستمزد در مقایسه با بهره وری نیروی کار مورد سنجش قرار می گیرد و ثانیاً بر این اساس کشورهای بسیاری

در جهان وجود دارند که هزینه دستمزد در آنها نازل‌تر از ایران است. بنابراین، ایران نمی‌تواند در رقابت با کشورهای نظیر چین، هند، بنگلادش، پاکستان و ویتنام در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موفق باشد.

قانون کار ایران به عقیده عده ای از صاحب‌نظران، یکی از موانع سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کشور به شمار می‌رود. قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، امروزه چارچوب اصلی تعیین روابط کارگر و کارفرما در کشور است. در این قانون میزان کار کارگران در هفته ۴۴ ساعت تعیین شده است. مرخصی استحقاقی سالانه کارگران حدود ۲۶ روز، تعطیلات پایان هفته ۵۲ روز، و تعطیلات رسمی ۲۵ روز در سال می‌باشد. به این ترتیب، روزهای کار در سال به زحمت به ۲۶۰ روز می‌رسد. بر اساس آمارهای موجود، میزان کار مفید در اداره‌های ایران حدود ۲۰ دقیقه در روز است. این مدت کمتر از مدت مشابه برای بسیاری از کشورهای جنوب شرقی آسیا است.

از دید بنگاه های جویای بهره وری، شرایط ایران برای سرمایه‌گذاری چندان مساعد نیست. چنانچه هزینه‌های منابع و دارایی‌های تولید با توجه به بهره وری نیروی کار تعدیل گردد، هزینه چشمگیر تولید در ایران مشخص می‌شود. بر پایه آمارها، تولید هر هزار تن فولاد در ژاپن به عهده یک نفر است، در اتحادیه اروپا همین مقدار تولید به وسیله ۳ تا ۵ نفر، در اروپای شرقی توسط ۱۰ نفر و در ایران با ۲۶ نفر انجام می‌شود. بهای فولاد ایران نزدیک به یک و نیم برابر بهای جهانی آن است. این در حالی است که در ایران از انرژی ارزان قیمت برای جبران پایین بودن بهره وری نیروی کار صرف می‌شود. بهره وری اندک به معنای بالا بودن هزینه تمام شده کالا و پایین بودن کیفیت تولید است. بها و کیفیت عمده ترین عامل تعیین‌کننده مزیت رقابتی یک شرکت است.

ج - دسترسی به بازار ملی و منطقه ای

موقعیت استراتژیک ایران امکان می‌دهد که صنایع مستقر در آن با تحمل هزینه حمل و نقل اندک به بازارهای پررونق خلیج فارس و بازارهای تازه تشکیل شده آسیای میانه و قفقاز دسترسی پیدا کنند. اما ایران از مزایای تعرفه‌های ترجیحی برای دسترسی به هیچ یک از بازارهای منطقه‌ای و جهانی برخوردار نیست. در بازارهای خلیج فارس، به دلیل در آمد سرانه بالا، بهترین مصنوعات تولید شده مصرفی در غرب به سهولت به فروش می‌رسد و حساسیت مصرف‌کنندگان به قیمت کالاها ناچیز است. به رغم ملاحظات واقع بینانه فوق، اگر زمینه سرمایه‌گذاری در ایران فراهم بود، امکان تصرف بازارهای منطقه‌ای توسط شرکت های مشترک ایرانی - خارجی بیشتر می‌شد. کشورهایایی نظیر ترکیه، امارات و چین بازار ما را قبضه کرده‌اند و این نشان می‌دهد که کالای ایران گرانتر از کالای خارجی است.

د - هزینه های بوروکراسی

تشریفات اداری در اغلب کشورهای در حال توسعه وقت گیر و هزینه بر است، به ویژه اگر فساد اداری و سوء مدیریت نیز وجود داشته باشد. در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه این نوع مشکلات وجود دارد. تشریفات اداری شاید در اکثر کشورها کمابیش وجود داشته باشد، اما در ایران مشکل اصلی دیگری که بر مشکلات بوروکراتیک

دو چندان می افزاید، این است که بسیاری از شرکت های خارجی دفتری در تهران تأسیس نمی کنند، در صورتی که برای سیر تشریفات اداری مجبورند به وزارت خانه ها و اداراتی مراجعه نمایند که در تهران مستقر می باشند. بنابر تجربه، طی کردن مراحل اداری در ایران حدود یک سال به طول می انجامد.

تشریفات اداری فقط محدود به مرحله صدور مجوزهای لازم برای سرمایه گذاری خارجی نیست، بلکه در مرحله احداث و بهره برداری نیز شرکت های خصوصی اعم از داخلی و خارجی با سازمان محیط زیست، شرکت های آب و فاضلاب و برق، اداره منابع طبیعی، شرکت شهرک های صنعتی و غیره برای دریافت زمین صنعتی، با نظام بانکی (اعم از بانک های تجاری و بانک مرکزی) برای ورود سرمایه و خارج کردن سود، با گمرکات برای واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای و بالاخره برای صدور مجوز کار اتباع بیگانه و صدور روادید با وزارت امور خارجه، وزارت کار و سفارتخانه های ایران در خارج سر و کار خواهند داشت. مناطق آزاد و ویژه به علت استقلال نسبی از نظام اداری و اجرایی، به طور بالقوه در وضعیتی قرار دارند که می توانند با ایجاد یک سازمان کارآمد و نوین، تشریفات بوروکراتیک را به حداقل برسانند و از این نظر در ایجاد مزیت مکانی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقشی مهم ایفا نمایند. اما فرهنگ سازمانی کشور در این مناطق نیز تأثیرات سوء خود را بر جای می گذارد. ایجاد محیط مناسب برای کسب و کار در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشور نقش دارد و در عین حال می تواند موانع سرمایه گذاری داخلی را نیز بر طرف سازد.

ه - ثبات اقتصادی

سیاست های مالی، پولی و ارزی پارامترهای ثبات اقتصادی را (نرخ تورم، موازنه بودجه دولت و موازنه پرداخت های خارجی) تعیین می کنند و بر همه انواع سرمایه گذاری اثر می گذارند. از آنجا که این سیاست ها موجب تعیین نرخ بهره و لذا هزینه سرمایه گذاری و تجهیز سرمایه در کشور میزبان می شوند، به طور مستقیم بر عوامل تعیین کننده تصمیمات سرمایه گذاری تأثیر می گذارند. سیاست نرخ ارز نیز به ثبات اقتصادی مربوط است و می تواند بر تصمیمات سرمایه گذاری مستقیم خارجی تأثیر گذارد. در شرایط تورم بالا در کشور، تثبیت نرخ ارز به منزله دریافت مالیات های سنگین از سرمایه گذاران خارجی و صادرکنندگان داخلی است.

تغییرات نرخ ارز از دیگر عواملی است که اثر منفی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران داشته است. حاکمیت سیستم چند نرخ ارز بر اقتصاد کشور طی دو دهه، پدیده هایی مانند رانت جویی، اتلاف منابع ارزی، وابستگی بخش های اقتصادی کشور به ارز و ایجاد فضای ناامن اقتصادی برای جذب سرمایه های خارجی را به همراه آورد. در این ارتباط اصلاح سیستم ارزی کشور می تواند نقش مؤثری در جذب سرمایه گذاری خارجی داشته باشد. در این خصوص، اگرچه در سال ۱۳۸۱ اقدامات اساسی اتخاذ شد و سیاست تک نرخ ارز به اجرا در آمد، اما باید توجه داشت که با توجه به سوابق نه چندان مطلوب این متغیر، کوچکترین شوک می تواند آثار منفی قابل ملاحظه ای برای سرمایه گذاری خارجی بر جای گذارد.

مسئله تنظیم نرخ واقعی ارز و جلوگیری از ایجاد انحراف نسبت به مسیر تعادلی در آن از مسائل اساسی و پیچیده در کشورهای در حال توسعه است. اقتصاد ایران نیز به دلیل اتخاذ سیاست های گوناگون ارزی - که به تبع آن سیستم های ارزی متنوع مورد استفاده قرار گرفت - دچار چنین مسئله ای بوده است. سیاست هایی که در نظام ارزی کشور سبب تنظیم نامناسب نرخ واقعی ارز و انحراف آن شوند، می توانند از طریق سازوکارهایی مانند کاهش میزان رقابت پذیری کشور در بازارهای جهانی، تخصیص غیر بهینه عوامل تولید و رواج سوداگری، سبب توقف حرکت اقتصاد و کندی رشد آن گردند. (این موضوع خود نیاز به بررسی عمیق تر دارد که از حوصله این پژوهش خارج است.)

و - سیاست های بانکی

سیاست های بانکی یک کشور از سیاست های کلیدی در روند توسعه و جذب سرمایه خارجی است. در ایران بانک ها به دلیل حاکمیت دولت بر فعالیت هایشان، حذف نرخ بهره و جایگزینی نرخ سود در فعالیت های بانکداری و نیز جهت دهی اعتبارات بخش های اقتصادی کشور، به صورت یکی از موانع عمده بر سر راه توسعه و جذب سرمایه خارجی در آمده اند. گرچه در برنامه سوم توسعه، آزادسازی نظام بانکداری پیش بینی شده است و مجوزهایی هم جهت فعالیت بخش خصوصی ارائه شده است، ولی نظام بانکداری در ایران همچنان با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد. بانک های ایران گرچه متعددند ولی به دلیل انحصار بازار پولی کشور از سرمایه های داخلی مردم بهره کشی می کنند و این کارکرد، ضد جذب سرمایه گذاری خارجی است.

ز - محیط سیاسی و اقتصادی نظام

ثبات نظام، عامل اساسی برای ورود سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در هر کشوری به شمار می آید. در یک محیط بی ثبات، سرمایه گذار از این می ترسد که تغییرات وسیع و غیر قابل انتظار حتی در چارچوب های قانونی، تغییر قابل توجهی در پیامدهای اقتصادی فعالیت وی ایجاد کند. از این رو، سرمایه گذاران ترجیح می دهند در این شرایط از مبادلات پیچیده بلند مدت رسمی و چندجانبه که از خصوصیات سرمایه گذاری مستقیم خارجی است، اجتناب کنند و در فعالیت های اقتصادی اغلب به داد و ستد محصولات در مقیاس کوچک، محلی و محدود مشغول شوند. به عبارت دیگر، با افزایش ریسک سیاسی، شرکت ها در موقعیت « منتظر باش و ببین » قرار می گیرند و سرمایه گذاری های پیش بینی شده خود را تا زمانی که درک مطلوب تری از توسعه شرایط اقتصادی به دست آورند، متوقف می کنند. به کارگیری سرمایه خصوصی در کشوری مانند ایران که هنوز ۸۰٪ الی ۸۵٪ اقتصاد در اختیار دولت است، بسیار مهم و حیاتی است.

۳ - عوامل فرهنگی و اجتماعی

سرمایه گذاران خارجی به طور معمول برای فعالیت در کشور پذیرنده سرمایه، علاقه مند به مشارکت با شرکا و طرف های محلی هستند. متأسفانه فرهنگ مشارکت در فعالیت های اقتصادی کشور ضعیف است.

از طرفی مناطق آزاد ایران در سواحل جنوبی مستقرند و در این مناطق به طور معمول کار زنان در خارج از منزل نه تنها متداول نیست، بلکه از نظر پیروان اهل سنت ناپسند شمرده می شود. از این گذشته، جذب نیروی کار ماهر و غیر ماهر از نواحی دیگر پرهزینه است. از این رو، استقرار صنایع کاربر یا تکنولوژی بر در مناطق آزاد ایران برای شرکت های فراملیتی که در جست و جوی کارایی هستند به هیچ وجه صرفه اقتصادی ندارد. به نظر می رسد برخلاف تصور رایج، مزیت نسبی ایران در جذب صنایع کاربر قرار ندارد، بلکه ایران از نظر سرمایه انسانی که نوعی دارایی خلق شده محسوب می شود، نسبت به بسیاری از کشورهای همجوار خود از مزیت نسبی برخوردار است. به نحوی که همه ساله تعداد در خور توجهی از مهندسان و تکنیسین های ایرانی به دلیل رشد کند اقتصادی و صنعتی در کشور و فقدان فرصت های شغلی و درآمدی مناسب، کشور را ترک می کنند. اگر افغانستان نیروی کار ساده به ایران صادر می کند، به این دلیل است که مزیت نسبی آن در نیروی کار ارزان نهفته است. اما اگر شهرهای بزرگ کشور ما به مراکز صنعتی جهان مهندس، تکنیسین و اپراتور کامپیوتر و غیره صادر می کنند، به این دلیل است که شهرها می توانند برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی از نوعی که در جست و جوی کارایی است و در سطوح متوسط تکنولوژی قرار دارد، مزیت داشته باشند. بنابراین، آینده توسعه صنعت داخلی در گرو اولویت دادن به صنایعی است که در آنها استفاده از منابع طبیعی فراوان محلی یا نیروی کار ماهر یا تلفیق این دو عامل حائز اهمیت می باشند.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی مستلزم برقراری رابطه دراز مدت میان شرکت خارجی و کشور میزبان است. این رابطه فقط به تجارت کالاها و انتقال دانش فنی و اطلاعات محدود نیست، بلکه مستلزم آمد و رفت مدیران، مهندسان و کارگران فنی به کشور میزبان و در مواردی اقامت درازمدت آنان در کشور میزبان است. هر قدر فاصله جغرافیایی و فاصله فرهنگی میان دو کشور صادرکننده و واردکننده سرمایه کمتر باشد، هزینه های اقتصادی و روانی این ارتباط مستمر کمتر خواهد بود. اقامت در کشور بیگانه در صورتی که مردم آن کشور به زبان خارجی آشنا باشند و با خارجیان رفتار دوستانه ای داشته باشند، دلپذیرتر می شود. در این صورت نه فقط جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی تسهیل خواهد شد، بلکه از طریق توسعه گردشگری نیز عایدات ارزی در خور توجهی کسب خواهد گردید. اما اگر به دلیل سوابق تاریخی یا تبلیغات سیاسی، فرهنگ خصومت با بیگانگان اشاعه یابد و مردم محلی با زبان های خارجی، عادات، رسوم و رفتار بیگانگان کمتر آشنا باشند، مدیران و کارکنان شرکت های خارجی برای آمد و شد به کشور مزد بالاتری را مطالبه خواهند کرد.

به هر حال، باید پذیرفت که امروزه خارجی ها به دلیل تبلیغات سوء و ایجاد فضای سیاسی - روانی نامطلوب با ایرانیان در قالب استاندارد های بین المللی احساس دوگانگی می کنند. اگر از این زاویه به موضوع نگاه شود، می توان گفت بسیاری از سرمایه گذاران در هند، هنگ کنگ، تایوان و بسیاری از کشورهای خلیج فارس از جمله دوبی و حتی عربستان کمتر احساس دوگانگی می نمایند.

سهم ناچیز ایران در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به طور تلویحی بدین معناست که ایران نیازمند اصلاحات ساختاری اقتصادی در زمینه قوانین و مقررات در پشتیبانی از سرمایه گذاری خارجی، مالیات، تجارت خارجی، مقررات

کار و آزادسازی اقتصادی است. فضای سرمایه‌گذاری باید مبتنی بر امنیت سرمایه‌گذاری و بازدهی اقتصادی و سیاست‌گذاری‌ها باشد تا بتواند موجبات جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم سازد.

تمامی عوامل مؤثر ذکر شده برای جلب سرمایه‌گذاران، چه داخلی و چه خارجی، در مفهومی به نام امنیت خلاصه می‌شوند. ایجاد امنیت در بعد سرمایه‌گذاری مستلزم ایجاد امنیت اجتماعی، سیاسی، قضایی و اقتصادی است و چنانچه عواملی آن را تهدید نماید، اثر آن به سرعت در جلب سرمایه‌گذاران مشهود می‌گردد که نمونه آن پدیده فرار سرمایه است.

اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی دولت بی‌گمان نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. سیاست‌های مناسب پولی، مالی و ارزی دولت در جهت تثبیت اقتصادی و مهار تورم، خدمات بانکی و مالی به هنگام و متنوع، سیاست‌های مالیاتی کارا، بازنگری قانون کار و ایجاد امنیت اقتصادی از ملزومات بسیار مهم جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌باشند.

مذاکرات الحاق به سازمان تجارت جهانی فرصتی برای زمینه‌سازی و انطباق قواعد و رویه‌های داخلی با هنجارهای بین‌المللی می‌باشد، امید است بتوان از این فرصت استفاده‌های مطلوبی به عمل آورد.

گفتار سوم - قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی^{۱۰}

بند اول - ویژگی‌های و مزایای قانون

سابقه قانون گذاری در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ما به ۵۴ سال قبل باز می‌گردد. نخستین قانون ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی «قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی» نام داشت و در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسید.

قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی به اقتضای گذشت زمان و تغییرات شرایط اقتصادی ایران و جهان، در سال ۱۳۸۱ با تصویب «قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی» نسخ گردید و قانون اخیر به همراه آیین‌نامه اجرایی آن است که هم‌اکنون چهارچوب قانونی حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را تشکیل می‌دهد.

مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران شامل قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن و نیز قوانین ناظر بر راه‌اندازی و اداره فعالیت‌های اقتصادی در کشور می‌باشد. در حالی که به سرمایه‌گذاران بالقوه توصیه می‌شود تا نسبت به قوانینی که به طور مستقیم به منافع آنان مربوط می‌گردد آگاهی کامل داشته باشند آشنایی با قوانین دیگری نظیر قوانین مربوط به تشکیل و اداره شرکت‌ها (قانون

¹⁰-www.investmentiran.ir

تجارت) ثبت شرکت، شعب و نمایندگیهای خارجی، مقررات صادرات و واردات، مالیات، حمایت از مالکیت فکری، مقررات مربوط به اتباع خارجی (ورود، اقامت و پروانه کار)، بانکداری و بیمه، مقررات مناطق آزاد و ویژه اقتصادی که برای انجام امور روزمره شرکت ضروری است، نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

مهمترین ویژگی های قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی عبارتند از :

۱- ویژگی های عمومی : دولت جمهوری اسلامی ایران از سرمایه گذاری خارجی اشخاص خارجی، چه اشخاص حقیقی و چه حقوقی، در کلیه عرصه های فعالیت اقتصادی استقبال می کند . طبق ماده ۱ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی اصطلاح سرمایه گذار خارجی به صورت اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی و نیز اتباع و شرکت های ایرانی چه مقیم داخل و چه خارج تعریف شده است . سرمایه گذاران خارجی با وارد کردن سرمایه خارجی، که به صورتی بسیار گسترده و متنوع تعریف شده است و می توانند نقد یا غیر نقد ، ماشین آلات و تجهیزات، مواد اولیه، قطعات یدکی ، خدمات تخصصی و یا حقوق معنوی بوده و به منظور سرمایه گذاری در صنعت ، معدن، کشاورزی یا خدمات باشد، واجد شرایط برخورداری از تسهیلات و مزایای فراهم شده توسط قانون می باشند. البته این تسهیلات و مزایا به سرمایه گذارانی اعطا خواهد گردید که مجوز سرمایه گذاری اخذ کنند. بطور کلی سرمایه گذاری خارجی برای همه سرمایه گذاران آزاد می باشد اما تسهیلات و مزایای مذکور تنها به سرمایه گذارانی اعطا خواهد گردید که متقاضی پوشش حمایتی قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی باشند و به این منظور درخواست سرمایه گذاری خود را به سازمان سرمایه گذاری که نهاد مرکزی مسئول دریافت درخواست ها ، صدور مجوز سرمایه گذاری و حمایت از منافع سرمایه گذاران خارجی در تمام طول عمر فعالیت آنها، صرف نظر از نوع و نحوه سرمایه گذاری می باشد، ارائه دهند. در واقع قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی کلیه حقوق و منافع سرمایه گذاران خارجی را به رسمیت شناخته شده و در مقابل ریسک های غیر تجاری مصون نموده است و افزون بر این، دولت ایران را نه تنها برای تسهیل جریان آزادانه بازگشت سرمایه بلکه برای جبران خسارت کامل و عادلانه آن دسته از اعمال خود که منجر به سلب مالکیت و یا ایجاد وقفه در فعالیتهای سرمایه گذار خارجی گردند متعهد و مسئول می شناسد.

باید توجه داشت که در قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی هیچ نوع محدودیت قانونی از حیث نوع، روش یا حجم سرمایه گذاری ، سهم سرمایه ، بازگشت سود و سرمایه و یا روابط داخلی مابین شرکای یک طرح سرمایه گذاری وضع نگردیده است .

۲- ریسک های تحت پوشش : به طور کلی قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی امنیتی تمام و کمال در برابر ریسک هایی که معمولاً، به عنوان ریسک های غیر تجاری از آنها یاد می شود فراهم نموده است . این ریسک ها معمولاً، توسط موسسات اعتبارات صادراتی و بیمه سرمایه گذاری بیمه می شوند . ریسک های مربوط به نقل و انتقالات سرمایه و سلب مالکیت اصلی ترین ریسک هایی هستند که به سرمایه گذاری در یک کشور پذیرنده سرمایه ، منتسب می شوند . در مسائل مربوط به نقل و انتقال سود و همچنین بازگشت سرمایه، قانون تشویق و حمایت خارجی کلیه حقوق سرمایه گذاران را

از طریق تسهیل انتقال و فراهم ساختن ارزش مورد نیاز برای انتقال محترم می‌شمارد. در حقیقت، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی حق نقل و انتقال را به عنوان اساسی‌ترین حق سرمایه‌گذاران به رسمیت شناخته است. هیچ محدودیتی در خصوص حجم سود انتقالی و همچنین حجم سرمایه یا منافع سرمایه‌ای برگشتی وجود ندارد. در زمینه سلب مالکیت و ملی کردن دارایی‌های سرمایه‌گذاران خارجی، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی حقوق سرمایه‌گذاران برای دریافت غرامت به‌ماخذ ارزش منصفانه و بازاری‌داری‌های سلب مالکیت شده در روز قبل از وقوع سلب مالکیت را به رسمیت می‌شناسد.

علاوه بر موارد فوق، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی حقوق سرمایه‌گذاران خارجی در مواردی که در نتیجه تصویب قانون و یا تصمیم دولت، اجرای یک پروژه متوقف یا دچار وقفه گردد را نیز به رسمیت شناخته است. در چنین مواردی، دولت مکلف به پرداخت تعهدات سررسید شده سرمایه‌گذار خارجی می‌باشد.

۳- تسهیلات فراهم شده: قانون تشویق و حمایت سرمایه‌های خارجی تسهیلات فراوانی را همسو و معطوف به تامین منافع سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد و فراهم نموده است. تاسیس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی در محل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران که امکان دسترسی مستقیم به سازمان‌ها و موسسات دولتی از طریق نمایندگان مقیم آن سازمان‌ها و جمع‌آوری روزآمدترین اطلاعات دست اول از موسسات ذیربط را بدون نیاز به مراجعه به آن موسسات برای تازه‌واردین، اعم از ایرانی و خارجی، میسر ساخته است از جمله تسهیلات مهمی است که توسط قانون فراهم شده است. درحقیقت مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی به مثابه یک ایستگاه واحد طراحی شده تا پاسخگوی نیازهای سرمایه‌گذاران بوده و در زمان و انرژی آنان در مراحل تصمیم‌گیری و اجرای پروژه، از مطالعات اولیه درخصوص توجیه‌پذیری طرح، جمع‌آوری اطلاعات درخصوص چارچوب‌های قانونی و کارهای مقدماتی اخذ مجوز سرمایه‌گذاری گرفته تا مراحل عملیاتی پروژه که ممکن است نیاز به هماهنگی‌ها و پیگیری‌های خاص به منظور تحقق طرح سرمایه‌گذاری داشته باشد، صرفه جویی گردد.

از نظر قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاران خارجی از رفتار مشابه و برابر با سرمایه‌گذاران داخلی برخوردار خواهند شد. هیچ تبعیضی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی وجود ندارد و کلیه تسهیلات، مزایا و معافیت‌ها بطور یکسان به سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی تعلق خواهد گرفت. در هر حال یک رفتار کامله الوداد نیز برای سرمایه‌گذارانی که دولت ایران اقدام به عقد یک قرارداد دو جانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوعه آنان نموده است نیز قابل اعمال است که رفتار مطلوبتری را نسبت به رفتار یکسان برای آنان فراهم می‌سازد.

افزون بر موارد فوق، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی گزینه‌های قانونی جدیدی را در زمینه روابط میان دولت و سرمایه‌گذاران فراهم ساخته است که نمادی از رویکرد پذیرا و سازنده دولت ایران در جهت حراست از منافع سرمایه‌گذاران خارجی است. موارد متعددی در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین آئین‌نامه اجرائی آن وجود دارد که بر آزادی سرمایه‌گذاری خارجی در انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه‌های مختلف که با انتظارات وی

سازگارتر می باشد تاکید نموده است. در میان آنها می توان به انتخاب درصد سهم سرمایه، مدیریت، تقاضای غرامت ناشی از سلب مالکیت، درخواست پوشش حمایتی تکمیلی جهت دریافت غرامت ناشی از مداخله دولت، تا طیف گسترده ای از گزینه های نقل و انتقال مشتمل بر دسترسی به سیستم بانکی و همچنین دسترسی به درآمدهای صادراتی و دیگر درآمدهای ارزی و موارد مشابه اشاره نمود.

۴- افق وسیع دید: قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی امکان سرمایه گذاری در کلیه حوزه های فعالیت اقتصادی در ایران را فراهم می سازد. در حقیقت هیچ عرصه ای به جز حوزه های مربوط به تسلیحات، مهمات و امنیت ملی بر روی سرمایه گذاری خارجی مسدود نمی باشد. برطبق ماده ۳ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذاری خارجی به دو طریق زیر قابل انجام هستند:

الف- سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کلیه حوزه های مجاز برای بخش خصوصی ایرانی از طریق مشارکت مستقیم در سرمایه شرکت های ایرانی چه در طرح های جدید یا در شرکت های موجود. همانگونه که پیشتر تشریح گردید درصد سهم سرمایه سرمایه گذاران خارجی در اشخاص حقوقی ایرانی، بر خلاف آنچه شایع بود که سرمایه گذاران خارجی قادر به حفظ بیش از ۴۹٪ از سهام در ایران نمی باشند، محدود نشده است. چنین محدودیتی به طور کامل نامربوط و حتی با سیاست عمومی دولت در زمینه پذیرش سرمایه گذاری خارجی و قانون جاری در تضاد می باشد.

ب- سرمایه گذاری "غیرمستقیم" خارجی به شکل ترتیبات قراردادی که امکان انجام هر نوع سرمایه گذاری تعریف شده در قانون تشویق سرمایه گذاری خارجی، بجز سرمایه گذاری مستقیم را فراهم می سازد. گرچه ترتیباتی که در قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی به رسمیت شناخته شده اند محدود به ترتیبات مشارکت مدنی، بیع متقابل (Buy Back) و انواع روشهای ساخت، بهره برداری و واگذاری (BOT) می باشند اما هریک از ترتیبات فوق خود به انواع مختلفی تقسیم بندی می شوند. به عنوان مثال می توان به انواع مختلف روشهای ساخت، تملیک، بهره برداری و انتقال (BOOT)، ساخت تملیک و بهره برداری، ساخت، اجاره و انتقال (BLT)، بازسازی، بهره برداری و انتقال (ROT) و نظایر آنها و همچنین ترتیبات تامین مالی پروژه ای و تقسیم سود، اشاره نمود. به بیان دیگر هر نوع سرمایه گذاری که در آن سرمایه گذار خارجی مایل یا واجد شرایط لازم برای داشتن سهمی از سرمایه و مالکیت شرکت مشترک نباشد در این طبقه وسیع که با عنوان سرمایه گذاری "غیر مستقیم" شناخته می شود جا می گیرد.

صرف نظر از نوع سرمایه گذاری، سرمایه خارجی طبق تعریف قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی، نه تنها شامل وجوه هزینه شده جهت اخذ بخشی از سهم سرمایه می شود، بلکه شامل وجوهی که ممکن است برای یک بنگاه ایرانی در شکل اعتبارات و تسهیلات مالی (وام سهامدار و تامین مالی شخص ثالث) فراهم گردد نیز اطلاق می گردد. بر طبق قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی اصطلاح سرمایه خارجی هر دو مورد فوق را در بر می گیرد. نحوه رفتار با وام در چارچوب قانون به درخواست و موافقت سرمایه گذار خارجی بستگی دارد. دو گزینه در اختیار سرمایه گذاران و تامین کنندگان مالی قرار داده شده است: یک گزینه پذیرش وام به مثابه بخشی از سرمایه گذاری خارجی در طرح

سرمایه گذاری می باشد. در این حالت بازپرداخت وام بسته به عملکرد اقتصادی طرح و بدون وجود هرگونه پوشش حمایتی دیگری از طریق صدور یک ضمانتنامه بازپرداخت از سوی دولت، سیستم بانکی و یا شرکت های دولتی می باشد. از طرف دیگر پرداخت وام به مثابه گزینه ای مستقل جهت تامین مالی و خارج از پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی می باشد. در این حالت بازپرداخت وام می تواند با یک ضمانتنامه صادره از سوی دولت، نظام بانکی یا شرکت های دولتی پشتیبانی گردد. مختصر آن که پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی تنها برای وجوهی که به عنوان سرمایه گذاری وارد کشور می شوند فراهم است و نه برای وجوهی که بازپرداخت آنها با ابزارهای بانکی تضمین گردیده است.

مهم ترین مزایای قانون جدید تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی عبارتند از:^{۱۱}

گسترش حوزه فعالیت سرمایه گذاران خارجی از جمله امکان پذیر شدن سرمایه گذاری در زیرساخت ها، به رسمیت شناختن روش های جدید سرمایه گذاری افزون بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی، نظیر تامین (Project Financing) مالی پروژه های، ترتیبات بیع متقابل (Buy Back) و انواع روش های ساخت، بهره برداری و واگذاری (BOT)، فرایند کوتاه و سریع درخواست پذیرش و تصویب سرمایه گذاری خارجی، ایجاد تشکیلات واحد با نام مرکز خدمات سرمایه گذاری خارجی در سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران به منظور حمایت متمرکز و موثر از فعالیتهای سرمایه گذاران خارجی در ایران، آزادسازی بیشتر سازوکارهای ارزی برای استفاده هرچه بیشتر توسط سرمایه گذاران خارجی، معرفی گزینه های حقوقی جدید ناظر بر رابطه میان دولت و سرمایه گذاران خارجی.

تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی و نیز تصویب آیین نامه اجرائی آن از سوی هیات دولت، به وضوح بخشی مهم از مجموعه اصلاحات صورت پذیرفته در ساختار اقتصاد کلان، ساز و کارهای اساسی آن می باشد. روند تقاضا برای سرمایه گذاری خارجی در ایران متعاقب تصویب قانون جدید، حاکی از آن است که محیط اقتصادی و رژیم حقوقی و نظارتی جدید، موجد سرمایه گذاری خارجی باقوه عظیمی شده که با تمرکز تلاش ها بر انتقال شفاف آخرین تحولات در پویای اقتصادی و چارچوب های سرمایه گذاری خارجی کشور، با سرعت بیشتری از قوه به فعل خواهد رسید.

^{۱۱} - www.investiniran.ir/investmentlicensing-investmentrules-fa.html

۱ - مفاهیم

در ماده اول قانون ، تعاریف زیر از سرمایه گذار ، سرمایه و سرمایه گذاری خارجی ارائه شده است :

سرمایه گذار خارجی : اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر ایرانی و یا ایرانی با استفاده از سرمایه با منشأ خارجی که مجوز سرمایه گذاری را اخذ نموده باشند.

سرمایه خارجی : انواع سرمایه اعم از نقدی و یا غیر نقدی که توسط سرمایه گذار خارجی به کشور وارد می شود و شامل موارد زیر می گردد:

الف - وجوه نقدی که به صورت ارز قابل تبدیل ، از طریق نظام بانکی یا دیگر طرق انتقال وجوه که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باشد ، به کشور وارد شود .

ب - ماشین آلات و تجهیزات

ج - ابزار و قطعات یدکی ، قطعات منفصله و مواد اولیه ، افزودنی و کمکی

د - حق اختراع ، دانش فنی ، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی

ه - سود سهام قابل انتقال سرمایه گذار خارجی

و - سایر موارد مجاز با تصویب هیأت دولت

سرمایه گذاری خارجی : به کار گیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود، پس از اخذ مجوز سرمایه گذاری

در خصوص مفهوم سرمایه گذار خارجی ، قانون جدید از تفاوتی بسیار مهم در مقایسه با قانون سابق برخوردار است. در قانون قدیم به امکان سرمایه گذاری ایرانیان مقیم خارج اشاره نشده و تنها « اشخاص و شرکت ها و مؤسسات خصوصی خارجی » که اقدام به سرمایه گذاری در ایران می کردند ، تحت شمول حمایت های قانون قرار می گرفتند ، اما تعریف ارائه شده از سرمایه گذار خارجی در ماده ۱ ، در شمول تسهیلات قانون بر سرمایه گذاران ایرانی که مقیم خارج هستند ، تردیدی باقی نمی گذارد.

علاوه بر این پیش بینی و تصریح تمام انواع سرمایه هایی که می توانند به کشور وارد شوند ، به شکل تمثیلی (نه حصری)^{۱۲} از مزایای قانون جدید به شمار می رود. در واقع ماده ۱ قانون به هیأت دولت اجازه داده است به اقتضای شرایط و اوضاع و احوال ، وارد کردن سایر انواع سرمایه به کشور را نیز تصویب نماید.

۲- شرایط عمومی پذیرش سرمایه خارجی

بر اساس ماده ۲ قانون ، شرایط پذیرش سرمایه خارجی در ایران به شرح زیر است :

۱- سرمایه گذاری خارجی باید موجب رشد اقتصادی ، ارتقای فن آوری ، ارتقای کیفیت تولیدات ، افزایش فرصت های شغلی و افزایش صادرات شود.

۲- سرمایه گذاری خارجی نباید موجب تهدید امنیت ملی و منافع عمومی ، تخریب محیط زیست ، اخلال در اقتصاد کشور و تضییع تولیدات ملی مبتنی بر سرمایه گذاری های داخلی شود.

۳- سرمایه گذاری خارجی نباید متضمن اعطای امتیاز توسط دولت به سرمایه گذاران خارجی باشد. منظور از امتیاز ، حقوق ویژه ای است که سرمایه گذاران خارجی را در موقعیت انحصاری قرار می دهد.

۴- سهم ارزش کالاها و خدمات تولیدی حاصل از سرمایه گذاری خارجی نسبت به ارزش کالاها و خدمات عرضه شده در بازار داخلی در زمان صدور مجوز ، نباید در هر بخش اقتصادی از ۲۵ درصد و در هر رشته از ۳۵ درصد بیش تر باشد . سرمایه گذاری خارجی جهت تولید کالاها و خدمات برای صدور به خارج از کشور - به جز نفت خام - از این نسبت ها معاف است.

۵- در خصوص اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی مقیم خارج که متقاضی سرمایه گذاری در ایران هستند، بر اساس ماده ۵ آیین نامه، داشتن فعالیت های اقتصادی و تجاری در خارج از کشور نیز ضروری است.

12- موضوعات تحت شمول قانون ممکن است به دو صورت در متن مواد ذکر گردد :

الف - حصری : بیان حصری حالتی است که « تمام » موضوعاتی که یک حکم در مورد آن ها اعمال می گردد احصا می شوند . برای مثال در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی آمده است : « اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند : ۱- صغار ۲- اشخاص غیر رشید ۳- مجانین »
ب - تمثیلی : حالتی که « بعضی » از موضوعات تحت شمول یک حکم به عنوان نمونه بیان می شوند ، بدون این که قلمرو شمول آن حکم محدود به نمونه های تصریح شده باشد . بیان تمثیلی به طور معمول با واژه های « از جمله » ، « مثل » ، « و غیره » ، ... همراه است . ماده ۲۵ قانون مدنی با بیانی تمثیلی در خصوص اموال غیر قابل تملک مقرر می دارد : « هیچ کس نمی تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پل ها و کاروانسراها و آب انبار های عمومی و مدارس قدیمه و میدان گاه های عمومی تملک کند.»

می دانیم که سرمایه گذاری خارجی را به دو نوع تقسیم می کنند: سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری خارجی در اوراق بهادار. سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر اساس تعریف انکتاد عبارت است از سرمایه گذاری که متضمن مناسبات بلند مدت بوده و منعکس کننده کنترل و نفع مستمر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور در شرکتی واقع در خارج موطن سرمایه گذار باشد. نوع دوم سرمایه گذاری خارجی با خرید اوراق بهادار شرکت های تجاری کشور میزبان در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک های خارجی انجام می گیرد، بدون این که سرمایه گذار خارجی در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم داشته باشد و بدون این که مسئولیت مالی متوجه وی باشد.

به تصریح ماده ۳ قانون ایران، سرمایه گذاری خارجی در صورتی که به یکی از دو روش زیر انجام گیرد، قابل پذیرش خواهد بود:

۱- سرمایه گذاری مستقیم خارجی

۲- سرمایه گذاری خارجی در چهارچوب ترتیبات قراردادی مانند « مشارکت مدنی»، « بیع متقابل»، « ساخت، بهره برداری و واگذاری» که برگشت سرمایه و منافع حاصله فقط از عملکرد اقتصادی طرح مورد سرمایه گذاری ناشی شود و متکی به تضمین دولت یا بانک ها یا شرکت های دولتی نباشد.

هر دو روش پیش بینی شده در ماده ۳ قانون، مصداق سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. در عین حال ماده ۷ آیین نامه، قلمرو شمول قانون را به سرمایه گذاری خارجی در اوراق بهادار نیز گسترش می دهد. در این ماده آمده است:

« سرمایه گذاری خارجی در بنگاه های اقتصادی موجود از طریق خرید سهام و یا افزایش سرمایه و یا تلفیقی از آن ها با طی مراحل پذیرش از مزایای این قانون برخوردار می گردد، مشروط به این که سرمایه گذاری مزبور ارزش افزوده ایجاد کند. ارزش افزوده جدید می تواند در نتیجه افزایش سرمایه در بنگاه اقتصادی و یا تحقق اهدافی از قبیل ارتقای مدیریت، توسعه صادرات و یا بهبود سطح فناوری در بنگاه اقتصادی موجود حاصل شود.»

روش نخست یعنی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به موجب ماده ۳ قانون و ماده ۴ آیین نامه فقط می تواند در حوزه هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن ها مجاز است انجام گیرد، اما سرمایه گذاری به روش دوم در تمام حوزه ها اعم از حوزه های مجاز برای فعالیت بخش خصوصی و دولتی قابل انجام است.

میزان (درصد) مشارکت سرمایه گذاران خارجی به تصریح ماده ۴ آیین نامه در هر دو روش بدون محدودیت است.

در قانون جدید امکان سرمایه گذاری دولت های خارجی در ایران نیز پیش بینی شده است. بر اساس ماده ۴ قانون، سرمایه گذاری دولت های خارجی در ایران حسب مورد منوط است به تصویب مجلس شورای اسلامی. در عین حال

قانون سرمایه گذاری شرکت های دولتی خارجی را سرمایه گذاری خصوصی تلقی کرده است و بنابراین چنین سرمایه گذاری هایی منوط به تصویب مجلس نخواهند بود.

۴- تضمین سرمایه گذاری خارجی

انواع تضمین های پیش بینی شده برای سرمایه گذاران خارجی در قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی عبارتند از:

۱- برخورداری از رفتار یکسان با سرمایه گذاران داخلی

در ماده ۸ قانون تصریح شده است که سرمایه گذاری های خارجی از کلیه حقوق ، حمایت ها و تسهیلاتی که برای سرمایه گذاری های داخلی وجود دارد ، به طور یکسان برخوردار می باشند.

۲- تضمین پرداخت غرامت در صورت سلب مالکیت و ملی شدن

بر اساس ماده ۹ قانون سرمایه گذاری خارجی تنها با جمع شرایط زیر می تواند مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار گیرد:

اول - وجود نفع عمومی سلب مالکیت یا ملی کردن را توجیه کند.

دوم - سلب مالکیت یا ملی شدن با رعایت تمامی فرآیند های قانونی صورت گیرد.

سوم- در سلب مالکیت یا ملی کردن بین سرمایه گذاران مختلف تبعیض اعمال نشود.

چهارم- سلب مالکیت یا ملی شدن در مقابل پرداخت غرامت مناسب بر مبنای ارزش واقعی سرمایه بلافاصله قبل از سلب مالکیت انجام گیرد. دریافت غرامت منوط به این است که تقاضای جبران خسارت حداکثر ظرف مدت یک سال پس از سلب مالکیت یا ملی شدن به هیأت سرمایه گذاری خارجی تسلیم گردد.

۳- امکان انتقال اصل و سود سرمایه به خارج از کشور به صورت ارزی یا در طرح های صادراتی به صورت کالا (در بیع متقابل انتقال اصل و سود سرمایه تنها به صورت کالا امکان پذیر است.)

به موجب ماده ۱۳ قانون ، اصل سرمایه خارجی و منافع آن یا آنچه از اصل سرمایه در کشور باقی مانده باشد با دادن پیش آگهی سه ماهه به هیأت سرمایه گذاری خارجی و بعد از انجام کلیه تعهدات و پرداخت کسورات قانونی و تصویب هیأت سرمایه گذاری خارجی و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی قابل انتقال به خارج خواهد بود.

ماده ۱۸ قانون نیز خروج آن بخش از سرمایه خارجی را که در چهارچوب مجوز سرمایه گذاری به کشور وارد شده ، اما به کار گرفته نشده را از شمول کلیه قوانین و مقررات ارزی و صادرات و واردات مستثنی می داند.

ماده ۱۴ قانون نیز سود سرمایه گذاری خارجی را پس از کسر مالیات و عوارض و اندوخته های قانونی ، با تصویب هیأت سرمایه گذاری خارجی و تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی قابل انتقال به خارج می داند.

ماده ۲۳ آیین نامه نیز انتقال اصل ، سود و عایدات ناشی از افزایش ارزش سرمایه موضوع سرمایه گذاری های مستقیم را به صورت ارزی یا به درخواست سرمایه گذار خارجی از طریق صدور کالای مجاز ، امکان پذیر می داند.

ماده مذکور خروج سرمایه و منافع مربوط به سرمایه گذاری هایی که در قالب ترتیبات قراردادی انجام شده اند را از طریق ارزی حاصل از صادرات محصولات تولیدی یا ارزی حاصل از ارائه خدمات بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر یا صادرات سایر کالاهای مجاز امکان پذیر دانسته است.

ایراد بسیار مهم ماده ۲۳ آیین نامه این است که تعیین میزان قابل انتقال اصل ، سود و عایدات ناشی از افزایش سرمایه بر عهده هیأت سرمایه گذاری خارجی قرار داده است . هر چند میزان تعیین شده توسط هیأت باید به تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی برسد ، اما عدم تعیین هیچ سقفی در قانون ، راه را برای اعمال سلیقه باز خواهد گذاشت.

۴- آزادی صادرات کالای تولیدی و پیش بینی امکان انتقال ارزی حاصل از فروش داخلی کالای تولیدی در صورت ممنوعیت صادرات

به تصریح قسمت الف ماده ۴ و نیز ماده ۲۶ آیین نامه ، آزادی صادرات کالای تولیدی بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر تضمین شده و در صورت وجود محدودیت قانونی یا اعمال شده از سوی دولت که در نتیجه آن بنگاه های اقتصادی سرمایه پذیر نتوانند تولیدات خود را صادر نمایند ، مادام که محدودیت قانونی یا تصمیم دولت برای عدم انجام صادرات جاری است ، بنگاه ها اجازه دارند تولیدات خود را در بازار داخلی به فروش رسانند و در مقابل تأمین معادل ریالی مصارف ارزی مندرج در مجوز سرمایه گذاری ، ارزی مورد نظر را از نظام بانکی خریداری و منتقل نموده یا مبادرت به صدور کالاهای مجاز نمایند.

۵ - معافیت ارزی حاصل از صادرات سرمایه گذاری های خارجی از هر گونه مقررات محدود کننده صادرات و مقررات ارزی از جمله سپردن تعهد برای بازگشت ارزی حاصل از صادرات به کشور

بر اساس ماده ۲۵ آیین نامه ، ارز حاصل از صادرات سرمایه گذاری های خارجی در حدود مصارف تعیین شده از سوی هیأت سرمایه گذاری خارجی ، از شمول هر گونه مقررات محدود کننده صادرات و مقررات ارزی از جمله سپردن تعهد برای بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور بر اساس مقررات دولتی موجود یا آنچه در آینده جاری می گردد ، معاف می باشند.

۶- آزادی واگذاری سرمایه خارجی

بر اساس ماده ۱۰ قانون ، واگذاری تمام یا بخشی از سرمایه خارجی به سرمایه گذار داخلی امکان پذیر است. همچنین واگذاری تمام یا بخشی از سرمایه به سرمایه گذار خارجی دیگر ، مجاز اما منوط به موافقت هیأت سرمایه گذاری خارجی و تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی خواهد بود. در صورت انتقال سرمایه به سرمایه گذار خارجی دیگر ، انتقال گیرنده که باید حداقل دارای شرایط سرمایه گذار اولیه باشد، از نظر مقررات قانون جایگزین یا شریک سرمایه گذار قبلی خواهد شد.

۷- تضمین جبران خسارت ناشی از ممنوعیت یا توقف اجرای موافقت نامه های مالی بر اثر وضع قانون یا تصمیمات دولت

این شکل از تضمین بر اساس قسمت ب ماده ۴ آیین نامه تنها در مورد سرمایه گذاری در چهارچوب ترتیبات قراردادی اعمال می گردد .

۸ - تضمین خرید کالاها و خدمات تولیدی طرح سرمایه گذاری توسط دستگاه دولتی طرف قرارداد در مواردی که دستگاه دولتی، خریدار انحصاری کالاها یا عرضه کننده خدمات مورد سرمایه گذاری، به قیمت یارانه ای باشد .

تضمین خرید به تصریح قسمت ب ماده ۴ آیین نامه فقط در روش های « ساخت ، بهره برداری و واگذاری » و « مشارکت مدنی » قابل اعمال است. این نوع تضمین بر اساس ماده ۱۱ آیین نامه جنبه الزامی نداشته و « دستگاه دولتی می تواند » خرید کالا و خدمات تولیدی را به میزان و قیمت تعیین شده در قرارداد مربوطه تضمین نماید.

۵- تملک اموال غیر منقول

اموال را از حیث امکان نقل و انتقال فیزیکی آن ها به دو نوع تقسیم می کنند : غیرمنقول و منقول . بر اساس ماده ۱۲ قانون مدنی مال غیرمنقول مالی است که نمی توان آن را از محلی به محل دیگر منتقل نمود و نقل آن موجب خرابی یا نقص خود مال یا محل آن خواهد شد. مال منقول به موجب ماده ۱۹ قانون مدنی به اشیائی اطلاق می گردد که نقل آن ها از محلی به محل دیگر ممکن باشد ، بدون این که انتقال آن باعث خرابی خود مال یا محل آن گردد.

مهم ترین مصداق اموال غیرمنقول زمین است. از آن جا که زمین یکی از عناصر اصلی حاکمیت و استقلال هر کشور محسوب می گردد ، مالکیت اتباع خارجی بر اموال غیر منقول در تمامی کشورها با ممنوعیت یا محدودیت های اساسی مواجه است.

در تبصره ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی آمده است :

« قانون مربوط به تملک اموال غیر منقول اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۶ کماکان به قوت خود باقی می باشد. تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه گذار خارجی در چهارچوب این قانون مجاز نمی باشد.»

در عین حال ماده ۳۴ آیین نامه به شرکت های خارجی اجازه تملک زمین را می دهد. ماده مذکور مقرر می دارد:

« در مواردی که انجام سرمایه گذاری خارجی منجر به تشکیل شرکت ایرانی گردد، تملک زمین به نام شرکت متناسب با طرح سرمایه گذاری به تشخیص سازمان مجاز می باشد.»

بنابراین تملک اموال غیر منقول توسط سرمایه گذار خارجی فقط با جمع شرایط زیر امکان پذیر خواهد بود:

۱- سرمایه گذاری در قالب تشکیل یک شرکت انجام گرفته باشد.

۲- تابعیت شرکت تشکیل شده ایرانی باشد.

۳- زمین به نام شرکت تملک شود نه به نام هر یک سهامداران یا مدیران آن.

۴- تملک زمین متناسب با طرح سرمایه گذاری باشد.

۵- سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران تملک زمین را تأیید نماید.

۶- حل و فصل اختلافات

بر اساس ماده ۱۹ قانون ، اختلافات بین دولت و سرمایه گذاران خارجی در خصوص سرمایه گذاری های موضوع قانون، چنان چه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد در دادگاه های داخلی مورد رسیدگی قرار می گیرد ، مگر آن که در موافقت نامه دوجانبه سرمایه گذاری با دولت متبوع سرمایه گذار خارجی در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد.

بنابراین در قانون ما در خصوص اختلافات دولت با سرمایه گذاران خارجی ، اصل بر صلاحیت دادگاه های ایران است ، مگر آن که در موافقت نامه منعقد شده بین دولت ایران و دولت متبوع سرمایه گذار توافق خلاف آن پیش بینی شده باشد.

ماده ۹ قانون اختلافات ناشی از سلب مالکیت یا ملی شدن را نیز بر اساس مفاد ماده ۱۹ قابل حل و فصل دانسته است.

فصل چهارم - حمایت از سرمایه گذاری خارجی در ترکیه

گفتار اول - تاریخچه حمایت^{۱۳} و مراحل اخذ مجوز

بند اول- تاریخچه حمایت

تاریخچه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ترکیه را در دو مقطع زمانی مورد بررسی قرار خواهیم داد:

I سابقه تاریخی FDI در امپراتوری عثمانی

II سابقه تاریخی FDI در جمهوری ترکیه

۱-۱۹۲۳-۱۹۲۹	۱-
۱۹۳۰-۱۹۴۵	۲-
۱۹۴۵-۱۹۶۰	۳-
۱۹۶۱-۱۹۷۹	۴-
۱۹۸۰-۲۰۰۲	۵-
۲۰۰۳- کنون	۶-

- ترکیه به دلایل تاریخی که به زمان امپراتوری عثمانی برمی گردد، در جذب سرمایه گذاری خارجی ناموفق بوده است. (کمتر از توان بالقوه اش FDI جذب کرده است) عدم ثبات سیاسی و اقتصادی در جمهوری ترکیه که خود معلول شرایط داخلی و بین المللی بوده، علت اصلی جو نامطلوب FDI در ترکیه بوده است.
- براساس تحقیق اخیر آنکتاد در خصوص خروج FDI از ترکیه، عدم ثبات سیاسی و اقتصادی، محرک اصلی افزایش سریع خروج FDI از ترکیه از دهه ۱۹۹۰ نیز بوده است.
- محیط تجاری ترکیه که تا چند سال اخیر برای سرمایه گذاری داخلی جذاب نبوده است.
- از تاریخچه FDI در ترکیه می توان آموخت که چگونه از FDI برای توسعه اقتصادی ترکیه می توان بهره برد.

¹³ - Erdilek, prof. Asim, historical background of foreign direct investment in turkey, YASED conference, Istanbul, 2005.

- نقطه برجسته تاریخ FDI در ترکیه، تجربه تلخ امپراتوری عثمانی با کاپیتولاسیون است.
- کاپیتولاسیون از قرن ۱۶ به دولت‌های خارجی اجازه می‌داد صلاحیت برون مرزی را براتباع خود که در امپراتوری عثمانی زندگی می‌کردند، اعمال نمایند.
- آنها یک سیستم حق امتیاز و مصونیت را برای بنگاه‌های سرمایه‌گذار^{۱۴} نیز ایجاد کردند.
- آنها به تجار و بازرگانان خارجی معافیت از مالیات مستقیم و حق حل اختلافات در دادگاه‌های خاصی که توسط نمایندگان کنسولی آن‌ها اداره می‌شود، اعطا کردند.
- کاپیتولاسیون نسخ زیان آور و تحقیرکننده حاکمیت ملی بود که عمیقاً و به طرز بدی بر رویکرد ترکیه نسبت به FDI تاثیر گذاشت.
- موافقتنامه تجارت آزاد ۱۸۳۸ با انگلستان، سیاست‌های تجارت خارجی امپراتوری عثمانی را محدود کرد.
- آن موافقتنامه تجاری و تمام موافقت‌نامه‌های دیگر امضاء شده با سایر کشورها در بردارنده کاپیتولاسیون بود و اقتصاد عثمانی را برای حضور و فعالیت‌های توأم با امتیاز خارجی‌ها در بخش‌های داخلی و بین‌المللی باز می‌کرد.
- FDI در بخش خدمات، به ویژه خدمات مالی مانند بانک‌داری و بیمه و در خدمات عمومی مانند خطوط راه آهن، بندرها، تلفن، برق، آب و گاز متمرکز شد.
- انگلستان همچنین مجتمع‌های کشاورزی برای کاشت کتان را تاسیس و زمین‌های بزرگی را برای کشاورزی در غرب ترکیه به مالکیت خود درآورد. قوانین عثمانی به خارجی‌ها اجازه تملک زمین می‌داد.
- براساس کاپیتولاسیون، بنگاه‌های سرمایه‌گذار، به عنوان اشخاص حقوقی صاحب حقوق برون مرزی برای فعالیت، به طور کامل مثل اشخاص حقیقی خارجی بودند.
- بنگاه‌های سرمایه‌گذار از مالیات بردرآمد شرکت و سود سهام که بنگاه‌های ملی می‌بایست پرداخت می‌کردند، معاف بودند.
- تعداد زیادی از بنگاه‌های سرمایه‌گذار می‌توانستند به رویه‌های تجاری فریب‌کارانه و غیرصادقانه، بدون ترس از اقدامات قانونی توسط مقامات عثمانی، متوسل شوند. وضعیت ممتاز بنگاه‌های سرمایه‌گذار سبب شد بخش‌های بزرگی از اقتصاد عثمانی تحت تسلط خارج قرار گیرد و به استعمار اقتصادی امپراتوری منجر شد، همان‌طور که در چین نیز در قرن ۱۹ اتفاق افتاد.
- وضعیت ممتاز بنگاه‌های انجام‌دهنده سرمایه‌گذاری سبب شد بخش‌های بزرگی از اقتصاد عثمانی تحت تسلط خارج قرار گیرد و به استعمار اقتصادی امپراتوری منجر شد.

^{۱۴} -منظور از بنگاه‌های سرمایه‌گذار، شرکت‌هایی است که در ترکیه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌دهند؛ توجه داشته باشید این واژه تا پایان متن به این منظور به کار گرفته شده است.

- امپراتوری عثمانی بعد از ۱۸۴۰ متحمل بدهکاری خارجی فزاینده ای شد که در فاصله سال های ۱۸۷۵ تا ۱۸۷۶ منجر به ورشکستگی و عدم پرداخت بدهی ها شد.
- شورای بدهی عمومی در ۱۸۸۱ توسط کشورهای طلبکار اروپایی تشکیل شد تا زمینه پرداخت اصل و بهره بدهی های خارجی پرداخت نشده امپراتوری عثمانی را فراهم نماید.
- شورای استقراض عمومی بخش قابل توجهی از درآمدهای ملی را کنترل می کرد و اختیاراتش به وضع مالیات در هر گوشه از امپراتوری عثمانی نیز گسترش یافته بود.
- حیات اقتصادی ترکیه در چهار دهه آخر امپراتوری عثمانی به طور کلی یا توسط خارجی ها یا به وسیله اتباع غیرمسلمان امپراتوری که از کاپیتولاسیون به هزینه اکثریت مسلمان امپراتوری بهره مند می شدند، کنترل می شد.
- سرمایه خارجی نقش مهم خود در توسعه کشور، به ویژه در بخش ارتباطات و خدمات، همچنین در کشاورزی و صنایع تولیدی کودکان را آغاز کرد.
- اغلب بنگاه های سرمایه گذار مدیران و کارکنان ماهر خارجی استخدام می کردند و مکاتبات تجاری خود را به زبان فرانسه انجام می دادند تا این که دولت عثمانی در ۱۹۱۶ قانونی استفاده اجباری از زبان ترکی در تمام مکاتبات تجاری را وضع کرد.
- خطوط راه آهن، تراموا، بندرها، گاز، برق، آب و همچنین اغلب معادن و کارخانه ها توسط شرکت های صاحب امتیاز خارجی اداره می شدند.
- در طول ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۴، FDI سهم روبه رشدی از کل ورودی های سرمایه خارجی را تشکیل می داد.
- خطوط راه آهن دوسوم کل FDI را در ۱۹۱۴ تشکیل می داد. انگلستان، فرانسه و آلمان شبکه ریلی گسترده ای را در فاصله سال های ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۶ ساخته بودند.
- FDI تولید کالا و استخراج معدن کمتر از ۱۰ درصد کل FDI را تشکیل می داد.
- کاپیتولاسیون که به عنوان نمادی از حقارت و چاپلوسی مورد نفرت بود، در ۱۹۱۴ و با شروع جنگ جهانی اول توسط امپراتوری عثمانی لغو گردید و به موقعیت ممتاز بنگاه های سرمایه گذار پایان داد.
- جنگ جهانی اول همچنین به ملی سازی چندین بنگاه انگلیسی و فرانسوی سرمایه گذار از جمله چندین خط آهن و کارخانه کشتی سازی منجر شد.
- سرانجام معاهده لوزان در سال ۱۹۲۴ به کاپیتولاسیون پایان داد.

۱۹۲۳-۱۹۲۹

- در این دوره از لیبرالیسم اقتصادی، معاهده لوزان سیاست‌های تجاری جمهوری ترکیه را محدود کرد.
- رژیم جمهوری با در نظر گرفتن تجربیات نامطلوب در طول دوره امپراتوری عثمانی، محتاطانه FDI را تشویق می‌نمود.
- آتاتورک در سخنرانی خود در کنگره اقتصادی از میر در ۱۹۲۳، به شدت از کاپیتولاسیون و استعمار اقتصادی امپراتوری عثمانی انتقاد کرد.
- در ۱۹۲۳ مجلس عالی ملی ترکیه امتیاز چستر را به تصویب رساند که در ابتدا در سال ۱۹۰۸ مطرح، اما وقوع ناگهانی جنگ جهانی اول مانع آن شده بود.
- امتیاز چستر به یک شرکت آمریکایی، حق بازسازی آنکارا و ساخت خطوط آهن به منظور اکتشافات و بهره‌برداری از معادن در آناتولی و نفت در موسول را طی دوره طولانی ۹۹ ساله، اعطا کرد.
- پروژه امتیاز چستر پس از این که ترکیه حاکمیتش را بر موسول از دست داد، متوقف شد.
- در سال ۱۹۲۴ ترکیه ۹۴ بنگاه سرمایه‌گذار، ۷ خط آهن، ۶ معدن، ۲۳ بانک، ۱۱ امتیاز شهری، ۱۲ موسسه صنعتی و ۳۵ شرکت تجاری داشت.
- گرچه چندین بنگاه انجام دهنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در طول این دوره با پرداخت غرامت منصفانه ملی شدند، بنگاه‌های جدیدی با بهره‌گرفتن از قانون تشویق صنعت مصوب ۱۹۲۷ به وجود آمدند.
- اولین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید کالا پس از ایجاد جمهوری ترکیه، توسط نستله به منظور تولید شکلات انجام گرفت.
- توسعه پروژه مونتاز اتومبیل شرکت فورد در سال ۱۹۲۹ به دلیل آغاز بحران عظیم اقتصادی در ۱۹۳۰ ناکام ماند و در ۱۹۳۶ تعطیل شد.
- بحران عظیم اقتصادی نشانه پایان لیبرالیسم اقتصادی و پیدایش سوسیالیسم دولتی یا تمرکز قدرت اقتصادی در دولت مرکزی در ترکیه بود.
- می‌توان نتیجه گرفت که FDI نقش مهمی را در طول این دوره ایفا نمی‌کرد.

۱۹۳۰-۱۹۴۵

- در سال ۱۹۳۰، قانون ۱۵۶۷ برای حمایت از ارزش پول رایج ترکیه، با وضع کنترل‌های کمی بر مبادلات ارز، به آزادی خرید و فروش ارز پایان داد.

- گرچه این قانون در ابتدا فقط برای این که به مدت ۳ سال اجرا شود، وضع شد، اما پس از چندین اصلاح معتبر باقی ماند.
- قانون ۱۵۶۷ همچنین حاکی از پایان لیبرالیسم اقتصادی و آغاز مداخله فزاینده دولت در اقتصاد بود.
- در طول سال های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۸، زمانی که FDI نه مورد مخالفت قرار می گرفت و نه تشویق می شد، چندین بنگاه جدید انجام دهنده سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایجاد شدند.
- در عین حال تعداد زیادی از بنگاه های موجود که اغلب در خط آهن و خدمات عمومی شهری فعال بودند، در طول سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ با پرداخت غرامت منصفانه ملی شدند.

۱۹۵۳ - ۱۹۴۶

- بعد از جنگ جهانی دوم که فعالیت های سرمایه گذاری مستقیم خارجی امکان پذیر نبود، ترکیه پیوندش را با غرب آغاز کرد که نتایج قابل ملاحظه ای برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی داشت.
- فرمان شماره ۱۳ که در تاریخ ۱۹۴۷ براساس قانون ۱۵۶۷ صادر شد، سرمایه گذاران خارجی را ملزم کرد برای انتقال وجوه به خارج از ترکیه تحت شرایط محدود، از وزارت دارایی مجوز بگیرند.
- قانون ۵۵۸۳ که در سال ۱۹۵۰ وضع شد، نخستین قانونی بود که در جمهوری ترکیه به موضوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی می پرداخت.
- آن قانون انتقال سود را تحت شرایط بسیار محدود تضمین می کرد.
- قانون ۵۸۲۱ موسوم به قانون تشویق سرمایه گذاری های خارجی که در سال ۱۹۵۱ وضع گردید، جایگزین قانون ۵۵۸۳ شد.
- این دوره شامل شرایط محدود کننده کمتری و چندین توضیح در خصوص فعالیت های مجاز FDI بود، اما هنوز گرایش مطلوبی را به FDI نشان نمی داد.
- نه قانون ۵۵۸۳ و نه قانون ۵۸۲۱ موجب جذب بیشتر FDI نشدند.
- قانون ۶۲۲۴ موسوم به قانون تشویق سرمایه گذاری که با کمک یک کارشناس آمریکایی تهیه شده بود، در ۱۹۵۴ بدون حمایت احزاب مخالف در مجلس عالی ملی تصویب شد تا جایگزین قانون ۵۸۲۱ گردد.
- "حزب مردم" قانون ۶۲۲۴ را به عنوان آغاز دوباره کاپیتولاسیون ننگین معرفی کرد و قول داد بعد از به دست آوردن دوباره قدرت، قانون را اصلاح کند.
- قانون ۶۲۲۴ تمام شرایط محدود کننده مقرر در قانون ۵۸۲۱ را لغو کرد.

- گرچه قانون ۶۲۲۴ در عنوان خود، واژه "تشویق" را داشت، با این حال شامل هیچ محرکی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی نبود.
- در سال ۱۹۵۴، قانون ۶۲۲۴ وضع گردید تا FDI را برای اکتشاف نفت جذب کند.
- براساس هر دو قانون ۶۲۲۴ و قانون ۶۳۲۶، بنگاه های سرمایه گذاران مقررات وضع شده توسط قانون ۱۵۶۷ در خصوص ارزهای خارجی معاف بودند.
- وضع قانون ۶۲۲۴ با افزایش مداخله دولت در اقتصاد و پایان تجربه کوتاه آزادسازی اقتصادی در طول سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ مقارن شد.
- بنابراین همزمان با لازم الاجرا شدن قانون ۶۲۲۴ با هدف جذب FDI، جو اقتصادی و تجاری برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی بدتر شد.
- قانون ۶۲۲۴ که تا زمان تغییرش با قانون ۴۸۷۵ در سال ۲۰۰۳ بر FDI حاکم بود، به عنوان یک قانون لیبرال توصیف شده است، اما در واقع در طول دوران طولانی حضورش، به شکل لیبرال اعمال نشد.
- قانون ۶۲۲۴ در بردارنده هیچ مقرراتی در خصوص ملی سازی و داوری بین المللی نبود.
- این قانون همچنین ذکر نکرده بود که الزامات اجرایی باید بر بنگاه های سرمایه گذار تحمیل شود اما بر بنگاه های ملی اعمال نشود.
- قانون اصل رفتار ملی برای بنگاه های سرمایه گذار را تصریح کرده بود، اما اغلب این اصل در عمل نقض می شد.
- ابهام این قانون، بوروکراسی ترکیه را قادر ساخته بود قانون را در طول دوران طولانی حضورش به طور محدود کننده و سلیقه ای اعمال کند و بیشتر موجبات دلسردی تا تشویق بنگاه های سرمایه گذار را فراهم کرده بود.
- در طول سال ها، قانون مذکور قدیمی نیز شده بود و نمی توانست بهترین رویه بین المللی را در قانونگذاری در حوزه FDI منعکس نماید.
- در فاصله سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸، اقتصاد ترکیه به نحو فزاینده ای بی ثبات شد و FDI زیادی را جذب نکرد.
- در فاصله سال های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰، براساس برنامه ثبات اقتصادی طراحی شده توسط صندوق بین المللی پول و OECD، اقتصاد ترکیه برای FDI جدید همچنان بسیار خطرناک بود.
- در عین حال برخی از بنگاه های موجود سرمایه گذار، از شرایط خاص اواخر دهه ۱۹۵۰ که با کنترل قیمت ها و کمبود کالاهای اساسی توصیف می شد، برای به دست آوردن سودهای فوق العاده بهره بردند که دشمنی با FDI در ترکیه را تشدید کرد.
- در پایان دهه ۱۹۶۰ که در طول آن ارتش ترکیه حکومت را در دست داشت، کل FDI انباشته ۱۷/۳ میلیون دلار بود.

- در طول این دوره از توسعه اقتصادی طراحی شده براساس برنامه های ۵ ساله توسعه، ترکیه یک استراتژی نگاه به داخل و جایگزینی واردات را دنبال کرد.
- این استراتژی که منجر به تعامل متناوب بحران های پرداخت شد، نوعی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی را جذب کرد که ابتدا به درد بازار داخلی می خورد.
- علیرغم هشدارها و الزامات اجرایی، FDI نقش قابل ملاحظه ای را در توسعه صادرات ایفا نمی کرد.
- به استثنای اولین برنامه ۵ ساله توسعه (۱۹۶۳-۱۹۶۷) که منافع FDI را دنبال می کرد و بر نیاز به تاسیس یک آرژانس ترویج سرمایه گذاری (IPA) تاکید می کرد، برنامه های متوالی ۵ ساله توسعه دیدگاه های تردید گرایانه فزاینده درباره مزایای FDI را منعکس می کرد.
- آن ها بر نقش جریانهای خصوصی سرمایه تاکید نکردند و به هنگام پرداختن به پس اندازهای ترکیه و شکاف ارز خارجی، استقرار دولتی را ترجیح دادند.
- چرا بوروکراسی ترکیه و هیأت حاکمه سیاسی در طول چندین دهه تزیق سرمایه خارجی به اقتصاد ترکیه به شکل وام، به ویژه بدهی دولت به دولت و آژانس های بین المللی به دولت، را به سرمایه گذاری مستقیم خارجی ترجیح دادند؟
- سرمایه خارجی به شکل وام ترجیح داده شد، به خاطر این که می توانست وارد شود و برای هزینه های جاری سریع تر به صورت پول نقد مورد استفاده قرارگیرد، برای هزینه های جاری و نیز سرمایه گذاری استفاده شود، به تشخیص مقامات اداری در هر پروژه دولتی یا خصوصی مورد استفاده قرارگیرد و در پروژه های سرمایه گذاری بنگاه های اقتصادی دولتی استفاده شود و بنابراین بخش عمومی مقامات اداری و حزب سیاسی برسر قدرت را تقویت نماید.
- ترجیح سرمایه خارجی به شکل وام با اهمیت استراتژیک ترکیه برای دینای غرب قبل از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی عملی شد.
- ترجیح سرمایه خارجی به شکل وام به ما کمک می کند آهنگ خصوصی سازی در ترکیه تا این اواخر به واسطه عدم تمایل مقامات اداری و احزاب سیاسی به از دست دادن قدرتی که از مالکیت دولتی فعالیت های تولیدی که توسط بخش خصوصی بهتر می توانستند انجام شوند ناشی می شد، را درک کنیم.
- چنان که در برنامه های ۵ ساله توسعه و فرمان های مربوط به بنگاه های انجام دهنده سرمایه گذاری مستقیم خارجی منعکس شده، اعتراض سازمان ریزی دولتی به سرمایه گذاری مستقیم خارجی بعد از اواسط دهه ۱۹۶۰ عمیق تر شد.
- در سال ۱۹۶۳ ترکیه عضو دائم جامعه اقتصادی اروپا (EEC) شد.
- در دهه ۱۹۷۰، کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا، به ویژه آلمان، تلاش کردند ترکیه را به سمت موقعیت مطلوب تری در خصوص سرمایه گذاری مستقیم خارجی سوق دهند، اما موفق نشدند.

- این در حالی بود که ترکیه به افزایش ارسال نیروی کار خود به جامعه اقتصادی اروپا و به دست آوردن شرایط بهتر استخدامی برای کارگران ترکی که از قبل آن جا بودند، بیش تر از دریافت سطوح بالاتری از سرمایه گذاری مستقیم خارجی علاقمند بود.
- وجوه ارسالی کارگران ترک از جامعه اقتصادی اروپا منبع اصلی ارز خارجی می شد که بر ارز خارجی که می توانست از طریق FDI تحصیل گردد، ترجیح داده می شد.
- ابتکارهای جامعه اقتصادی اروپا برای غلبه بر عدم تمایل ترکیه به FDI با سوءظن و رنجش نگرینسته شد، به ویژه بعد از این که جامعه اقتصادی اروپا در اواسط دهه ۱۹۷۰ در هایش را بر انتقال جدید کارگران ترک بست و تعداد قابل ملاحظه ای از آن هایی که از قبل استخدام کرده بود را پس فرستاد.
- در طول سال های زیادی از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ترکیه در عمل ثبات سیاسی و اقتصادی لازم برای فراهم ساختن جوی امن برای FDI را از دست داد، صرف نظر از این که آیا ترکیه FDI را می خواست یا نه؟
- تا اواسط دهه ۱۹۶۰، چندین حکومت ائتلافی و دو کودتای نافرجام ارتش نشان داد که ترکیه در دومین تجربه دموکراسی خود از لحاظ سیاسی بی ثبات بوده است.
- ثبات نسبی سیاسی نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ با مداخله دیگر ارتش در سال ۱۹۷۱ پایان یافت.
- بعد از اوایل دهه ۱۹۶۰، نظام مند شدن فزاینده بنگاه های سرمایه گذار با فرمان های خاص بنگاه ها آغاز شد که بیان می کردند آن ها چه کاری را می توانند انجام دهند و چه کاری را نمی توانند و باید ها و نبایدها را گوشزد می کردند. علاوه بر این الزامات اجرایی تحمیل شده بر بنگاه ها، با نقض اصل رفتار ملی، رو به افزایش گذاشت.
- ورود بنگاه های جدید سرمایه گذار بسیار سخت و وقت گیر شد.
- یک بنگاه سرمایه گذار آتی می توانست ملزم شود برای تحصیل مجوز FDI تا ۲۳ امضا را از مراجع اداری مختلف بگیرد که ممکن بود تا ۳ سال به طول انجامد.
- قبل از ۱۹۶۲، سرمایه گذاری مستقیم خارجی که مستلزم به کار انداختن سرمایه ای اندک یا متغیر بود بر اساس قانون ۱۵۶۷ مجاز شناخته می شد.
- فرمان شماره ۱۷، صادره در سال ۱۹۶۲ بر اساس قانون ۱۵۶۷، جلوی نقل و انتقالات سود را توسط بنگاه های سرمایه گذار که بر اساس این قانون تاسیس شده بودند، گرفت.
- در سال ۱۹۶۷، قانون ۹۳۳ که قانون ۶۲۲۴ را اصلاح می کرد، کمیته تشویق سرمایه گذاری خارجی را که نمایندگانی از بخش خصوصی داشت، از بین برد و اختیارات مربوطه به سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به سازمان برنامه ریزی دولتی منتقل کرد.
- سازمان برنامه ریزی دولتی در طول سال ها عامل شکست بنگاه های انجام دهنده FDI شده بود، چون در فاصله سال های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹، به نحو فزاینده ای الزامات اجرایی سخت گیرانه ای را نه فقط بر بنگاه های انجام دهنده FDI که در آینده تشکیل می شدند، بلکه بر بنگاه های موجود تحمیل می کرد.

- آن سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش خدمات را فاقد هرگونه سود برای ترکیه و فقط FDI در تولید کالا را در بردارنده هرگونه سود احتمالی تلقی می کرد.
- دوره ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ همچنین شاهد بی ثباتی سیاسی فزاینده و خشونت گسترده بین جناح های سیاسی و ایدئولوژی ها بود که محیط برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بسیار بدتر کرد.
- بحران تعادل پرداخت ها در فاصله سال های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۸ با خروج FDI از ترکیه در ۱۹۷۹ دنبال شد، چنان که تعداد بنگاه های انجام دهنده FDI از ۱۰۶ به ۹۱ کاهش یافت.
- در طول دهه ۱۹۷۰، مانند دهه ۱۹۶۰، OECD تلاش کرد ترکیه را به برخورد لیبرالی نسبت به FDI سوق دهد.
- ترکیه هر زمان که نیاز به مساعدت مالی فوری کشورهای عضو OECD داشت، همراه به نظر می رسید.
- به ویژه در سال ۱۹۷۸ فشار دیپلماتیکی برحکومت ترکیه اعمال شد تا نقش بیشتری را برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی در توسعه ترکیه بپذیرد.
- این امر به عنوان شرطی برای عملیات نجات بین المللی معرفی شد که بدون آن ترکیه نمی توانست از ورشکستگی مالی قریب الوقوع جلوگیری نماید.
- دولت با تظاهر به جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی سعی داشت OECD را آرام کند اما هیچ کاری را برای رسیدن به این اهداف انجام نداد.
- در طول این دوره جریان FDI به مبلغ ۲۱۰/۸ میلیون دلار رسید و در پایان سال ۱۹۷۹ جمع انباشت FDI مبلغ ۲۲۸/۱ میلیون دلار شد.
- این دوره با اصلاحات اقتصادی ژانویه ۱۹۸۰ خاتمه پیدا کرد که عصر جدیدی از جهانی شدن مبتنی بر ارتقای صادرات با پتانسیل بیشتری برای FDI را به وجود آورد که متأسفانه درک نشد.
- در آغاز این دوره، درست مانند سال ۱۹۵۴، دولت تلاشی استثنایی برای جلب FDI را انجام داد.
- دولت کارشناسانی را از ایالات متحده و OECD دعوت کرد تا تغییرات در قانون ۶۲۲۴ را بررسی کرده و پیشنهاد نمایند.
- همچنین دولت از منابع بخش خصوصی اتحادیه اتاق های بازرگانی، صنعت و بورس کالای ترکیه استفاده کرد تا سرمایه گذاری مستقیم خارجی را از ارتقا دهد.
- اولین برنامه ۵ ساله توسعه (۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷) بیش از گذشته بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و نیاز به ارتقای آن توسط آژانس ارتقای سرمایه گذاری تاکید می کرد.
- این آغاز فرخنده ای بود اما به دلایل سیاسی و استراتژی استقلال گرایانه جایگزینی واردات که انگیزه ها برای FDI را منحرف ساخت، به زودی با ناکامی مواجه شد.
- در واقع با آغاز نیمه دهه ۱۹۶۰، ارتباط بین دولت و سرمایه گذاران خارجی به نحو فزاینده ای خصمانه شد.
- این دوره شاهد دومین شانس از دست رفته ترکیه برای برقراری یک رابطه متقابل سودمند و بادوام با FDI بود.

- اصلاحات اقتصادی ژانویه ۱۹۸۰ بعد از این که ارتش در سپتامبر همان سال حکومت را به دست گرفت، با دقت بیشتری به اجرا درآمد و از ابتدا به نحو قابل ملاحظه ای جو سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بهبود بخشید.
- هیات وزیران در دهه ۱۹۸۰ و نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ چندین فرمان و تعداد زیادی اطلاعیه رسمی با هدف تسهیل و تصریح فرآیندهای اداری که از قبل به ویژه در اواخر دهه ۱۹۷۰ سرمایه گذاران خارجی را به ستوه آورده بود، صادر کرد.
- در عین حال، علیرغم تقاضاهای سرمایه گذاران خارجی، این فرمان ها و اطلاعیه های رسمی به نحوی که بتوانند از طریق ادغام در قانون ۶۲۲۴، معتبرتر شوند، به شکل قانون در نیامده بودند.
- ایجاد اداره سرمایه گذاری خارجی در اداره نخست وزیری نشان دهنده رویکرد مطلوبی نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی بود.
- اداره سرمایه گذاری خارجی فرآیند تصویب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را کارآمد ساخته و تسهیل نمود.
- بعد از اواسط دهه ۱۹۸۰، اداره سرمایه گذاری خارجی با تبدیل شدن به مدیریت کل سرمایه گذاری خارجی (GDFI) که ابتدا در سازمان برنامه ریزی دولتی و سپس در معاونت خزانه داری، جایی که هم اکنون هست، مستقر بود، راهبری اولیه خود را برای ارتقای سرمایه گذاری مستقیم خارجی از دست داد.
- فرمان شماره ۳۲ صادره در سال ۱۹۸۹، براساس قانون ۱۵۶۷، شیوه تسعیر پول را از طریق حذف یک مانع قوی بر سر راه ادغام ترکیه با اقتصاد جهانی شفاف ساخت.
- برنامه اصلاحی ژانویه ۱۹۸۰ علیرغم دستاوردهای بسیارش، در جذب جریانات ثابت و فراوان سرمایه گذاری مستقیم خارجی ناموفق بود؛ به دلیل این که اقتصاد به نحو فزاینده ای بی ثبات شد، نرخ تورم دوباره شروع به بالا رفتن کرد و تلاش های ضعیف برای خصوصی سازی شکست خورد.
- در طول سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳، جمع انباشتی تصویب شده سرمایه گذاری مستقیم خارجی به مدد استفاده از بدهی های معوقه تضمین نشده تجاری از دهه ۱۹۷۰ به عنوان سرمایه مستقیم خارجی به ۹۳۲ میلیون دلار برای ۱۸۵ بنگاه سرمایه گذار رسید.
- جریانات سرمایه گذاری مستقیم خارجی فقط در اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع به افزایش کرد، اما میانگین سالانه آن در طول این دهه تنها ۱۶۸ میلیون دلار بود.
- دهه ۱۹۹۰ برای ترکیه از لحاظ شکست در برقراری ثبات اقتصادی و سیاسی، دهه تباہ شده نامیده شده است:
 - ترکیه در طول ۱۰ سال، ۹ دولت ائتلافی با میانگین مدت عمر کمتر از ۱۸ ماه داشت.
 - رشد اقتصادی به نحو فزاینده ای منقطع بود، با فراز و فرودهای شدید، از جمله یک بحران مالی در سال ۱۹۹۴ که رکود سختی را به دنبال داشت.
 - میانگین نرخ تورم به بیش از ۸۰ درصد در هر سال افزایش یافت.

- اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا که از ژانویه ۱۹۹۶ به اجرا درآمد، نتوانست موجی را در سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایجاد کند، چون اقتصاد ترکیه در اواسط سال ۱۹۹۶ در حال رسیدن به وضعیت خطرناکی بود و به نظر می رسید بر لبه تیغ بین ابرتورم و افزایش شدید بدهی های پولی داخلی که نتیجه قصور دولت در پرداخت آن ها بود، قرار دارد.
- در ۶ دسامبر ۱۹۹۶ فایننشیال تایمز نوشت: " به نظر می رسد اقتصاد ترکیه در یک وضعیت دائمی شبه بحران قرار گرفته است. تورم سنگین، نرخ های بهره فوق العاده بالا و یکی از بی ارزش ترین پول های رایج دنیا، همگی نشانه هایی از عدم تعال عمیق هستند.
- با این وجود، در دهه ۱۹۹۰ میانگین سالانه جریانات FDI ۷۷۲ میلیون دلار بود که بی تردید از رشد سریع جهانی FDI بهره مند می شد.
- اصلاح قانون اساسی در آگوست ۱۹۹۹ به منظور مجاز کردن داوری بین المللی برای سرمایه گذاران خارجی، به علاوه پذیرش ترکیه به عنوان نامزد عضویت کامل در اتحادیه اروپا در دسامبر ۱۹۹۹، چشم انداز آینده ترکیه را به عنوان یک کشور میزبان برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی بهبود بخشید.
- در ژانویه ۲۰۰۰، یک برنامه اصلاح اقتصادی توسط دولت متشکل از سه حزب با حمایت مالی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی آغاز شد.
- این برنامه به دنبال بحران های مالی پی در پی نوامبر ۲۰۰۰ و فوریه ۲۰۰۱ از هم پاشید و لازم شد دوباره طراحی شود.
- در عین حال قبل از اجرای کامل برنامه، دولت ائتلافی در سال ۲۰۰۲ سقوط کرد.
- عدم اتفاق آراء در بین احزاب ائتلافی پیرامون خصوصی سازی در فاصله سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲، ترکیه را از جریانات بالقوه FDI محروم کرد.
- نخستین فرصت خصوصی سازی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسط ترکیه در دهه ۱۹۹۰ از دست رفت، چون کشورهای کمونیست در اروپای شرقی و مرکزی از آن فرصت بهره برداری کامل کردند.
- در فاصله سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ کمتر از نصف کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی تصویب شده به ارزش تقریبی ۳۵ میلیارد دلار به مرحله عملی رسید. این نشان دهنده مشکلاتی در زمینه انتخاب پروژه های FDI تصویب شده یا مشکلاتی که سرمایه گذاران خارجی در اجرای پروژه هایشان با آن ها مواجه بودند.
- از سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی (fias) گروه بانک جهانی در سپتامبر ۲۰۰۰ خواسته شد، محیط سرمایه گذاری مستقیم خارجی را مطالعه کرده و پیشنهادهاتی برای بهبود آن ارائه نماید. این مطالعه به عنوان بخشی از استراتژی گروه بانک جهانی برای کمک به کشورها در سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ بود که به طور مکرر بر اهمیت سرمایه گذاری مستقیم خارجی و نقش سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی در ارتقای جو FDI در ترکیه تاکید می کرد.

- بررسی اسناد صندوق بین المللی پول (نامه های اینترنتی، گزارشهای کارمندان، مشاوره ها و مطالعات حاضر) در خصوص ترکیه از مارس ۲۰۰۱ نشان می دهد که در پی بحران اقتصادی د رنوامبر ۲۰۰۰ و فوریه ۲۰۰۱ و نیاز به حمایت صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، ترکیه با کمک حمایت مالی صندوق بین المللی پول، برای ایجاد محیط سرمایه گذاری مستقیم خارجی تشویق شد.
- سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی با حمایت از دولت ترکیه و با همکاری بخش خصوصی، دو مطالعه را انجام داد: اول: مطالعه بازشناختی محیط سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ترکیه (فوریه ۲۰۰۱) دوم: موانع اداری سرمایه گذاری (ژوئن ۲۰۰۱)
- اولین مطالعه سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی در خصوص شکست ترکیه در جذب FDI، تقصیر اصلی را به گردن بی ثباتی اقتصادی و سیاسی به طور کلی و بی ثباتی در سیاست ها به طور خاص انداخت و تاکید کرد که ساختار فکری نظام مدنی ملی، به طور کلی دوستدار سرمایه گذار نبوده و برای تغییر، آهسته گام برداشته است و این که سرمایه گذاران، درجه اعتماد و قابلیت پیش بینی را برای توجیه تصمیمات سرمایه گذاری طولانی مدت در ترکیه ندارند.
- این مطالعه همچنین سیستم قضایی کند و جانبدارانه که نقص مکرر اصل رفتار ملی را اجازه می داد، مقصر شناخت.
- مطالعه مذکور، تاسیس یک آژانس ارتقای سرمایه گذاری و توسعه استراتژی "ارتقای طولانی مدت سرمایه گذاری مستقیم خارجی"، به ویژه برای سرمایه گذاری صادرات محور را پیشنهاد کرد.
- سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی خاطر نشان ساخت که اغلب آژانس های ارتقای سرمایه گذاری موفق از مشارکت قوی و مستقیم بخش خصوصی بهره مند هستند و مدیریت کل سرمایه گذاری خارجی ممکن نیست بتواند به خودی خود به نحو موثری به عنوان یک آژانس ارتقای سرمایه گذاری عمل کند.
- دومین مطالعه سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی که مبتنی بر مطالعه نخست بود، موانع اداری ترکیه بر سر راه سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر اساس معیارهای مختلف بین المللی مستند سازی تحلیل کرد.
- این مطالعه در ۲۵۰ صفحه و با ۱۰ ضمیمه، جامع ترین مطالعه اخیر از رژیم و محیط سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ترکیه و مبتنی بر کار عملی گسترده متشکل از آمارگیری ها و مصاحبه هاست.
- درست همان طور که پیش بینی شده بود، نظام اداری ترکیه به جای خدمت و اجرای مقررات، بر نظارت متمرکز شده است.
- درست همان طور که پیش بینی شده بود، نظام اداری ترکیه به جای خدمت و اجرای مقررات بر نظارت متمرکز شده بود.
- این نظارت که توأم بود با عدم پاسخگویی و شفافیت و اعمال تبعیض، بر اساس مطالعه سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی به فساد گسترده منجر شده است.

- دومین مطالعه سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی فهرست بلندی از موضوعات مربوط به استخدام نیروی کار خارجی و داخلی، ثبت شرکت و حسابداری، محل عملکرد شرکت های سرمایه گذار را بررسی می کند.
- در بین این موضوعات کاربردی، مالیات، رژیم تجاری و گمرکی، نظارت و بازرسی های مکانی عملی، حقوق مالکیت فکری و صنعتی وجود دارند.
- تحلیل این موضوعات با پیشنهاداتی برای اصلاح همراه است.
- نتیجه گیری بر نیاز به ایجاد عزم سیاسی لازم برای یک برنامه عملی با حمایت گسترده و نظارت بر پیشرفت ها در حین اجرای آن برنامه، تاکید می کند.
- دو مطالعه سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی، مبنای تغییرات اخیر در محیط و سیاست های سرمایه گذاری مستقیم خارجی ترکیه را فراهم کرده است.
- متعاقب جلساتی در مارس ۲۰۰۱ و سپتامبر ۲۰۰۱ در خزانه داری ترکیه برای بحث پیرامون دو مطالعه سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی، یک برنامه اصلاحی برای بهسازی محیط سرمایه گذاری در ترکیه در نوامبر ۲۰۰۱ اعلان شد.
- در ژانویه ۲۰۰۲، یک هیات هماهنگ کننده برای بهسازی محیط سرمایه گذاری مرکب از نمایندگان بخش دولتی و خصوصی تشکیل شد تا برنامه بهسازی محیط سرمایه گذاری را در ترکیه اجرا کند.
- هیات هماهنگ کننده چندین کمیته تکنیکی برای مطالعه عمیق موضوعات خاصی که به بهسازی محیط سرمایه گذاری مربوط بودند، تشکیل داد.
- هیات همچنین یک شورای مشورتی سرمایه گذاری را که مرکب از کارمندان ارشد اجرایی یا روسای ۲۰ وابسته خارجی بود، تشکیل داد.
- شورای مشورتی سرمایه گذاری تاریخ جلسه اش را برای جولای ۲۰۰۲ تعیین کرد اما با فروپاشی دولت ائتلافی، مجبور شد آن را به تعویق بیندازد.
- شورای مشورتی سرمایه گذاری جلسه افتتاحیه اش را در مارس ۲۰۰۴ به ریاست نخست وزیر برگزار کرد و ۱۳ حوزه کلیدی توصیه شده توسط دولت را به منظور متمرکز ساختن بهسازی محیط FDI تعیین کرد.
- شورای مشورتی سرمایه گذاری بعد از دومین جلسه اش به ریاست نخست وزیر در آوریل ۲۰۰۵ دولت را به خاطر پیشرفت در بهسازی محیط سرمایه گذاری مستقیم خارجی تحسین کرد و توجه دولت را به ۱۰ موضوع مهمی که لازم بود روی آن ها کار شود جلب نمود.
- در طول دوره ۱۸ ماهه، بین اجرای قانون ۴۸۷۵ در ژوئن ۲۰۰۳ و پایان سال ۲۰۰۴، ۲۴۶۱ بنگاه جدید سرمایه گذار به وجود آمد و ۶۳۴ بنگاه ملی به بنگاه های انجام دهنده FDI تبدیل شدند. کل جریان FDI، ۳/۸ میلیارد دلار بود که ۸۰ درصد آن از اتحادیه اروپا نشأت می گرفت.

- بر اساس اعلام اتاق صنعت استانبول، در سال ۲۰۰۴ در بین ۵۰۰ بنگاه از بزرگترین بنگاه های صنعتی، ۱۴۹ بنگاه سرمایه گذار وجود داشت که ۴۳ درصد کل فروش، ۵۱ درصد کل ارزش افزوده، ۴۴ درصد کل سود، ۴۹ درصد کل صادرات و ۲۷ درصد کل استخدام را تشکیل می دادند.
- بر اساس اعلام اتاق صنعت استانبول، در سال ۲۰۰۴ در بین ۱۰۰۰ بنگاه از بزرگترین بنگاه های صنعتی، ۲۲۳ بنگاه سرمایه گذار وجود داشت که ۴۰ درصد کل فروش، ۴۹ درصد کل ارزش افزوده، ۴۴ درصد کل سود، ۴۴ درصد کل صادرات و ۲۷ درصد استخدام را تشکیل می دادند.
- مذاکرات ترکیه با اتحادیه اروپا در مورد الحاق که در اکتبر ۲۰۰۵ آغاز شد، پتانسیل ترکیه برای جذب FDI را افزایش داد.
- طبق ارزیابی آنکتاد در گزارش سرمایه گذاری جهانی سال ۲۰۰۵، سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی ترکیه که در سال ۱۹۹۰، ۱۱۱۹۴ میلیون دلار بود، از ۱۹۲۰۹ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به ۳۵۱۸۸ میلیون در سال ۲۰۰۴ افزایش یافت.
- از ۲۵ سال قبل تاکنون، در حال حاضر ترکیه مناسب ترین وضعیت را به عنوان کشور میزبان FDI دارد.

۲۰۰۳ تاکنون

- پیروزی حزب AK در انتخابات در نوامبر ۲۰۰۲ نشانه پیشرفت مهمی در محیط FDI بود، نخست از طریق به وجود آوردن ثبات سیاسی و دوم از طریق فراهم نمودن یک موضع اداری شفاف، موافق سرمایه گذاری مستقیم خارجی که در گذشته وجود نداشت.
 - برنامه حزب AK به طور آشکار موافق سرمایه گذاری مستقیم خارجی است و دولت آن حزب اهمیت FDI به عنوان عاملی اساسی در توسعه اقتصادی ترکیه را به رسمیت می شناسد.
 - دولت حزب AK در جریان اقداماتش نشان داده است که موضع آن در طرفداری از FDI فقط تئوریک نیست تا صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را خشنود سازد.
 - به محض سرکار آمدن دولت، هیأت هماهنگ کننده برای بهسازی محیط سرمایه گذاری را به رسمیت شناخت و اصول عملی آن را تکرار کرد.
 - دولت حزب AK همچنین بیشترین ثبات اقتصادی مورد نیاز با نرخ های بالاتری از رشد واقعی و کاهش سریع تورم را تامین کرد.
 - وضع قانون ۴۸۷۵ در ژوئن ۲۰۰۳ برای جایگزینی قانون ۶۲۲۴ گام قاطعی به جلو بود.
 - قانون ۴۸۷۵ برای سرمایه گذاری های مستقیم خارجی:
- سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بر اساس رویه متداول بین المللی تعریف می کند.

- سیستم قدیمی تصویبی و نظارتی FDI را با سیستمی اعلامی و ثبتی جایگزین می کند.
- ملی سازی بدون پرداخت غرامت را ممنوع می سازد.
- رفتار ملی با سرمایه گذاران خارجی را تضمین می کند.
- سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در هیچ بخشی محدود نمی کند.
- هیچ گونه الزامات اجرایی را تحمیل نمی کند.
- محدودیت قدیمی حداقل سرمایه را برای پروژه های جدید FDI حذف می کند.
- به سرمایه گذاران خارجی قابلیت تسعیر کامل را در انتقال سرمایه و درآمدهایشان اعطا می کند.
- به سرمایه گذاران خارجی اجازه می دهد بدون محدودیت اموال را تملک نمایند.
- حق سرمایه گذاران خارجی را برای استفاده از داروی بین المللی به رسمیت می شناسد.
- عدم توافق بر سر ایجاد یک آژانس ارتقای سرمایه گذاری جداگانه خارج از معاونت خزانه داری، به توصیه سرویس مشورتی سرمایه گذاری خارجی، نگران کننده بوده است.
- باید متوجه شد که آیا معاونت خزانه داری که بر اساس قانون ۴۸۷۵ مسؤل جمع آوری و ارزیابی آمارهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی نیز هست، می تواند به نحو موثری به عنوان آژانس ارتقای سرمایه گذاری ترکیه عمل کند .
- در عین حال حتی بدون هیچ گونه ارتقای FDI توسط یک آژانس ارتقای سرمایه گذاری در خارج از خزانه داری، در سه سال اخیر، سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی، به واقع افزایش یافته است.
- شتاب خصوصی سازی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی فراوانی را جذب کرده است.

بند دوم – مراحل اخذ مجوز

بعد از تصویب قانون سرمایه گذاری مستقیم خارجی و اصلاح قانون تجارت، تشریفات ثبت و تأسیس شرکت ها تا حد زیادی آسان شده است. رویه های پیچیده و وقت گیر هم برای سرمایه گذاران داخلی و هم خارجی حذف شده است.

ثبت شرکت

ثبت شرکت مستلزم طی مراحل زیر خواهد بود:

الف - تسلیم مدارک زیر به اداره ثبت تجاری^{۱۵} :

- اساسنامه تصدیق شده توسط دفتر اسناد رسمی
- رسید بانکی دال بر پرداخت سهم از سرمایه، در صورتی که سرمایه هنگام تأسیس توسط سهامداران تقبل شده باشد.
- رسید بانکی دال بر پرداخت ۴ درصد از ۱۰,۰۰۰ تعهد سرمایه به « صندوق حمایت از رقابت »
- گواهی امضا و کپی گذرنامه‌های اشخاص مجاز به نمایندگی و متعهد نمودن شرکت (کپی‌های شناسنامه و گواهی اقامت برای شهروندان ترک)
- عکس و کپی گذرنامه‌های سهامداران حقیقی شرکت

ب - ثبت در اداره مالیات^{۱۶}

تقاضانامه‌ای نیز باید به اداره مالیات مکانی که دفتر مرکزی شرکت در آن جا واقع است، در روز ثبت یا روز قبل از آن تقدیم شود. پس از آن یک شماره ثبت مالیاتی داده شده و دفاتر قانونی و امضاها توسط دفتر اسناد رسمی گواهی خواهد شد. امضای گواهی شده باید به اداره مالیات تسلیم گردد. پس از طی این مراحل که حدود ۲ تا ۳ روز طول می‌کشد، تشریفات ثبت کامل شده و شرکت می‌تواند فعالیتش را آغاز نماید.

ج - تقدیم تقاضانامه به اداره کل سرمایه‌گذاری خارجی^{۱۷}

بعد از تکمیل تشریفات ثبت، تقاضانامه‌ای نیز باید به اداره کل سرمایه‌گذاری خارجی ارائه شود.

ثبت شعبه

الف - تقدیم تقاضانامه به وزارت صنعت و بازرگانی^{۱۸}

مصوبه هیأت مدیره پیرامون تأسیس شعبه باید به وزارت صنعت و بازرگانی تقدیم شود.

ب- ثبت در دفتر ثبت تجاری^{۱۹} و اعلان

مدارک زیر باید به اداره ثبت تجاری ارائه شود:

- مصوبه هیأت مدیره پیرامون تأسیس شعبه در ترکیه

^{۱۵} - Trade Registry Office

^{۱۶} - Tax Office

^{۱۷} - General Directorate of Foreign Investment

^{۱۸} - Ministry of Industry and Commerce

^{۱۹} - Trade Registry

- گواهی امضا و کپی گذرنامه شخص مجاز به نمایندگی و متعهد نمودن شرکت (کپی شناسنامه و گواهی اقامت برای شهروندان ترک)

- وکالت نامه که به عنوان حق امضای اعطا شده به نمایندگی مجاز در ترکیه عمل خواهد کرد.

- سندی از اتاق بازرگانی شرکت مادر

ج - ثبت در اداره مالیات

د - تقدیم تقاضانامه به اداره کل سرمایه‌گذاری خارجی

ثبت اداره رابط / نمایندگی

تشریفات ثبت ادارات رابط به شرح زیر است:

الف - تقدیم تقاضانامه به اداره کل سرمایه‌گذاری خارجی برای صدور مجوز

تقاضانامه فوق باید با مدارک زیر همراه شود :

- نسخه اصلی « گواهی فعالیت »

- گزارش فعالیت یا ترازنامه و صورت درآمد شرکت اصلی

- نسخه اصلی اجازه نامه صادره به نام شخصی که برای مدیریت اداره رابط منصوب شده است.

- نسخه اصلی وکالت نامه در موردی که شخص دیگری فعالیت های مالی مربوط به تأسیس اداره رابط را انجام

خواهد داد.

ب - تقدیم تقاضا نامه ثبت به اداره مالیات محلی و ارسال رونوشت سند ثبت صادره توسط اداره مالیات به اداره کل

سرمایه‌گذاری خارجی حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ دریافت مجوز تأسیس

گفتار دوم - قانون سرمایه گذاری مستقیم خارجی

قانون سرمایه گذاری مستقیم خارجی (قانون شماره ۴۸۷۵) در سال ۲۰۰۳ به تصویب پارلمان ترکیه رسید. این قانون شامل ۷ ماده است. مفاد قانون یاد شده به شرح زیر می باشد :

هدف و قلمرو

ماده ۱ : هدف این قانون تشویق سرمایه گذاری های مستقیم خارجی ، حمایت از حقوق سرمایه گذاران خارجی، تعریف سرمایه گذاری و سرمایه گذار بر اساس استانداردهای بین المللی ، تبدیل سیستم گزینشی و تصویبی کنونی به یک سیستم اعلامی برای سرمایه گذاری های مستقیم خارجی و بنابراین قانونمند سازی اصول با هدف افزایش سرمایه گذاری های مستقیم خارجی به واسطه سیاست های پایدار است. این قانون شامل رفتارهایی است که باید در مورد سرمایه گذاری های مستقیم خارجی اعمال شود.

تعاریف

ماده ۲ : اصطلاحات مورد استفاده در این قانون معانی زیر را خواهند داشت:

20: الف) سرمایه گذار خارجی

۱- اشخاص حقیقی مقیم در خارج که دارای تابعیت خارجی هستند و شهروندان ترک مقیم در خارج و

۲- اشخاص حقوقی خارجی که بر اساس قوانین کشورهای خارجی تأسیس شده اند و موسسات بین المللی که در ترکیه سرمایه گذاری مستقیم خارجی انجام می دهند.

21: ب) سرمایه گذاری مستقیم خارجی

- سرمایه نقدی به شکل ارز قابل تبدیل خریداری شده و فروخته شده توسط بانک مرکزی ترکیه

- سهام و اوراق قرضه (به جز اوراق قرضه خزانه) و سایر اشکال سرمایه در قالب سهم داشتن در شرکت ها

- ماشین آلات و تجهیزات

- مالکیت های صنعتی و فکری که در خارج به دست آمده اند

20 - Foreign Investor

21 - Foreign Direct Investment

- تأسیس یک شرکت یا شعبه جدید

- مشارکت در یک شرکت موجود ، خواه از طریق تحصیل سهم (به استثنای معاوضه سهام) و خواه از طریق تحصیل حداقل ۱۰٪ سهم یا میزان معادل آن از حق رأی به واسطه معاوضه سهام

- عواید حاصل از سرمایه گذاری مجدد ، مطالبات مالی یا هر حق دیگر مرتبط به سرمایه گذاری که دارای ارزش مالی باشد و

- حقوق تجارتي ناظر بر بهره برداری و استحصال منابع طبیعی که در ترکیه توسط سرمایه گذاران خارجی به دست می آیند.

ج (معاونت : معاونت خزانه داری

اصول سرمایه گذاری های مستقیم خارجی

ماده ۳ : اصول سرمایه گذاری مستقیم خارجی عبارتند از:

(الف) آزادی سرمایه گذاری و اصل رفتار ملی: به جز فرض وجود موافقت نامه های بین المللی یا مقررات قانونی خاص مغایر،

۱- سرمایه گذاران بین المللی آزادند سرمایه گذاری مستقیم را در ترکیه انجام دهند.

۲- سرمایه گذاران بین المللی و ترک مشمول رفتاریکسان هستند.

(ب) مصادره و ملی سازی : بر اساس قانون حاضر ، سرمایه گذاری های مستقیم خارجی نمی توانند مصادره یا ملی شوند، به جز برای یک هدف عمومی فوری و همراه با جبران خسارت مناسب و موثر

(ج) انتقال ها : سرمایه گذاران خارجی می توانند آزادانه از طریق بانک ها یا موسسات مالی خاص منافع، سود سهام و عایدات ناشی از فروش یا نقد کردن تمام یا هر بخشی از یک سرمایه گذاری به علاوه پرداخت های تحت لیسانس ، موافقت نامه های مدیریت ، موافقت نامه های مساعدت فنی و بازپرداخت اصل و بهره اعتبار خارجی را به خارج منتقل کنند.

(د) تملک یک مال غیر منقول

سرمایه گذاران خارجی می توانند در راستای اهداف عملی مقرر در اساسنامه ، آزادانه اموال غیر منقول را تحصیل نمایند یا حقوق محدود اقامه دعوی در مورد عین مال توسط یک شخص حقوقی تشکیل شده بر اساس قانون ترکیه را داشته

باشند. سرمایه گذاران خارجی فقط در موردی که شهروندان ترک حق تملک مال غیر منقول را دارند می توانند یک مال غیر منقول را تملک نمایند.

(ه) حل اختلاف

برای حل اختلافات ناشی از قراردادهای سرمایه گذاری موضوع حقوق بین الملل خصوصی و اختلافات ناشی از مقررات خدمات عمومی انحصاری و قراردادهای امتیاز منعقد بین سرمایه گذاران خارجی و دولت ترکیه، علاوه بر دادگاه محلی صلاحیت دار، طرفین می توانند داوری ملی یا بین المللی یا سایر ابزارهای حل اختلاف را درخواست نمایند، مشروط بر این که شرایط مقرر در آیین نامه های مربوطه رعایت شده و طرفین نیز بر آن توافق داشته باشند.

(و) ارزیابی سرمایه غیر نقدی

سرمایه غیر نقدی بر اساس مقررات قانون تجارت ترکیه ارزیابی می شود. در عین حال سهام شرکت های مقیم در خارج به عنوان سهم سرمایه ای شخصیت های حقوقی خارجی پذیرفته خواهد شد و بهای تعیین شده توسط دادگاه های کشور مبدأ یا سایر مقامات مربوطه در کشور مبدأ یا ارزیابی های هر آژانس بین المللی رتبه بندی اعتبار دیگر به هنگام اضافه شدن به شرکت ترک به عنوان سرمایه غیر نقدی پذیرفته خواهد شد.

(ز) استخدام خارجیان

مجوزهای کار پرسنل خارجی که باید در شرکت ها، شعبات و موسسات تأسیس شده در چهارچوب این قانون استخدام شوند، توسط وزارت کار و امنیت اجتماعی صادر می شود.

سایر اصول و تشریفات خاصی که مشخص خواهند کرد کدام شرکت ها و سازمان های سرمایه گذار خارجی مفروض است که در قلمرو اعمال این قانون قرار می گیرند و تعیین پرسنل کلیدی خارجی که باید استخدام شوند و مجوزهای کاری آن ها به وسیله دستورالعملی که باید به صورت مشترک توسط معاونت خزانه داری و وزارت کار و امنیت اجتماعی بر اساس مفاد ماده ۲۳ قانون ۴۸۱۷ مورخ ۲۷ فوریه ۲۰۰۳ ناظر بر مجوزهای کاری برای پرسنل خارجی تهیه شود، قانونمند خواهد شد.

مفاد تصریح شده در بند ب پاراگراف ۱ ماده ۱۴ قانون ۴۸۱۷ در مورد پرسنل خارجی که باید در چهارچوب این قانون استخدام شوند، قابل اعمال نخواهد بود. شرایطی که مفاد تصریح شده در پاراگراف ۱ ماده ۱۳ قانون ۴۸۱۷ بر اساس آن ها در مورد پرسنل کلیدی استخدام شده خارجی اعمال خواهد گردید، در دستورالعملی که باید تهیه شود مشخص خواهد شد.

(ح) ادارات رابط

معاونت خزانه داری می تواند به شرکت های خارجی تأسیس شده بر اساس قوانین کشور های خارجی اجازه دهد ادارات رابط دایر نمایند، مشروط بر این که ادارات مذکور در ترکیه به هیچ فعالیت های تجاری دیگری دست نزنند.

تعیین سیاست ها و تقاضاهای اطلاعاتی

ماده ۴ : با در نظر گرفتن برنامه های توسعه ، برنامه های سالانه ، وضعیت کلی اقتصادی کشور ، گرایش ها به سرمایه گذاری های بین المللی و نظرات مؤسسات عمومی مرتبط و سازمان های حرفه ای بخش خصوصی ، معاونت خزانه داری می تواند چهارچوب کلی سیاست های مربوط به سرمایه گذاری های خارجی را با مد نظر قرار دادن شرایط کلی اقتصادی ، برنامه های سالانه رفاه و اهداف آن به علاوه تمایلات در حال شکل گیری در سطح بین المللی نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی بین المللی تعیین نماید. موافقت معاونت خزانه داری برای هر گونه اصلاحی که باید در قوانین و آیین نامه های در حال اجرای مربوط به سرمایه گذاری های مستقیم خارجی و برای هر پیش نویس به آن باید انجام گیرد ، ضروری است .

به منظور ایجاد و توسعه یک سیستم اطلاعاتی مربوط به سرمایه گذاری های خارجی ، معاونت خزانه داری می تواند از تمام مؤسسات عمومی و سازمان های حرفه ای بخش خصوصی درخواست اطلاعات آماری مربوط به سرمایه گذاری ها را نماید.

سرمایه گذاران خارجی اطلاعات آماری مربوط به سرمایه گذاری های خود را بر اساس تشریفات و اصول تعیین شده در دستورالعملی که باید توسط معاونت خزانه داری تهیه شود، به آن معاونت ارائه خواهند کرد. این اطلاعات نمی توانند جز برای اهداف آماری، به عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرند.

مقررات متفرقه

ماده ۵ :

(الف)

تمام شرکت های تأسیس شده بر اساس قانون شماره ۶۲۲۴ مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۵۴ با حفظ حقوق مکتسبه مشمول این قانون خواهند بود.

(ب) دستورالعمل

تشریفات عملی این قانون از طریق دستورالعملی که باید توسط معاونت خزانه داری ظرف یک ماه از انتشار این قانون آماده شود ، تنظیم خواهد شد.

ج) مقررات جایگزین

قانون تشویق سرمایه خارجی با شماره ۶۲۲۴ مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۵۴ نسخ می شود. هر ارجاع انجام گرفته به قانون شماره ۶۲۲۴ در این قوانین و آیین نامه ها فرض می شود که به این قانون انجام گرفته است.

د) اصلاحات در مقررات قانون حاضر فقط باید از طریق مقررات منضم به این قانون یا از طریق تجدیدنظرهای مؤثر بر آن، تنظیم شود.

ماده ۱ موقت – مقررات تصویب نامه ها ، ابلاغیه ها و بخش نامه هایی که در عمل در انطباق با این قانون هستند، تا مقررات جدیدی که اجرای این قانون را نظام مند کنند به مرحله اجرا درآیند ، مجری باقی خواهند ماند.

لازم الاجرا شدن

ماده ۶ : این قانون از تاریخ انتشار آن به اجرا در خواهد آمد.

اجرا

ماده ۷ : مقررات این قانون توسط هیأت وزیران به اجرا در خواهد آمد.

فصل پنجم - حمایت از سرمایه گذاری خارجی در چین^{۲۲}

چین سومین دریافت کننده سرمایه گذاری خارجی، بعد از ایالات متحده آمریکا و انگلیس از نظر ارزش میانگین ورودی سرمایه گذاری خارجی در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ در دنیا است. در سال ۲۰۰۶ سرمایه گذاری خارجی چین بالغ بر ۲۹۲/۶ میلیارد دلار بوده و افزایش ۵۱٪ از سال ۲۰۰۰ داشته است.

سرمایه گذاری سهام در چین نسبت به تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۱/۱٪ در سال ۲۰۰۶ بوده است.

چین در خصوص سرمایه گذاری، قوانین متعددی را به تصویب رسانده است که هر کدام از آن ها در مورد موضوع خاصی اعمال می شوند. این قوانین عبارتند از :

- ۱- قانون جمهوری خلق چین در خصوص بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی
- ۲- قانون جمهوری خلق چین در مورد سرمایه گذاری مشترک سهامی طرفین خارجی - چینی
- ۳- قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی جمهوری خلق چین

گفتار اول - تاریخچه حمایت و مراحل اخذ مجوز

بند اول - تاریخچه حمایت

در بیش از چند دهه گذشته، اقتصاد چین که از یک نظام برنامه ریزی شده مرکزی بر روی تجارت بین المللی استوار بود به سوی نظام بازار محور حرکت کرده است. از سال ۱۹۷۸ تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۰۰۰ درصد افزایش داشته است. طبق نظر مقامات رسمی دولت ایالات متحده، بهبود مقررات سرمایه گذاری چین همگام با توسعه بازار هایش نبوده است و پیچیدگی فرایند بررسی سرمایه گذاری خارجی آثاری از گذشته چین با اقتصاد برنامه ریزی شده ای را

²² -United states Government Accountability Office(GAO),Foreign Investment Laws and Policies, Regulating Foreign Investment in 10 Countries ,Feburary 2008.

منعکس می کند. از آغاز دوره اصلاحات اقتصادی، چین بررسی سرمایه ورودی را به منظور تضمین پروژه های پیشنهادی و تطابق باسیاست های صنعتی و منافع ملی اش ادامه داده است. سرمایه گذاری خارجی در چین به شکل سرمایه گذاری مشترک سهامی در بخش تولید صنعتی شروع شد و طبق نظر مقامات رسمی صنعتی به میزانی پیشرفت کرده که خارجی ها می توانند شرکت های چینی را ادغام یا به تملک خود درآورند.

در طول دهه ۱۹۵۰ منبع اصلی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین اتحاد جماهیر شوروی بود. از سال ۱۹۷۸ چین در های خود را به سوی جهان باز کرد. سال ۱۹۷۸ شاهد حرکت چین از استراتژی های متکی بر خود (که از زمان مائو شروع شده بود) به یک برنامه چشمگیر برای اصلاح نظام اقتصادی بود. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین از سال ۱۹۷۸ به سطح مطلوبی رسید و سهم مناسبی را در توسعه اقتصادی چین دارا شد.

توسعه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین را می توان به ۵ مرحله تقسیم کرد :

۱- مرحله تجربه (۱۹۸۳-۱۹۷۹)

دولت چین با رویکردی تجربه گرایانه آغاز کرد. ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی به چین به شیوه گام به گام اجازه داده می شد. ۴ منطقه ویژه اقتصادی ایجاد شده بود. این مناطق برای جذب و استفاده از سرمایه گذاری مستقیم خارجی طراحی شده بوده و در جذب سرمایه گذاری بسیار موفق بودند. در همین زمان چین در حال تلاش برای اصلاح نظام قانونی اش بود. قانون سرمایه گذاری مشترک سهامی در سال ۱۹۷۹ تصویب شد. قانون مذکور حقوق و منافع سرمایه گذاران خارجی را تضمین می کرد.

۲- مرحله رشد (۱۹۹۱-۱۹۸۴)

در مرحله قبلی معایبی در مدیریت سرمایه گذاری خارجی وجود داشت. تا سال ۱۹۸۲ چین انجام سرمایه گذاری در خارج از مناطق ویژه را به سختی محدود می کرد. قوانین و مقررات، مالکیت خارجیان و فروش داخلی محصولات آن ها را محدود می کردند. فرآیند اخذ مجوز طولانی بود. این فرآیند در فاصله سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ به تدریج تسهیل شد.

در مرحله رشد، قوانینی از جمله قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی و قانون ناظر بر بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی به تصویب رسیدند.

در سال ۱۹۸۴ دولت چین تصمیمش را برای اصلاح ساختار اقتصادی اعلام کرد. همچنین تحت تأثیر موفقیت مناطق ویژه اقتصادی، دولت چین گام دیگری را به منظور ایجاد امکان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مناطقی به غیر از مناطق ویژه برداشت.

مجموعه ای از قوانین و مقررات دیگر نیز به تصویب رسیدند که محدودیت های موجود بر سر راه ارتقای سرمایه گذاری مستقیم خارجی را از بین بردند. در این مرحله همچنین بهره مندی از مدیریت خارجی در بنگاه های مورد سرمایه گذاری اجازه داده شد.

۳- مرحله اوج (۱۹۹۲ - ۱۹۹۳)

در این مرحله شاهد ظهور شانگهای به عنوان مرکز اقتصادی چین هستیم. دولت چین می خواست شانگهای را به قطب بین المللی اقتصاد و تجارت تبدیل کند. همچنین دولت قصد داشت سیاست های جدید و اعمال رویه های موفق در شانگهای و کل کشور را تجربه کند. بنگاه هایی با تکنولوژی برتر و تولید کنندگان و شرکت های مالی تشویق شدند که فعالیت هایشان را در چین آغاز کنند.

با اجرای چهارچوب جدید برای بازکردن بیش تر اقتصاد ، دولت چین تلاش زیادی را برای تشویق بنگاه های سرمایه گذار خارجی با تکنولوژی پیشرفته نشان داد. بخش های جدیدی بر روی سرمایه گذاران خارجی باز شد. در همان زمان تشریفات دولتی مربوط به اخذ مجوز نیز تسهیل گردید.

سال ۱۹۹۲ شاهد رقابت قابل توجهی در نرخ سرمایه گذاری مستقیم خارجی بود. مجموعه ای از قوانین و مقررات مرتبط در طول سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ تصویب شدند. این اقدامات موجب افزایش ۳۸۵ درصدی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۹۹۲ گردید.

۴- مرحله انتقالی (۱۹۹۴ - ۲۰۰۰)

از سال ۱۹۹۴ رشد نرخ سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین کاهش یافت و به سمت یک وضعیت ثابت پیش رفت. دولت چین هدایت سرمایه گذاری خارجی به سوی اهدافش در راستای توسعه اقتصادی را آغاز کرد. بنگاه ها در صنایع مختلف مشمول رفتارهای ترجیحی متفاوتی قرار گرفتند و پروژه های سرمایه گذاری به ۴ نوع تقسیم شدند : تشویق شده ، محدود شده ، ممنوع شده و اجازه داده شده .

۵ - مرحله بعد از سازمان جهانی تجارت (از ۲۰۰۱ تا کنون)

در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۱ چین به عضویت سازمان جهانی تجارت درآمد . به محض الحاق ، چین اجرای تعهداتش مانند اصل عدم تبعیض را آغاز کرد. چین از امتیازات ناشی از عضویت در WTO نیز بهره مند شد. این رویداد تاریخی بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز تأثیر قابل ملاحظه ای داشت.

الحاق به سازمان جهانی تجارت انگیزه بیش تری را برای جذب سرمایه گذاری صادرات محور و فرصت اصلاحات اقتصادی بیش تر و بازسازی چهارچوب قانونی اش را به وجود آورد. این امر موجب ارتقای نظام تجاری چین شد و به

جذب بیش تر سرمایه گذاری خارجی کمک کرد. در طول سال ها چین به تدریج تعرفه های صنعتی خود را در طیف وسیعی از حوزه ها و بخش ها کاهش داد.

مؤسسات دولتی چینی متعددی به بررسی سرمایه گذاری در چین مشغولند که عبارتند از:

۱- شورای دولتی

شورای دولتی مرجع اداری و اجرایی دولت چین است. اعضایش را نخست وزیر به عنوان رییس دولت، تعداد متغیری از مشاوران نخست وزیر، ۲۲ وزیر و ۴ نفر از رؤسای کمیسیون شورای دولت تشکیل می دهند.

۲- کمیسیون اصلاح و توسعه ملی^{۲۳}

این کمیسیون بازوی برنامه ریزی سیاست های اقتصادی شورای دولت است برطبق نظر مقامات رسمی و صنعتی ایالات متحده، یک موسسه مدیریتی کلان اقتصادی است که کنترل برنامه ریزی گسترده ای را روی صنایع سنگین به عهده دارد. به گفته این مقامات رسمی، کمیسیون اصلاح و توسعه ملی به شدت درگیر بررسی معاملات مربوط به سرمایه گذاری خارجی است.

۳- وزارت بازرگانی^{۲۴}

وزارت بازرگانی تحت نظارت شورای دولت است و نیز مسئول مدیریت روابط اقتصادی خارجی چین می باشد. وظیفه آن شامل تنظیم سیاست های تجاری، قانونمند نمودن شرکت خارجیان در بازارها، اجرای سهمیه بندی واردات و صادرات تجاری، اجرای سیاست های همکاری اقتصادی و تجاری و راهنمایی نمودن در زمینه سرمایه گذاری خارجی است.

۴- کمیسیون اداره و نظارت اموال تحت تملک دولت^{۲۵}

کمیسیونی است که تحت نظارت شورای دولت، منافع مالکیت دولت مرکزی را در ۱۵۹ بنگاه تحت تملک دولت اعلام می دارد. به طوری که قسمتی از وظایفش: اصلاح عملکرد بنگاه های تحت تملک دولت، پیش نویس قوانین و مقررات مدیریتی این بنگاه ها و نظارت بر حفظ ارزش این بنگاه هاست.

²³ - National Development and Reform Commission (NDRC)

²⁴ - Ministry of Commerce (MOFCOM)

²⁵ - State – owned Assets Supervision and Administration Commission(SASAC)

۵- اداره کل صنعت و تجارت دولتی^{۲۶}

اداره کل صنعت و تجارت، یکی از وزارتخانه های شورای دولت است که مسئول نظارت بر رقابت بازار، بررسی تجارت غیرقانونی، تنظیم اجرای قرارداد و مدیریت و کنترل ثبت علائم تجاری است.

قوانین و سیاست های سرمایه گذاری خارجی

طبق نظر مقامات رسمی چینی، نظام قوانین مدون براساس سطوحشان به چند دسته متفاوت تقسیم می شوند. قوانین چین به شکل کلی و عام می باشند و در بالاترین سطح از نظر تقسیم بندی قرار دارند. این قوانین توسط قوه مقننه، کنگره ملی خلق چین در اجلاس سالانه در پکن به تصویب می رسند. در سطح بعدی، آیین نامه ها قرار دارند که توسط وزارتخانه ای به طور جداگانه منتشر می گردند و هدفشان تفسیر و توصیف قوانین است و در آخر نظریه های راهبردی^{۲۷} قرار دارند که طبق نظر مقامات رسمی چین، الزام آور نیستند و از آنها به عنوان اسناد برنامه ریزی استفاده می شود گرچه از نقطه نظر یکی از مقامات رسمی آمریکا، فرض می شود که این اسناد بار حقوقی دارند. بر طبق نظر مقامات رسمی چینی، از آنجایی که قوانین چین عام و کلی می باشند، آیین نامه ها و نظریه های راهبردی، ماهیت واقعی نظام حقوقی چین را نشان می دهند.

- در سال ۲۰۰۶، چین تصویب قوانین و آیین نامه هایی را آغاز کرد که فرایندی را برای بررسی و مسدود نمودن بالقوه اموال خارجی که با منافع ملی چین مغایرت دارد، تشریح می کرد.

طبق نظر مقامات رسمی چین، دو مورد از آیین نامه ها، چهارچوب اولیه ای را جهت بررسی سرمایه گذاری خارجی چین مهیا می سازد. مورد اول - مقررات سال ۲۰۰۶ است که در مورد ادغام و تملک بنگاه ها، توسط سرمایه گذاران خارجی می باشد (آیین نامه سال ۲۰۰۶) که مهمترین قواعد مربوط به مدیریت سرمایه گذاری خارجی محسوب می شوند. براساس سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، این آیین نامه ها، چین را به قواعد بین المللی در زمینه سرمایه گذاری خارجی و افزایش شفاف سازی قانونی نزدیک تر می کند.

بر اساس آئین نامه سال ۲۰۰۶، چنانچه سرمایه گذاری خارجی بر موارد ذیل اثر داشته باشد، تایید دولت الزامی است:

چنانچه:

- برامنیت اقتصاد ملی تاثیر بگذارد.
- صنایع مهم را درگیر نماید.
- منتج به انتقال علامت تجاری معروف یا برند سنتی چینی گردد.

²⁶ - State Administration for Industry and Commerce (SAIC)

²⁷ - guiding opinions

- اگر سرمایه‌گذاران خارجی در گرفتن تاییدیه کوتاهی کنند، دولت چین این صلاحیت قانونی را دارد که چنانچه مورد سرمایه‌گذاری، تاثیر مهمی را بر امنیت اقتصادی چین بگذارد مالکیت آن را به زور از سرمایه‌گذار خارجی سلب کند.

مورد دوم - دفترچه ای است که برای راهنمایی سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع چین منتشر شده و سرمایه‌گذاری را در بخش‌های ویژه ای محدود می‌سازد. این دفترچه، توسط کمیسیون اصلاح و توسعه ملی^{۲۸} NDRC تجدید نظر و در نوامبر ۲۰۰۷ منتشر شد. برطبق نظر مقامات رسمی چینی این دفترچه منعکس کننده سیاست‌های صنعتی در کشور چین است و به عنوان یک راهنما برای سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته شده است. این راهنما بخش‌های صنعتی را به یکی از این ۳ مورد تقسیم می‌کند:

۱- تشویق شده ۲- محدود شده ۳- ممنوع شده. سرمایه‌گذاری در بخشهایی که در این دفترچه ذکر نشده، بالطبع موجه است.

بر طبق بیانیه ای که دولت آمریکا در مورد شرایط سرمایه‌گذاری در کشور چین منتشر نموده، سرمایه‌گذاری خارجی را در بخش‌هایی که به نظر دولت چین نقش کلیدی به لحاظ امنیت ملی دارد، ممنوع کرده است. اگر چه در این دفترچه تعریف دقیقی از امنیت ملی نشده و به دلایل ذکر شده، سرمایه‌گذاری را منع نکرده، ولی واضح است که بعضی از صنایع در این دسته قرار می‌گیرند، نظیر اسلحه و مهمات سازی، استخراج معدن، فرایندهای مربوط به مواد رادیواکتیو و فلزات کانی کمیاب و شبکه‌های قدرت. در تعریف جامع تری که از امنیت ملی به عمل آمده، بخش‌های دیگری نظیر صنعت فیلم سازی و تلویزیون، چاپ کتاب و محصولات رسانه ای دیگر. از بخش‌های دیگری که در این لیست قرار می‌گیرند و به امنیت ملی ارتباطی ندارند ولی جزو بخش‌های ممنوع شده قرار می‌گیرند می‌توان به فرایند تهیه انواع چای چینی، تهیه داروهای سنتی چینی، تولید محصولات لعبی و کاغذ چینی اشاره نمود.

طبق نظر مقامات رسمی دولت چین و آمریکا، سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌هایی مورد تشویق قرار می‌گیرند که فناوری پیشرفته ای را برای کشور چین به ارمغان آورند و بتوانند برای آینده اقتصاد چین مفید واقع شوند. به علاوه بر طبق نظر مقامات وزارت خارجه آمریکا و نمایندگان صنعتی، کشور چین قصد دارد سرمایه‌گذاری خارجی اش را در بخش‌هایی که اهمیت استراتژیک دارد یا برای امنیت اقتصادی ایجاد حساسیت می‌کند، محدود و ممنوع سازد.

قوانین و سیاست‌های اضافه شده در سرمایه‌گذاری خارجی

قوانین، آیین‌نامه‌ها و نظریات دیگری نیز هستند که سرمایه‌گذاری خارجی را تنظیم می‌نمایند. ولی تنها قانون ضد انحصار است که به روشنی در جهت امنیت ملی عمل می‌نماید.

^{۲۸}- National Development and Reform Commission.

- نظریات شورای دولت مبنی بر احیای صنایع ماشین آلات صنعتی: پیشنهاد می دهد که سازندگان بزرگ تجهیزات کلیدی اصلی، زمان انتقال سهام کنترل شده به سرمایه گذاران خارجی، تأییدیه دولت را اخذ نمایند. همچنین ضروری است که چنین سهام بازار شرکت های داخلی اش در ۱۶ زمینه ساخت تجهیزات گسترش دهد.

- نظریه های راهبردی در مورد پیشرفت تنظیمات سرمایه دولت و بازسازی بنگاه های تحت تملک دولت: نام ۷ بخش را که دولت اعتقاد دارد از نظر اقتصاد ملی اهمیت دارد، فهرست وار ذکر نموده که آنها عبارتند از: ۱- دفاع ۲- تولید و توزیع قدرت ۳- نفت و پتروشیمی ۴- مخابرات ۵- ذغال سنگ ۶- هوانوردی ۷- کشتیرانی

قانون ضد انحصار:

این قانون در آگوست سال ۲۰۰۷ به تصویب رسیده و یکسال بعد از آن لازم الاجرا شده است. این قانون به بررسی ضد انحصاری، ادغام ها و تملک های داخلی و خارجی می پردازد و همچنین دولت را موظف می سازد که مراحل را برای بازبینی سرمایه گذاری ورودی از نظر امنیت ملی ایجاد نماید. از ژانویه ۲۰۰۸ تاکنون آیین نامه های اجرایی این قانون منتشر نشده است.

سه قانون راهنمای فراگیر سرمایه گذاری خارجی

الف - قانون سرمایه گذاری مشترک سهامی (Equity joint venture law)

ب- سرمایه گذاری مشترک قراردادی

(The Foreign Contractor Joint Venture law)

ج- قانون تاسیس بنگاه با سرمایه خارجی

اگرچه قوانین چینی بسیار کلی اند ولی آیین نامه های اجرایی که پیوست هر یک از این قوانین می آیند از اهمیت بیشتری برای درک کنترل های سرمایه گذاری خارجی برخوردارند.

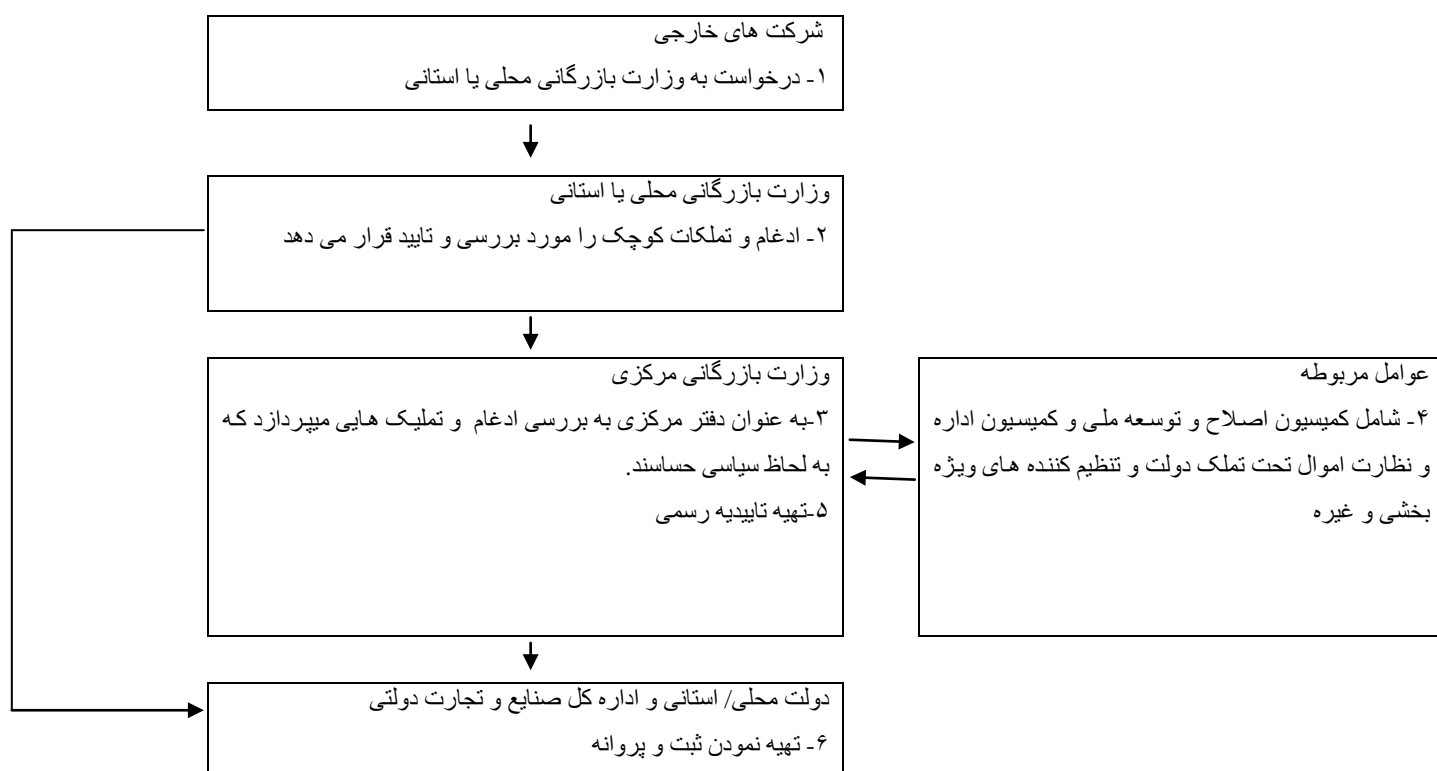
- طبق نظر مقامات رسمی چین، کشور چین قوانین دیگری در زمینه صنعت و بخشهای خاص، برای کنترل سرمایه گذاری خارجی دارد؛ به عنوان مثال در مخابرات و خدمات مالی. به طور کلی چین بیش از ۲۰۰ قانون و آیین نامه در زمینه سرمایه گذاری خارجی دارد.

بند دوم - مراحل اخذ مجوز

کشور چین یک فرایند صوری برای بررسی همه ادغام ها و تملک های خارجی دارد. استانداردهایی که چین برای راهبری بررسی های سرمایه گذاری خارجی استفاده می کند، پیچیده است و نظامی که حاصل شده، به وضوح مشخص نیست. گرچه روشن است که علاوه بر ملاحظات امنیت ملی، یک ارزیابی دیگری اضافه شده است و آن این است که آیا سرمایه گذاری مورد نظر با برنامه توسعه اقتصادی چین مطابقت دارد یا نه؟ عوامل مختلفی وجود دارد که مراحل بررسی سرمایه گذاری خارجی چین را به طور عملی غیر قابل پیش بینی می کند. عواملی که روی فرایند بررسی اثر می گذارند عبارتند از: (۱) شرکت های رقیب که توجه منفی عموم را باعث می شوند و ممکن است مقامات مربوطه را نیز تحت تاثیر قرار دهند. (۲) درگیری های بروکراسی (۳) اختلاف نظر در اولویت های طرح ها در بین سطوح محلی و مرکزی دولت چین که به انگیزه های آنها برای تایید سرمایه گذاری خارجی مربوط می گردد. (۴) تقویم سیاسی چین (۵) ابهامات قانونی و شفاف نبودن مراحل کار. تمام این فاکتورها می توانند در نتیجه یک بررسی خاص یا معین تاثیر بگذارند و در نتیجه مراحل درخواست برای سرمایه گذاران قابل پیش بینی نخواهد بود. به علاوه آیین نامه های سرمایه گذاری خارجی چین در مراحل انتقال مفاهیم پیچیده اند و عدم تعاریف کافی برای شروط کلیدی مراحل بررسی آن را مبهم می سازد.

طبق نظر مقامات چین تنها یک فرایند بررسی وجود دارد که با واقعیت های بسیاری همراه است و تمام عملیات باید از طریق وزارت بازرگانی انجام پذیرد.

شکل شماره ۲- مراحل نموداری بررسی سرمایه گذاری خارجی در چین



نکته: مراحل ۳ و ۴ ممکن است به طور همزمان انجام گیرد و مرحله ۴ بعضی اوقات حذف می گردد.

مرحله اول- تمام سرمایه گذاران خارجی که سعی دارند با یک شرکت چینی ادغام شوند یا آنرا تصاحب نمایند، باید درخواست خود را به وزارت بازرگانی محلی یا استانی ارائه دهند.

مرحله دوم- پس از آن که اکثر معاملات کوچک مورد بررسی و تایید وزارت بازرگانی محلی قرار گرفت برای ثبت و گرفتن مجوز به دولت محلی و استانی ارجاع می شود (مرحله ۶) اگر که وزارت بازرگانی محلی بررسی اسناد مربوطه را به وزارت بازرگانی (در سطح ملی) تسلیم نکرد، پس از آن، درخواست به مؤسسات محلی تابعه کمیسیون اصلاح و توسعه ملی (National Development and Reform (NDRC) و کمیسیون اداره و نظارت اموال تحت تملک دولت توسعه ملی (state – owned Assets supervision and Administration Commission (SASAC) ابلاغ خواهد شد. این مؤسسات تابعه محلی ممکن است در صورت بروز مواردی خاص آن را به نمایندگانشان در سطح ملی ارجاع دهند. (مرحله ۴) .

مرحله سوم- دفتر مرکزی وزارت بازرگانی معاملاتی که به لحاظ سیاسی حساس و کلان بشمار می روند را مورد بررسی قرار می دهد. عواملی که بر حساسیت سیاسی تاثیر می گذارند، ممکن است حجم معاملات را دربرگیرند، یا بنگاه های تحت تملک دولت را درگیر کنند یا خود بخش حساس را و یا عوامل درگیر در معامله با شورای دولت ارتباط داشته باشند. در این موقعیت، دفتر مرکزی وزارت بازرگانی به عنوان یک هماهنگ کننده اداری در بررسی ها عمل می کند.

مرحله چهارم- عوامل وابسته دیگری ، تاییدیه مقدماتی را فراهم می کنند. بطورکلی در این مرحله تعیین می شود که آیا یک معامله مورد تایید خواهد بود یا خیر؟ کمیسیون اصلاح و توسعه ملی (NDRC) National Development and Reform Commission در مواردی که شامل بنگاه های تحت تملک دولت چین است، وارد عمل می شود .

دفتر مرکزی وزارت بازرگانی درخواست را مورد بررسی قرار می دهد و تایید یا عدم تایید رسمی را صادر می کند. اگر موسسه دولتی دیگری این صلاحیت قانونی را داشته باشد، وزارت بازرگانی به آن در این بررسی اعتماد خواهد کرد. در مدت ۶ ماه که یک معامله به تصویب می رسد، وزارت بازرگانی گواهی یا جواز سرمایه گذاری خارجی را صادر می کند.

مرحله ۶- به محض این که اداره مرکزی وزارت بازرگانی جواز سرمایه گذاری خارجی را صادر نمود، شرکت خارجی می بایست ظرف مدت یکماه پروانه کسب را اخذ و تجارتخانه را در اداره دولتی کل صنایع و تجارت به ثبت برساند.

مراحل بررسی سرمایه گذاری خارجی چین غیرقابل پیش بینی هستند. بر طبق نظر مقامات رسمی وزارت خارجه آمریکا در حالی که اکثریت معاملات بدون هیچ رویدادی انجام می گیرد سطوح مختلف بررسی و استانداردهای مبهم به طرفین قرارداد اجازه دخالت در قرارداد را می دهد. به عنوان مثال برطبق آیین نامه های دولتی سال ۲۰۰۶، رقیبان داخلی که شرکت چینی را مالک شده اند می توانند از دولت چین درخواست کنند معامله را از نظر ملاحظات ضدتراستی Anti-trust مورد بررسی قرار دهد.

بر طبق نظر مقامات رسمی و صنعتی آمریکا، رقیبان داخلی همچنین می توانند به طور غیرمستقیم معاملات را از طریق جلب توجه منفی عموم، آن را تحت تاثیر خود قرار می دهند و بالنتیجه می توانند بر نظر تصمیم گیرندگان تاثیر بگذارند. به عنوان مثال، وقتی یک شرکت خصوصی آمریکایی سعی کرد ۸۵٪ مالکیت یک شرکت ماشین آلات ساختمانی را خریداری نماید، مدیر اجرایی یک شرکت چینی رقیب بیان کرد که چین تمایلی به فروش شرکت به یک شرکت خارجی ندارد و سعی کرد تا معامله را از مسیر خود خارج کند. به تازگی این نوع از دخالت ها بسیار رایج شده است.

عامل دومی که می تواند روند تایید را کند سازد، درگیری بروکراسی است بر طبق نظر مقامات رسمی و صنعتی آمریکا، تعدادی از سامانه های اداری چینی در اختیارات قانونی با هم تداخل دارند و در کسب منافع رقابت می کنند که می توانند در نتیجه یک بررسی ویژه تاثیر بگذارند. به عنوان مثال، مقامات رسمی چینی در وزارت بازرگانی و اداره کل صنایع و تجارت هر دو پیشنهاد کردند که می توانند بررسی های ضدتراستی را انجام دهند. اما طبق نظر مقامات رسمی وزارت خارجه آمریکا، این مطلب را نشان میدهد که هماهنگی کمی در اقدامات آنها وجود دارد. این موضوع یعنی تداخل (همپوشانی)، نشانه عدم شفافیت در بررسی یک مورد است که افراد دولتی را درگیر خود نموده است.

عامل سومی که می تواند بر تاییدها تاثیر بگذارد، تفاوت در مشوق هاست که بین دفتر مرکزی و محلی دولت چین وجود دارد بخصوص زمانی که تملیک ها و ادغام های خارجی را تأیید می کنند. بر طبق نظر مقامات رسمی دولت آمریکا، شکافی بین دولت مرکزی و دولت محلی وجود دارد که براساس آن اجرای سیاستهای اجتماعی به دولت مرکزی مربوط می شود و رشد اقتصادی، اشتغال زایی و جذب سرمایه به دولت محلی مربوط می گردد. از آنجایی که دولت های محلی تاثیر به سزایی در فرآیند تایید بازی می کنند، آنها را می توان یکی از نیروهای اصلی خنثی کننده گرایشات (تمایلات) حمایت گرایانه در چین در نظر گرفت.

عامل چهارم تقویم سیاسی چین است. طبق نظر مقامات رسمی و صنعتی آمریکا، یکسال قبل از تشکیل کنگره حزب کمونیست چین، مشکلات گرفتن تاییدیه دولتی، در مورد ادغام ها و تملیک ها برای شرکت های خارجی افزایش می یابد. تقریباً هر ۵ سال یکبار اعضاء حزب کمونیست چین دور هم جمع می شوند. در این کنگره، حزب درخصوص مواضع سیاسی آینده اش تصمیم می گیرد و رهبر جدیدی را انتخاب می کند. طبق نظر مقامات رسمی و صنعتی آمریکا، جو سیاسی قبل از تشکیل کنگره یا مساعد است. از آنجایی که ظاهر آرام خارجی ها (بازتاب) سیاسی منفی را

در نظام سیاسی چین می تواند داشته باشد. بسیاری از مقامات رسمی چینی را نسبت به تایید هر سرمایه گذاری خارجی نگران می کند. به ویژه از زمانی که اکثر مدیران عالی رتبه بنگاه های تحت تملک دولت، عضو حزب هستند. سرمایه گذاری های که منافع زیادی را موجب می شوند، به ویژه در بخش هایی که دولت حاکم است یا آنهایی که به عنوان خطر شناخته می شوند و مغایر با سیاست های دولت مرکزی هستند یا احتمال می رود که دخالت سیاسی باشند، طبق نظر وزارت خارجه آمریکا با برخورد منفی مواجه می شوند.

علاوه بر آن عواملی که ذکر شد، طبق نظر مقامات رسمی آمریکا و نمایندگان صنعتی این کشور، ارتباط بین قوانین و آیین نامه های مختلف بسیار پیچیده و غیر شفاف اند. عدم وجود شفافیت، توانایی شرکت های خارجی را در پیش بینی احتمال صدور تاییدیه دولتی در مورد یک سرمایه گذاری خاص کاهش می دهد. به عنوان مثال، مقامات رسمی چین اعلام کردند که آیین نامه های سال ۲۰۰۶ و دفترچه راهنما، چارچوب قانونی مقدماتی را برای بررسی و تنظیم سرمایه گذاری خارجی فراهم می کند. اگر چه آنها نتوانسته اند روابط بین دو طرف را به طور واضح بیان کنند. ولی دفترچه راهنما یکی از آن عوامل مهمی است که در فرآیند بررسی، در نظر گرفته می شود. طبق نظر مقامات رسمی دولت آمریکا، به علاوه قوانین چین می خواهد که مسائل را به طور مهم و کلی بیان کند. این کار به وزارت خانه های اجرایی اجازه می دهد تا آزادی عمل در تفسیر مسائل داشته باشند. بعضی اوقات هم قواعد اجرایی توضیحاتی را ارائه می دهند. در ضمن، طبق نظر سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، آیین نامه های سال ۲۰۰۶، یک سطح بررسی جدیدی را ایجاد می کند که مزید بر روش بازرسی و فرآیند تایید براساس دفترچه راهنما است.

- در مثال دیگر طبق نظرهای شورای دولت در خصوص رونق بخشیدن صنعت، ماشین آلات صنعتی لازم می داند که چین سهم بازار داخلی خود را در ۱۶ مورد از ساخت تجهیزات گسترش دهد. نظریه های راهبردی در خصوص ترویج سازگاری های سرمایه دولت و بازسازی بنگاه های تحت تملک دولت، در ۷ بخش فهرست وار آورده شده که برای دولت از نظر اقتصاد ملی مهم هستند و باید تحت تملک دولت باقی بمانند. معهذا واضح نیست که چه ارتباطی بین این نظریه ها و مراحل بررسی وجود دارد. یکی از مقامات رسمی چینی عضو این کمیسیون که این فهرست را به طور رسمی اعلام کرده، اذعان داشت که برای یک شرکت خارجی دشوار خواهد بود که یک شرکت چینی را در یکی از بخش های لیست شده خریداری نماید. از آنجایی که این لیست الزامی را ایجاد نمی کند اهمیتی نیز ندارد.

- دولت چین اصطلاحات کلیدی را در قواعد سال ۲۰۰۶ تعریف نکرده است که این به عدم شفافیت در مراحل بررسی کمک می کند. در قواعد جدید یک شرط بازرسی اضافه شد معامله سرمایه گذاری خارجی بر امنیت اقتصاد ملی اثرگذار یا اگر که صنایع اصلی را شامل می شود یا منجر به انتقال "علامت تجاری معروف" یا یک برند چینی "سنتی" گردد. به خاطر اینکه قواعد مربوط به این موضوعات به خوبی تعریف نشده، تجارت در این موضوعات را به لحاظ تصمیم گیری در مورد بازرسی (چه واقعی لازم است و چه واقعی لازم نیست) دشوار می سازد.

طبق نظر مقامات رسمی و صنعتی دولت آمریکا، تعریف "امنیت اقتصادی ملی" بسیار مبهم است. در واقع طبق نظر این مقامات، وزارت بازرگانی به وضوح از تعریف "امنیت اقتصادی ملی" برای جلوگیری از ادغام ها و تملک های خارجی استفاده نکرده است.

وزارت خارجه آمریکا معتقد است، بعضی از متخصصین چینی که وابسته به جناح های حمایت گرایانه دولت اند، از امنیت اقتصادی ملی، به عنوان موضوعی که اشاره بر رشد خودکفایی اقتصادی دارد یاد می کنند. بنابراین سرمایه گذاری که کشور چین را به سوی وابستگی به مشارکت خارجی ها در اقتصاد برای تقویت رشد اقتصادی سوق می دهد باید محدود گردد. بعضی دیگر از متخصصین چینی معتقدند که امنیت اقتصادی ملی به توسعه اقتصادی اشاره دارد و باعث تشویق و پایداری می شود که آن به معنای افزایش استانداردهای زندگی، پیشرفت در حفاظت از محیط زیست و اشتغال زایی است. طبق نظر مقام های رسمی آمریکا و چین، از وقتی که رهبران چین، توسعه اقتصادی را به عنوان کلیدی برای حفظ پایداری داخلی شمرده اند امنیت ملی و امنیت اقتصادی ملی از اهمیت یکسانی برخوردار شده است. در عمل بخش هایی که از نظر کشور چین و به لحاظ امنیت ملی دارای اهمیت هستند در کاتالوگ به عنوان بخش های ممنوع آورده شده است.

آشفته گی در آیین نامه های جدید نیز دیده می شود. طبق نظر نمایندگان صنایع، دولت چین بعضی اوقات آیین نامه هایی را اعلام می کند، که در مواردی که دولت عهده دار اجرای آنها است، قابل فهم نیست. اجرای آیین نامه ها که برای شرح جزییات قوانین کاربرد دارند، متأسفانه در مواردی بعد از اینکه قانون به اجرا در می آید، منتشر می گردند.

در چنین شرایطی، انجمن تجاری چین سعی می کند تا چارچوب آن قانون یا آیین نامه را از طریق آزمایش و خطا مشخص نماید. پس از آن آیین نامه شکل می گیرد. طبق نظر یکی از مقامات رسمی وزارت خارجه آمریکا، نبود تعاریف کافی و عدم شفافیت در آیین نامه های سال ۲۰۰۶، نشان دهنده اختلاف نظرانی در دولت چین در مورد چگونگی تنظیم سرمایه گذاری خارجی می تواند باشد.

گفتار دوم - قوانین

بند اول - قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی جمهوری خلق چین (مصوب سال ۱۹۸۸ و اصلاح شده در سال ۲۰۰۰)^{۲۹}

این قانون برگرفته از اولین نشست هفتمین کنگره خلق چین به تاریخ ۱۳ آوریل ۱۹۸۸ و اصلاح آن در تاریخ ۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۰ در هیجدهمین جلسه کمیته دائمی نهمین کنگره ملی خلق انجام شده است.

ماده ۱- این قانون به شکل خاص به منظور گسترش همکاری اقتصادی خارجی و تبادل فناوری تنظیم شده و از آن برای توسعه بنگاه مشترکی از نوع سرمایه گذاری مشترک قراردادی بین طرفین چینی و خارجی (که از این به بعد به آن سرمایه گذاری مشترک قراردادی گفته می شود) در کشور چین توسط بنگاه های خارجی، اشخاص یا سازمان های اقتصادی دیگر جمهوری خلق چین (که از آن نیز منبعت تحت عنوان "طرف چینی" یاد خواهد شد) مطابق با اصل مساوات و سود متقابل استفاده می شود.

ماده ۲- هنگامی که طرف چینی و طرف خارجی یک قرارداد سرمایه گذاری مشترک قراردادی را منعقد می کنند آنها بر اساس مقررات این قانون، در سرمایه گذاری مشترک قراردادی در مورد موضوعاتی از قبیل سرمایه گذاری و شرایط همکاری، توزیع عایدات و محصولات، تقسیم خطرات و زیان ها، شکل و عملکرد مدیریت، حق مالکیت به محض خاتمه سرمایه گذاری مشترک، مطالبی را در نظر می گیرند. سرمایه گذاری مشترک از الزاماتی که برای اشخاص حقوقی در قانون چین گفته شده پیروی می کند و بایستی طبق قانون وضعیت یک شخص حقوقی چینی را احراز نماید.

ماده ۳- حقوق قانونی و منافع یک سرمایه گذاری مشترک قراردادی و نیز طرف چینی و طرف خارجی آن بایستی طبق قانون توسط دولت حمایت گردد.

در سرمایه گذاری مشترک قراردادی باید قوانین و آئین نامه های چینی رعایت گردد و نباید به منافع عمومی خسارتی وارد شود.

مسئولین دولتی باید بر سرمایه گذاری مشترک قراردادی طبق قانون نظارت داشته باشند.

ماده ۴- دولت ایجاد سرمایه گذاری مشترک قراردادی سودمند را که هدف صادراتی دارد و یا از نظر فن آوری پیشرفته است، تشویق می کند.

ماده ۵- تقاضای یک سرمایه گذاری مشترک قراردادی با تسلیم مدارکی نظیر، توافق نامه قرارداد و اساسنامه منعقد شده توسط طرفین چینی و خارجی، به بخشی که مسئول روابط اقتصادی و تجاری خارجی است و تحت نظارت شورای دولتی

²⁹-www.lehmandlaw.com

یا اداره دولت محلی که آن نیز از جانب شورای دولتی در این خصوص اختیار دارد، به جهت بررسی و تصویب (منبعد به عنوان مرجع تأیید و بررسی خوانده می شود) انجام می پذیرد.

مرجع تأیید و بررسی می بایست در خصوص این که این تقاضا مورد تأیید است یا خیر، ظرف مدت ۴۵ روز از تاریخ وصول آن تصمیم بگیرد.

ماده ۶- به مجرد تصویب تقاضای تشکیل سرمایه گذاری مشترک قراردادی، بایستی درخواست ثبت در ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ وصول گواهینامه تأیید به اداره بازرگانی، جهت گرفتن مجوز بازرگانی تسلیم گردد. تاریخ تشکیل سرمایه گذاری مشترک همان تاریخ صدور مجوز بازرگانی خواهد بود.

در سرمایه گذاری مشترک قراردادی ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تأسیس آن، بایستی تشریفات ثبت مالیاتی آن توسط ممیزین مالیاتی انجام پذیرد.

ماده ۷- اصلاحات مهمی که مورد توافق طرف چینی و طرف خارجی در سرمایه گذاری مشترک قراردادی است، می بایست به مرجع تأیید و بررسی، تسلیم گردد. اگر تغییراتی که در قرارداد صورت پذیرفته، شامل بخش های قانونی مربوط به ثبت بازرگانی و صنعتی یا ثبت مالیاتی باشد، بایستی ثبت مجدد آن توسط اداره صنایع و بازرگانی و اولیای امور مالیاتی اصلاح گردد.

ماده ۸- طرف چینی و طرف خارجی در سرمایه گذاری انجام شده یا در شرایط همکاری خود ممکن است مطالبی در نحوه پرداخت، موضوعات مهم، حقوق استفاده از زمین، حقوق مالیکت صنعتی، فن آوری غیر انحصاری یا حقوق مالکیت دیگر، قید کنند.

ماده ۹- طرف چینی و طرف خارجی می بایستی که به تعهداتشان در قبال انجام سرمایه گذاری بطور کامل و مقرر نمودن شرایط همکاری طبق برنامه و مطابق با مقررات قانون، آئین نامه ها و قرارداد سرمایه گذاری مشترک، عمل نمایند. اگر طرفین همچنان به تعهداتش تا انقضای مدت معین عمل ننمودند، موضوع توسط مراجع ذیصلاح تأیید و بررسی و نیز اداره صنعتی و تجارت مطابق آئین نامه های دولتی حل و فصل می گردد.

سرمایه گذاری انجام شده یا شرایط همکاری که توسط طرف چینی و طرف خارجی در نظر گرفته شده، بایستی توسط یک حسابرس معتبر در چین یا سازمانی مرتبط که تأییدیه را صادر می کند، مورد بازبینی قرار گیرد.

ماده ۱۰- اگر طرف چینی یا طرف خارجی خواستار واگذاری قسمتی یا تمامی حقوق و تعهداتش طبق قرارداد سرمایه گذاری مشترک، باید رضایت طرف دیگر قرارداد را جلب نماید و انتقال سند را جهت تأیید به مرجع بررسی و تأیید، تسلیم نماید.

ماده ۱۱- در سرمایه گذاری مشترک قراردادی، عملکرد و فعالیت های مدیریتی طبق قرارداد و اساسنامه تصویب شده، اجرا می گردد. استقلال سرمایه گذاری مشترک قراردادی از نظر عملی و مدیریتی نمی بایستی مورد مداخله قرار گیرد.

ماده ۱۲- در سرمایه گذاری مشترک قراردادی، یک هیئت مدیره یا کمیته مشترک مدیریتی ایجاد می شود که در خصوص موضوعات مهمی که درباره این نوع سرمایه گذاری است بر طبق مقررات قرارداد یا اساسنامه سرمایه گذاری مشترک قراردادی تصمیم گیری خواهد کرد.

اگر طرف چینی یا طرف خارجی سمت ریاست هیات مدیره یا ریاست کمیته مشترک مدیریتی را عهده دار شده باشد، بنابر این سمت نایب رئیسی یا قائم مقام شرکت را طرف مقابل بر عهده خواهد گرفت. هیات مدیره یا کمیته مشترک مدیریتی ممکن است تصمیم بگیرد فردی را به عنوان مدیر منصوب یا استخدام نماید که مسئولیت اداره و مدیریت روز به روز سرمایه گذاری مشترک قراردادی را به عهده بگیرد. مدیر به هیأت مدیره یا کمیته مشترک مدیریتی گزارش می دهد.

به محض انعقاد سرمایه گذاری مشترک قراردادی، اگر طرف دیگری به غیر از طرف چینی یا خارجی، اداره و مدیریت قرارداد را به عهده گرفت، بایستی جمیع اعضای هیات مدیره و کمیته مشترک مدیریتی با این تغییر موافقت نمایند و نیز این تصمیم به تأیید مرجع ذیصلاح برسد. بعلاوه ثبت مرجع ذیصلاح اداره صنعت و تجارت نیز بایستی تجدید گردد.

ماده ۱۳- موضوعاتی نظیر استخدام، اخراج، حقوق، مزایای رفاهی، تامین شغلی، بیمه کار، کارکنان و کارگران در یک سرمایه گذاری مشترک قراردادی طبق قانون بایستی در قرارداد تصریح گردد.

ماده ۱۴- کارکنان و کارگران در سرمایه گذاری مشترک قراردادی، طبق قانون می توانند یک اتحادیه کارگری را تشکیل دهند که فعالیت های اتحادیه صنفی را انجام دهد و از حقوق قانونی و منافع آنها حمایت کند. در سرمایه گذاری مشترک قراردادی شروط لازم برای فعالیتهای اتحادیه کارگری پیش بینی می شود.

ماده ۱۵- حساب های مالی در سرمایه گذاری مشترک قراردادی بایستی در دفاتر حسابرسی چین حفظ گردد، صورت حساب ها طبق آئین نامه ها تسلیم گردد و نظارت اداره مالیه و مراجع مالیاتی را بپذیرد.

اگر در سرمایه گذاری مشترک قراردادی، تخلفی در پاراگراف قبلی صورت پذیرد یعنی در نگهداری حساب ها در دفاتر حسابرسی قصوری انجام گیرد، اداره مالیه و مراجع مالیاتی ممکن است جریمه ای را وضع نمایند و مراجع ذیصلاح اداره صنعت و تجارت می توانند دستور توقف عملیات یا ابطال جواز بازرگانی آن را صادر نمایند.

ماده ۱۶- در سرمایه گذاری مشترک قراردادی، یک حساب ارزی در یک بانک یا موسسه مالی دیگری که از طرف مراجع دولتی برای اداره کنترل ارز در مبادلات تجاری خارجی دارای مجوز است، افتتاح می گردد.

موضوعاتی مرتبط با مسائل ارزی در سرمایه گذاری مشترک قراردادی بایستی مطابق با آئین نامه های دولتی مربوط به کنترل ارز، کنترل گردد.

ماده ۱۷- سرمایه گذاری مشترک قراردادی می تواند جوهری را از موسسات مالیه در چین وام بگیرد و نیز می تواند جوهری را از خارج کشور چین قرض نماید. وام اخذ شده توسط طرف چینی و طرف خارجی برای انجام سرمایه گذاری یا تامین شرایط همکاری صرف می گردد و تضمین پرداخت آن توسط هر کدام از طرفین بایستی صورت پذیرد.

ماده ۱۸- تمام مسائل بیمه در سرمایه گذاری مشترک قراردادی بایستی توسط سازمان بیمه در داخل کشور چین انجام گیرد.

ماده ۱۹- سرمایه گذاری مشترک قراردادی می تواند در چهارچوب تصویب شده کاری ملزومات مورد نیاز را وارد و کالاهایی که تولید نموده، صادر نماید. ملزومات عبارتند از مواد خام، سوخت و غیره که مورد نیاز سرمایه گذاری مشترک قراردادی است و در چهارچوب تصویب شده کاری ممکن است از بازار داخلی یا بین المللی خریداری شود.

ماده ۲۰- در سرمایه گذاری مشترک قراردادی، مالیات بر اساس آئین نامه مالیاتی دولت پرداخت خواهد شد و ممکن است از برخوردهای ترجیحی به شکل کاهش یا معافیت از مالیات نیز بهره مند شوند.

ماده ۲۱- اگر طرف چینی و طرف خارجی در قرارداد این سرمایه گذاری مشترک، شرط کنند که طرف چینی به محض خاتمه مدت همکاری، مالکیت همه دارایی های سرمایه گذاری مشترک قراردادی را تصاحب خواهد کرد، در این صورت طرفین می توانند در قرارداد، روشی را پیش بینی کنند که بوسیله آن طرف خارجی اول مبلغ سرمایه گذاری اش را در ظرف مدت همکاری وصول نماید. اگر در سرمایه گذاری مشترک قراردادی تصریح شود که طرف خارجی می تواند سرمایه گذاری اش را قبل از پرداخت مالیات بر درآمد جبران نماید، نامه درخواستی می بایست به اداره مالیه و مراجع مالیاتی نوشته شود، که آن را مطابق آئین نامه های مالیاتی دولتی بازرسی و تأیید نمایند.

اگر ابتدا طرف خارجی سرمایه اش را در طول مدت همکاری مطابق با متن بالا جبران نماید در آن صورت، طرف چینی و طرف خارجی مسئولیت های سرمایه گذاری مشترک قراردادی را مطابق با مفاد قوانین مرتبط و قرارداد این سرمایه گذاری به عهده خواهند گرفت.

ماده ۲۲- پس از انجام تعهدات قانونی و تعهدات دیگری که نسبت به قرارداد سرمایه گذاری مشترک قراردادی دارد، طرف خارجی می تواند طبق قانون، منافع توزیع شده، درآمدهای قانونی دیگر حاصله از آن و وجوه توزیع شده را به محض خاتمه قرارداد همکاری، از کشور چین خارج نماید. کارکنان و کارگران خارجی در سرمایه گذاری مشترک قراردادی می توانند درآمد و حقوقشان و درآمدهای دیگر مشروع خود را بعد از پرداخت مالیات بر درآمد شخصی طبق قانون، از کشور چین خارج نمایند.

ماده ۲۳- به محض انقضای مدت همکاری یا پایان مدت سرمایه گذاری مشترک قراردادی، دارایی ها، مطالبات و تعهداتشان را می بایست مطابق رویه قانون وصول نمایند. طرف چینی و طرف خارجی، می بایست در خصوص مالکیت

اموال سرمایه گذاری مشترک قراردادی، مطابق با مفاد قرارداد تصمیم بگیرند. به محض انقضای مدت سرمایه گذاری مشترک قراردادی ثبت بنگاه از طرف مقام ذیصلاح اداره صنعت و تجارت و مراجع مالیاتی باطل خواهد شد.

ماده ۲۴ - در سرمایه گذاری مشترک قراردادی بایستی طرف چینی و طرف خارجی در مورد مدت همکاری، بحث و گفتگو نمایند و طول مدت همکاری باید در سرمایه گذاری مشترک قراردادی مشخص گردد. اگر طرف چینی و طرف خارجی در خصوص تمدید مدت همکاری موافقت نمودند قبل از ۱۸۰ روز مانده به انقضای مدت قرارداد، بایستی درخواست خود را به ثبت مرجع تأیید و بررسی برسانند. مرجع تأیید و بررسی نیز می بایست ظرف مدت ۳۰ روز از زمان دریافت درخواست، در مورد تأیید یا عدم تأیید این تقاضا تصمیم بگیرد.

ماده ۲۵ - هنگامی که اختلاقی در رابطه با اجرای قرارداد و اساسنامه سرمایه گذاری مشترک قراردادی بوجود می آید، طرف چینی و طرف خارجی این اختلاف را از طریق مشاوره و میانجیگری حل خواهند کرد. اگر طرف چینی و طرف خارجی تمایلی برای حل و فصل موضوع از طریق مشاوره و میانجیگری نداشته باشند یا اگر مشاوره و میانجیگری ناموفق باشد، این دعوا برای داوری به سازمان داوری چین یا سازمان داوری دیگری که با مورد داوری در خصوص این نوع قرارداد سرمایه گذاری مشترک موافقت دارد تسلیم می گردد و متعاقباً یک توافق نامه داوری مکتوب می گردد.

اگر طرف چینی و طرف خارجی که نه شامل شرط داوری در قرارداد سرمایه گذاری مشترک می شوند و نه به یک توافق نامه داوری مکتوب، دست می یابند، ممکن است یک روند قانونی را در محاکم چینی آغاز کنند.

ماده ۲۶ - اجرای قواعد بایستی توسط اداره مسئول روابط اقتصادی و تجارت خارجی که تحت نظارت شورای دولت است و بر اساس قانون عمل می کند، تنظیم گردند، که این قواعد به مجرد تأیید شورای دولت، قابل اجرا خواهند بود.

ماده ۲۷ - این قانون از زمان اعلام، لازم الجرا می گردند.

بند دوم - قانون جمهوری خلق چین در مورد سرمایه گذاری مشترک سهامی طرفین خارجی - چینی (مصوب ۱۹۷۹ و اصلاح شده در سال ۲۰۰۰)^{۳۰}

(این قانون در جلسه دوم پنجمین کنگره خلق ملی مصادف با اول جولای ۱۹۷۹ اتخاذ و در جلسه چهارم نهمین کمیته لوایح کنگره خلق ملی در ۱۵ مارس ۲۰۰۰ اصلاح گردیده است.)

ماده ۱. جمهوری خلق چین به منظور توسعه همکاری اقتصادی بین المللی و تبادل فنی، به شرکت های خارجی، بنگاه های اقتصادی و سایر سازمان های اقتصادی یا اشخاص (که از این پس به عنوان طرف خارجی قلمداد می شوند) اجازه می دهد تا به طور مشترک، سرمایه گذاری مشترک سهامی را در قلمرو جمهوری خلق چین با شرکت ها، بنگاه های

³⁰ -www.lehmandlaw.com

اقتصادی یا سایر سازمان های اقتصادی چینی (که از این پس به عنوان «طرف چینی» قلمداد می شوند) بر اساس اصل برابری و نفع دو جانبه و تأیید دولت چین تاسیس و راه اندازی نماید.

ماده ۲. دولت چین بنابر قانون، از سرمایه گذاری های طرف خارجی، سودهای ناشی از آن و سایر حقوق قانونی آن و منافع سرمایه گذاری مشترک سهامی تحت توافق نامه، قرارداد و اساسنامه که به تأیید دولت چین رسیده است حمایت خواهد کرد. همه فعالیت های سرمایه گذاری مشترک سهامی از مفاد قانون و آیین نامه جمهوری خلق چین تبعیت خواهد کرد.

دولت سرمایه گذاری مشترک سهامی را ملی نخواهد نمود یا از آنها سلب مالکیت نخواهد کرد؛ در شرایط خاص، بر اساس مقتضیات منافع ملی و اجتماعی، از سرمایه گذاری مشترک سهامی طی مراحل قانونی می تواند سلب مالکیت شود و خسارت معادل ضرر فراهم گردد.

ماده ۳. توافق نامه، قرارداد و اساسنامه هر سرمایه گذاری مشترک سهامی که توسط طرفین به منظور مشارکت امضاء می شود باید از سوی بخش دولتی مسئول تجارت و روابط اقتصادی خارجی (که از این پس از آن به عنوان "مرجع تأیید و بررسی" نام برده می شود) برای بررسی و تأیید ارائه شود. مرجع بررسی و تأیید در طول سه ماه برای تأیید یا رد آن تصمیم خواهد گرفت. پس از اینکه سرمایه گذاری مشترک سهامی مورد تأیید قرار گرفت در اداره دولتی مسئول اجرای صنعت و بازرگانی ثبت خواهد شد، لیسانس تجاری خود را دریافت و فعالیت های تجاری را آغاز خواهد کرد.

ماده ۴. سرمایه گذاری مشترک سهامی به شکل یک شرکت با مسئولیت محدود خواهد بود. نسبت سهم طرف خارجی از سرمایه ثبت شده هر سرمایه گذاری مشترک سهامی در کل کمتر از ۲۵ درصد نخواهد بود. طرفین سرمایه گذاری در سودها سهم خواهند بود و ریسک ها و خسارت ها را متناسب با سهام نسبی خود در سرمایه ثبت شده تقبل خواهند کرد.

انتقال سهم یک از طرفین به سرمایه ثبت شده باید از سوی هر یک از طرفین سرمایه گذاری مورد توافق قرار گیرد.

ماده ۵. هر یک از طرفین سرمایه گذاری مشترک سهامی می توانند سرمایه خود را به صورت نقدی، غیر نقدی، حقوق مالکیت صنعتی و غیره سرمایه گذاری کنند.

فناوری و تجهیزاتی که طرف خارجی به عنوان سرمایه گذاری خود وارد می کند باید تجهیزات و فناوری پیشرفته ای باشد که به خوبی متناسب با نیازهای چین باشد. در مورد زیان هایی که بواسطه تقلب و از طریق تدارک بین المللی تجهیزات و فناوری های قدیمی ایجاد می شود، غرامت باید پرداخت شود.

سرمایه گذاری طرف چینی می تواند شامل فراهم کردن حقوقی برای استفاده از مکانی در طول مدت اجرای سرمایه گذاری مشترک سهامی باشد. اگر حقوق استفاده از یک مکان، بخشی از سرمایه گذاری طرف چینی نباشد، سرمایه گذاری، بهایی را برای استفاده خود به دولت چینی پرداخت خواهد کرد.

سرمایه گذاری های گوناگونی که در بالا ذکر گردید در قرارداد و اساسنامه سرمایه گذاری مشترک سهامی مشخص خواهد شد و ارزش هر سهم (به جز مکان) از طریق مذاکراتی میان طرفین سرمایه گذاری ارزیابی و تعیین خواهد شد.

ماده ۶. هر سرمایه گذاری مشترک سهامی هیات مدیره ای با اندازه و ترکیبی تشکیل خواهد داد که در قرارداد و اساسنامه پس از مشورت بین طرفین سرمایه گذاری قید می شود؛ و هر یک از طرفین سرمایه گذاری مدیر(ان) خود را منصوب و جایگزین خواهد کرد. رئیس و نایب رئیس هیات مدیره از طریق مذاکره بین طرفین سرمایه گذاری تعیین یا توسط هیات مدیره انتخاب خواهند شد. اگر مدیری که توسط طرف چینی یا طرف خارجی منصوب می شود به عنوان رییس خدمت کند، مدیری که توسط طرف دیگر منصوب می شود به عنوان نایب رئیس خدمت خواهد کرد. هیات مدیره در خصوص موارد مهم مربوط به سرمایه گذاری مشترک سهامی بر اساس اصل برابری و نفع دو جانبه تصمیم خواهد گرفت.

مطابق مفاد اساسنامه سرمایه گذاری مشترک سهامی، عملکرد و اختیارات هیات مدیره مذاکره و تصمیم گیری درباره همه موارد مهم در رابطه با سرمایه گذاری به ویژه: برنامه توسعه بنگاه اقتصادی، برنامه های تجاری و تولید، بودجه، توزیع سودها، برنامه های مربوط به کار و دستمزد، خاتمه تجارت و انتصاب یا استخدام مدیرکل، معاون (های) مدیر کل، سرمهندس، سرحسابدار و حسابرس و نیز عملکرد، اختیارات و اجرت آنها و ۰۰۰ خواهد بود.

منصب های مدیر کل و معاون(های)مدیرکل (یا مدیر کارخانه و معاون (های) مدیر کارخانه) را کاندیدا های طرف های مربوط به سرمایه گذاری به عهده خواهند گرفت.

استخدام، اخراج، اجرت، رفاه، امنیت شغلی و بیمه کارکنان سرمایه گذاری مشترک سهامی بر اساس قوانین در توافقتنامه یا قرارداد بین کارمندان و شرکت سرمایه گذاری قید خواهد شد.

ماده ۷. کارمندان سرمایه گذاری مشترک سهامی، مطابق قوانین، اتحادیه کارگری تشکیل می دهند تا از حقوق قانونی کارمندان با اجرای فعالیتهای اتحادیه حمایت کنند.

سرمایه گذاری مشترک سهامی، اتحادیه کارگری را با شرایط لازم آماده خواهد کرد.

ماده ۸. از سود ناخالصی که از سرمایه گذاری مشترک سهامی پس از پرداخت مالیات بر درآمد سرمایه گذاری بنابر مفاد قوانین مالیات جمهوری خلق چین بدست می آید، کسرهایی برای وجوه اندوخته، صندوق رفاه اجتماعی و پاداش برای کارمندان و کارگران و صندوق توسعه بنگاه اقتصادی در نظر گرفته خواهد شد همانطور که در اساسنامه سرمایه گذاری تصریح شده است و سود خالص به طرفین سرمایه گذاری متناسب با سهم خاص خود در سرمایه ثبت شده تقسیم خواهد شد.

سرمایه گذاری مشترک سهامی می تواند از رفتاری امتیاز دهنده به شکل تخفیف ها و معافیت های مالیاتی بر اساس مفاد قوانین دولتی و آیین نامه اجرایی مربوط به وضع مالیات بهره مند شود.

زمانی که طرف خارجی از سهم سود خالص خود به عنوان سرمایه گذاری در قلمرو کشور چین استفاده می کند می تواند درخواست باز پرداخت بخشی از مالیات بردرآمدی که از قبل پرداخت کرده است را نماید.

ماده ۹. یک سرمایه گذاری مشترک سهامی بر اساس لیسانس تجاری خود، حساب ارزی در یک بانک یا موسسه مالی دیگری افتتاح خواهد کرد که مرجع نظارت بر ارز خارجی دولتی اجازه می دهد که در تجارت ارزی وارد شود.

مسائل مربوط به ارز خارجی سرمایه گذاری مشترک سهامی در هماهنگی با آیین نامه نظارت بر ارز خارجی جمهوری خلق چین کنترل خواهد شد. یک سرمایه گذاری مشترک سهامی، در ضمن فعالیتهای تجاری خود، می تواند سرمایه را به طور مستقیم از بانک های خارجی گرد آوری کند. موارد مختلف بیمه سرمایه گذاری مشترک سهامی از شرکت های بیمه واقع در کشور چین اخذ خواهد شد.

ماده ۱۰. مواد خام و فرآوری شده، سوخت، تجهیزات کمکی و ۰۰۰ مورد نیاز برای سرمایه گذاری مشترک سهامی در محدوده تجاری تایید شده وابسته به آن بنابر اصل عدالت در چین یا بازار بین المللی خریداری خواهد شد.

هر سرمایه گذاری مشترک سهامی تشویق خواهد شد که محصولات خود را در خارج از کشور چین به فروش برساند. محصولات صادراتی می توانند توسط سرمایه گذاری مشترک سهامی یا موسسات عهده دار وابسته به آن به طور مستقیم در بازارهای خارجی فروخته شوند و نیز می توانند از طریق موسسات تجاری چین فروخته شوند. محصولات سرمایه گذاری مشترک سهامی نیز می توانند در بازار چینی به فروش برسند.

در صورت لزوم، سرمایه گذاری مشترک سهامی می تواند شعبی در خارج از چین تاسیس کند.

ماده ۱۱. سود خالصی که طرف خارجی پس از اجرای قوانین خود در قانون و تحت مفاد موافقتنامه ها و قراردادها دریافت می کند و سرمایه ای که وی بر اساس انقضا یا خاتمه سرمایه گذاری مشترک سهامی دریافت می کند و نیز دیگر وجوه، بر اساس قوانین نظارت بر ارز می تواند به صورت نقدی ارسال شود، که در قرارداد سرمایه گذاری مشترک قید گردیده است. طرف خارجی تشویق خواهد شد که ارز خارجی را که می تواند به خارج بفرستد در بانک چین سرمایه گذاری کند.

ماده ۱۲. در آمد دستمزد و دیگر درآمدهای قانونی کارگران و کارمندان خارجی سرمایه گذاری مشترک سهامی بنابر آیین نامه نظارت بر ارز، پس از پرداخت مالیات بر درآمد شخصی، تحت قوانین مالیات جمهوری خلق چین می تواند به خارج از کشور ارسال گردد.

ماده ۱۳. مدت زمان عملکرد سرمایه گذاری مشترک سهامی می تواند به صورت متفاوتی بر اساس رشته های متفاوت تجاری و شرایط متفاوت مورد توافق قرار گیرد. زمان عملکرد سرمایه گذاری های مشترک سهامی که به چند رشته تجاری

می پردازند، ثابت خواهد بود در حالیکه مدت زمان عملکرد سرمایه گذاری های مشترک سهامی که به رشته های دیگر تجاری را می پردازند می تواند یا نمی تواند ثابت باشد. اگر طرفین سرمایه گذاری مشترک سهامی با مدت زمان ثابت عملکرد، موافق با افزایش مدت عملکرد باشند، آنها زودتر از ۶ ماه مانده به انقضای مدت عملکرد درخواستی به مرجع بررسی و تایید ارائه خواهند کرد. این مرجع در طول یک ماه از دریافت درخواست برای تایید یا رد آن تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۱۴. اگر زیان های جدی از سوی سرمایه گذاری مشترک سهامی وارد شود، یا یکی از طرفین از انجام تعهدات خود طبق قرارداد و اساسنامه سرباز زند، یا حادثه ای غیر مترقبه و... رخ دهد قرارداد را می توان پس از مشورت توافق بین طرفین سرمایه گذاری، مشروط بر تایید از سوی مرجع بررسی و تایید و ثبت نزد اداره دولتی مسئول اجرای صنعت و بازرگانی فسخ کرد. در مورد زیان هایی که به خاطر نقض در قرارداد بوجود می آید، مسئولیت اقتصادی به عهده طرف نقض کننده خواهد بود.

ماده ۱۵. زمانی که اختلاف نظر میان طرفین سرمایه گذاری بالا می گیرد و هیات مدیره قادر به حل آن از طریق مشورت نیست، این اختلاف از طریق مصالحه یا داوری حل و فصل خواهد شد که توسط موسسه داوری چین یا از طریق داوری با موسسه داوری دیگری که مورد توافق طرفین سرمایه گذاری باشد، انجام می شود.

طرفین سرمایه گذاری مشترک، چنانچه هیچیک شرط داوری را در قرارداد سرمایه گذاری مشترک قید نکرده باشند و پس از وقوع اختلاف به چنین شرط داوری کتبی نرسیده باشند، می توانند این اختلاف ها را به دادگاه خلق ارائه دهند. ماده ۱۶ این قانون از تاریخ صدور آن لازم الاجرا خواهد بود.

بند سوم - قانون جمهوری خلق چین در خصوص بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی (مصوب ۱۹۸۶ و اصلاح شده در سال ۲۰۰۰)^{۳۱}

(این قانون در جلسه چهارم ششمین کنگره ملی خلق چین در ۱۲ آوریل ۱۹۸۶ اتخاذ و در جلسه هجدهم کمیته لوایح عمومی نهمین کنگره ملی خلق چین در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰ اصلاح گردیده است.)

ماده ۱. به منظور گسترش همکاری بین المللی اقتصادی و مبادله فنی و بهبود توسعه اقتصاد ملی چین، جمهوری خلق چین به بنگاه های اقتصادی خارجی و دیگر موسسات اقتصادی یا اشخاص (که از این پس، به عنوان سرمایه گذاران خارجی نام برده می شوند) اجازه می دهد تا بنگاه های اقتصادی تحت مالکیت کامل خارجی را درون قلمرو چین تاسیس کند و از حقوق قانونی و منافع چنین بنگاه هایی حمایت خواهد کرد.

³¹ -www.lehmandlaw.com

ماده ۲. بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی در این قانون به بنگاه هایی اطلاق می شود که در قلمرو چین مطابق با قوانین مربوط چین تاسیس شوند و کل سرمایه توسط سرمایه گذاران خارجی سرمایه گذاری می شود.

چنین بنگاه هایی شعبه هایی را که توسط بنگاه های اقتصادی خارجی و دیگر موسسات اقتصادی در قلمرو چین تاسیس می شوند، در بر نمی گیرد.

ماده ۳. تاسیس بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی باید برای توسعه اقتصاد ملی چین سودمند باشد. دولت از تاسیس چنین بنگاه های اقتصادی حمایت می کند بطوریکه بتوانند همه یا بخش اعظمی از محصولات خود را صادر کنند یا فناوری پیشرفته را انتخاب کنند.

صنایعی که در آنها تاسیس بنگاه های اقتصادی خارجی از سوی دولت ممنوع یا محدود است از طریق شورای دولتی تصریح خواهد شد.

ماده ۴. سرمایه گذاری، سودهای حاصله و سایر حقوق قانونی و منافع سرمایه گذاران خارجی در قلمرو کشور چین توسط قوانین چین حمایت خواهند شد.

بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی باید قوانین و مقررات چین را رعایت کنند و نباید به منافع عمومی و اجتماعی چین زیان برسانند.

ماده ۵. دولت بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی را ملی نکرده و از آنها سلب مالکیت نخواهد کرد. دولت تحت شرایط خاص و بر اساس نیاز منافع عمومی و اجتماعی می تواند مطابق روش های قانونی از بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی سلب مالکیت کند و متناسب با آن غرامت دهد.

ماده ۶. درخواست های تاسیس بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی توسط اداره مسئول تجارت و روابط اقتصادی خارجی که زیر نظر شورای دولتی است یا مراجعی که شورای دولتی اجازه می دهد، بررسی و تایید خواهند شد.

مراجع بررسی و تایید تصمیم خواهند گرفت که در طول ۹۰ روز از تاریخ دریافت درخواست آن را تایید یا رد کنند.

ماده ۷. پس از این که درخواست تاسیس بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی تایید شد، سرمایه گذار خارجی طی ۳۰ روز از تاریخ دریافت گواهی تایید، نزد مراجع اجرایی صنعت و بازرگانی درخواست ثبت خواهد داد و ليسانس تجارت اخذ خواهد کرد. تاریخی که در آن ليسانس تجارت بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی صادر می شود، تاریخی خواهد بود که این بنگاه اقتصادی تاسیس می شود.

ماده ۸. بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی که نیازهای اشخاص حقوقی را تامین می کند که توسط قوانین چین تصریح شده است، طبق قانون وضعیت شخص حقوقی چینی را خواهد داشت.

ماده ۹. بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی در قلمرو چین در طول دوره ای سرمایه گذاری خواهد کرد که توسط مراجع بررسی و تأیید ، مورد تأیید قرار گرفته است. چنانچه هیچ سرمایه گذاری در پایان این دوره صورت نگرفته باشد مراجع اجرایی صنعت و بازرگانی محق خواهند بود که لیسانس تجارت را لغو کنند.

مراجع اجرایی صنعت و بازرگانی ، سرمایه گذاری های بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی را بررسی و نظارت خواهند کرد.

ماده ۱۰. تجدید سازمان ، ادغام یا تغییرات مهم دیگر بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی جهت تأیید به مراجع بررسی و تأیید ارائه خواهند شد و برای تغییرات در ثبت، مراحل مراجع اجرایی صنعت و بازرگانی را طی خواهند کرد.

ماده ۱۱. هیچ گونه مداخله در عملکرد و فعالیت های مدیریتی بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی که بر اساس مواد مورد تأیید اساسنامه آن اجرا شود، مجاز نخواهد بود.

ماده ۱۲. بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی که کارمندان و کارگران چینی را استخدام می کند، بر اساس قانون، قراردادهای منعقد خواهد کرد در قراردادهای مفاد مربوط به امور استخدام ، اخراج ، پاداش ، مزایا ، امنیت شغلی و بیمه کار تعیین خواهد گردید.

ماده ۱۳. کارمندان و کارگران بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی طبق قانون اتحادیه کارگری تشکیل خواهند داد، فعالیت های اتحادیه کارگری را اداره خواهند کرد و از حقوق و منافع قانونی کارمندان و کارگران حمایت خواهند نمود.

بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی، تسهیلات لازم برای فعالیت های اتحادیه کارگری خود را تأمین خواهد کرد.

ماده ۱۴. یک بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی باید دفاتر حساب را در قلمرو چین ثبت کند، حسابداری مستقل را به کار ببندد، صورت وضعیت حسابداری را بر اساس قوانین ارائه کند و نظارت مراجع مالیاتی و مالی را بپذیرد.

اگر یک بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی از ثبت دفاتر حساب در قلمرو چین امتناع نماید، مراجع مالیاتی و مالی می توانند بنگاه اقتصادی را جریمه کنند و مراجع اجرایی صنعت و بازرگانی می توانند برای توقف فعالیت های تجاری آن دستور صادر کنند یا لیسانس تجاری آن را باطل نمایند.

ماده ۱۵. ذخایری نظیر مواد خام و سوخت مورد نیاز بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی در محدوده مورد تأیید تجارت می تواند در چین یا بازار بین المللی خریداری شود.

ماده ۱۶. همه موارد بیمه بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی توسط شرکت های بیمه درون قلمرو چین بیمه خواهند شد.

ماده ۱۷. بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی مالیات ها را بر اساس آیین نامه های مالیاتی مربوط به دولت پرداخت خواهد کرد و می تواند از امتیاز خاص معافیت ها و تخفیف های مالیاتی بهره مند شود.

اگر بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی روی سودهای خود، پس از وصول مالیات در قلمرو کشور چین سرمایه گذاری مجدد کند، می تواند تقاضای باز پرداخت بخشی از مالیات بر درآمدی را کند که بیشتر در منبع سرمایه گذاری مجدد طبق آیین نامه دولت پرداخت کرده است.

ماده ۱۸. امور مربوط به ارزش خارجی بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی بر اساس قوانین نظارتی ارزش خارجی دولت کنترل خواهد شد.

بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی، حسابی در بانک چین یا هر بانک دیگری که توسط مراجع نظارت ارزش خارجی دولت تعیین شده اند، افتتاح خواهد کرد. بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی خود ترازی بین درآمد و درآمد ارزش خارجی خود را حل خواهد کرد.

ماده ۱۹. سودهای قانونی و دیگر در آمد قانونی که توسط سرمایه گذاران خارجی از بنگاه های اقتصادی با مالکیت خارجی بدست آمده است و بازپرداخت هایی که آنها پس از تسویه دریافت می کنند می تواند به خارج از کشور ارسال شود.

دستمزدها و سایر درآمد قانونی کارمندان و کارگران بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی را پس از پرداخت مالیات بر درآمد شخصی، می توان طبق قانون به خارج از کشور ارسال کرد.

ماده ۲۰. مدت زمان عملکرد بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی از سوی سرمایه گذاران خارجی اعلام و از سوی مراجع تایید و بررسی تایید خواهد شد. اگر به علت انقضای مدت، تمدیدی نیاز باشد، ۱۸۰ روز پیش از انقضای مدت، درخواستی نزد مراجع بررسی و تایید صورت خواهد گرفت که این مراجع تصمیم خواهند گرفت که در طول ۳۰ روز از تاریخ دریافت درخواست آن را تایید یا رد کنند.

ماده ۲۱. زمانی که بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی به کار خود پایان می دهد یک اعلان عمومی فوری تهیه و انحلال بر اساس مراحل قانونی انجام خواهد گردید.

پیش از اتمام انحلال، سرمایه گذاران خارجی، دارایی ها را، مگر برای اجرای انحلال، از بنگاه بیرون نخواهند برد.

ماده ۲۲. زمانی که بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی به کار خود پایان می دهد مراحل لغو ثبت خود را نزد مراجع اجرایی صنعت و بازرگانی طی خواهد کرد و لیسانس تجارت خود را پس خواهد داد.

ماده ۲۳. اداره مسئول تجارت و روابط اقتصادی خارجی تحت نظر شورای دولتی، بر اساس این قانون، قوانین مشروعی برای اجرا، تنظیم خواهد کرد که پس از ارائه و تایید شورای دولتی لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۴. این قانون از تاریخ انتشار رسمی لازم الاجرا خواهد بود.

فصل ششم - حمایت از سرمایه گذاری خارجی در روسیه

گفتار اول - تاریخچه حمایت و مراحل اخذ مجوز

رتبه جهانی روسیه بین سال های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۶ از لحاظ ارزش میانگین ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی هجدهم بوده است.

در سال ۲۰۰۶ کل سرمایه گذاری خارجی در روسیه ۱۹۷,۷ میلیارد دلار بوده است .

بند اول - تاریخچه حمایت

در سال ۱۹۹۱ روسیه انتقال از اقتصاد دستوری متمرکز به اقتصاد مبتنی بر بازار را آغاز کرد و بنابراین کمتر از دو دهه تجربه سرمایه گذاری خارجی را دارد. به طور تقریبی سه چهارم اقتصاد روسیه خصوصی شده است، هرچند دولت حفظ بلوک های سهام در بسیاری از بنگاه های خصوصی شده را ادامه داد. از نخستین روزهای باز شدن درب های کشور بر روی سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذاری های تجاری پیچیده تر شده اند. در حالی که اقتصاد روسیه دگرگونی و اصلاحات اقتصادی را آغاز کرده، بودجه دولتی و اقتصاد، هنوز به درآمد های دولتی مبتنی بر نفت و گاز وابسته است. در حدود ۴۰ درصد از سرمایه گذاری روسیه در بخش انرژی انجام می گیرد. سایر بخش های در یافت کننده سرمایه گذاری خارجی، حمل و نقل، املاک، خدمات، ماشین آلات، بانکداری، خرده فروشی هستند. دولت روسیه نیاز به ارتقای سرمایه گذاری در زیر ساخت های قدیمی را درک نموده و معتقد است که می تواند آن را از طریق کنترل بنگاه های استراتژیک، سرمایه گذاری هایی با پشتوانه دولتی، مناطق ویژه اقتصادی و سرمایه گذاری های محدود خارجی در بخش های کلیدی استراتژیک انجام دهد.

قانون جدید سرمایه گذاری خارجی روسیه در ۹ جولای سال ۱۹۹۹ توسط آقای یلتسین رییس جمهور وقت روسیه امضا و از تاریخ ۱۴ جولای ۱۹۹۹ به مورد اجرا گذاشته شد. قانون قبلی مشکلات عدیده ای را بر سر راه سرمایه گذار

خارجی به وجود آورده بود، بطوریکه بر اساس گزارش سرمایه گذاری جهانی، میزان ورود سرمایه به کشور روسیه در بین سال های ۱۹۹۹-۱۹۹۲ حدود ۱۶ میلیارد دلار بوده که این میزان با در نظر گرفتن وسعت کشور و میزان منابع طبیعی و نیروی کار تحصیل کرده آن، بسیار کم و نا چیز بوده است. لذا با اصلاح قانون سرمایه گذاری، برخی از مشکلاتی که بر سر راه سرمایه گذار خارجی بود بر داشته شد. از جمله مشکلات مذکور می توان به الگوی حسابرسی نامشخص، نظام مالیاتی نا معین، بی ثباتی نرخ ارز، محیط سیاسی ناپایدار، تورم بالا، سیر نزولی تولید ناخالص داخلی، اشاره نمود، که بنظر متخصصین امر، اصلاح هر یک از موارد ذکر شده، می توانست پیشرفت چشمگیری را در جذب سرمایه گذاری خارجی موجب شود. از مهمترین تغییراتی که در قانون جدید اعمال شد، اضافه شدن ماده ای تحت عنوان حمایت از ثبات مالیاتی بود. تضمین ثبات قانونی برای حمایت از حقوق سرمایه گذار خارجی و نیز اضافه شدن قوانینی برای تشویق و حمایت از سرمایه گذار خارجی، از دیگر تغییراتی بود که در قانون جدید در نظر گرفته شد. به عنوان مثال می توان، تملک بیش از ۱۰ درصد سهام یک بنگاه تجاری روسی و یا سرمایه گذاری در شعب موسسات حقوقی روسیه و یا در مورد اجاره دادن تجهیزات الکتریکی و حمل و نقل را نام برد. این تغییرات در قانون سرمایه گذاری خارجی روسیه، در ایجاد محیط مناسبی برای جذب سرمایه گذاری خارجی موثر بود. اما پیچیدگی در شیوه بیان آن برای سرمایه گذار خارجی همچنان وجود داشت تا این که اصلاحات دیگری نیز در سال ۲۰۰۳ بر آن انجام شد. بالارفتن میزان تولید ناخالص داخلی که خود ناشی از بالارفتن قیمت نفت بود و نیز دستورالعمل هایی که آقای پوتین برای ثبات سیاسی روسیه مطرح نمود (که میتوان به برگشت فرار سرمایه اشاره کرد) باعث گشت تا از آن به بعد محیط مناسبی برای سرمایه گذاری خارجی در کشور روسیه فراهم آید. به عبارتی از سال ۲۰۰۶-۲۰۰۳، به میزان ۸,۳ برابر سرمایه گذاری خارجی افزایش یافت و در سال ۲۰۰۶ به رقم ۲۳ میلیارد یورو رسید. بطوریکه رتبه روسیه در جذب سرمایه گذاری خارجی از ۱۵ در سال ۲۰۰۳ به رتبه ۷ در سال ۲۰۰۷ ترقی کرد.

سیاست ها و قوانین سرمایه گذاری خارجی

بر اساس قانون فدرال سرمایه گذاری های خارجی مصوب ۱۹۹۹، دولت روسیه ممکن است به منظور تضمین دفاع از کشور و امنیت دولتی، مانع ورود سرمایه گذاری خارجی شود. در عین حال طبق نظر مقامات دولتی روسیه، هیچ آیین نامه یا فرآیندی به منظور اجرای آن بخش از قانون وضع نشده است. دو معامله با مفهوم امنیت ملی در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ انجام شد. دولت روسیه به منظور بررسی ویژه، تقاضا های سرمایه گذاران را برای بررسی ضد انحصاری به سرویس ضد انحصاری فدرال (FAS) (Federal Anti Monopoly Service) ارجاع داد و سپس با بررسی دیگری از طریق نهاد های امنیتی دولتی هماهنگ نمود. سرانجام یکی از این دو معامله مورد تایید قرار گرفت. در نتیجه این سرمایه گذاری ها، رییس جمهور وقت دولت روسیه در سال ۲۰۰۵ در سخنرانی اش در خواست وضع قانونی برای حمایت از منافع کشور روسیه از طریق بررسی سرمایه گذاری خارجی در بخش های حساس اقتصادی نمود.

در واکنش، طبق نظر مقامات رسمی دولت روسیه، وزارت تجارت و توسعه اقتصادی و وزارت صنعت و انرژی به همراه اداره کل ریاست جمهوری و نهاد های امنیتی روسیه یک قانون بخش های استراتژیک پیشنهادی را تدوین نمود، که طبق نظر یکی از مقامات عالی رتبه روسیه مشابه مراحل است که در آمریکا توسط کمیته سرمایه گذاری خارجی انجام می گیرد. چندین نسخه از پیش نویس قانون تهیه گردید که یکی از آن ها در جولای ۲۰۰۷ به منظور تصویب نهایی به مجلس روسیه فرستاده شد. براساس نظر وزارت خارجه آمریکا، در ۲۱ فوریه سال ۲۰۰۸ نسخه محدود کننده تر قانون بخش های استراتژیک و اصلاحیه مربوط به قانون منابع معدنی توسط دولت روسیه اعلام گردید. از ۲۶ فوریه ۲۰۰۸ قانون بخش های استراتژیک که به تصویب مجلس نرسیده بود، همچنان دستخوش دگرگونی است. پیش نویس جدید قانون بخش های استراتژیک و قانون منابع معدنی ممکن است در بهار ۲۰۰۸ مورد رسیدگی مجلس روسیه قرار گیرد.

نظام حقوقی روسیه بر نظام حقوق نوشته نه حقوق عرفی مبتنی است. در نتیجه براساس نظر یکی از مقامات عالی رتبه روسی، قوانین روسیه جزئی تر از قوانین نظام حقوق عرفی هستند. این مقام رسمی خاطر نشان کرد این خصوصیت نظام های حقوق مدنی اندکی میزان جزئیات را شرح می دهد که در قانون بخش های استراتژیک پیشنهادی یافت می شود. بعلاوه ساختار حقوقی روسیه که مبتنی بر حقوق نوشته شده است، کمک به روشن شدن این مطلب می کند که چرا عدم اجرای مراحل قانون فدرال سال ۱۹۹۹ که مربوط به سرمایه گذاری خارجی بوده، به ویژه مسئله ساز بوده است.

بند دوم – مراحل اخذ مجوز

طبق نظر مقامات رسمی دولت روسیه، بر اساس نظام جاری، سرویس ضد انحصاری فدرال تنها نهاد دولتی است که مجوز صریح برای تایید معاملات سرمایه گذاری خارجی دارد. بر اساس مراحل جاری سرمایه گذاران بایست که درخواست های شان را برای بررسی ضد انحصاری به سرویس ضد انحصاری فدرال تسلیم دارند. سرویس ضد انحصاری فدرال علاوه بر نقش اولیه ای که در تعیین ملاحظات ضد انحصاری دارد، در خصوص اینکه سرمایه گذاری مذکور ممکن است به امنیت ملی مربوط شود نیز تصمیم می گیرد، بعلاوه سرویس ضد انحصاری فدرال نظرات دیگر نمایندگان را از دولت فدرال روسیه در خصوص تایید یا متوقف نمودن معامله پیشنهادی اخذ می نماید و تصمیم نهایی را به سرمایه گذار ابلاغ می نماید.

بر اساس نظر مقامات رسمی دولت روسیه، این مرحله بررسی اختصاصی، بیش از حد ضرورت توسعه یافته است، و مرحله ای نیست که موثرترین حمایت را از منافع ملی روسیه به عمل آورد و مرحله پردردسری به لحاظ عدم شفافیت برای سرمایه گذاران خارجی محسوب می گردد.

آستانه های تغییر برای بررسی اجباری

بر اساس قانون فدرال سرمایه گذاری خارجی سال ۱۹۹۹، وقتی معامله پیشنهادی در آستانه معینی قرار گیرد، بررسی سرمایه گذاری خارجی توسط سرویس ضد انحصاری الزامی می شود. به عنوان مثال، اگر ارزش کل دارایی که از ادغام یا تملک شرکت ها حاصل می شود بیش از ۳ میلیارد روبل باشد، اگر درآمد کل موسسات بیشتر از ۶ میلیارد روبل بشود، اگر این شرکت ها، کنترلی بیشتر از ۳۵ درصد بازار را به عهده گیرند یا اگر سرمایه گذار در صدد بدست آوردن سهمی بیش از یک سوم سهام شرکت باشد، آنگاه سرمایه گذاری مورد نظر می بایست از قبل به تایید سرویس ضد انحصاری برسد. بر اساس نظر متخصصین آمریکایی در زمینه صنایع در کشور روسیه، در مواردی که سرمایه گذاری به آستانه نرسیده، سرمایه گذار تنها لازم است که سرویس ضد انحصاری را مطلع سازد، اما لزومی ندارد که تاییدیه اولیه را بدست آورد.

استیناف قضایی بررسی تصمیمات

بر طبق نظر حقوق دانان با تجربه در زمینه سرمایه گذاری خارجی در روسیه، چنانچه موردی بر اساس مراحل ضد انحصاری مورد تایید سرویس ضد انحصاری فدرال نباشد، آن مورد می تواند به لحاظ فنی مورد استیناف نظام قضایی قرار گیرد. گرچه حقوق دانان بر موفقیت آمیز بودن آن اعتقادی ندارند، مگر آنکه سرمایه گذار اطلاعات بیشتری را ارائه دهد که در خواست اولیه ان نبوده است.

تحولات جدید

وزارت تجارت و توسعه اقتصادی و وزارت انرژی و صنعت دولت روسیه به همراه اداره ریاست جمهوری و سرویس امنیتی، پیش نویس قانون جدید بخش های استراتژیک را تدوین نموده اند. وزارت خارجه آمریکا احتمال می دهد که این پیش نویس جدید در بهار ۲۰۰۸ مورد بررسی مجلس (دوما) قرار گیرد. اگر این پیش نویس به تصویب مجلس برسد یک مرحله بررسی واسطه ای برای سرمایه گذاری های خارجی ایجاد خواهد شد. در نسخه ماه جولای ۲۰۰۷ قانون بخش های استراتژیک، ۳۹ بخش معین، به لحاظ امنیتی حساس در نظر گرفته شده اند. در نسخه پیش نویس ماه فوریه ۲۰۰۸، ۴ بخش استراتژیک دیگر به این فهرست اضافه شده است.

طبق قانون پیشنهادی، سرمایه گذاران همچنان باید برای بررسی ضد انحصاری به سرویس ضد انحصاری فدرال درخواست دهند، اما اگر سرمایه گذاری پیشنهادی مربوط به یکی از بخش های استراتژیک گردد، آنگاه بطور جداگانه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر اساس پیش نویس ماه جولای ۲۰۰۷ قانون بخش های استراتژیک، بررسی در یک

هیات واسطه به نماینده گی از وزارت امنیت و اقتصاد دولت روسیه انجام خواهد گرفت ، رهبری این هیات را اداره نخست وزیری بر عهده دارد.

در این هیات واسطه نمایندگان از موسسات ذیل شرکت دارند:

- سرویس ضد انحصاری فدرال
- وزارت تجارت و توسعه اقتصادی
- وزارت صنعت و انرژی
- وزارت دفاع
- سرویس امنیت فدرال

بر اساس نظر مقامات دولتی روسیه، هنوز دولت روسیه تصمیمی مبنی بر اینکه کدام سازمان دولتی ، پیشنهادات سرمایه گذاری را، برای بررسی دریافت خواهد نمود، نگرفته است . بعلاوه طبق نظر وزارت خارجه آمریکا، تا فوریه ۲۰۰۸ ، دولت روسیه توافقی در خصوص اینکه کدام نهاد، رهبری هیات واسطه را بر عهده خواهد گرفت، ننموده است، که این امر برای اجرای بالقوه قانون پیشنهادی مفهوم حیاتی دارد. واضح است که نسخه فوریه ۲۰۰۸ پیش نویس قانون، اطلاعات بیشتری را از وزارت خانه های امنیتی روسیه که شامل سرویس امنیتی فدرال می شود، منعکس می نماید.

بر طبق نسخه اخیر قانون پیشنهادی بخش های استراتژیک، شرکت های خارجی که در صدد کسب مالکیت بیش از ۵۰ درصدی هستند یا می خواهند کنترل سهام را در شرکت روسی در دست داشته باشند، همانطور که در قانون شرح داده شده است ، چنانچه سرمایه گذاری مورد نظر در فهرست بخش های استراتژیک باشد، آن شرکت خارجی ملزم است تاییدیه دولت را بدست آورد.

این بخش ها عبارتند از:

- بخش های مربوط به بیماری ها و عوامل آن ها
- طرح های هسته ای و منابع تشعشعی
- ماشین آلات کد گذاری و رمز نویسی
- تجهیزات نظامی، تسلیحاتی، انفجاری
- تجهیزات هوایی و هواپیمایی و امنیتی (به غیر از هواپیمایی داخلی)
- هر گونه فعالیتی که به فضا مربوط می شود
- منابع طبیعی انحصاری (مانند استخراج گاز و نفت) و
- فلزات آلیاژ هایی که خواص ویژه دارند .

در ۲۱ فوریه سال ۲۰۰۸، به نسخه قانون بخش های استراتژیک، ۴ بخش دیگر نیز به فهرستی که در پیش نویس سال ۲۰۰۷ بود، اضافه گردید. این بخش های اضافه شده عبارتند از :

- مخابرات
- رادیو
- تلویزیون
- ماهیگیری

علاوه بر این بر طبق نظر وزارت خارجه آمریکا، نسخه فوریه قانون بخش های استراتژیک، تملک کنترل نشده خارجیان را بر شرکت های روسی بیشتر محدود می سازد به طوری که در زمینه منابع زیر زمینی استراتژیک تنها می توانند سهمی تا ۱۰ درصد را به خود اختصاص دهند. در ضمن بر اساس پیش نویس اخیر، موسساتی که دولت های خارجی مالک بخشی از آن هستند به منظور محدود نمودن مالکیت کنترل نشده، مالکیت آن ها تنها مشمول ۵ درصد می گردد. شرکت های خارجی که در صدد کسب سهم بیش تری از شرکت های روسی مربوطه می باشند، نیاز به تایید کمیسیون ویژه دولت روسیه دارند.

تاییدیه دولت هم بررسی ضد انحصاری و هم بررسی امنیت ملی را در مورد سرمایه گذاری پیشنهادی شامل می شود. اگر سرمایه گذار خارجی بدنبال کنترل سهام نباشد، تنها بررسی استاندارد سرویس ضد انحصاری لازم است. بر طبق نظر مقامات رسمی دولت روسیه، تعیین این مطلب که سرمایه گذاری پیشنهادی به کدام بخش مربوط می شود، بر اساس مجوز بازرگانی صادره از طرف دولت خواهد بود که شرکت مورد نظر از قبل اخذ نموده است. براساس نظر مقامات رسمی دولت و حقوق دانان با تجربه در زمینه سرمایه گذاری خارجی در روسیه، قانون بخش های استراتژیک پیشنهادی، همانند فرایند بررسی سرویس ضد انحصاری جاری، اسناد و مدارک خاصی را که باید برای بررسی ارائه شود، تعیین می کند که کامل گردد. براساس مراحل بررسی جاری سرویس ضد انحصاری، این سازمان می تواند از سرمایه گذار اسناد تکمیلی را در خواست کند که بنظر ضروری می باشد و ممکن است تا حدی مراحل درخواست را تاخیر بیاندازد. به هر حال براساس نظر حقوق دانان، تهیه اسناد تکمیلی به طور معمول، زمان بر نیستند و مشکلی را نیز ایجاد نمی کنند.

بر طبق نظر مقامات دولت روسیه، قانون بخش های استراتژیک پیشنهادی، به معیار های ویژه ای می پردازد که معامله پیشنهادی بر اساس آن ها توسط هیات بررسی واسطه از نظر ملاحظات امنیتی مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. از جمله، معیار های تصمیم گیری شامل این است که شرکتی که در آن، سرمایه گذاری انجام می شود در زمینه های ذیل فعالیت کند :

- اطلاعات محرمانه دولتی را در بر گیرد
- محصولاتی را تولید کند که مشمول کنترل صادراتی گردد

- تجهیزات نظامی تولید کند

- به نوعی با منابع طبیعی انحصاری (نفت و گاز و غیره) سر و کار داشته باشد

بر طبق قانون بخش های استراتژیک پیشنهادی زمان استاندارد برای بررسی دولتی سرمایه گذاری خارجی در نهایت تا ۹۰ روز خواهد بود. در صورتی که دولت تشخیص دهد که نیاز به زمان اضافی دیگری برای تکمیل بررسی است، آن ۹۰ روز اولیه می تواند تا ۹۰ روز دیگر تمدید گردد، که در مجموع ۱۸۰ روز یا ۶ ماه می شود. براساس نظر وزارت خارجه آمریکا، دولت روسیه در مورد اینکه بررسی ضد انحصاری و بررسی موضوع از لحاظ امنیت ملی بطور همزمان یا به شکل متوالی صورت پذیرد، تصمیمی نگرفته است. اگر به طور همزمان صورت پذیرد، کل زمان بررسی ۹۰ روز خواهد بود یا در موارد استثنایی تا ۱۸۰ روز خواهد بود. اگر به شکل متوالی صورت پذیرد، کل زمان بررسی به ۱۲۰ روز یا ۲۱۰ روز در موارد استثنایی به طول خواهد انجامید.

اگر معامله پیشنهادی معیاری برای عدم پذیرش فراهم سازد اما بتواند تهدید منافع ملی روسیه را کاهش دهد این میزان تایید خواهد شد چنان چه سرمایه گذار شرایط مورد نیاز معینی را بپذیرد. قانون بخشهای استراتژیک پیشنهادی در زیر، دامنه ای از شرایط تخفیف را ارائه می دهد که ممکن است امکان تصویب یابند :

- تعهد در حمایت از اطلاعات محرمانه از جمله محدودیت های دسترسی بالقوه برای سرمایه گذار
- تعهد در استمرار تحویل محصولات، اجرای کار و ارائه خدمات تحت قراردادهای نظامی موجود
- تعهد در حفظ توان تجهیز شرکت مورد نیاز
- تعهد در کار بر اساس تعرفه های تابع قانون فدرال روسیه در انحصارات طبیعی
- تعهد در تکمیل برنامه های تجاری برای توسعه بیشتر
- تعهد در اقداماتی که در جهت پیشگیری از تهدید به امنیت ملی صورت خواهد گرفت چنان چه مقررات حکومت نظامی یا حالت اضطرار تحمیل شود. یا تعهد در اجتناب از اخراج کارکنان در دوره معین.

برای مثال، به گفته یکی از مقامات رسمی دولت روسیه، قانون روسیه در خصوص اطلاعات محرمانه، کسی را کنترل و محدود می کند که می تواند واحد سازمانی یک شرکت دارای اطلاعات محرمانه دولت روسیه را اداره کند. اگر یک شرکت روسی توسط یک موسسه خارجی براساس شرایط تخفیف امضا شده خریداری شود واحد درون شرکت که اطلاعات محرمانه دولتی را حفظ می کند می تواند نیازمند کنترل از سوی اتباع روسی با مجوزهای امنیتی گردد. طبق گفته یکی از مقامات رسمی دولت روسیه، هنوز در خصوص این که موسسه دولتی روسی در تضمین وفا داری سرمایه گذار خارجی نسبت به شرایط تخفیف امضا شده، مسئول خواهد بود تصمیمی اتخاذ نگردیده است.

قانون بخش های استراتژیک پیشنهادی، روند درخواست های قضایی را در نظر می گیرد چنان چه دولت روسیه در صدور تصمیمی در ۹۰ روز یا در زمان بلند مدت تعیین شده موفق نشود.

قانون فدرال ۱۹۹۹ در بخش های سرمایه گذاری خارجی بین بنگاه های اقتصادی خارجی تحت مالکیت دولت و سایرین که به دنبال سرمایه گذاری در روسیه هستند تفاوتی قائل نیست. بر اساس نظر مقامات رسمی دولت روسیه ، طبق قانون بخش های استراتژیک پیشنهادی ، قوانین خاص در بنگاه های اقتصادی خارجی تحت مالکیت دولت اعمال خواهد شد. چنین موسساتی از دستیابی به سهم عمده در شرکت های روسی که تابع قانون بخش های استراتژیک پیشنهادی هستند بازمی مانند و علاوه بر آن ، بنگاه های اقتصادی خارجی تحت مالکیت دولت برای رسیدن به ۲۵ تا ۴۹ درصد از سهم عمده در هر شرکت روسی مجبور خواهند بود که تایید دولت روسیه را بدست آورند.

با این وجود، بررسی های سرمایه گذاری خارجی مشمول مفاد قانون فدرال ۱۹۹۹ در سرمایه گذاری خارجی است همانطور که از طریق جریان بررسی ضد انحصار فدرال اعمال شد، برای نمونه، استخراج منابع طبیعی زیرزمینی مانند نفت و گاز مربوط به دامنه ای از نیازهای مشمول قانون فدرال روسیه در بخش منابع زیرزمینی می باشد. استاندارد اخیر به سرمایه گذاری خارجی در پروژه های معینی بالای ۵۰ درصد ورودی اجازه داده است. اخیراً دولت روسیه در جریان اصلاحات پیش نویس قانون منابع طبیعی زیرزمینی است که تعدادی از تغییرات را اجرا خواهد کرد. پیش نویس اصلاحات جولای ۲۰۰۷ ، سرمایه گذاری خارجی در منابع طبیعی زیرزمینی استراتژیک را تا ۵۰ درصد از سهم کل در اندوخته معین مجاز دانست. افزون بر آن، به گفته یکی از مقامات رسمی دولت روسیه طبق اصلاحات پیشنهادی ، لیسانس های لازم برای شرکت ها فقط به استخراج های داخلی داده خواهد شد. سرمایه گذاران خارجی ناچار خواهند بود در سرمایه گذاری مشترک با شرکت های نفت و گاز روسی وارد شوند تا در این حوزه ها سرمایه گذاری کنند.

تغییر پیشنهادی مهم دیگر در قانون منابع طبیعی زیرزمینی، انتخاب منابع معین زیرزمینی (از جمله نفت ، گاز طبیعی ، طلا و مس) خواهد بود که بزرگتر از ورودی های خاص هستند. اصلاحات « میدان استراتژیک» را به عنوان میدان های نفتی با منابع قابل استخراج بیش از ۷۰ میلیون تن ، میدان های گازی با بیش از ۵۰ میلیارد مترمکعب و میدان های ساحلی تعریف خواهند کرد. شرکت هایی که در آنها دولت روسیه مالک عمده است از محدودیت های مالکیت خارجی معاف خواهند بود.

گفتار دوم - قانون فدرال درباره سرمایه‌گذاری‌های خارجی در فدراسیون روسیه^{۳۲}

(مصوب ۱۹۹۹ و اصلاح شده به تاریخ ۲۱/۳/۲۰۰۳، شماره Q3-۳۱)

قانون فدرال حاضر تضمین‌های اساسی حقوق سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری‌ها، درآمد‌ها و سود حاصله از آن‌ها و شرایط فعالیت کارفرمایی سرمایه‌گذاران خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه را تعیین می‌نماید.

هدف از این قانون جذب و استفاده موثر از منابع مادی و مالی سرمایه‌گذاران خارجی در اقتصاد فدراسیون روسیه، فناوری پیشرفته، تجربه مدیریت، تامین ثبات شرایط برای فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی و رعایت انطباق رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری‌های خارجی با معیارهای حقوق بین‌الملل و رویه بین‌المللی در همکاری سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌باشد.

ماده ۱ - روابط قانونمند شده بوسیله این قانون فدرال و عرصه کاربرد آن

۱- این قانون فدرال، روابط مربوط به تضمین‌های دولتی حقوق سرمایه‌گذاران خارجی را به هنگام انجام سرمایه‌گذاری بوسیله آنها در قلمرو فدراسیون روسیه تنظیم می‌کند.

۲- این قانون فدرال در مورد روابط مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بانک‌ها و سایر موسسات اعتباری به علاوه موسسات بیمه که به ترتیب توسط قوانین فدراسیون روسیه درباره بانک‌ها و فعالیت بانکی و قوانین فدراسیون روسیه در مورد بیمه تنظیم می‌شوند، اعمال نخواهد شد.

این قانون فدرال همچنین در مورد روابط مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در موسسات غیر تجاری به منظور دستیابی به اهداف معین و مفید اجتماعی از جمله: اهداف آموزشی، خیر خواهانه، علمی و یا دینی که بوسیله قوانین فدراسیون روسیه درباره موسسات غیر تجاری قانونمند می‌شوند، اعمال نخواهد شد.

مفاد مواد ۷ و ۱۶ قانون فدرال حاضر در مورد روابط مربوط به اجرای فعالیت صنعتی، فعالیت مربوط به اعمال فن‌آوری یا توریسم و فعالیت تفریحی توسط اشخاص مقیم در منطقه خاص اقتصادی اعمال نخواهد شد.

ماده ۲ - مفاهیم اصلی مورد استفاده در این قانون فدرال

برای اهداف قانون فدرال حاضر، مفاهیم اصلی ذیل مورد استفاده قرار می‌گیرند:

- سرمایه گذار خارجی:

یعنی شخص حقوقی خارجی که صلاحیت حقوقی مدنی وی بر اساس قوانین کشوری که در آن جا تاسیس شده تعیین می گردد و مطابق با قوانین کشور مذکور حق خواهد داشت در قلمرو فدراسیون روسیه سرمایه گذاری نماید؛ موسسه خارجی که شخص حقوقی بشمار نمی رود و صلاحیت حقوقی مدنی آن بر اساس قوانین کشوری که در آن جا تاسیس شده تعیین می گردد و مطابق با قوانین کشور مذکور حق خواهد داشت در قلمرو فدراسیون روسیه سرمایه گذاری نماید؛ تبعه خارجی که صلاحیت حقوقی مدنی و اهلیت او بر اساس قوانین کشور متبوع او تعیین می گردد و حق خواهد داشت مطابق با قوانین کشور مذکور در قلمرو فدراسیون روسیه سرمایه گذاری نماید؛ شخص فاقد تابعیت که در خارج از قلمرو فدراسیون روسیه مقیم است و صلاحیت حقوقی مدنی و اهلیت او بر اساس قوانین کشور مورد اقامت دائم او تعیین می گردد و مطابق با قوانین کشور مزبور حق دارد در قلمرو فدراسیون روسیه سرمایه گذاری نماید؛ سازمان بین المللی که بر اساس یک موافقت نامه بین المللی فدراسیون روسیه حق خواهد داشت در قلمرو فدراسیون روسیه سرمایه گذاری نماید؛ دولت های خارجی بر اساس تشریفات تعیین شده به موجب قوانین فدرال.

- سرمایه گذاری خارجی :

یعنی به کار انداختن سرمایه خارجی با هدف فعالیت کارآفرینانه در قلمرو روسیه به شکل موضوعات حقوق مدنی متعلق به سرمایه گذار خارجی، در صورتی که این موضوعات حقوق مدنی از گردش حذف نشده و یا این که گردش آنها در قلمرو فدراسیون روسیه مطابق با قوانین فدرال محدود نشده باشد از جمله : پول، اوراق بهادار (به ارز خارجی و یا ارز فدراسیون روسیه)، اموال دیگر، حقوق مالی، حقوق انحصاری ناشی از فعالیت فکری (مالکیت فکری) قابل ارزیابی با معیار پولی و همچنین خدمات و اطلاعات.

- سرمایه گذاری مستقیم خارجی:

یعنی تحصیل حداقل ۱۰% سهم، سهام (سپرده) در سرمایه مجاز یک موسسه تجاری که در قلمرو فدراسیون روسیه تاسیس شده و یا تاسیس می شود بصورت شرکت و یا مشارکت اقتصادی مطابق با قوانین مدنی فدراسیون روسیه، سپرده سرمایه در دارایی های ثابت شعبه یک شخصیت حقوقی خارجی تاسیس شده در قلمرو فدراسیون روسیه؛ اجاره دادن تجهیزات توسط سرمایه گذار خارجی بعنوان موجد در قلمرو فدراسیون روسیه، تصریح شده در مواد XVI و XVII تحت عنوان طبقه بندی کالاهایی فعالیت اقتصادی خارجی کشور های مستقل مشترک المنافع که ارزش گمرکی آن ها حداقل یک میلیون روبل باشد.

- پروژه سرمایه گذاری:

یعنی تحقق مصلحت اقتصادی، حجم و شرایط انجام سرمایه گذاری مستقیم خارجی شامل طراحی برآوردها که مطابق با استانداردهای مندرج در قوانین روسیه تهیه شده است.

- پروژه اولویت دار سرمایه گذاری:

یعنی پروژه سرمایه گذاری که مجموع حجم سرمایه گذاری خارجی انجام گرفته در آن حداقل یک میلیارد روبل (و یا حداقل معادل ارز خارجی آن بر اساس نرخ بانک مرکزی فدراسیون روسیه در روز اجرایی شدن قانون فدرال حاضر) یا پروژه سرمایه گذاری که در آن حداقل سهم (سپرده) سرمایه گذاران خارجی در سرمایه مجاز یک موسسه تجاری با سرمایه خارجی، حداقل ۱۰۰ میلیون روبل (و یا حداقل معادل ارز خارجی آن طبق نرخ بانک مرکزی فدراسیون روسیه در روز اجرایی شدن قانون فدرال حاضر) مندرج در فهرست تأیید شده توسط دولت فدراسیون روسیه باشد؛

دوره بازگشت سرمایه پروژه سرمایه گذاری عبارت است دوره ای از آغاز تامین اعتبار یک پروژه سرمایه گذاری با استفاده از سرمایه گذاری مستقیم خارجی تا روزی که اختلاف بین جمع مبلغ سود خالص با کسورات استهلاکی و حجم هزینه های سرمایه گذاری موسسه تجاری با سرمایه گذاری خارجی و یا شعبه شخصیت حقوقی خارجی و یا موجر بر اساس قرارداد اجاره مالی (لیزینگ) موازنه مثبت بدست آورد.

- سرمایه گذاری مجدد:

یعنی انجام سرمایه گذاری در موضوعات فعالیت کارفرمایی در قلمرو فدراسیون روسیه در ازاء درآمد یا سودی که سرمایه گذار خارجی و یا سازمان تجاری با سرمایه خارجی از سرمایه گذاریهای خارجی بدست آورده باشد.

- مجموع بار مالیاتی:

عبارت است از حجم مجموع محاسبه شده وجوه نقدی قابل پرداخت بصورت عوارض ورودی گمرکی (به استثناء عوارض گمرکی ناشی از اتخاذ اقدامات حمایت از منافع اقتصادی فدراسیون روسیه در مدیریت تجارت خارجی مطابق با قوانین فدراسیون روسیه)، مالیاتهای فدرال (به استثناء عوارض کالاهای داخلی، مالیات بر ارزش افزوده کالاهایی که در قلمرو فدراسیون روسیه تولید می شوند)، اقساط پرداختی به صندوقهای دولتی غیر بودجه ای (به استثناء اقساط مورد پرداخت به صندوق بازنشستگی فدراسیون روسیه) توسط سرمایه گذار خارجی و موسسه تجاری با سرمایه گذاری خارجی که پروژه سرمایه گذاری را با منشاء سرمایه گذاریهای خارجی انجام می دهند از زمان شروع تامین مالی پروژه سرمایه گذاری.

ماده ۳- مقررات قانونی سرمایه گذاری های خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه

۱- مقررات قانونی سرمایه گذاری های خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه به وسیله قانون فدرال حاضر، دیگر قوانین فدرال و سایر اسناد قانونی و حقوقی فدراسیون روسیه و همچنین موافقت نامه های بین المللی فدراسیون روسیه مقرر خواهد شد.

۲- اعضاء فدراسیون روسیه حق دارند در مورد مسائلی که در صلاحیت آنها و یا در صلاحیت مشترک فدراسیون روسیه و اعضای فدراسیون روسیه می باشند، قوانین و اسناد قانونی دیگر که سرمایه گذاری های خارجی را تنظیم می نمایند مطابق قانون فدرال حاضر و دیگر قوانین فدرال تصویب کنند.

ماده ۴- رژیم حقوقی فعالیت های سرمایه گذاران خارجی و موسسات تجاری با سرمایه گذاری های خارجی

۱- رژیم حقوقی فعالیت های سرمایه گذاران خارجی و استفاده از سود حاصله از سرمایه گذاری ها از رژیم حقوقی فعالیت ها و استفاده از سود حاصله از سرمایه گذاری هایی که در اختیار سرمایه گذاران روسی قرار داده می شود به استثناء محدودیت هایی که بوسیله قوانین فدرال تعیین می گردد نباید نا مساعد تر باشد.

۲- انصراف ها از ویژگی محدود کننده برای سرمایه گذاران خارجی می تواند به وسیله قوانین فدرال فقط تا حدی که ضروری است، برای حمایت از اصول سیستم قانون اساسی، اخلاق، سلامت، حقوق و منافع قانونی سایر افراد، شرایط دفاعی کشور و امنیت دولت مقرر گردند. انصراف ها از ویژگی انگیزشی به شکل حقوق تقدم برای سرمایه گذاران خارجی می توانند در جهت منافع توسعه اجتماعی- اقتصادی فدراسیون روسیه برقرار شوند. حقوق تقدم و تشریفات ارائه آنها، بوسیله قوانین فدراسیون روسیه مقرر خواهند شد.

۳- شعبه شخصیت حقوقی خارجی تاسیس شده در قلمرو فدراسیون روسیه قسمتی از وظایف و یا همه وظایف از جمله وظایف نمایندگی از طرف شخصیت حقوقی خارجی موسس آن (که از این به بعد موسسه مادر نامیده می شود) را اجرا می نماید و این در صورتی است که اهداف تاسیس و فعالیت موسسه مادر جنبه تجاری داشته و موسسه مادر عهده دار مسئولیت مستقیم مالی در قبال تعهدات پذیرفته شده توسط آن در رابطه با انجام فعالیت مذکور در قلمرو فدراسیون روسیه باشد.

۴- شرکتهای فرعی و وابسته به یک موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی به هنگام اجرای فعالیت کارفرمایی آنها در قلمرو فدراسیون روسیه از حمایت حقوقی، تضمینات و حقوق تقدم مقرر به وسیله قانون فدرال حاضر برخوردار نمی باشند.

۵- سرمایه گذار خارجی، موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی که در قلمرو فدراسیون روسیه تاسیس شده و در آن سرمایه گذار خارجی (سرمایه گذاران خارجی) حداقل ۱۰% سهم، سهام، سپرده در سرمایه مجاز موسسه فوق الذکر را دارا می باشد (می باشند) به هنگام انجام سرمایه گذاری مجدد کاملاً از مزایای کامل حمایت حقوقی، تضمینات و حقوق تقدم مقرر در این قانون فدرال برخوردار می باشند.

۶- یک موسسه تجاری روسی از روزی که شریک خارجی به آن وارد شود موقعیت موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی را به دست می آورد. از همین روز موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی و سرمایه گذار خارجی از حمایت حقوقی، تضمینات و حقوق تقدم مقرر بوسیله قانون فدرال حاضر برخوردار می شوند. موسسه تجاری از روز خروج سرمایه گذار خارجی از موسسه (در صورتی که چند سرمایه گذار خارجی در عضویت موسسه باشند، خروج همه سرمایه گذاران خارجی) موقعیت خود تحت عنوان موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی را از دست می دهد. از همین تاریخ موسسه تجاری فوق الذکر و سرمایه گذار خارجی، حمایت حقوقی، تضمینات و حقوق تقدم مقرر در قانون فدرال حاضر را از دست می دهند.

ماده ۵- تضمینات حمایت حقوقی از فعالیت های سرمایه گذاران خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه:

۱- در قلمرو فدراسیون روسیه حمایت کامل و مطلق از حقوق و منافع سرمایه گذار خارجی که توسط قانون فدرال حاضر، دیگر قوانین فدرال و سایر اسناد قانونی و حقوقی فدراسیون روسیه و موافقت نامه های بین المللی فدراسیون روسیه مقرر شده ، ارائه می گردد.

۲- سرمایه گذار خارجی مطابق با قوانین مدنی فدراسیون روسیه حق دریافت غرامت برای خسارت هائی را که در نتیجه اعمال غیر قانونی (عدم فعالیت) ارگان های دولتی، ارگان های خود گردان و یا ماموران این ارگان ها به او وارد آمده است را دارد.

ماده ۶- تضمینات استفاده از اشکال مختلف سرمایه گذاری به وسیله سرمایه گذار خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه:

سرمایه گذار خارجی حق دارد که در قلمرو فدراسیون روسیه هر شکلی از سرمایه گذاری را که بر اساس قوانین فدراسیون روسیه منع نشده باشد انجام دهد.

ارزیابی سهم در سرمایه مجاز یک موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی مطابق با قوانین فدراسیون روسیه انجام می گیرد. ارزیابی سهم به ارز فدراسیون روسیه انجام خواهد شد.

ماده ۷- تضمین انتقال حقوق و تعهدات سرمایه گذار خارجی به شخص دیگر:

۱- سرمایه گذار خارجی طبق موافقت نامه حق خواهد داشت حقوق (واگذاری طلب) یا تعهدات (انتقال بدهی) خود و یا مطابق با قانون و طبق حکم دادگاه ملزم خواهد بود که حقوق (واگذاری طلب) یا تعهدات (انتقال بدهی) خود را مطابق با قوانین مدنی فدراسیون روسیه به شخص دیگر انتقال دهد.

۲- اگر توسط یک دولت خارجی یا مقام دولتی ذیصلاح آن به نفع سرمایه گذار خارجی و طبق تضمین (قرارداد بیمه) ارائه شده به سرمایه گذار خارجی در مورد سرمایه گذاری های انجام شده بوسیله او در قلمرو فدراسیون روسیه پرداخت انجام می گیرد و حقوق (طلب) سرمایه گذار خارجی برای سرمایه گذاری های فوق الذکر به این دولت یا مقام دولتی ذیصلاح آن واگذار گردد، در آن صورت این انتقال حقوق (واگذاری طلب) در فدراسیون روسیه قانونی شناخته می شود.

ماده ۸- تضمین جبران خسارت در صورت ملی کردن و مصادره کردن اموال سرمایه گذار خارجی یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی:

۱- اموال سرمایه گذار خارجی یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی مشمول ضبط اجباری و ملی سازی و مصادره کردن نمی شوند به استثناء موارد و به علل مقرر در قانون فدرال و یا موافقت نامه های بین المللی فدراسیون روسیه تعیین شده باشد.

۲- در صورت مصادره کردن اموال یک سرمایه گذار یا موسسه تجاری خارجی با سرمایه گذاری های خارجی، قیمت اموال مصادره شده پرداخت می گردد. به محض این که شرایطی که باعث انجام مصادره گردیده خاتمه یافت، سرمایه گذار خارجی و یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی حق دارد از طریق دادگاه تقاضا نماید که اموال باقی مانده به او برگردانده شود، اما در این صورت ملزم خواهد بود که مبلغ دریافت شده بعنوان غرامت را با توجه به خسارت وارد آمده به دلیل کاهش قیمت اموال برگردانند.

در صورت ملی کردن اموال قیمت اموال ملی شده و سایر خسارات به سرمایه گذار و یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی پرداخت می شود. دعاوی مربوط به جبران خسارات بر اساس تشریفات مقرر در ماده ۱۰ قانون فدرال حاضر حل و فصل خواهند شد.

ماده ۹- تضمین برای سرمایه گذار خارجی و موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی بخاطر تغییرات نامناسب در قوانین فدراسیون روسیه:

۱- در صورتی که قوانین جدید فدرال و اسناد حقوقی و قانونی دیگر فدراسیون روسیه به مرحله اجرا درآیند که میزان عوارض گمرکی واردات (به استثناء عوارض گمرکی ناشی از اجرای اقدامات در جهت حمایت از منافع اقتصادی روسیه در انجام تجارت خارجی کالا و مطابق با قوانین فدراسیون روسیه)، مالیاتهای فدرال (به استثناء عوارض کالاهای داخلی، مالیات بر ارزش افزوده کالاهای تولید شده در قلمرو فدراسیون روسیه)، پرداخت اقساط به صندوق های دولتی

غير بودجه اي (به استثناء پرداخت هاي انجام شده به صندوق بازنشستگي فدراسيون روسيه) را تغيير دهند يا اصلاحات و اضافاتی در قوانين جاري فدرال و ساير اسناد قانوني و حقوقي فدراسيون روسيه انجام گيرد که باعث افزايش مجموع بار مالياتي بر فعاليت های سرمايه گذار خارجي و يا موسسه تجاري با سرمايه گذاري هاي خارجي در مورد اجراي پروژه هاي اولويت دار سرمايه گذاري شوند و يا رژيمهاي منع و محدوديت در رابطه با سرمايه گذاري هاي خارجي در فدراسيون در مقايسه با مجموع بار مالياتي و رژيمي که از تاريخ آغاز تامين مالی پروژه اولويت دار سرمايه گذاري با منشاء سرمايه گذاري هاي خارجي بر اساس قوانين فدرال و ساير اسناد حقوقي و قانونی فدراسيون روسيه مجری بوده ، آنگاه اين قوانين جديد و ساير اسناد قانوني و حقوقي فدراسيون روسيه و اصلاحات و اضافات به قوانين فدرال مجری و ساير اسناد حقوقي و قانونی فدراسيون روسيه در مدت زمان مندرج در بند ۲ ماده حاضر در مورد سرمايه گذار خارجي يا موسسه تجاري با سرمايه گذاري هاي خارجي که مجري پروژه هاي اولويت دار سرمايه گذاري با منشاء سرمايه گذاري هاي خارجي مي باشند اعمال نخواهد شد، منوط به آنکه کالاهاي وارداتي به قلمرو گمرک فدراسيون روسيه بوسيله سرمايه گذار خارجي و يا موسسه تجاري با سرمايه گذاري هاي خارجي در جهت اهداف اجراي پروژه هاي اولويت دار سرمايه گذاري به کار روند.

مقررات پاراگراف اول اين بند در صورتی در مورد موسسه تجاري با سرمايه گذاري هاي خارجي اعمال خواهد شد که سهم، سهام (سپرده) سرمايه گذاران خارجي در سرمايه مجاز اين موسسه بيش از ۲۵% باشد، اين وضعيت همچنين در مورد موسسه تجاري با سرمايه گذاري هاي خارجي که پروژه اولويت دار سرمايه گذاري را اجرا مي نمايد صرفنظر از سهم، سهام(سپرده) سرمايه گذار خارجي در سرمايه مجاز اين موسسه تسري مي يابد.

۲- ثبات شرايط و رژيم مندرج در بند ۱ ماده حاضر براي سرمايه گذار خارجي که پروژه سرمايه گذاري را انجام مي دهد در طول مدت بازگشت سرمايه پروژه سرمايه گذاري و حداکثر تا ۷ سال از آغاز تامين منبع پروژه فوق الذکر با منشاء سرمايه گذاري خارجي تضمين مي شود. تشخيص دوران بازگشت سرمايه پروژه هاي سرمايه گذاري با توجه به انواع آنها به شيوه مقرر بوسيله دولت فدراسيون روسيه تعيين خواهد شد.

۳- در موارد استثنائي به هنگام اجراي پروژه هاي اولويت دار سرمايه گذاري بوسيله سرمايه گذار خارجي و موسسه تجاري با سرمايه گذاري هاي خارجي در زمينه توليد و يا ايجاد خدمات زير بنائي حمل و نقلي و غيره با مجموع رقم سرمايه گذاري خارجي به ميزان حداقل يك ميليارد روبل (حداقل مبلغ برابر ارز خارجي بر اساس نرخ بانك مركزي فدراسيون روسيه در روز اجراي شدن قانون فدرال حاضر) که مدت بازگشت سرمايه آن بيش از ۷ سال مي باشد دولت فدراسيون روسيه تصميمات لازم در مورد تمديد دوره اعمال شرايط و رژيم مندرج در بند ۱ ماده حاضر برای سرمايه گذار فوق الذکر و موسسه تجاري با سرمايه گذاري های خارجي را اتخاذ مي نمايد.

۴- مقررات بند ۱ ماده حاضر در مورد اصلاحات و اضافاتی که در اسناد قانونی فدراسیون روسیه صورت می‌گیرند و یا قوانین جدید فدرال و اسناد حقوقی و قانونی دیگر مورد تصویب فدراسیون روسیه در جهت حمایت از مبانی ساختاری قانون اساسی، اخلاق، سلامت، حقوق و منافع قانونی افراد دیگر، تامین دفاع کشور و امنیت دولت اعمال نخواهد شد.

۵- دولت فدراسیون روسیه:

معیارهای ارزیابی یک تغییر نامناسب در شرایط وضع عوارض ورودی گمرکی، مالیاتهای فدرال، اقساط پرداختی به صندوقهای دولتی غیر بودجه‌ای، رژیم ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های سرمایه‌گذاریهای خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه را برای سرمایه‌گذار خارجی و موسسه تجاری با سرمایه‌گذاریهای خارجی، تعیین می‌نماید.

تشریفات ثبت پروژه‌های اولویت‌دار سرمایه‌گذاری به وسیله مقامات اجرایی مندرج در ماده ۲۴ قانون فدرال حاضر را تصویب می‌نماید;

اجرای تعهدات پذیرفته شده توسط سرمایه‌گذار خارجی یا موسسه تجاری با سرمایه‌گذاریهای خارجی در ارتباط با انجام پروژه‌های اولویت‌دار سرمایه‌گذاری تحت شرایط مندرج در بندهای ۲ و ۳ ماده حاضر را کنترل می‌کند.

در صورت عدم اجرای تعهدات مندرج در بخش ۱ بند حاضر توسط سرمایه‌گذار خارجی یا موسسه تجاری با سرمایه‌گذاریهای خارجی آنها از امتیازات اعطایی مطابق با این ماده، محروم می‌شوند. مبلغ وجوه نقدی پرداخت نشده در نتیجه امتیازات اعطاء شده مذکور بایستی به ترتیب مقرر در قوانین فدراسیون روسیه برگشت داده شوند.

ماده ۱۰- تضمین در دسترس بودن حل و فصل مناسب دعاوی مطروحه در ارتباط با انجام سرمایه‌گذاریها و فعالیت‌های کارفرمایی به وسیله سرمایه‌گذار خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه:

دعای مطروحه سرمایه‌گذار خارجی در ارتباط با اجرای سرمایه‌گذاریها و فعالیت‌های کارفرمایی در قلمرو فدراسیون روسیه مطابق با موافقت‌نامه‌های بین‌المللی فدراسیون روسیه و قوانین فدرال در دادگاه، دیوان داور و یا دیوان بین‌المللی حل و فصل می‌شوند.

ماده ۱۱- تضمین استفاده از درآمدها، سود و سایر مبالغ نقدی تحصیل شده قانونی در قلمرو فدراسیون روسیه و انتقال آنها به خارج از قلمرو فدراسیون روسیه:

سرمایه گذار خارجی پس از پرداخت مالیات و عوارض مندرج در قوانین فدراسیون روسیه حق خواهد داشت در قلمرو فدراسیون روسیه و با رعایت مقررات مندرج در بند ۲ ماده ۴ قانون فدرال حاضر آزادانه از درآمد و سود برای سرمایه گذاری مجدد و یا برای سایر اهدافی که با قوانین و مقررات فدراسیون روسیه مغایرت نداشته باشد استفاده نماید و بدون مانع درآمد، سود و سایر مبالغ نقدی که بطور قانونی و به ارز خارجی از سرمایه گذاری های قبلی انجام گرفته توسط او به دست آورده را به خارج از قلمرو روسیه انتقال دهد. از جمله :

- درآمدهای حاصله از سرمایه گذاری به صورت سود، حق السهم، بهره و درآمدهای دیگر

- مبالغ پولی نقدی برای اجرای تعهدات موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی و یا شخصیت حقوقی خارجی که شعبه خود را مطابق با قراردادهای و معاملات دیگر در قلمرو فدراسیون روسیه افتتاح نموده است;

- مبالغ نقدی تحصیل شده توسط سرمایه گذار خارجی در رابطه با انحلال موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی یا شعبه شخصیت حقوقی خارجی و یا واگذاری اموال سرمایه گذاری شده و حقوق مالی و انحصاری مربوط به نتایج فعالیت فکری

- غرامت های مندرج در ماده ۸ قانون فدرال حاضر

ماده ۱۲- تضمین حقوق سرمایه گذار خارجی نسبت به خروج آزادانه اموال و اطلاعات به شکل اسناد و یا به صورت ضبط شده در حامل های الکترونیکی از قلمرو فدراسیون روسیه که قبلاً به عنوان سرمایه گذاری خارجی به قلمرو فدراسیون روسیه وارد شده:

سرمایه گذار خارجی که قبلاً اموال و اطلاعات را به شکل اسناد و یا به صورت ضبط شده در حامل های الکترونیکی به عنوان سرمایه گذاری خارجی را به قلمرو فدراسیون روسیه وارد نموده حق دارد اموال و اطلاعات مذکور را به طور آزاد (بدون نقل قول، دریافت مجوز و اعمال سایر تدابیر مقررات غیر تعرفه ای بر فعالیت تجاری خارجی) به خارج قلمرو فدراسیون روسیه انتقال دهد.

ماده ۱۳ - تضمین حقوق سرمایه گذار خارجی نسبت به خرید اوراق بهادار:

سرمایه گذار خارجی می تواند سهام و یا سایر اوراق بهادار موسسات تجاری و اوراق بهادار دولتی روسیه را مطابق با قوانین و مقررات فدراسیون روسیه در مورد اوراق بهادار خریداری نماید.

ماده ۱۴ - تضمین شرکت سرمایه گذار خارجی در خصوصی سازی:

سرمایه گذار خارجی می تواند در خصوصی سازی اموال دولت و شهرداری از طریق تحصیل حق مالکیت اموال دولت و شهرداری و یا سهم، سهام، (سپرده) در سرمایه مجاز موسسه خصوصی شده بر اساس شرایط و تشریفات مقرر در قوانین فدراسیون روسیه در مورد خصوصی سازی اموال دولتی و شهرداری شرکت کند.

ماده ۱۵ - تضمین دارا بودن حق بر قطعات زمین، منابع طبیعی دیگر، ساختمان ها، تاسیسات و دیگر اموال غیر منقول به سرمایه گذار خارجی:

حقوق بر قطعات زمین، منابع طبیعی دیگر، ساختمان ها، تاسیسات و دیگر اموال غیر منقول به وسیله سرمایه گذار خارجی مطابق با قوانین فدراسیون روسیه و قوانین و مقررات اعضاء فدراسیون روسیه قابل تحصیل خواهد بود.

حق انعقاد قرارداد اجاره قطعات زمین توسط موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی در مناقصه ها و مزایده ها قابل تحصیل است، در صورتی که مورد دیگری در قوانین فدراسیون روسیه پیش بینی نشده باشد.

ماده ۱۶ - امتیازات ارائه شده به سرمایه گذار خارجی و موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی در مورد پرداخت عوارض گمرکی:

به هنگام اجرای پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری توسط سرمایه گذاران خارجی و موسسات تجاری با سرمایه گذاری های خارجی مطابق با قوانین گمرک فدراسیون روسیه و قوانین فدراسیون روسیه در مورد مالیات ها و عوارض، امتیازات مربوط به پرداخت عوارض گمرکی در اختیار سرمایه گذار خارجی قرار داده می شود.

ماده ۱۷ - امتیازات و تضمینات اعطا شده به سرمایه گذار خارجی توسط اعضای فدراسیون روسیه و ارگان های خودگردان محلی:

اعضاء فدراسیون روسیه و ارگان های خودگردان محلی در حدود صلاحیت خود می توانند امتیازات و تضمینات در اختیار سرمایه گذار خارجی قرار داده و تامین مالی و دیگر اشکال پشتیبانی از پروژه سرمایه گذاری مورد اجرا توسط سرمایه گذار خارجی را به حساب بودجه های اعضاء فدراسیون روسیه، بودجه های محلی و همچنین وجوه غیر بودجه ای به عمل آورند.

ماده ۱۸ - قوانین ضد انحصاری فدراسیون روسیه و رعایت رقابت منصفانه بوسیله سرمایه گذار خارجی:

سرمایه گذار خارجی موظف است که قوانین ضد انحصاری فدراسیون روسیه را رعایت نموده و رقابت غیر منصفانه و رویه های تجاری محدود کننده برای مثال از طریق تاسیس موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی و یا شعبه شخصیت حقوقی خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه برای تولید هر نوع کالای مورد مصرف زیاد و سپس انحلال خود به منظور عرضه کالای مشابه با منشاء خارجی به بازار و همچنین از طریق یک موافقت نامه های مغرضانه درباره قیمت ها و یا تقسیم بازارهای فروش کالا و یا شرکت در مناقصه ها و مزایده ها را اجازه ندهد.

ماده ۱۹ - بیمه اموال که بوسیله موسسه تجاری با سرمایه گذاری خارجی و موسسه مادر شعبه شخصیت حقوقی خارجی صورت می گیرد:

بیمه اموال در برابر ریسک تلف شدن ، نقص یا صدمه دیدن اموال، ریسک مسئولیت مدنی و ریسک کارفرمائی توسط موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی ، به صلاحدید خود او و به وسیله شعبه شخصیت حقوقی خارجی و به صلاحدید موسسه مادر انجام خواهد گرفت ، منوط به آنکه مورد دیگری در قوانین و مقررات فدراسیون روسیه در نظر گرفته نشده باشد.

ماده ۲۰ - تاسیس و انحلال موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی:

۱- تاسیس و انحلال موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی بر اساس تشریفات مقرر در قانون مدنی فدراسیون روسیه و سایر قوانین فدرال به استثناء مواردی که می توانند توسط قوانین فدرال مطابق با بند ۲ ماده ۴ قانون فدرال حاضر تعیین شوند، صورت می گیرد.

۲- شخصیت های حقوقی که به عنوان سازمان های تجاری با سرمایه گذاری های خارجی تلقی می شوند مشمول ثبت دولتی به شیوه مقرر در قانون فدرال ناظر بر ثبت دولتی شخصیت های حقوقی خواهند بود.

ماده ۲۱- تاسیس و انحلال شعبه شخصیت حقوقی خارجی:

شعبه شخصیت حقوقی خارجی به منظور انجام همان فعالیت هایی که توسط موسسه مادر در خارج انجام می شود، در قلمرو فدراسیون روسیه تاسیس و بر اساس تصمیم شخصیت حقوقی خارجی یعنی موسسه مادر منحل می شود.

کنترل دولتی بر تاسیس، فعالیت ها و انحلال شعبه شخصیت حقوقی خارجی از طریق اعطای مجوز به آن بر اساس تشریفات دولتی که دولت فدراسیون روسیه تعیین می نماید، انجام می شود.

مقام اجرایی فدرال که در ماده ۲۴ قانون فدرال حاضر ذکر گردیده، اعطای مجوز به شعبه شخصیت حقوقی خارجی را انجام می دهد.

ممکن است در جهت اهداف حمایت از مبانی ساختاری قانون اساسی، اخلاق، سلامت، حقوق و منافع قانونی اشخاص دیگر و تامین دفاع کشور و امنیت دولت اعطای مجوز به شعبه شخصیت حقوقی خارجی مورد قبول واقع نشود.

ماده ۲۲- شرایط مقررات ناظر بر شعبه شخصیت حقوقی خارجی:

۱- موسسه مادر مقررات ناظر بر شعبه شخصیت حقوقی خارجی و سایر اسنادی که فهرست و شرایط لازم مربوط به محتوای آنها با توجه به بندهای ۲ و ۳ ماده حاضر توسط دولت فدراسیون روسیه تصویب می گردد را به مقام اجرایی فدرال مذکور در ماده ۲۴ قانون فدرال حاضر تسلیم می نماید.

۲- مقررات ناظر بر شعبه شخصیت حقوقی خارجی باید اسم شعبه و موسسه مادر آن، شکل سازمانی قانونی موسسه مادر، محل استقرار شعبه در قلمرو فدراسیون روسیه و آدرس قانونی موسسه مادر، اهداف تاسیس و انواع فعالیت های شعبه، ترکیب، حجم و زمان سرمایه گذاری در دارایی های ثابت شعبه، تشریفات مدیریت شعبه تصریح شود. مقررات ناظر بر شعبه شخصیت حقوقی خارجی ممکن است شامل سایر اطلاعات نشان دهنده ویژگی های فعالیت شعبه شخصیت حقوقی خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه که مغایر با قوانین فدراسیون روسیه نیست، باشد.

۳- ارزیابی سرمایه گذاری انجام گرفته در دارایی های ثابت شعبه شخصیت حقوقی خارجی توسط موسسه مادر بر مبنای قیمت های داخلی یا قیمت های جهانی انجام خواهد شد. ارزیابی سرمایه گذاری انجام گرفته به ارز فدراسیون روسیه انجام خواهد شد. میزان ارزیابی سرمایه گذاری انجام گرفته در دارایی های ثابت شعبه شخصیت حقوقی خارجی باید در مقررات ناظر بر شعبه شخصیت حقوقی خارجی ذکر گردد.

۴- شعبه شخصیت حقوقی خارجی حق خواهد داشت که در قلمرو فدراسیون روسیه از تاریخ اخذ مجوز به فعالیت کارفرمائی بپردازد.

شعبه شخصیت حقوقی خارجی فعالیت کارفرمائی خود در قلمرو فدراسیون روسیه را از تاریخ لغو مجوز در آن پایان خواهد داد.

ماده ۲۳- توسعه و اجرای سیاست دولتی در زمینه سرمایه گذاری های خارجی:

بر اساس قانون اساسی فدرال (در مورد دولت فدراسیون روسیه) دولت فدراسیون روسیه سیاست دولت را در زمینه همکاری های سرمایه گذاری را توسعه و اجرا می نماید.

دولت فدراسیون روسیه:

- مصلحت تحمیل ممنوعیت ها و محدودیت های سرمایه گذاری های خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه را تعیین و پیش نویس های قانونی در ارتباط با فهرست ممنوعیت ها و محدودیت های مذکور را تهیه می نماید;

- اقدامات مربوط به کنترل فعالیت سرمایه گذاران خارجی در فدراسیون روسیه را تعیین می نماید;

- فهرست پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری مذکور در ماده ۲ قانون فدرال حاضر را تصویب می نماید;

- برنامه های فدرال جذب سرمایه گذاری های خارجی را تهیه و تحقق آنها را عملی می سازد;

- اعتبارات سرمایه گذاری مؤسسات مالی بین المللی و دولت های خارجی را برای تامین مالی بودجه توسعه فدراسیون روسیه و پروژه های سرمایه گذاری فدرال را جذب می نماید;

- با اعضای فدراسیون روسیه در مورد مسائل مربوط به همکاری بین المللی سرمایه گذاری تعامل می نماید;

- آماده سازی و انعقاد موافقت نامه های بین المللی فدراسیون روسیه در مورد تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری های خارجی را کنترل می کند.

ماده ۲۴ - مقام اجرایی فدرال برای هماهنگی جذب سرمایه گذاری های مستقیم خارجی:

دولت فدراسیون روسیه مقام اجرایی فدرال را که مسوول هماهنگی جذب سرمایه گذاری های مستقیم خارجی به اقتصاد فدراسیون روسیه می باشد را منصوب خواهد کرد.

ماده ۲۵- غیر معتبر شناختن اسناد قانونی تصویب شده قبلی فدراسیون روسیه و برخی مقررات آن ها به واسطه تصویب قانون فدرال حاضر:

با توجه به تصویب قانون فدرال حاضر اسناد ذیل از اعتبار ساقط می شوند:

۱- قانون جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه در مورد سرمایه گذاری های خارجی در جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه (بولتن خبری کنگره نمایندگان ملی جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه مورخ ۱۹۹۱ شماره ۲۹ صفحه ۱۰۰۸);

۲- مصوبه شورای عالی جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه در مورد اجرایی شدن قانون جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه در مورد سرمایه گذاری های خارجی در جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه (بولتن خبری کنگره نمایندگان ملی جمهوری فدراتیو سوسیالیستی روسیه و شورای عالی جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه مورخ ۱۹۹۱ شماره ۲۹ صفحه ۱۰۰۹);

۳- ماده ۶ قانون فدرال در مورد اصلاحات و اضافات در اسناد قانونی فدراسیون روسیه با توجه به تصویب قانون فدراسیون روسیه در مورد استاندارد سازی، در مورد تامین واحدهای اندازه گیری ، در مورد صدور مجوز محصولات و خدمات (مجموعه قوانین فدراسیون روسیه مورخ ۱۹۹۵ شماره ۲۶ صفحه ۲۳۹۷) ;

۴- بند ۴ ماده ۱ قانون فدرال در مورد اصلاحات و اضافات در قوانین و سایر اسناد حقوقی فدراسیون روسیه با توجه به تصویب قانون اساسی فدرال، در مورد دیوان های داورى در فدراسیون روسیه و قانون آیین دادرسی داورى فدراسیون روسیه (مجموعه قوانین فدراسیون روسیه مورخ ۱۹۹۷ شماره ۴۷ صفحه ۵۳۴۱)

ماده ۲۶ – وضع مقررات فدراسیون روسیه مطابق با قانون فدرال حاضر

۱- به رئیس جمهور فدراسیون روسیه و دولت فدراسیون روسیه پیشنهاد می شود که اسناد حقوقی و قانونی خود را مطابق با قانون فدرال حاضر تنظیم نمایند.

۲- دولت فدراسیون روسیه باید طبق تشریفات مقرر، اعمال اصلاحات و اضافات در اسناد قانونی فدراسیون روسیه بر اساس قانون فدرال حاضر ، را به دوماى دولتی مجلس فدرال فدراسیون روسیه پیشنهاد نماید.

ماده ۲۷ - وضع مقررات مربوط به شعبات شخصیت های حقوقی خارجی تأسیس شده در قلمرو فدراسیون روسیه ، مطابق با قانون فدرال حاضر:

- موسسات مادر که شعبات آنها در قلمرو فدراسیون روسیه قبل از اعتبار یافتن قانون فدرال حاضر تأسیس شده اند ملزم خواهند بود:

- مقررات ناظر بر شعبات شخصیت های حقوقی خارجی را مطابق با قانون فدرال حاضر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن آن وضع نمایند.

- مجوز شعبات شخصیت های حقوقی خارجی را ظرف مدت یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون فدرال حاضر اخذ نمایند..

ماده ۲۸ - اعتبار یافتن قانون فدرال حاضر:

قانون فدرال حاضر از تاریخ انتشار رسمی آن دارای اعتبار می باشد.

فصل هفتم - بررسی تطبیقی شاخص های حمایت از سرمایه گذاری خارجی در قوانین ایران ، ترکیه ، چین و روسیه

در این فصل ابتدا شاخص های حمایت از سرمایه گذاری را بر اساس قوانین ایران ، ترکیه ، چین و روسیه تحلیل و سپس در نموداری شاخص های یادشده را بر اساس موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت بررسی خواهیم کرد.

۱- اصل رفتار ملی

۱-۱- قانون ایران

در ماده ۸ قانون آمده است :

« سرمایه گذاری های خارجی مشمول این قانون از کلیه حقوق ، حمایت ها و تسهیلاتی که برای سرمایه گذاری های داخلی موجود است به طور یکسان برخوردار می باشند. »

همچنین بر اساس بند الف ماده ۴ آیین نامه :

« سرمایه گذاران خارجی از رفتار یکسان با سرمایه گذاران داخلی برخوردارند. »

۱-۲- قانون ترکیه

ماده ۳ قانون ترکیه مقرر می دارد:

« اصول سرمایه گذاری مستقیم خارجی عبارتند از :

(الف) آزادی سرمایه گذاری و اصل رفتار ملی: به جز فرض وجود موافقت نامه های بین المللی یا مقررات قانونی خاص مغایر،

۱- سرمایه گذاران بین المللی آزادند سرمایه گذاری مستقیم را در ترکیه انجام دهند.

۲- سرمایه گذاران بین المللی و ترک مشمول رفتاریکسان هستند....»

در بند اول ماده ۴ قانون روسیه آمده است :

« رژیم حقوقی فعالیت های سرمایه گذاران خارجی و استفاده از سود حاصله از سرمایه گذاری ها از رژیم حقوقی فعالیت ها و استفاده از سود حاصله از سرمایه گذاری که در اختیار سرمایه گذاران روسی قرار داده می شود ، به استثنای محدودیت هایی که به وسیله قوانین فدرال تعیین می گردد ، نباید کم تر باشد. »

۱-۴- قانون چین

در ماده ۱ قانون سرمایه گذاری مشترک سهامی طرفین خارجی - چینی آمده است :

« جمهوری خلق چین به منظور توسعه همکاری اقتصادی بین المللی و تبادل فنی، به شرکت های خارجی، بنگاه های اقتصادی و سایر سازمان های اقتصادی یا اشخاص(که از این پس به عنوان طرف خارجی قلمداد می شوند) اجازه می دهد تا به طور مشترک ، سرمایه گذاری مشترک سهامی را در قلمرو جمهوری خلق چین با شرکت ها، بنگاه های اقتصادی یا سایر سازمان های اقتصادی چینی (که از این پس به عنوان «طرف چینی» قلمداد می شوند) بر اساس اصل برابری و نفع دو جانبه و تایید دولت چین تاسیس و راه اندازی نماید. »

ماده ۱ قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی نیز مقرر می دارد:

« این قانون به شکل خاص به منظور گسترش همکاری اقتصادی خارجی و تبادل فناوری تنظیم شده و از آن برای توسعه بنگاه مشترکی از نوع سرمایه گذاری مشترک قراردادی بین طرفین چینی و خارجی (که منبعت به آن سرمایه گذاری مشترک قراردادی گفته می شود) در کشور چین توسط بنگاه های خارجی ، اشخاص یا سازمان های اقتصادی دیگر جمهوری خلق چین (که از آن نیز منبعت تحت عنوان " طرف چینی " یاد خواهد شد) مطابق با اصل مساوات و سود متقابل استفاده می شود. »

۲- انتقال سرمایه به خارج

۲-۱- قانون ایران

به موجب ماده ۱۳ قانون :

« اصل سرمایه خارجی و منافع آن یا آنچه از اصل سرمایه در کشور باقی مانده باشد با دادن پیش آگهی سه ماهه به هیأت [سرمایه گذاری خارجی] و بعد از انجام کلیه تعهدات و پرداخت کسورات قانونی و تصویب هیأت و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی قابل انتقال به خارج خواهد بود. »

بر اساس ماده ۱۸ قانون:

« خروج آن بخش از سرمایه خارجی را که در چهارچوب مجوز سرمایه گذاری به کشور وارد شده ، اما به کار گرفته نشده باشد ، از شمول کلیه قوانین و مقررات ارزی و صادرات و واردات مستثنی می باشد. »

ماده ۱۴ قانون نیز مقرر می دارد :

« سود سرمایه گذاری خارجی پس از کسر مالیات و عوارض و اندوخته های قانونی ، با تصویب هیأت [سرمایه گذاری خارجی] و تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی قابل انتقال به خارج است. »

در قسمت الف ماده ۴ آیین نامه آمده است :

« انتقال اصل سرمایه ، سود سرمایه و منافع حاصل از به کارگیری سرمایه به صورت ارز و حسب مورد به صورت کالا به ترتیب مندرج در مجوز سرمایه گذاری میسر است. »

در ماده ۲۳ آیین نامه نیز آمده است :

« انتقال اصل ، سود و عایدات ناشی از افزایش ارزش سرمایه موضوع سرمایه گذاری های بند الف ماده ۳ قانون [مستقیم] به صورت ارز و یا به درخواست سرمایه گذار خارجی از طریق صدور کالای مجاز صورت می پذیرد. خروج سرمایه و منافع مربوط به سرمایه گذاری های موضوع بند ب ماده ۳ قانون [سرمایه گذاری هایی که در قالب ترتیبات قراردادی انجام شده اند] از طریق ارز حاصل از صادرات محصولات تولیدی و یا ارز حاصل از ارائه خدمات بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر و یا صادرات سایر کالاهای مجاز انجام می پذیرد. هیأت بر اساس گزارش موسسه حسابرسی پیرامون آخرین وضعیت اصل سرمایه ، میزان سود سرمایه و عایدات سرمایه ای متعلق به سرمایه گذار خارجی ، میزان قابل انتقال را تعیین و با تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی مجوز خروج وجوه مربوطه در هر مورد را صادر می کند. »

ایراد بسیار مهم ماده ۲۳ آیین نامه این است که تعیین میزان قابل انتقال اصل ، سود و عایدات ناشی از افزایش سرمایه بر عهده هیأت سرمایه گذاری خارجی قرار داده است . هر چند میزان تعیین شده توسط هیأت باید به تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی برسد ، اما عدم تعیین هیچ سقفی در قانون ، راه را برای اعمال سلیقه باز خواهد گذاشت.

۲-۲- قانون ترکیه

در بند ج ماده ۳ قانون ترکیه آمده است :

« سرمایه گذاران خارجی می توانند آزادانه از طریق بانک ها یا مؤسسات مالی خاص منافع، سود سهام و عایدات ناشی از فروش یا نقد کردن تمام یا هر بخشی از یک سرمایه گذاری به علاوه پرداخت های تحت لیسانس ، موافقت نامه های مدیریت ، موافقت نامه های مساعدت فنی و بازپرداخت اصل و بهره اعتبار خارجی را به خارج منتقل کنند. »

در ماده ۱۱ قانون روسیه آمده است :

« سرمایه گذار خارجی پس از پرداخت مالیات و عوارض مندرج در قوانین فدراسیون روسیه حق خواهد داشت در قلمرو فدراسیون روسیه و با رعایت مقررات مندرج در بند ۲ ماده ۴ قانون فدرال حاضر آزادانه از درآمد و سود برای سرمایه گذاری مجدد و یا برای سایر اهدافی که با قوانین و مقررات فدراسیون روسیه مغایرت نداشته باشد استفاده نماید و بدون مانع درآمد، سود و سایر مبالغ نقدی که بطور قانونی و به ارز خارجی از سرمایه گذاری های قبلی انجام گرفته توسط او به دست آورده را به خارج از قلمرو روسیه انتقال دهد. از جمله :

- درآمدهای حاصله از سرمایه گذاری به صورت سود، حق السهم، بهره و درآمدهای دیگر

- مبالغ پولی نقدی برای اجرای تعهدات موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی و یا شخصیت حقوقی خارجی که شعبه خود را مطابق با قراردادها و معاملات دیگر در قلمرو فدراسیون روسیه افتتاح نموده است؛

- مبالغ نقدی تحصیل شده توسط سرمایه گذار خارجی در رابطه با انحلال موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی یا شعبه شخصیت حقوقی خارجی و یا واگذاری اموال سرمایه گذاری شده و حقوق مالی و انحصاری مربوط به نتایج فعالیت فکری

- غرامت های مندرج در ماده ۸ قانون فدرال حاضر «

همچنین ماده ۱۲ قانون روسیه مقرر می دارد:

« سرمایه گذار خارجی که قبلاً اموال و اطلاعات را به شکل اسناد و یا به صورت ضبط شده در حامل های الکترونیکی به عنوان سرمایه گذاری خارجی را به قلمرو فدراسیون روسیه وارد نموده حق دارد اموال و اطلاعات مذکور را به طور آزاد (بدون نقل قول، دریافت مجوز و اعمال سایر تدابیر مقررات غیر تعرفه ای بر فعالیت تجاری خارجی) به خارج قلمرو فدراسیون روسیه انتقال دهد. «

در ماده ۱۱ قانون سرمایه گذاری مشترک سهامی طرفین خارجی - چینی آمده است :

« سود خالصی که طرف خارجی پس از اجرای قوانین خود در قانون و تحت مفاد موافقتنامه ها و قراردادها دریافت می کند و سرمایه ای که وی بر اساس انقضا یا خاتمه سرمایه گذاری مشترک سهامی دریافت می کند و نیز دیگر وجوه ، بر اساس قوانین نظارت بر ارز می تواند به صورت نقدی ارسال شود، که در قرارداد سرمایه گذاری مشترک قید گردیده است. «

ماده ۱۹ قانون بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی مقرر می دارد:

« سودهای قانونی و دیگر در آمد قانونی که توسط سرمایه گذاران خارجی از بنگاه های اقتصادی با مالکیت خارجی بدست آمده است و بازپرداخت هایی که آنها پس از تسویه دریافت می کنند می تواند به خارج از کشور ارسال شود. »

۳- آزادی صادرات کالاهای تولیدی

۳-۱- قانون ایران

به تصریح قسمت الف ماده ۴ و نیز ماده ۲۶ آیین نامه ، آزادی صادرات کالای تولیدی بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر تضمین شده و در صورت وجود محدودیت قانونی یا اعمال شده از سوی دولت که در نتیجه آن بنگاه های اقتصادی سرمایه پذیر نتوانند تولیدات خود را صادر نمایند ، مادام که محدودیت قانونی یا تصمیم دولت برای عدم انجام صادرات جاری است ، بنگاه ها اجازه دارند تولیدات خود را در بازار داخلی به فروش رسانده و در مقابل تأمین معادل ریالی مصارف ارزی مندرج در مجوز سرمایه گذاری ، ارز مورد نظر را از نظام بانکی خریداری و منتقل نموده یا مبادرت به صدور کالاهای مجاز نمایند.

در قسمت الف ماده ۴ آیین نامه آمده است :

« آزادی صادرات کالای تولیدی بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر تضمین شده و در صورت ممنوعیت صادرات ، کالای تولیدی در داخل به فروش رسیده و حاصل آن به صورت ارز از طریق شبکه پولی رسمی کشور قابل انتقال به خارج می باشد. »

همچنین به موجب ماده ۲۶ آیین نامه :

« در صورت وجود محدودیت قانونی و یا اعمال شده از سوی دولت که در نتیجه آن بنگاه های اقتصادی سرمایه پذیر نتوانند تولیدات خود را صادر نمایند ، مادام که محدودیت قانونی و یا تصمیم دولت برای عدم انجام صادرات جاری است ، بنگاه های مزبور اجازه دارند تولیدات خود را در بازار داخلی به فروش رسانده و در مقابل تأمین معادل ریالی مصارف ارزی مندرج در مجوز سرمایه گذاری ، ارز مورد نظر را از نظام بانکی خریداری و منتقل نموده و یا مبادرت به صدور کالاهای مجاز نمایند. »

۳-۲- قانون ترکیه

قانون ترکیه در خصوص آزادی صادرات کالاهای تولیدی ساکت است . با توجه قواعد کلی حقوق و عدم تصریح ممنوعیت صادرات ، باید پذیرفت که سرمایه گذاران خارجی مجاز به صدور کالاهای تولیدی خود هستند.

قانون روسیه نیز فاقد هر گونه تصریح پیرامون آزادی صادرات است، اما در این جا نیز با توجه به استدلال فوق باید اصل را بر آزادی صادرات گذاشت.

در ماده ۱۰ قانون سرمایه گذاری مشترک سهامی طرفین خارجی - چینی آمده است :

« ... هر سرمایه گذاری مشترک سهامی تشویق خواهد شد که محصولات خود را در خارج از کشور چین به فروش برساند. محصولات صادراتی می توانند توسط سرمایه گذاری مشترک سهامی یا موسسات عهده دار وابسته به آن به طور مستقیم در بازارهای خارجی فروخته شوند و نیز می توانند از طریق موسسات تجاری چین فروخته شوند. محصولات سرمایه گذاری مشترک سهامی نیز می توانند در بازار چینی به فروش برسند...»

همچنین ماده ۳ قانون بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی مقرر می دارد :

« تاسیس بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی باید برای توسعه اقتصاد ملی چین سودمند باشد. دولت از تاسیس چنین بنگاه های اقتصادی حمایت می کند بطوریکه بتوانند همه یا بخش اعظمی از محصولات خود را صادر کنند یا فناوری پیشرفته را انتخاب کنند...»

بر اساس ماده ۴ قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی :

« دولت ایجاد سرمایه گذاری مشترک قراردادی سودمند را که هدف صادراتی دارد و یا از نظر فن آوری پیشرفته است، را تشویق می نماید. »

در ماده ۱۹ قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی نیز آمده است :

« سرمایه گذاری مشترک قراردادی می تواند در چهارچوب تصویب شده کاری ملزومات مورد نیاز را وارد و کالاهایی که تولید نموده، صادر نماید. ملزومات عبارتند از مواد خام، سوخت و غیره که مورد نیاز سرمایه گذاری مشترک قراردادی اند و در چهارچوب تصویب شده کاری ممکن است از بازار داخلی یا بین المللی خریداری شود. »

ماده ۲۲ قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی مقرر می دارد:

« پس از انجام تعهدات قانونی و تعهدات دیگری که نسبت به قرارداد سرمایه گذاری مشترک قراردادی دارد، طرف خارجی می تواند طبق قانون، منافع توزیع شده، درآمدهای قانونی دیگر حاصله از آن و وجوه توزیع شده را به محض خاتمه قرارداد همکاری، از کشور چین خارج نماید. کارکنان و کارگران خارجی در سرمایه گذاری مشترک قراردادی می

توانند درآمد و حقوقشان و درآمدهای دیگر مشروع خود را بعد از پرداخت مالیات بر درآمد شخصی طبق قانون، از کشور چین خارج نمایند. »

۴- معافیت ارزی و صادراتی

۴-۱- قانون ایران

بر اساس ماده ۲۵ آیین نامه :

« ارز حاصل از صادرات سرمایه گذاری های خارجی در حدود مصارف تعیین شده از سوی هیأت [سرمایه گذاری خارجی]، از شمول هر گونه مقررات محدود کننده صادرات و مقررات ارزی از جمله سپردن تعهد برای بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور بر اساس مقررات دولتی موجود یا آنچه در آینده جاری می گردد ، معاف می باشند. »

۴-۲- قانون ترکیه

در قانون سرمایه گذاری مستقیم خارجی ترکیه در خصوص معافیت ها تصریحی به چشم نمی خورد. در سایر قوانین و مقررات مانند قانون مالیات شرکتی مصوب ۲۰۰۶ و تصمیم هیأت وزیران پیرامون مقررات مشوق های دولتی برای سرمایه گذاری معافیت هایی بر مبنای منطقه ، موضوع و مقدار سرمایه گذاری پیش بینی شده است. این معافیت ها عمدتاً ناظر بر کاهش مالیات بر درآمد ، معافیت از عوارض گمرکی برای ماشین آلات و تجهیزات وارداتی برای پروژه های سرمایه گذاری و معافیت از مالیات بر ارزش افزوده برای ماشین آلات و تجهیزات خریداری شده در داخل یا وارد شده است.

۴-۳- قانون روسیه

ماده ۱۶ قانون روسیه مقرر می دارد:

« به هنگام اجرای پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری توسط سرمایه گذاران خارجی و موسسات تجاری با سرمایه گذاری های خارجی مطابق با قوانین گمرک فدراسیون روسیه و قوانین فدراسیون روسیه در مورد مالیات ها و عوارض، امتیازات مربوط به پرداخت عوارض گمرکی در اختیار سرمایه گذار خارجی قرار داده می شود.»

۴-۴- قانون چین

در ماده ۸ قانون سرمایه گذاری مشترک سهامی طرفین خارجی – چینی آمده است :

«... سرمایه گذاری مشترک سهامی می تواند از رفتاری امتیاز دهنده به شکل تخفیف ها و معافیت های مالیاتی بر اساس مفاد قوانین دولتی و آیین نامه اجرایی مربوط به وضع مالیات بهره مند شود. ...»

همچنین ماده ۱۷ قانون بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی مقرر می دارد :

« بنگاه اقتصادی با مالکیت کامل خارجی مالیات ها بر اساس آیین نامه های مالیاتی مربوط به دولت پرداخت خواهد کرد و می تواند از امتیاز خاص معافیت ها و تخفیف های مالیاتی بهره مند شود. »

ماده ۲۰ قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی مقرر می دارد :

« در سرمایه گذاری مشترک قراردادی، مالیات بر اساس آیین نامه مالیاتی دولت پرداخت خواهد شد و ممکن است از برخوردارهای ترجیحی به شکل کاهش یا معافیت از مالیات نیز بهره مند شوند. »

۵- آزادی واگذاری سرمایه خارجی

۵-۱- قانون ایران

بر اساس ماده ۱۰ قانون :

« واگذاری تمام یا بخشی از سرمایه خارجی به سرمایه گذار داخلی و یا با موافقت هیأت [سرمایه گذاری خارجی] و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی به سرمایه گذار خارجی دیگر مجاز می باشد. در صورت انتقال سرمایه به سرمایه گذار خارجی دیگر، انتقال گیرنده که باید حداقل دارای شرایط سرمایه گذار اولیه باشد، از نظر مقررات قانون جایگزین و یا شریک سرمایه گذار قبلی خواهد بود. »

۵-۲- قانون ترکیه

در قانون ترکیه منعی در خصوص واگذاری سرمایه خارجی به چشم نمی خورد.

۵-۳- قانون روسیه

در ماده ۷ قانون روسیه آمده است :

« ۱- سرمایه گذار خارجی طبق موافقت نامه حق خواهد داشت حقوق (واگذاری طلب) یا تعهدات (انتقال بدهی) خود و یا مطابق با قانون و طبق حکم دادگاه ملزم خواهد بود که حقوق (واگذاری طلب) یا تعهدات (انتقال بدهی) خود را مطابق با قوانین مدنی فدراسیون روسیه به شخص دیگر انتقال دهد. ۲- اگر توسط یک دولت خارجی یا مقام دولتی ذیصلاح آن به نفع سرمایه گذار خارجی و طبق تضمین (قرارداد بیمه) ارائه شده به سرمایه گذار خارجی در مورد سرمایه

گذاري هاي انجام شده بوسيله او در قلمرو فدراسيون روسيه پرداخت انجام مي گيرد و حقوق (طلب) سرمايه گذار خارجي براي سرمايه گذاري هاي فوق الذكر به اين دولت يا مقام دولتي ذيصلاح آن واگذار گردد، در آن صورت اين انتقال حقوق (واگذاري طلب) در فدراسيون روسيه قانوني شناخته مي شود. »

۴-۵- قانون چين

در ماده ۱۰ قانون سرمايه گذاري مشترك قراردادي آمده است :

« اگر طرف چيني يا طرف خارجي خواستار واگذاري قسمتي يا تمامي حقوق و تعهداتش طبق قرارداد سرمايه گذاري مشترك، مي بايست رضاييت طرف ديگر قرارداد را جلب نمايد و انتقال سند را جهت تأييد به مرجع بررسي و تأييد، تسليم نمايد. »

۶- تضمين جبران خسارت

۱-۶- قانون ايران

الف- تضمين پرداخت غرامت در برابر اشكال مختلف سلب مالکيت

در ماده ۹ قانون آمده است :

« سرمايه گذاري خارجي مورد سلب مالکيت و ملي شدن قرار نخواهد گرفت مگر براي منافع عمومي ، به موجب فرآيند قانوني ، به روش غير تبعيضي آميز و درمقابل پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعي آن سرمايه گذاري بلافاصله قبل از سلب مالکيت . »

بر اساس ماده ۹ قانون سرمايه گذاري خارجي تنها با جمع شرايط زير مي تواند مورد سلب مالکيت و ملي شدن قرار گيرد:

اول - وجود نفع عمومي سلب مالکيت يا ملي کردن را توجيه کند.

دوم - سلب مالکيت يا ملي شدن با رعايت تمامي فرآيند هاي قانوني صورت گيرد.

سوم- در سلب مالکيت يا ملي کردن بين سرمايه گذاران مختلف تبعيضي اعمال نشود.

چهارم- سلب مالکيت يا ملي شدن در مقابل پرداخت غرامت مناسب بر مبنای ارزش واقعي سرمايه بلافاصله قبل از سلب مالکيت انجام گيرد. دريافت غرامت منوط به اين است که تقاضای جبران خسارت حداکثر ظرف مدت یک سال پس از سلب مالکيت يا ملي شدن به هیأت سرمايه گذاري خارجي تسليم گردد.

ب- تضمین جبران خسارت عدم انجام تعهد بر اثر وضع قانون یا تصمیمات دولت

در قسمت ب ماده ۴ آیین نامه آمده است :

« جبران زیان سرمایه گذاری خارجی ناشی از ممنوعیت و یا توقف اجرای موافقت نامه مالی بر اثر وضع قانون و یا تصمیمات دولت حداکثر تا سقف اقساط سررسید شده توسط دولت تضمین می شود. »

این شکل از تضمین بر اساس قسمت ب ماده ۴ آیین نامه تنها در مورد سرمایه گذاری در چهارچوب ترتیبات قراردادی اعمال می گردد

۲-۶- قانون ترکیه

به موجب بند ب ماده ۳ قانون ترکیه :

« بر اساس قانون حاضر ، سرمایه گذاری های مستقیم خارجی نمی توانند مصادره یا ملی شوند، به جز برای یک هدف عمومی فوری و همراه با جبران خسارت مناسب و موثر »

۳-۶ – قانون روسیه

الف- تضمین پرداخت غرامت در برابر اشکال مختلف سلب مالکیت

ماده ۸ قانون روسیه مقرر می دارد:

« ۱- اموال سرمایه گذار خارجی یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی مشمول ضبط اجباری و ملی سازی و مصادره کردن نمی شوند به استثناء موارد و به علل مقرر در قانون فدرال و یا موافقت نامه های بین المللی فدراسیون روسیه تعیین شده باشد. ۲- در صورت مصادره کردن اموال یک سرمایه گذار یا موسسه تجاری خارجی با سرمایه گذاری های خارجی ، قیمت اموال مصادره شده پرداخت می گردد. به محض این که شرایطی که باعث انجام مصادره گردیده خاتمه یافت، سرمایه گذار خارجی و یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی حق دارد از طریق دادگاه تقاضا نماید که اموال باقی مانده به او برگردانده شود، اما در این صورت ملزم خواهد بود که مبلغ دریافت شده بعنوان غرامت را با توجه به خسارت وارد آمده به دلیل کاهش قیمت اموال برگردانند. در صورت ملی کردن اموال قیمت اموال ملی شده و سایر خسارات به سرمایه گذار و یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی پرداخت می شود. دعاوی مربوط به جبران خسارات بر اساس تشریفات مقرر در ماده ۱۰ قانون فدرال حاضر حل و فصل خواهند شد. »

ب- تضمین جبران خسارت عدم انجام تعهد بر اثر وضع قانون یا تصمیمات دولت

در ماده ۹ قانون روسیه آمده است :

« ۱- در صورتی که قوانین جدید فدرال و اسناد حقوقی و قانونی دیگر فدراسیون روسیه به مرحله اجرا در آیند که میزان عوارض گمرکی واردات (به استثناء عوارض گمرکی ناشی از اجرای اقدامات در جهت حمایت از منافع اقتصادی روسیه در انجام تجارت خارجی کالا و مطابق با قوانین فدراسیون روسیه)، مالیاتهای فدرال (به استثناء عوارض کالاهای داخلی، مالیات بر ارزش افزوده کالاهای تولید شده در قلمرو فدراسیون روسیه)، پرداخت اقساط به صندوق های دولتی غیر بودجه ای (به استثناء پرداخت های انجام شده به صندوق بازنشستگی فدراسیون روسیه) را تغییر دهند یا اصلاحات و اضافاتی در قوانین جاری فدرال و سایر اسناد قانونی و حقوقی فدراسیون روسیه انجام گیرد که باعث افزایش مجموع بار مالیاتی بر فعالیت های سرمایه گذار خارجی و یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی در مورد اجرای پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری شوند و یا رژیمهای منع و محدودیت در رابطه با سرمایه گذاری های خارجی در فدراسیون در مقایسه با مجموع بار مالیاتی و رژیمی که از تاریخ آغاز تامین مالی پروژه اولویت دار سرمایه گذاری با منشاء سرمایه گذاری های خارجی بر اساس قوانین فدرال و سایر اسناد حقوقی و قانونی فدراسیون روسیه مجری بوده، آنگاه این قوانین جدید و سایر اسناد قانونی و حقوقی فدراسیون روسیه و اصلاحات و اضافات به قوانین فدرال مجری و سایر اسناد حقوقی و قانونی فدراسیون روسیه در مدت زمان مندرج در بند ۲ ماده حاضر در مورد سرمایه گذار خارجی یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی که مجری پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری با منشاء سرمایه گذاری های خارجی می باشند اعمال نخواهد شد، منوط به آنکه کالاهای وارداتی به قلمرو گمرک فدراسیون روسیه بوسیله سرمایه گذار خارجی و یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی در جهت اهداف اجرای پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری به کار روند.

مقررات پاراگراف اول این بند در صورتی در مورد موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی اعمال خواهد شد که سهم، سهام (سپرده) سرمایه گذاران خارجی در سرمایه مجاز این موسسه بیش از ۲۵% باشد، این وضعیت همچنین در مورد موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی که پروژه اولویت دار سرمایه گذاری را اجرا می نماید صرف نظر از سهم، سهام (سپرده) سرمایه گذار خارجی در سرمایه مجاز این موسسه تسری می یابد.

۲- ثبات شرایط و رژیم مندرج در بند ۱ ماده حاضر برای سرمایه گذار خارجی که پروژه سرمایه گذاری را انجام می دهد در طول مدت بازگشت سرمایه پروژه سرمایه گذاری و حداکثر تا ۷ سال از آغاز تامین منبع پروژه فوق الذکر با منشاء سرمایه گذاری خارجی تضمین می شود. تشخیص دوران بازگشت سرمایه پروژه های سرمایه گذاری با توجه به انواع آنها به شیوه مقرر بوسیله دولت فدراسیون روسیه تعیین خواهد شد.

۳- در موارد استثنائی به هنگام اجرای پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری بوسیله سرمایه گذار خارجی و موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی در زمینه تولید و یا ایجاد خدمات زیر بنایی حمل و نقلی و غیره با مجموع رقم سرمایه گذاری خارجی به میزان حداقل یک میلیارد روبل (حداقل مبلغ برابر ارز خارجی بر اساس نرخ بانک مرکزی

فدراسیون روسیه در روز اجرایی شدن قانون فدرال حاضر) که مدت بازگشت سرمایه آن بیش از ۷ سال می باشد دولت فدراسیون روسیه تصمیمات لازم در مورد تمدید دوره اعمال شرایط و رژیم مندرج در بند ۱ ماده حاضر برای سرمایه گذار فوق الذکر و موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی را اتخاذ می نماید.

۴- مقررات بند ۱ ماده حاضر در مورد اصلاحات و اضافاتی که در اسناد قانونی فدراسیون روسیه صورت می گیرند و یا قوانین جدید فدرال و اسناد حقوقی و قانونی دیگر مورد تصویب فدراسیون روسیه در جهت حمایت از مبانی ساختاری قانون اساسی، اخلاق، سلامت، حقوق و منافع قانونی افراد دیگر، تامین دفاع کشور و امنیت دولت اعمال نخواهد شد.

۵- دولت فدراسیون روسیه: معیارهای ارزیابی یک تغییر نامناسب در شرایط وضع عوارض ورودی گمرکی، مالیاتهای فدرال، اقساط پرداختی به صندوقهای دولتی غیر بودجه ای، رژیم ممنوعیت ها و محدودیت های سرمایه گذاریهای خارجی در قلمرو فدراسیون روسیه را برای سرمایه گذار خارجی و موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی، تعیین می نماید.

تشریفات ثبت پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری به وسیله مقامات اجرایی مندرج در ماده ۲۴ قانون فدرال حاضر را تصویب می نماید;

اجرای تعهدات پذیرفته شده توسط سرمایه گذار خارجی یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی در ارتباط با انجام پروژه های اولویت دار سرمایه گذاری تحت شرایط مندرج در بندهای ۲ و ۳ ماده حاضر را کنترل می کند.

در صورت عدم اجرای تعهدات مندرج در بخش ۱ بند حاضر توسط سرمایه گذار خارجی یا موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی آنها از امتیازات اعطایی مطابق با این ماده، محروم می شوند. مبلغ وجوه نقدی پرداخت نشده در نتیجه امتیازات اعطاء شده مذکور بایستی به ترتیب مقرر در قوانین فدراسیون روسیه برگشت داده شوند. «

ج - تضمین جبران خسارت ناشی از اعمال غیر قانونی نهاد های دولتی

در بند ۲ ماده ۵ قانون آمده است:

« سرمایه گذار خارجی مطابق با قوانین مدنی فدراسیون روسیه حق دریافت غرامت برای خسارت هائی را که در نتیجه اعمال غیر قانونی (عدم فعالیت) ارگان های دولتی، ارگان های خود گردان و یا ماموران این ارگان ها به او وارد آمده است را دارد. »

4-6- قانون چین

در ماده ۲ قانون سرمایه گذاری مشترک سهامی طرفین خارجی - چینی آمده است:

« ... دولت سرمایه گذاری مشترک سهامی را ملی نخواهد نمود یا از آنها سلب مالکیت نخواهد کرد؛ در شرایط خاص، بر اساس مقتضیات منافع ملی و اجتماعی، از سرمایه گذاری مشترک سهامی طی مراحل قانونی می تواند سلب مالکیت شود و خسارت معادل ضرر فراهم گردد. »

بر اساس ماده ۵ قانون بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی :

« دولت بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی را ملی نکرده و از آنها سلب مالکیت نخواهد کرد. دولت تحت شرایط خاص و بر اساس نیاز منافع عمومی و اجتماعی می تواند مطابق روش های قانونی از بنگاه های اقتصادی با مالکیت کامل خارجی سلب مالکیت کند و متناسب با آن غرامت دهد. »

۷- تضمین خرید کالاها و خدمات

۷-۱- قانون ایران

در بند ب ماده ۴ آیین نامه آمده است :

« در روش های « ساخت ، بهره برداری و واگذاری » و « مشارکت مدنی » خرید کالا و خدمات تولیدی طرح مورد سرمایه گذاری توسط دستگاه دولتی طرف قرارداد ، در مواردی که دستگاه دولتی خریدار انحصاری و یا عرضه کننده کالا و خدمات تولیدی به قیمت یارانه ای باشد ، در چهارچوب مقررات قانونی تضمین می شود . »

این نوع تضمین بر اساس ماده ۱۱ آیین نامه جنبه الزامی نداشته و « دستگاه دولتی می تواند « خرید کالا و خدمات تولیدی را به میزان و قیمت تعیین شده در قرارداد مربوطه تضمین نماید.

۷-۲- قانون ترکیه

این نوع از تضمین در قانون ترکیه پیش بینی نشده است.

۷-۳- قانون روسیه

تضمین خرید کالاها و خدمات در قانون روسیه پیش بینی نشده است.

۷-۴- قانون چین

قانون چین خرید کالاها و خدمات را تضمین نکرده است.

۸- تملک اموال غیر منقول

۸-۱- قانون ایران

در تبصره ماده ۲ قانون آمده است :

« قانون مربوط به تملک اموال غیر منقول اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۶ کماکان به قوت خود باقی می باشد. تملک هر نوع زمین به هر میزان به نام سرمایه گذار خارجی در چهارچوب این قانون مجاز نمی باشد.»

در عین حال ماده ۳۴ آیین نامه به شرکت های خارجی اجازه تملک زمین را می دهد. ماده مذکور مقرر می دارد:

« در مواردی که انجام سرمایه گذاری خارجی منجر به تشکیل شرکت ایرانی گردد، تملک زمین به نام شرکت متناسب با طرح سرمایه گذاری به تشخیص سازمان مجاز می باشد.»

بنابراین تملک اموال غیر منقول توسط سرمایه گذار خارجی فقط با جمع شرایط زیر امکان پذیر خواهد بود:

الف - سرمایه گذاری در قالب تشکیل یک شرکت انجام گرفته باشد.

ب- تابعیت شرکت تشکیل شده ایرانی باشد.

ج - زمین به نام شرکت تملک شود نه به نام هر یک سهامداران یا مدیران آن.

د - تملک زمین متناسب با طرح سرمایه گذاری باشد.

ه - سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران تملک زمین را تأیید نماید.

۸-۲- قانون ترکیه

بر اساس بند دال ماده ۳ قانون ترکیه :

« سرمایه گذاران خارجی می توانند در راستای اهداف عملی مقرر در اساسنامه ، آزادانه اموال غیر منقول را تحصیل نمایند یا حقوق محدود اقامه دعوی در مورد عین مال توسط یک شخص حقوقی تشکیل شده بر اساس قانون ترکیه را داشته باشند. سرمایه گذاران خارجی فقط در موردی که شهروندان ترک حق تملک مال غیر منقول را دارند می توانند یک مال غیر منقول را تملک نمایند. »

۸-۳- قانون روسیه

ماده ۱۵ قانون روسیه مقرر می دارد:

« حقوق بر قطعات زمین، منابع طبیعی دیگر، ساختمان ها، تاسیسات و دیگر اموال غیر منقول به وسیله سرمایه گذار خارجی مطابق با قوانین فدراسیون روسیه و قوانین و مقررات اعضاء فدراسیون روسیه قابل تحصیل خواهد بود.

حق انعقاد قرارداد اجاره قطعات زمین توسط موسسه تجاری با سرمایه گذاری های خارجی در مناقصه ها و مزایده ها قابل تحصیل است ، در صورتی که مورد دیگری در قوانین فدراسیون روسیه پیش بینی نشده باشد. »

سرمایه گذاران خارجی در روسیه با منعی برای خرید و تملک زمین مواجه نخواهند بود.

۴-۸- قانون چین

بر اساس قانون اداره زمین مصوب ۱۹۹۹ ، زمین ها در چین قابل تملک خصوصی نبوده و متعلق به دولت هستند. بنگاه های اقتصادی اعم از چینی و خارجی فقط حق استفاده از زمین را دارند.

۹- حل و فصل اختلافات

۱-۹- قانون ایران

بر اساس ماده ۱۹ قانون :

« اختلافات بین دولت و سرمایه گذاران خارجی در خصوص سرمایه گذاری های موضوع این قانون چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد در دادگاه های داخلی مورد رسیدگی قرار می گیرد ، مگر آن که در موافقت نامه دوجانبه سرمایه گذاری با دولت متبوع سرمایه گذار خارجی در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد. »

بنابراین در قانون ما در خصوص اختلافات دولت با سرمایه گذاران خارجی ، اصل بر صلاحیت دادگاه های ایران است ، مگر آن که در موافقت نامه منعقد بین دولت ایران و دولت متبوع سرمایه گذار توافق خلاف آن پیش بینی شده باشد.

ماده ۹ قانون اختلافات ناشی از سلب مالکیت یا ملی شدن را نیز بر اساس مفاد ماده ۱۹ قابل حل و فصل دانسته است.

۲-۹- قانون ترکیه

به تصریح بنده ماده ۳ قانون ترکیه:

« برای حل اختلافات ناشی از قراردادهای سرمایه گذاری موضوع حقوق بین الملل خصوصی و اختلافات ناشی از مقررات خدمات عمومی انحصاری و قراردادهای امتیاز منعقد بین سرمایه گذاران خارجی و دولت ترکیه ، علاوه بر

دادگاه محلی صلاحیت دار، طرفین می توانند داور ملی یا بین المللی یا سایر ابزارهای حل اختلاف را درخواست نمایند، مشروط بر این که شرایط مقرر در آیین نامه های مربوطه رعایت شده و طرفین نیز بر آن توافق داشته باشند. «

قانون ترکیه نیز در رویکردی مشابه قانون ایران اصل را بر صلاحیت دادگاه های ترکیه قرار می دهد، مگر آن که هر دو طرف داور ملی یا سایر روش ها یا مراجع را برای حل اختلاف انتخاب نمایند.

۹-۳- قانون روسیه

بر اساس ماده ۱۰ قانون روسیه :

« دعوی مطروحه سرمایه گذار خارجی در ارتباط با اجرای سرمایه گذاری ها و فعالیت های کارفرمایی در قلمرو فدراسیون روسیه مطابق با موافقت نامه های بین المللی فدراسیون روسیه و قوانین فدرال در دادگاه، دیوان داور ملی و یا دیوان بین المللی حل و فصل می شوند. «

۹-۴ - قانون چین

ماده ۱۵ قانون سرمایه گذاری مشترک سهامی طرفین خارجی - چینی مقرر می دارد :

« زمانی که اختلاف نظر میان طرفین سرمایه گذاری بالا می گیرد و هیات مدیره قادر به حل آن از طریق مشورت نیست، این اختلاف از طریق مصالحه یا داور ملی حل و فصل خواهد شد که توسط موسسه داور ملی چین یا از طریق داور ملی با موسسه داور ملی دیگری که مورد توافق طرفین سرمایه گذاری باشد، انجام می شود. طرفین سرمایه گذاری مشترک، چنانچه هیچیک شرط داور ملی را در قرارداد سرمایه گذاری مشترک قید نکرده باشند و پس از وقوع اختلاف به چنین شرط داور ملی کتبی نرسیده باشند، می توانند این اختلاف ها را به دادگاه خلق ارائه دهند. «

در ماده ۲۵ قانون سرمایه گذاری مشترک قراردادی نیز آمده است :

« هنگامیکه اختلافی در رابطه با اجرای قرارداد و اساسنامه سرمایه گذاری مشترک قراردادی بوجود می آید، طرف چینی و طرف خارجی این اختلاف را از طریق مذاکره و میانجیگری حل خواهند کرد. اگر طرف چینی و طرف خارجی تمایلی برای حل و فصل موضوع از طریق مذاکره و میانجیگری نداشته باشند یا اگر مذاکره و میانجیگری ناموفق باشد، این دعوا بر اساس شرط داور ملی مقرر در قرارداد سرمایه گذاری مشترک قراردادی یا توافق مکتوب داور ملی متعاقباً تنظیم شده، برای داور ملی نزد سازمان داور ملی چین یا سازمان داور ملی دیگری که با مورد داور ملی در خصوص این نوع قرارداد سرمایه گذاری مشترک موافقت دارد مطرح می گردد. اگر طرف چینی و طرف خارجی نه شرط داور ملی را در قرارداد سرمایه گذاری مشترک قراردادی گنجانده باشند و نه توافق مکتوب داور ملی حاصل شده باشد، می توان داور ملی قانونی را در یک دادگاه چینی آغاز کرد. «

۱۰- حمایت از حقوق مالکیت فکری

۱۰-۱ - قانون ایران

حقوق مالکیت فکری از دو شاخه حقوق مالکیت ادبی - هنری و حقوق مالکیت صنعتی تشکیل شده است. در زیر وضعیت حمایت از آن ها در ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۱-۱۰- حقوق مالکیت ادبی - هنری (حق مؤلف)

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ قانونی است که در حوزه حق مؤلف در کشور ما در حال اجراست. در این قانون که ملهم از قانون قبلی فرانسه است، حمایت های نسبتاً مناسبی از حقوق پدید آورندگان آثار علمی، ادبی و هنری پیش بینی شده است. در عین حال قانون بسیار قدیمی و نیازمند به روز رسانی می باشد، ضمن این که موارد نقص و اجمال آن نیز متعدد و نیازمند اصلاح است.

در عرصه بین المللی ایران به هیچ یک از معاهدات مربوط به حق مؤلف ملحق نشده است و این زمینه نقض گسترده حقوق خارجیان در ایران و ایرانیان در خارج را فراهم ساخته است.

۱۰-۱-۲ - حقوق مالکیت صنعتی

الف- اختراع

قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی قانون حاکم بر اختراعات در کشور است. تا قبل از تصویب این قانون، قانون قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ در خصوص اختراعات مجری بود که هر چند در نوع خود قانون مناسبی به شمار می رفت، اما از نقائص و ایرادات متعددی برخوردار بود که قانون جدید فاقد آن هاست. برخی مزایای قانون جدید به شرح زیر است:

- در قانون مصوب ۱۳۱۰ از علامت تجاری و اختراعات تعریف خاصی به عمل نیامده است. در حالی که در قانون جدید تعریف نسبتاً جامعی از اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری ارائه شده است.
- در قانون جدید مقرراتی در رابطه با اجازه بهره برداری و تنظیم قراردادها در رابطه با واگذاری علامت تجاری پیش بینی و خلاء قانون قبلی در این زمینه کاملاً مرتفع گردیده است.

- پیش بینی موضوع استفاده از شیوه های نوین برای ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری که این امر می تواند باتوجه به تأکید بعمل آمده در ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه، موضوع استفاده از ابزارهای الکترونیکی ثبت را افزایش دهد.

- پیش بینی موضوع افساء اختراع، ۶ ماه قبل از تاریخ تقاضا و یا در موارد مقتضی قبل از تاریخ حق تقدم، که مانع ثبت نخواهد بود.

- پیش بینی ضرورت وجود مکانیزم مؤثرکنترل اجازه دهنده بر کیفیت و مرغوبیت ارائه خدمات توسط استفاده کننده در قراردادهای اجازه بهره برداری
- صدور پروانه بهره برداری بنابه تقاضای مالک اختراع پس از جلب نظر دستگاههای مربوط
- پیش بینی مدت پنج سال آزمایشی مقرر در قانون این امکان را ایجاد می کند که در طول مدت اجرا علاوه بر رفع نقایص احتمالی نیازهای جدید ناشی از تحولات بین المللی در تصویب مجدد (طی مدت آزمایشی) لحاظ گردد بدین ترتیب موجب پویائی قانون بعدی نیز می گردد.
- تعقیب کالاهای تقلبی تبصره ذیل ماده ۱۸۳ آئین نامه قانون . دادسرا می تواند دستور توقیف کالاهای تقلبی اعم از اینکه وارد چرخه تجاری شده یا نشده باشد را بدهد در حالی که در قانون سابق مستلزم وجودشاکتی خصوصی بود.
- پیش بین ذکر نام مخترع و تعلق حق اختراع به وی از جنبه معنوی (ماده ۵ قانون)
- پیش بینی تشکیل شعب خاصی از دادگاه عمومی تهران برای رسیدگی نسبت به اختلافات ناشی از اجرای قانون جدید و آئین نامه مربوط

در عرصه بین المللی ایران به عضویت کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۸۸۳ و اصلاحات استکهلم آن (۱۹۶۷) درآمده است. در این کنوانسیون که ۱۷۳ عضو دارد ، حمایت های کلی از مصادیق مختلف حقوق مالکیت های صنعتی از جمله حق اختراع ، علائم تجاری و طرح های صنعتی پیش بینی شده است . همچنین براساس ماده ۲ این کنوانسیون اتباع هر کشور عضو در قلمرو سایر دول عضو از همان حقوقی برخوردار خواهد بود که دول مذکور به اتباع خود اعطا نموده اند (اصل رفتار ملی) . کنوانسیون پاریس گرچه موضوع حمایت از اختراعات را نیز پیش بینی کرده است ، اما در این حوزه الحاق به معاهده همکاری ثبت اختراع برای ایران بسیار ضروری به نظر می رسد . معاهده مذکور که ایران در سال ۱۹۷۰ آن را امضا کرده ، اما مراحل الحاق به آن را هنوز طی ننموده است ، امکان ثبت بین المللی اختراعات در سازمان جهانی مالکیت فکری با هزینه و تشریفات اندک و به تبع آن برخورداری از حمایت در قلمرو ۱۴۱ کشور عضو را فراهم خواهد ساخت.

ب - علائم تجاری

قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی قانون حاکم بر علائم تجاری در ایران است. تا قبل از تصویب این قانون ، قانون قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ در خصوص علائم مجری بود.

در عرصه بین المللی ایران به عضویت دو سند بسیار مهم در آمده است که امکان ثبت و حمایت از علائم تجاری ایران در سطح بین المللی را به سادگی فراهم می کنند : موافقت نامه مادرید در ارتباط با ثبت بین المللی علائم (مصوب ۱۸۹۱) با ۵۶ عضو و پروتکل آن (مصوب ۱۹۸۹) با ۷۸ عضو.

ج- طرح های صنعتی

طرح های صنعتی برای اولین بار با تصویب قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ در ایران تحت حمایت قرار گرفتند.

ایران به هیچ یک از اسناد بین المللی مربوط به حمایت از طرح های صنعتی ملحق نشده است.

د - نشانه های جغرافیایی

در سال ۱۳۸۳ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی در ایران به تصویب رسید و برای نخستین بار امکان حمایت از معرف های جغرافیایی محصولات ایرانی نظیر فرش ، پسته و زعفران در ایران فراهم شد. تصویب این قانون همچنین پیش شرط لازم برای حمایت بین المللی از نشانه های جغرافیایی ایرانی را نیز فراهم ساخت.

در سطح بین المللی ایران به موافقت نامه مادرید برای جلوگیری از نصب نشانه های منبع غیر واقعی یا گمراه کننده بر کالاها مصوب ۱۸۹۱ و موافقت نامه لیسیون برای حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین المللی آنها مصوب ۱۹۵۸ ملحق شده که می تواند زمینه حمایت بین المللی از نشانه های جغرافیایی ایرانی را در اندک کشورهای عضو این موافقت نامه ها فراهم سازد. موافقت نامه مادرید ۳۵ و موافقت نامه لیسیون ۲۶ عضو دارد.

ه - رقابت

فصل نهم قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست های کلی اصلاح ۴۴ قانون اساسی ، مصوب ۱۳۸۷ ، به موضوع تسهیل رقابت و منع انحصار اختصاص یافته است . برای نخستین بار است که در ایران قانونی برای حمایت از فعالان اقتصادی در برابر رقابت غیرمنصفانه و انحصارگرایی به تصویب رسیده است. در قانون یاد شده رویه های مخل رقابت مانند تبانی ، ادغام ، رویه های تبعیض آمیز و اجبار کننده ، قیمت گذاری تهاجمی ، اظهارات گمراه کننده ، عرضه کالا یا خدمت غیر استاندارد ، مداخله در امور داخلی یا معاملات بنگاه یا شرکت رقیب ، سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط ، کسب غیر مجاز ، سوء استفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص ، احتکار و استنکاف از معامله ، تصدی همزمان در چند بنگاه دارای فعالیت مرتبط یا مشابه با هدف اخلاص در رقابت ، تملک سرمایه یا سهام شرکت ها به نحو مخل رقابت ، اعمال حقوق مالکیت فکری به نحو مخل رقابت و اعطای کمک ها یا امتیازات دولتی به نحو مخل رقابت ممنوع شده است .

۱۰-۲- قانون ترکیه

۲-۱۰ - حقوق مالکیت ادبی - هنری (حق مؤلف)

قانون شماره ۵۸۴۶ ناظر بر آثار فکری و هنری در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری از سال ۱۹۵۱ در ترکیه به اجرا درآمده و در سال ۲۰۰۴ برای انطباق با مقررات موافقت نامه تریپس مورد اصلاح قرار گرفته است.

در عرصه بین المللی ترکیه به کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری در سال ۱۹۵۲، کنوانسیون رم برای حمایت از اجرا کنندگان، تولید کنندگان فونوگرام و سازمان های پخش کننده در سال ۲۰۰۴، معاهده کپی رایت سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۲۰۰۸ و معاهده اجراها و فونوگرام های سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۲۰۰۸ ملحق شده است.

۱۰-۲-۲ - حقوق مالکیت صنعتی

الف- اختراع

در حوزه اختراعات قانون شماره ۵۵۱ ناظر بر حمایت از حقوق اختراع از سال ۱۹۹۵ در ترکیه به اجرا درآمده است. ترکیه به معاهده حقوق اختراع در سال ۲۰۰۰، معاهده همکاری اختراع در سال ۱۹۹۶، موافقت نامه استراسبورگ ناظر بر طبقه بندی بین المللی اختراعات در سال ۱۹۹۶، معاهده بوداپست ناظر بر تودیع میکروارگانیسم ها برای تشریفات ثبت اختراع در سال ۱۹۹۸ و کنوانسیون اروپایی ثبت اختراع در سال ۲۰۰۰ ملحق شده است.

ب- علائم تجارتي

قانون شماره ۵۵۶ ناظر بر حمایت از علائم تجارتي از سال ۱۹۹۵ در ترکیه به اجرا درآمده است. در عرصه بین المللی ترکیه به پروتکل مادرید ناظر بر ثبت بین المللی علائم تجارتي در سال ۱۹۹۹، معاهده سنگاپور ناظر بر حقوق علائم تجارتي در سال ۲۰۰۶، معاهده حقوق علامت تجارتي در سال ۲۰۰۵، موافقت نامه نیس درباره طبقه بندی بین المللی کالاها و خدمات برای ثبت علائم در سال ۱۹۹۶ و موافقت نامه وین ناظر بر طبقه بندی بین المللی عناصر تصویری علائم در سال ۱۹۹۶ ملحق شده است.

ج - طرح های صنعتی

قانون شماره ۵۵۴ ناظر بر طرح های صنعتی از سال ۱۹۹۵ در ترکیه اجرا می شود. ترکیه در سال ۲۰۰۵ به موافقت نامه لاهه ناظر بر ثبت بین المللی طرح های صنعتی و در سال ۱۹۹۸ به موافقت نامه لوکارنو ناظر بر طبقه بندی بین المللی طرح های صنعتی ملحق شده است.

د - نشانه های جغرافیایی

قانون شماره ۵۵۵ پیرامون حمایت از نشانه های جغرافیایی از سال ۱۹۹۵ در ترکیه به اجرا درآمده است. در عرصه بین المللی ترکیه در سال ۱۹۳۰ به موافقت نامه مادرید برای جلوگیری از نصب نشانه های منبع غیر واقعی یا گمراه کننده بر روی کالاها و در سال ۱۹۵۹ به موافقت نامه لیسیون برای حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین المللی آن ها ملحق گردیده است.

قانون شماره ۴۰۵۴ ناظر بر حمایت از رقابت در سال ۱۹۹۴ در ترکیه به تصویب رسید. قلمرو شمول قانون عبارت است از : الف - جلوگیری از توافقات محدود کننده رقابت و سوء استفاده از موقعیت برتر و از طرف دیگر اعطای معافیت ها و تهیه مقررات ثانویه برای توافقاتی که در تضاد با قواعد رقابت هستند، اما به نظر می رسد برای اقتصاد و مصرف کنندگان سودمند می باشند. ب - کنترل ادغام ها و جلوگیری از تلاش ها برای ادغام هایی که منجر به ایجاد یک موقعیت برتر در بازار شده و بر رقابت تأثیر سوء می گذارند. ج - نظارت بر کمک های دولتی و ممنوع ساختن کمک های دولتی مغایر با بهره وری و رقابت

۱۰-۳-۱ - قانون روسیه

بخش چهارم قانون مدنی روسیه که در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید و از سال ۲۰۰۸ به اجرا در آمد ، به مالکیت فکری اختصاص یافته است.

۱۰-۳-۱-۱ - حقوق مالکیت ادبی و هنری (حق مولف)

فصل های ۷۰ و ۷۱ از بخش چهارم قانون مدنی روسیه به کپی رایت و حقوق مرتبط اختصاص یافته است.

روسیه عضو کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری ، کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان ، تولید کنندگان فونوگرام و سازمان های پخش ، کنوانسیون بروکسل مربوط به توزیع سیگنال های ماهواره ای حامل برنامه و کنوانسیون فونوگرام ها ناظر بر حمایت از تولیدکنندگان فونوگرام ها در برابر نسخه برداری غیر مجاز از فونوگرام هایشان است.

۱۰-۳-۲ - حقوق مالکیت صنعتی

الف - اختراع و طرح های صنعتی

فصل ۷۲ از بخش ۴ قانون مدنی مقررات ناظر بر اختراعات و طرح های صنعتی را بیان می کند.

روسیه به معاهده همکاری حق اختراع ، موافقت نامه استراسبورگ در مورد طبقه بندی بین المللی اختراع ، معاهده بوداپست در مورد شناسایی بین المللی تودیع میکروارگانیزم ها با هدف تشریفات ثبت اختراع پیوسته است.

ب- علائم تجارتي و نشانه های جغرافیایی

از جمله موضوعات فصل ۷۶ از بخش ۴ قانون مدنی روسیه ، حقوق علائم تجارتي و خدماتی و نیز نام های تجارتي و اسامی مبدأ کالاهاست.

در سطح بین‌المللی، روسیه به کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، معاهده حقوق علائم تجاری، موافقت‌نامه مادرید در مورد ثبت بین‌المللی علائم، موافقت‌نامه نیس در مورد طبقه‌بندی بین‌المللی کالاها و خدمات به منظور ثبت علائم، موافقت‌نامه لیسبون برای حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آن‌ها، پروتکل موافقت‌نامه مادرید در مورد ثبت بین‌المللی علائم ملحق شده است.

ج - رقابت

قانون فدرال شماره ۱۳۵ ناظر بر حمایت از رقابت مصوب ۲۰۰۶ و اصلاح شده در ۲۰۰۹ مهم‌ترین قانون حاکم در حوزه رقابت در روسیه است.

۱۰-۴ - قانون چین

۱۰-۴-۱ - مالکیت ادبی و هنری (حق مولف)

قانون کپی‌رایت مصوب ۱۹۹۰ که برای آخرین بار در سال ۲۰۰۱ اصلاح شد، در حوزه مالکیت ادبی و هنری در چین اعمال می‌گردد.

چین عضو کنوانسیون برن و کنوانسیون فونوگرام هاست.

۱۰-۴-۲ - مالکیت صنعتی

الف - حق اختراع و طرح‌های صنعتی

قانون حق اختراع مصوب ۱۹۸۴ و اصلاح شده در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰ هم‌اکنون در چین در مورد اختراعات و طرح‌های صنعتی در حال اجراست.

ب- علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی

قانون علائم تجاری مصوب ۱۹۸۲ و اصلاح شده در سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۱ چهارچوب قانونی حاکم بر علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی در چین را تشکیل می‌دهد.

ج - رقابت

قانون مقابله با رقابت غیر منصفانه مصوب ۱۹۹۳ و قانون ضد انحصار مصوب ۲۰۰۷ مهم‌ترین قوانین در حال اجرا در چین در حوزه رقابت هستند.

موضوع سند بین المللی	نام سند بین المللی	ایران	ترکیه	چین	روسیه
کپی رایب	کنوانسیون برن	-	√	√	√
حقوق مرتبط	کنوانسیون رم	-	√	-	√
حقوق مرتبط	کنوانسیون بروکسل	-	-	-	√
حقوق مرتبط	کنوانسیون فونوگرام ها	امضا	-	√	√
کپی رایب	WCT	-	√	√	√
حقوق مرتبط	WPPT	-	√	√	√
مالکیت صنعتی	کنوانسیون پاریس	√	√	√	√
اختراع	معاهده همکاری اختراع	امضا	√	√	√
اختراع	معاهده حقوق اختراع	-	امضا	-	√
اختراع	معاهده بوداپست	-	√	√	√
اختراع	موافقت نامه استراسبورگ	امضا	√	√	√
علامت تجاری	معاهده حقوق علامت تجاری	-	√	امضا	√
علامت تجاری	معاهده سنگاپور	-	امضا	امضا	√
علامت تجاری	موافقت نامه مادرید	√	-	√	√
علامت تجاری	پروتکل مادرید	√	√	√	√
علامت تجاری	موافقت نامه نیس	-	√	√	√
علامت تجاری	موافقت نامه وین	-	√	-	-
طرح صنعتی	موافقت نامه لاهه	-	√	-	-
طرح صنعتی	موافقت نامه لوکارنو	امضا	√	√	√
نشانه جغرافیایی	موافقت نامه لیسبون	√	امضا	-	-
نشانه جغرافیایی	موافقت نامه مادرید	√	√	-	-
مدارهای یکپارچه	معاهده واشنگتن	-	-	امضا	-
حمایت از سمبل های المپیک	معاهده نایروبی	-	-	-	√
گونه های جدید گیاهی	UPOV	-	√	√	√

شاخص	ایران	ترکیه	روسیه	چین
اصل رفتار ملی	√	√	√	√
انتقال سرمایه به خارج	√	√	√	√
آزادی صادرات کالاهای تولیدی	√	√	√	√
معافیت ارزی و صادراتی	√	√	√	√
آزادی واگذاری سرمایه خارجی	√	√	√	√
تضمین جبران خسارت	√	√	√	√
تضمین خرید کالاها و خدمات	√	-	-	-
تملك اموال غير منقول	√	√	√	-
حل و فصل اختلافات	√	√	√	√
حمایت از حقوق مالکیت فکری	√	√	√	√

مواقت نامه های سازمان جهانی تجارت	بخش	شاخص	ضوابط مغایر
اقدامات سرمایه گذاری مرتبط به تجارت TRIMS	کالا	اصل رفتار ملی	ضوابط محتوای داخلی ضوابط تراز تجاری
		حذف محدودیت های مقداری	ضوابط تراز ارزی ضوابط محدود کننده صادرات (مانند الزام فروش داخلی) ضوابط تراز تجاری (محدود کننده واردات)
پارانه ها و اقدامات جبرانی SCM	کالا	مشوق ها (مالیاتی، مالی، غیر مستقیم)	
تجارت خدمات GATS	خدمت	رفتار ملی رفتار دولت کامله الوداد شفافیت اعمال بی طرفانه و منصفانه مقررات اعطای مجوز در مدت معقول دسترسی به بازار	
		عدم وضع محدودیت ها	ایجاد سقف برای مالکیت خارجی ایجاد محدودیت برای تأسیس انواع نمایندگی محلی ایجاد محدودیت بر کل تعداد عملیات خدماتی یا بر کل مقدار ستاده خدمات ایجاد محدودیت بر کل تعداد کارکنان خارجی در بخش های خاص (الزامات استخدام محلی) ایجاد محدودیت در انتخاب شکل فعالیت (نوع شرکت) ایجاد محدودیت بر کل تعداد عرضه کنندگان مجاز خدمات ایجاد محدودیت در تملک اموال غیر منقول ایجاد محدودیت در مورد انتقالات و پرداخت های بین المللی ایجاد محدودیت یا ممانعت از انتقال سرمایه به داخل یا انتقال سود سرمایه به خارج الزامات اطلاع رسانی
تدارکات دولتی GPA	خدمت	اصل رفتار ملی اصل عدم تبعیض	
		ممنوعیت اقدامات جبرانی	الزام محتوای داخلی مجوز انتقال فناوری الزامات سرمایه گذاری و تجارت متقابل

فصل هشتم - جایگاه ایران، ترکیه، چین و روسیه در جذب سرمایه گذاری خارجی در دنیا و فضای کسب و کار

در این فصل طی نمودارهای جداگانه، رتبه چهار کشور ایران، ترکیه، روسیه و چین در جذب سرمایه گذاری خارجی، سهم کشورهای مذکور از سرمایه گذاری خارجی جهانی و رتبه کشورهای ایران، ترکیه، چین و روسیه در فضای کسب و کار مورد بررسی قرار خواهیم داد.

توضیحات مربوط به نمودارها

در نمودارهای شماره ۱ تا ۴، رتبه کشورها در جذب سرمایه گذاری خارجی نشان داده شده است. هر چقدر میزان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی بالاتر باشد نمودار به خط افقی نزدیک تر می گردد. برای مثال، ایران در سال ۱۹۷۳، از بین ۱۳۶ کشور مورد بررسی رتبه ۱۱ را در جذب سرمایه گذاری خارجی به خود اختصاص داده است. از این رو می توان گفت ایران در این سال بهترین وضعیت را در جذب سرمایه گذاری خارجی در بین کشورهای مورد بررسی داشته است. این در حالی است که از سال ۱۹۸۲ به بعد وضعیت جذب سرمایه های خارجی چندان مناسب نبوده به طوری که رتبه های انتهای جدول را از آن خود کرده است. سال ۱۹۸۷، نا موفق ترین سال محسوب می شود چرا که ایران کمترین رتبه را احراز نموده است. در سال ۲۰۰۷ از بین ۱۹۷ کشور ایران در جایگاه ۹۱ ام قرار دارد یعنی ۹۰ کشور قبل از ایران توانایی بیشتری در جذب سرمایه های خارجی داشته اند.

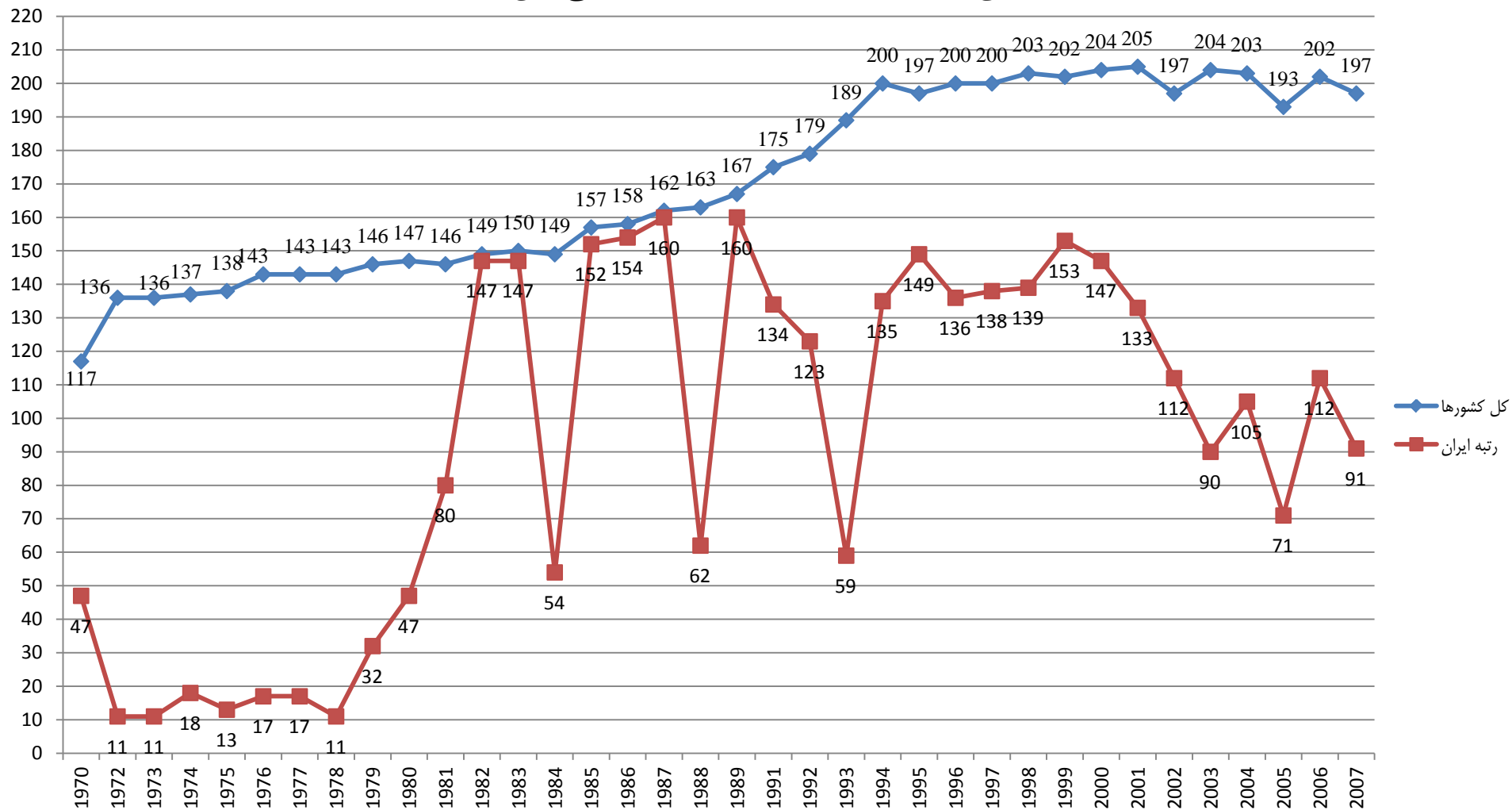
در نمودارهای ۵ تا ۸، سهم ۴ کشور مورد بررسی از سرمایه گذاری خارجی جهانی نشان داده شده است.

در نمودار شماره ۹ نیز رتبه جهانی کشورهای مورد نظر در فضای کسب و کار به تصویر درآمده است که توضیحات مربوط به آن مشابه نمودارهای ۱ تا ۴ می باشد.

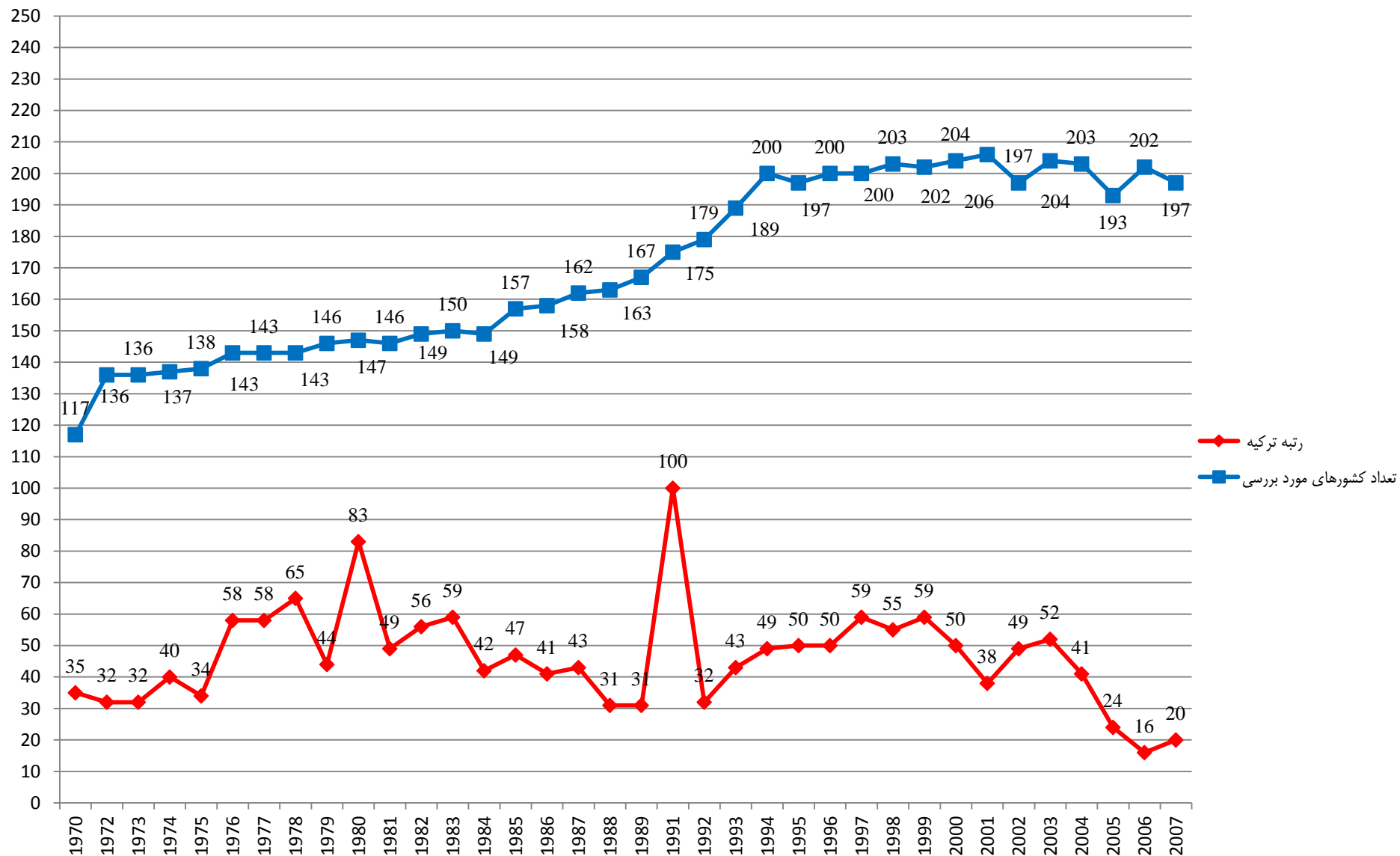
جدول ۱-۱ رتبه چهار کشور ایران، ترکیه، روسیه و چین در جذب سرمایه گذاری خارجی بین سال های ۱۹۷۰-۲۰۰۷
 منبع: www.unctad.org, WIR08

رتبه چین	رتبه روسیه	رتبه ترکیه	رتبه ایران	تعداد کشور ها	سال	ردیف
		۳۵	۴۷	۱۱۷	۱۹۷۰	۱
		۳۲	۱۱	۱۳۶	۱۹۷۲	۲
		۳۲	۱۱	۱۳۶	۱۹۷۳	۳
		۴۰	۱۸	۱۳۷	۱۹۷۴	۴
		۳۴	۱۳	۱۳۸	۱۹۷۵	۵
		۵۸	۱۷	۱۴۳	۱۹۷۶	۶
		۵۸	۱۷	۱۴۳	۱۹۷۷	۷
		65	11	143	۱۹۷۸	۸
۱۲۶		۴۴	۳۲	۱۴۶	۱۹۷۹	۹
۵۷		۸۳	۴۷	۱۴۷	۱۹۸۰	۱۰
۲۹		۵۹	۸۰	۱۴۶	۱۹۸۱	۱۱
۱۹		۵۶	۱۴۷	۱۴۹	۱۹۸۲	۱۲
۱۶		۵۹	۱۴۷	۱۵۰	۱۹۸۳	۱۳
۸		۴۲	۵۴	۱۴۹	۱۹۸۴	۱۴
۷		۴۷	۱۵۲	۱۵۷	۱۹۸۵	۱۵
۱۰		۴۱	۱۵۴	۱۵۸	۱۹۸۶	۱۶
۱۳		۴۳	۱۶۰	۱۶۲	۱۹۸۷	۱۷
۱۲		۳۱	۶۲	۱۶۳	۱۹۸۸	۱۸
۱۰		۳۱	۱۶۰	۱۶۷	۱۹۸۹	۱۹
۲۰		۱۰۰	۱۳۴	۱۷۵	۱۹۹۱	۲۰
۶	۲۴	۳۲	۱۲۳	۱۷۹	۱۹۹۲	۲۱
۲	۲۸	۴۳	۵۹	۱۸۹	۱۹۹۳	۲۲
۲	۴۹	۴۹	۱۳۵	۲۰۰	۱۹۹۴	۲۳
۲	۳۰	۵۰	۱۴۹	۱۹۷	۱۹۹۵	۲۴
۲	۳۰	۵۰	۱۳۶	۲۰۰	۱۹۹۶	۲۵
۲	۲۴	۵۹	۱۳۸	۲۰۰	۱۹۹۷	۲۶
۳	۳۶	۵۵	۱۳۹	۲۰۳	۱۹۹۸	۲۷
۸	۳۱	۵۹	۱۵۳	۲۰۲	۱۹۹۹	۲۸
۹	۳۷	۵۰	۱۴۷	۲۰۴	۲۰۰۰	۲۹
۶	۴۰	۳۸	۱۳۳	۲۰۵	۲۰۰۱	۳۰
۳	۲۴	۴۹	۱۱۲	۱۹۷	۲۰۰۲	۳۱
۲	۱۵	۵۲	۹۰	۲۰۴	۲۰۰۳	۳۲
۲	۱۵	۴۱	۱۰۵	۲۰۳	۲۰۰۴	۳۳
۴	۱۵	۲۴	۷۱	۱۹۳	۲۰۰۵	۳۴
۴	۱۰	۱۶	۱۱۲	۲۰۲	۲۰۰۶	۳۵
۵	۷	۲۰	۹۱	۱۹۷	۲۰۰۷	۳۶

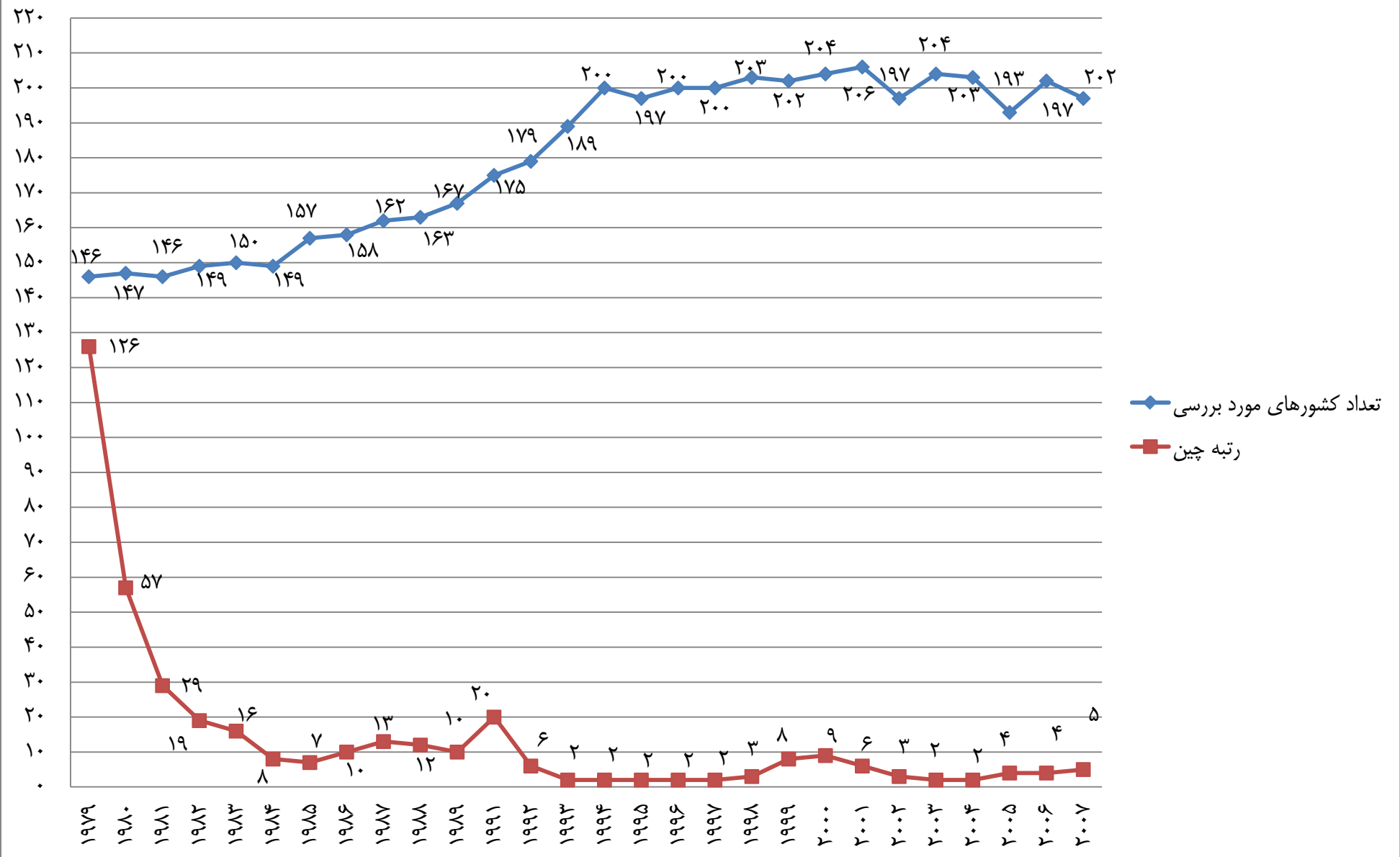
نمودار شماره ۱-رتبه ایران در جذب سرمایه گذاری خارجی بین سال های 1970-2007



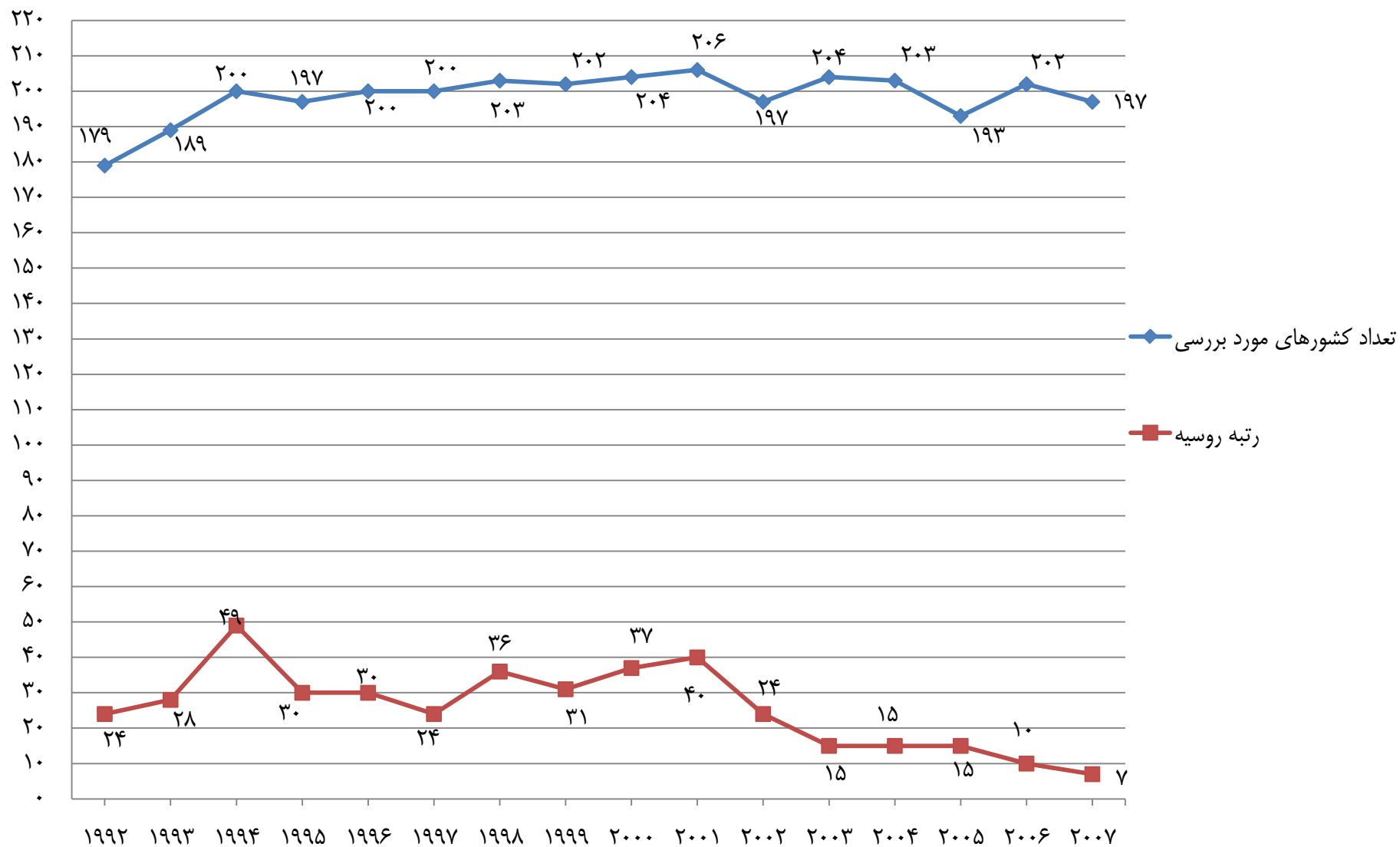
نمودار شماره ۲- رتبه ترکیه در جذب سرمایه گذاری خارجی بین سال های 1979-2007



نمودار ۳-رتبه چین در جذب سرمایه گذاری خارجی بین سال های 1979-2007



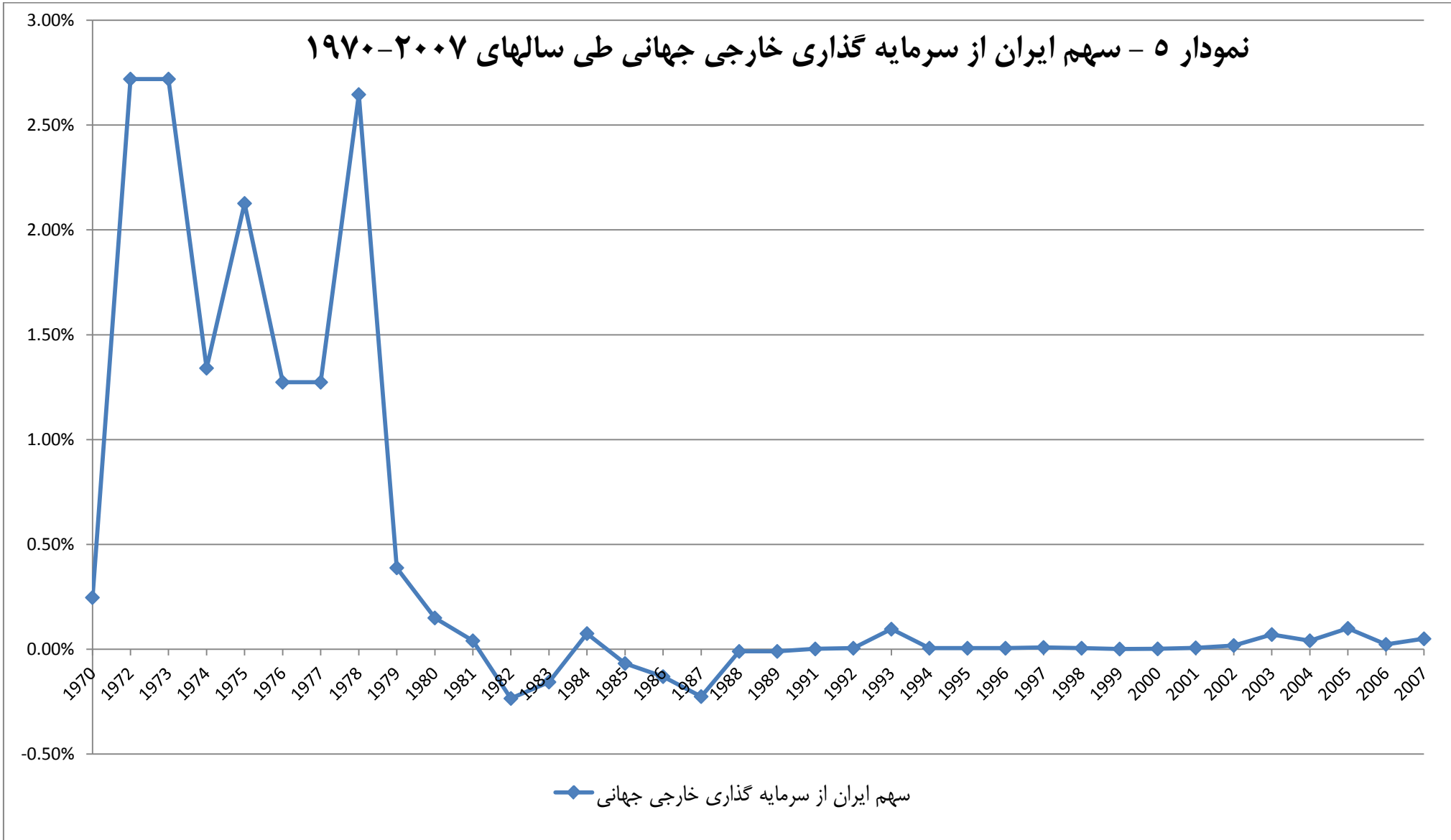
نمودار ۴- رتبه روسیه در جذب سرمایه گذاری خارجی بین سال های 1992-2007



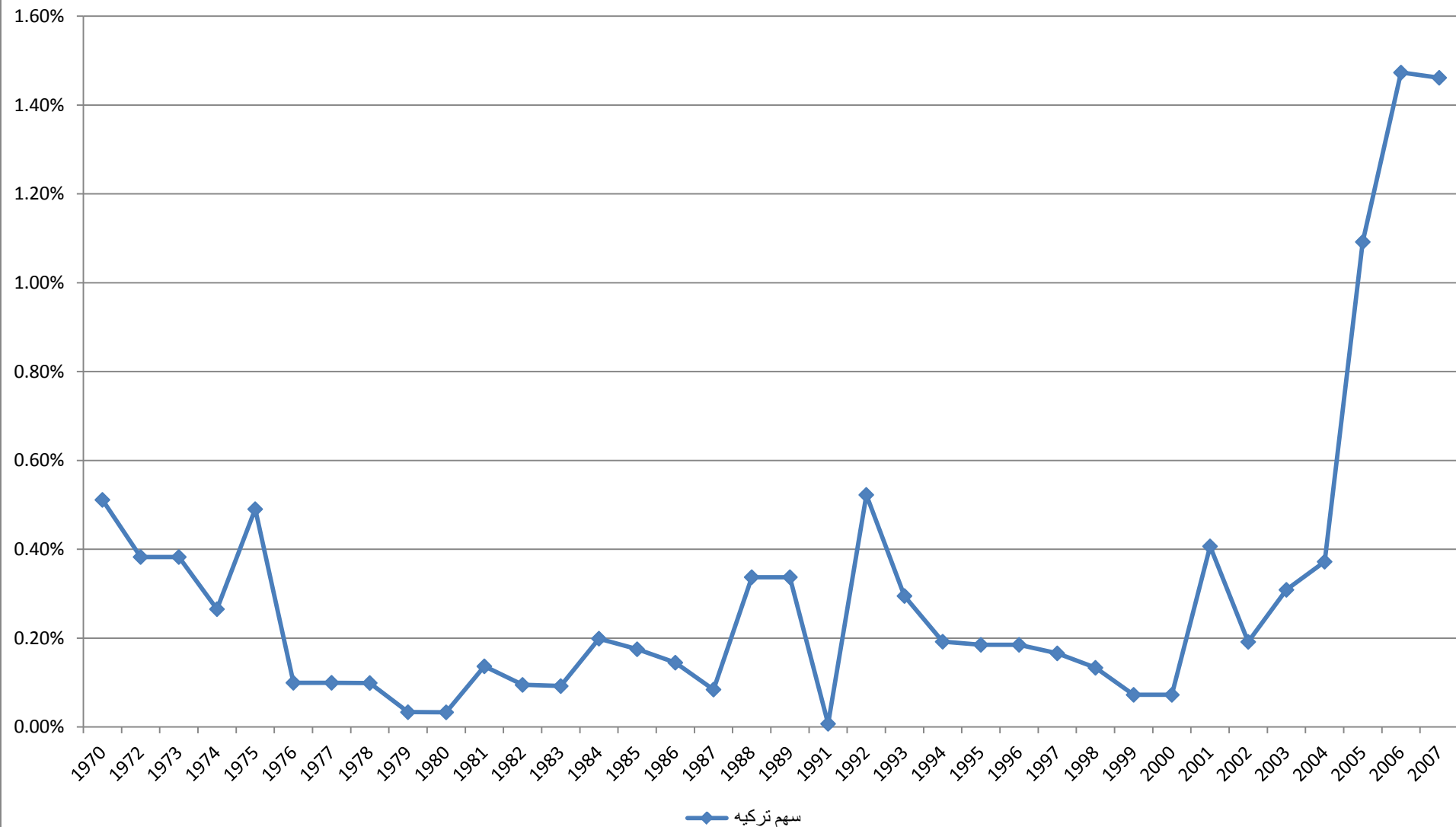
سهم کشورهای ایران ، ترکیه ، چین و روسیه از سهم سرمایه گذاری خارجی جهانی از ۱۹۷۰-۲۰۰۷

ردیف	سال	میزان کل سرمایه گذاری خارجی	سرمایه گذاری خارجی در ایران	سهم ایران از سرمایه گذاری خارجی جهانی	سهم روسیه	سهم ترکیه	سهم چین
1	1970	11344.95	28	0.25%		0.51%	
2	1972	20645.96	561.5	2.72%		0.38%	
3	1973	20645.96	561.5	2.72%		0.38%	
4	1974	24126.56472	323.5	1.34%		0.27%	
5	1975	23248.46	494.4	2.13%		0.49%	
6	1976	27139.38849	345.69	1.27%		0.10%	
7	1977	27139.38849	345.69	1.27%		0.10%	
8	1978	34358.11957	909.06	2.65%		0.10%	
9	1979	42292.43653	164.35	0.39%		0.03%	0%
10	1980	54077.42141	80.91	0.15%		0.03%	0%
11	1981	69569.178	28.22	0.04%		0.14%	0%
12	1982	58059.23504	-136.09	-0.23%		0.09%	1%
13	1983	50267.64879	-78.52	-0.16%		0.09%	2%
14	1984	56828.55602	42.69	0.08%		0.20%	2%
15	1985	56570.15635	-38.15	-0.07%		0.18%	3%
16	1986	86344.81715	-112.44	-0.13%		0.14%	3%
17	1987	136547.5839	-307.63	-0.23%		0.08%	2%
18	1988	196620.2909	-19.42	-0.01%		0.34%	2%
19	1989	196620.2909	-19.42	-0.01%		0.34%	2%
20	1991	362716.81	6.5	0.00%		0.01%	1%
2	1992	161532.378	8.5	0.01%	1%	0.52%	7%
1	1993	215706.5385	207.55	0.10%	1%	0.29%	13%
22	1994	376187.2529	20.49	0.01%	0%	0.19%	9%
23	1995	390465.5834	20.49	0.01%	1%	0.18%	11%
24	1996	390465.5834	20.49	0.01%	1%	0.18%	11%
25	1997	485764.75	43.012	0.01%	1%	0.17%	9%
26	1998	705512.96	37.60	0.01%	0%	0.13%	6%
27	1999	1081881.378	15.621	0.00%	0%	0.07%	4%
28	2000	1357724.01	29.16	0.00%	0%	0.07%	3%
29	2001	824444.78	58.49	0.01%	0%	0.41%	6%
30	2002	591525.64	107.76	0.02%	1%	0.19%	9%
31	2003	567152.50	399.62	0.07%	1%	0.31%	9%
32	2004	748560.1136	306.278	0.04%	2%	0.37%	8%
33	2005	918631.4	917.9	0.10%	1%	1.09%	8%
34	2006	1356843	317.14	0.02%	2%	1.47%	5%
35	2007	1507280.47	754.5	0.05%	3%	1.46%	6%

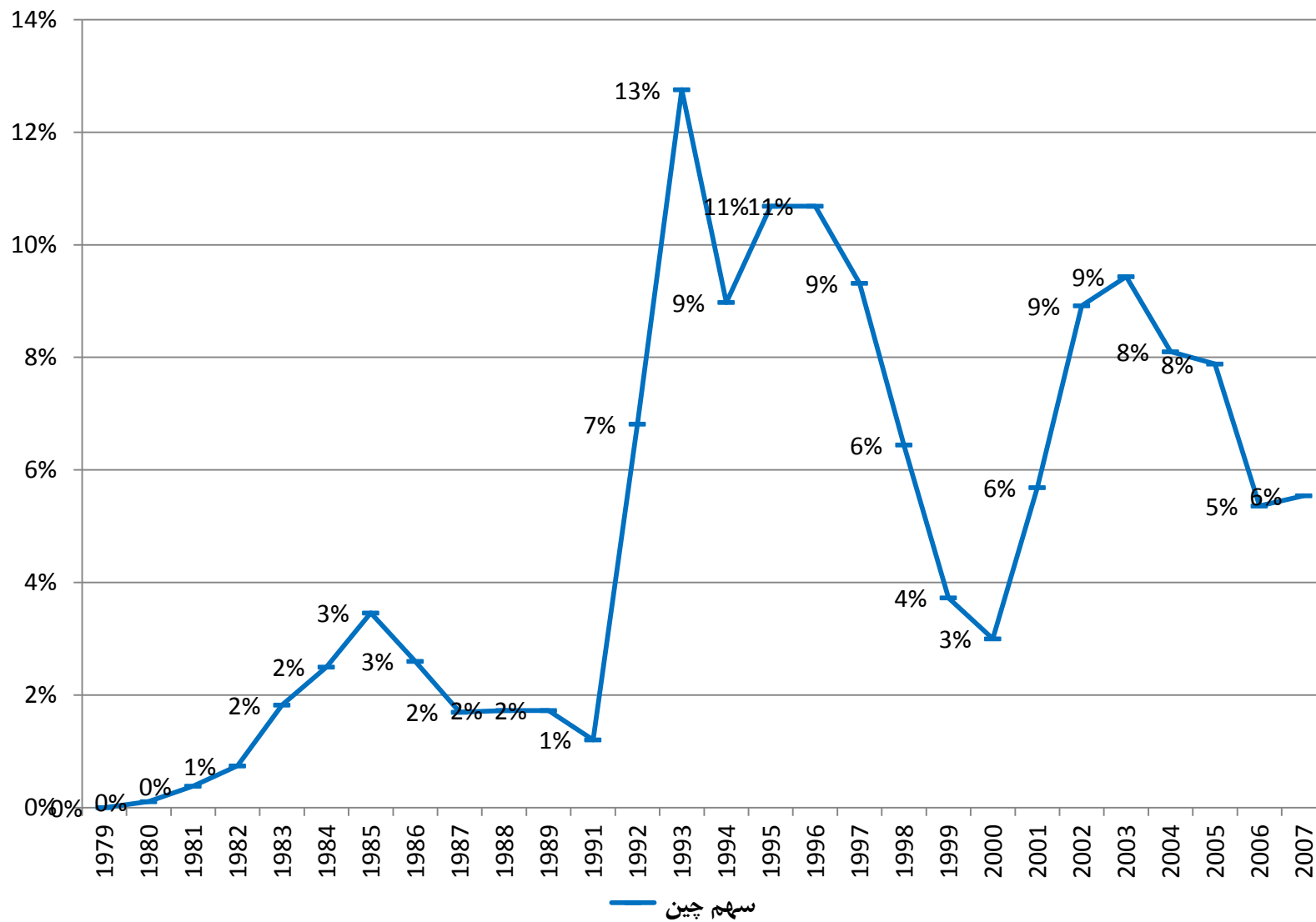
نمودار ۵ - سهم ایران از سرمایه گذاری خارجی جهانی طی سالهای ۱۹۷۰-۲۰۰۷



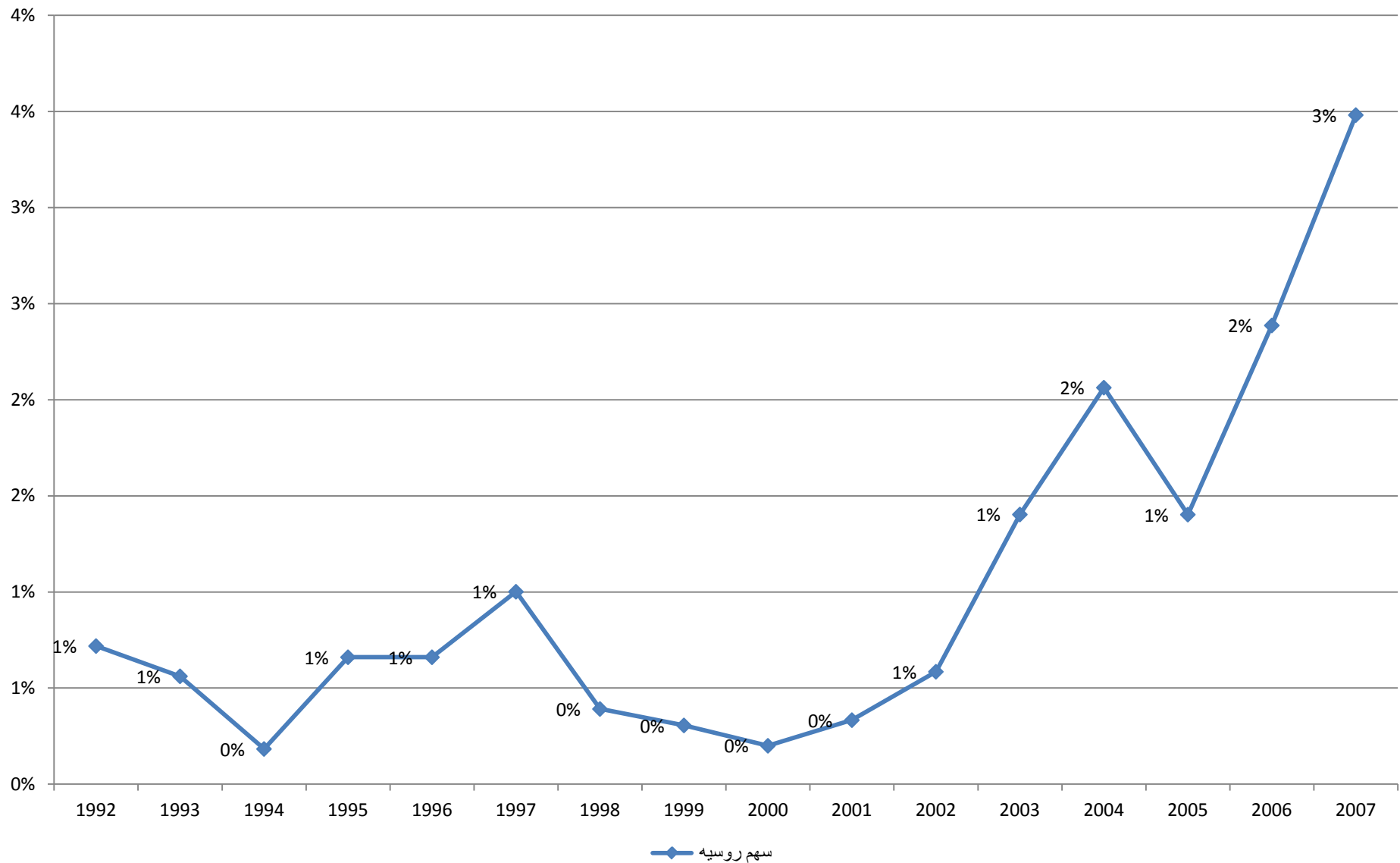
نمودار ۶- سهم ترکیه از سرمایه گذاری خارجی جهانی طی سالهای ۱۹۷۰-۲۰۰۷



نمودار ۷- سهم چین از سرمایه گذاری خارجی جهانی طی سالهای ۱۹۷۹-۲۰۰۷



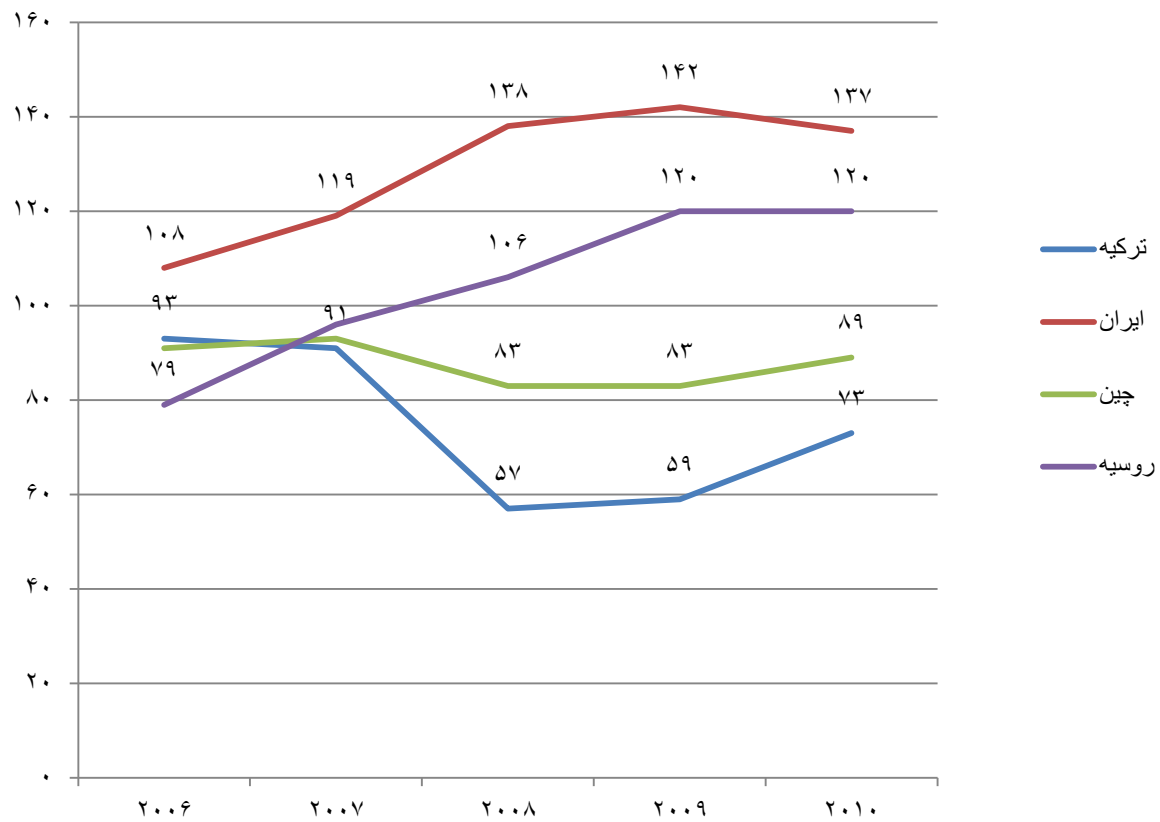
نمودار ۸ - سهم روسیه از سرمایه گذاری خارجی جهانی طی سالهای ۱۹۹۲-۲۰۰۷



رتبه کشورهای ایران، ترکیه، چین و روسیه در فضای کسب و کار

روسیه	چین	ترکیه	ایران	تعداد کشورهای مورد بررسی	سال
۷۹	۹۱	۹۳	۱۰۸	۱۵۵	۲۰۰۶
۹۶	۹۳	۹۱	۱۱۹	175	۲۰۰۷
۱۰۶	۸۳	۵۷	۱۳۸	۱۷۸	۲۰۰۸
۱۲۰	۸۳	۵۹	۱۴۲	181	۲۰۰۹
۱۲۰	۸۹	۷۳	۱۳۷	183	۲۰۱۰

نمودار ۹ : مقایسه رتبه کشورهای ایران، ترکیه، روسیه و چین در فضای کسب و کار



نتیجه گیری

با بررسی اجمالی، تحقیقات کارشناسی و توجه به نقطه نظرات صاحب نظران و متخصصین امور اقتصادی و همچنین نگاهی به آمار و ارقام و واقعیت های اقتصادی، اجتماعی و معیشتی آحاد جامعه درمی یابیم که مهمترین راه برون رفت از بحران عقب ماندگی اقتصادی و توسعه نیافتگی، رسیدن به جامعه مطلوب آرمانی، تحقق عدالت اجتماعی، رفع مشکل بیکاری و ایجاد اشتغال پایدار، دوری از اقتصاد تک محصولی نفت و جلوگیری از هدررفت این ثروت ملی، حضور در بازارهای جهانی، عرض اندام در مقابل کشورهای پیشرفته که منجر به پذیرش ایران از همه ابعاد از سوی جامعه بین الملل گردد، نیازمند داشتن اقتصادی کارآمد، پویا، پایدار، با ثبات و قابل تحقق با محوریت تقسیم منافع ملی، ایجاد فرصت های برابر اقتصادی برای همه افراد، گسترش عدالت اجتماعی و توسعه طبقه متوسط جامعه است. چنین اقتصادی مستلزم داشتن کارآفرینان و سرمایه گذاران وافر و پرتلاش و وجود بسترها و پیش شرط های لازم برای پرورش، تقویت و توسعه آنها به منظور سرمایه گذاری در عرصه های مختلف اقتصادی از طریق سرمایه گذاری داخلی و خارجی است.

ولی متأسفانه از اوایل انقلاب به دلایل متعدد و منجمله فرار کارآفرینان و سرمایه گذاران داخلی و خارجی از کشور، داشتن نگاه منفی به سرمایه و سرمایه داری، شرایط نامطلوب داخلی و خارجی از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در کنار منحنی، فرسوده و نارسا بودن بیشتر قوانین و مقررات، نبود تکنولوژی مدرن جهت رقابت در صحنه جهانی، نبود قطبهای اقتصادی قدرتمند و سرمایه گذاران بزرگ در کشور و عدم توان سرمایه گذاری داخلی توسط فعالان اقتصادی کوچک و متوسط در فعالیت های اقتصادی تاثیرگذار در فاکتورهای پیش برنده ملی، منجر به حضور تمام عیار دولت در همه عرصه های اقتصادی اعم از تولید، توزیع، فروش، استخراج، بهره برداری، ایجاد ارزش افزوده و ... شد.

هرچند که در بعد از انقلاب اسلامی سرمایه با صفت "بد"، سرمایه گذار داخلی با "زالو صفت" و سرمایه گذار خارجی با "استثمارگر" عجین گشت لیکن خوشبختانه و البته پس از اوایل دهه هفتاد که مصادف با اتمام جنگ هشت ساله و شروع دوران سازندگی کشور بود این نتیجه گیری حاصل شد که یکی از شروط الزام آور در پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور ما مانند تجارب سایر کشورها استفاده از سرمایه ها و سرمایه گذاران خارجی است که البته چنین حقیقتی به وضوح و یا در لفاظی اظهار نظر مسولان عالی رتبه کشور به کرات مشاهده شده است که البته جای امیدواری دارد. و دقیقاً بر همین اعتقاد بود که در سال ۱۳۷۴ قانون سرمایه گذاری خارجی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. هرچند که چندان تفاوتی با قانون مشابه در قبل از انقلاب نداشت. در سال ۱۳۸۰ نیز عزم و تلاش مسولان حکومتی و دست اندرکاران اقتصادی جهت تشویق و ترغیب سرمایه گذاران خارجی به مشارکت در طرحهای عمرانی و زیربنایی

به ویژه در شریان حیاتی کشور که همانا صنایع نفت، گاز و پتروشیمی است از طرق مختلف و منجمله تصویب دستور العمل ها و آیین نامه ها و تهیه و تدوین طرحها و لوایح مشارکت کننده خارجی ها در ایران با همکاری قوای سه گانه کاملاً ستودنی است.

لذا به منظور بررسی میزان کارآمدی و اثربخشی قانون سرمایه گذاری خارجی کشور جهت تسریع در سرعت رشد و توسعه اقتصادی و پی بردن به سایر عوامل ناشناخته ای که منجر به عدم سرمایه گذاری خارجی در کشور می شود این تحقیق صورت گرفت.

در این تحقیق قانون سرمایه گذاری خارجی کشور و آیین نامه های آن با کشورهای چین، روسیه و ترکیه مقایسه گردیده است. دلیل انتخاب چنین کشورهایی عبارت است از:

روسیه به دلیل داشتن اقتصادی کاملاً متمرکز، دولتی و دستوری در طی هفتاد سال، چین نیز به دلیل داشتن چنین اقتصادی مشابه در طی سی سال و ترکیه نیز به دلیل دارا بودن اقتصادی سنتی و عقب مانده که تا حدودی و از برخی جهات به اقتصاد ایران شباهت زیادی دارد انتخاب گردیدند.

همانطور که مشاهده شد فرایند تحقیق آن بوده است که بعد از آشنایی با ادبیات موضوعی و سیر تطور، تحول قانونی و تاریخی قوانین موضوعه کشورهای مورد تحقیق، برخی قوانین مورد نظر آنها بررسی گردید و سپس از جهات و ابعاد گوناگون مورد نقد کارشناسانه قرار گرفت و سپس بعد از این بررسی ها بود که نسبت به تهیه و تنظیم شاخصها و پارامترهایی علمی جهت مقایسه این قوانین اقدام شد.

لازم به ذکر است که در تدوین شاخصها تلاش گردیده است که نقاط مورد وفاق و اشتراک به عنوان مبنا و شاخص قرار گیرد هر چند که اندک تفاوتی بین این قوانین وجود دارد. به عنوان مثال در قوانین کشور چین اجازه تملک اموال غیرمنقول به اشخاص داده نمی شود و سرمایه گذاران خارجی تنها حق استفاده از اموال مذکور را دارند و یا این که شاخص تضمین خرید کالا و خدمات نیز فقط در قانون ایران وجود دارد.

برخی از نتیجه گیری های این تحقیق عبارتند از:

- روسیه که دارای اقتصادی کاملاً بسته، دولتی و متمرکز و دستوری تا سال ۱۹۹۰ بوده است پس از تصویب اولین قانون سرمایه گذاری خارجی در سال ۱۹۹۲ چنان شرایطی را در کشور فراهم نمود که در سال ۲۰۰۶ رتبه دهم از ۲۰۲ کشور و در سال ۲۰۰۷ رتبه هفتم را در بین ۱۹۷ کشور در جذب سرمایه گذاری خارجی بدست آورد.

- چین که نیز از کمونیستی شدن در سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹ دارای اقتصادی شبیه روسیه بود در سال ۱۹۸۰ قانون سرمایه گذاری خارجی خود را تصویب و در سال ۲۰۰۰ بدلیل همپایی بیشتر با اقتصاد جهانی آنرا اصلاح کرد به طوری که در سال های ۱۹۹۳ - ۱۹۹۷ رتبه دوم را در بین حدوداً ۱۹۰ کشور در جذب سرمایه گذاری خارجی بدست آورد.

- ترکیه نیز که تا سال ۱۹۲۳ و تا زمان به قدرت رسیدن آتاترک دارای اقتصادی سنتی و عقب مانده بود در سال ۲۰۰۲ با تصویب اولین قانون سرمایه گذاری خارجی که همزمان با پیروزی حزب AK و ثبت سیاسی آن کشور بود رتبه ۱۶ را در سال ۲۰۰۶ و رتبه ۲۰ را در سال ۲۰۰۷ در بین ۱۹۷ کشور به دست آورد.

- در ایران نیز تا قبل از انقلاب بهترین سالهای جذب سرمایه گذاری خارجی مربوط به سالهای ۱۹۷۲، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ بوده است چرا که در این سالها رتبه کشور به ترتیب ۱۷، ۱۱، ۱۱ بوده است، ولی متأسفانه بعد از انقلاب نه تنها هیچ گونه سرمایه گذاری خارجی تا قبل از تصویب قانون مذکور در سال ۱۳۷۴ انجام نشد بلکه بعضاً شاهد رشد منفی آن نیز بوده ایم و البته حتی پس از تصویب قانون نیز ما در مقایسه با سایر کشورهای مورد تحقیق و یا حتی کشورهای کوچک و همسایه دارای رتبه ای پایین در جذب سرمایه گذاران خارجی و تشویق و ترغیب آن ها به مشارکت اقتصادی و مالی در پروژه های عمرانی و حیاتی ایران هستیم که این امر خود می تواند ناشی از مواد و مفاد قانون سرمایه گذاری خارجی و بندهای آیین نامه های آن، سیاستگذاری داخلی در حوزه قوانین و مقررات، دستورالعمل ها و آیین نامه ها، موازی و یاحتی مغایرکاری دستگاه ها و دست اندرکاران تصمیم ساز و تصمیم گیر در این عرصه باشد و البته نباید تناقض در سیاستهای بخشی قوای سه گانه کشور و نداشتن دید فرابخشی در این زمینه به همراه مسایل و مشکلات و غفلت های فرهنگی و اجتماعی را نباید از نظر دور داشت.

حال با این مقدمه و تاکید بر عزم و اراده جدی مسئولان حکومتی در جذب سرمایه های خارجی و تلاش در جهت ورود آسان سرمایه گذاران خارجی بویژه در حوزه های با منفعت بالای اقتصادی ایران سؤال اساسی این است که چرا با این همه کوشش و وجود قانون تقریباً مشابه با قوانین سایر کشورهای مورد تحقیق، وضعیت جذب سرمایه خارجی کشور در شرایط نامطلوبی قرار دارد؟

آیا ایراد اساسی از قانون است یا شرایط لازم، بسترهای مناسب، ابزارها و مکانیزم های کافی و یا حتی عزم و اراده بایسته و شایسته برای تحقق این امر وجود ندارد؟

هدف از این تحقیق پاسخ به سوال فوق بوده است و نتیجه گیری آن نیز به شرح ذیل می باشد:

باتوجه به این که قوانین سرمایه گذاری خارجی ایران با کشورهای ترکیه، روسیه و چین مشابهت نسبتاً زیادی دارد و فقط در مواردی تفاوت اندکی وجود دارد که قبلاً شرح داده شد، نگاهی به نمودارهای مبالغ، سهم و رتبه ایران از سرمایه گذاری خارجی جهانی در مقایسه با کشورهای فوق نشان دهنده وضعیت بد ایران در همه زمینه های جذب سرمایه گذاری است پس به صراحت می توان گفت که قانون نیست که راهگشای مشکلات جذب سرمایه گذاری خارجی است بلکه مهمترین عامل فقدان ابزارها، بسترها، پیش نیازها، امکانات و شرایط لازم و کافی برای تحقق این مهم است. این عوامل در واقع همان عواملی هستند که بر سر راه سرمایه گذاران هم وطن، کارآفرینان ملی و فعالان اقتصادی داخل کشور وجود دارد و مانع از شروع، ادامه و یا گسترش فعالیت آن گردیده است پس در ابتدا باید این مشکلات را از سر راه سرمایه گذاران داخلی برداشت تا سرمایه گذاران خارجی نیز با ملاحظه وضعیت مطلوب داخلی به تدریج وارد صحنه اقتصادی

کشور گردیده و در کنار سرمایه گذار داخلی به فعالیت بپردازند. بدین ترتیب با سرمایه گذاری مشترک، افزایش تکمیلی سرمایه های دو طرف و تکاثر سرمایه های ایشان قسمت زیادی از مشکلات موجود حل و روند ورود تکنولوژی مدرن که منجر به افزایش کیفیت کالا و خدمات و کاهش هزینه و در نتیجه افزایش بهره وری کار و تولید که نهایتاً رضایت مشتری و قابلیت رقابت در بازارهای داخلی و جهانی را به دنبال دارد تسهیل خواهد شد.

پرسش اساسی هر سرمایه گذار خارجی ارزیابی میزان رضایتمندی سرمایه گذار داخلی از وضعیت موجود کشور محل سرمایه گذاری است و با توجه به تکنولوژی های ارتباطاتی امروز دنیا سرمایه گذار خارجی می تواند در کوتاهترین زمان ممکن با طرفهای تجاری و اقتصادی خویش در کشور مورد نظر ارتباط برقرار کرده و وضعیت و شرایط موجود در آن کشور را به همراه سیر تحول تاریخی موضوع جو یا گردیده و به راحتی به اطلاعات مورد نظر دست یابد و با دانش کامل نسبت به اخذ تصمیم برای سرمایه گذاری اقدام کند.

به عنوان مثال وقتی که مسئولان دولتی کشور میزبان برای پذیرش سرمایه گذاری خارجی اعلام آمادگی می کنند اظهار میدارند که شرایط مناسبی را برای فعالیت اقتصادی شرکتهای خارجی یا سرمایه گذاران خارجی فراهم کرده اند پرسش اولیه هر سرمایه گذار خارجی این خواهد بود که اگر چنین شرایطی در حوزه قانونی و بازارهای پولی و مالی قابل مشاهده است پس چرا سرمایه گذاران داخلی از این فرصت پیش آمده استفاده نمی کنند چرا که به هر حال اولویت اول اقتصادی هر کشوری توزیع منابع بین سرمایه گذاران داخلی به منظور بهره مندی هرچه بیشتر آنها و سایر افراد آن جامعه از امتیازات داده شده است. سرمایه گذاران خارجی برای یافتن پاسخ این سوال از فعالان اقتصادی آن کشور درباره صحت وجود چنین شرایطی سوال خواهند کرد و پاسخ دقیق و جامع فعالان اقتصادی داخلی باتوجه به حضور ایشان در آن کشور در تصمیم گیری سرمایه گذاران خارجی بسیار سرنوشت ساز خواهد بود.

راه دیگر برای کسب اطلاعات که به تصمیم گیری یک سرمایه گذاری خارجی کمک می کند، استفاده از تجارب دیگر سرمایه گذاران خارجی است که در آن کشور مشغول فعالیت می باشند چرا که آنها از شرایط واقعی کشور محل سرمایه گذاری اطلاع کامل دارند.

اطلاعات ارایه شده از سوی سرمایه گذاران خارجی در کشور مقصد خود به نوعی بیانگر میزان رضایتمندی آنها از کشور میزبان است که منجر به تصمیم گیری درست سرمایه گذاران خارجی دیگر کشورها می شود. این اطلاعات می تواند شامل میزان و نوع حمایت های دولت، وضعیت و میزان اثر بخشی تشکل های اقتصادی و صنفی در اقتصاد ملی، نقش و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ملی، نگاه و ذهنیت مردم، میزان بازده اقتصادی سرمایه گذاری، دوام و بقای سرمایه گذاران خارجی، میزان تحرک و انعطاف پذیری فعالیت اقتصادی سرمایه گذاران خارجی شامل توسعه و گسترش، تنزل، رونق، رکود و تعطیلی آن فعالیت باشد که منجر به تحریک و تشویق یا جلوگیری از ورود دیگر سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری در کشور مقصد خواهد شد.

راه سوم برای اخذ تصمیم مناسب سرمایه گذاران خارجی استفاده از گزارشها و آمارهای دوره ای نهادهای بین المللی مانند سازمان تجارت جهانی ، آنکتاد، بانک جهانی ، صندوق بین المللی پول ، سازمان شفافیت بین المللی ، اتاق بازرگانی بین المللی و... است. همگی این نهادها تصویر کاملی از وضعیت کلی اقتصاد کشورها در حوزه های گوناگون و به ویژه شاخصهای تاثیر گذار در اقتصاد ملی کشورها را به وضوح نشان خواهند داد که در تصمیم گیری نهائی سرمایه گذاران خارجی بسیار حایز اهمیت است.

بعنوان مثال در میان تمامی این نهادها بانک جهانی هر ساله گزارش خود را درباره رتبه کشورها در زمینه فضای کسب و کار کشورها در ده شاخص شروع به کسب و کار ، اخذ مجوزهای لازم ، اشتغال ، ثبت اموال ، اخذ اعتبارات ، حمایت قضایی از سهامداران جز ، پرداخت مالیات ، تجارت فرامرزی ، لازم الاجرا شدن قراردادها و تعطیل شدن کسب و کار اعلام می کند که رتبه ایران در زمینه فضای کسب و کار قابل تامل است.

همگی آمارهای فوق حاکی از وجود ایرادات فراوان در دستگاه اقتصادی کشور است که بر مبنای این شاخص ها مشخص گردیده است.

شاخص‌های مهم در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی در دنیا

در سال ۲۰۰۷ تحقیقی با همکاری دو سازمان معتبر "کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل" (UNCTAD)^{۳۳} و "انجمن جهانی سازمانهای مشوق سرمایه‌گذاری" (WAIPA)^{۳۴} در سراسر دنیا صورت گرفته که هدف آن بررسی نظر مدیریت ارشد شرکت‌های چندملیتی نسبت به اهمیت عوامل مؤثر بر انتخاب مکان سرمایه‌گذاری و علاوه بر آن ارزیابی محیط کسب‌وکار و اقتصاد داخلی کشور میزبان است. بدین منظور پرسشنامه‌ای برای ۸۵۰ شرکت وابسته خارجی در سراسر دنیا ارسال شد که جدول ۱-۳ نشان‌دهنده توزیع جغرافیایی و بخشی پاسخ‌دهندگان است.

توزیع جغرافیایی و بخشی پاسخ‌دهندگان پرسشنامه

توزیع بخشی پاسخ‌دهندگان	توزیع جغرافیایی پاسخ‌دهندگان
مبتنی بر منابع طبیعی ^{۳۵} ۱۵%	مناطق توسعه یافته ۲۷%
تولیدی ۳۵%	مناطق در حال توسعه ۵۸%
خدماتی ۵۰%	مناطق در حال گذر از توسعه ۱۵%
مجموع ۱۰۰%	مجموع ۱۰۰%

منبع: UNCTAD_WAIPA Worldwide Survey of Foreign Affiliates

سرمایه‌گذاران خارجی، شاخص‌های مورد نظر برای سرمایه‌گذاری را بر اساس اهمیت عوامل مؤثر رتبه‌بندی می‌کنند. در نمودار ۱-۳ عوامل مؤثر به ترتیب اهمیت از دید مدیران، نشان داده شده است. امتیاز ۱ به معنای عدم اهمیت آن عامل و امتیاز ۵ به معنای بسیار با اهمیت می‌باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو عامل ثبات اقتصاد کلان و ثبات سیاسی کشور میزبان به عنوان مهمترین عامل از دید سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته می‌شود. سایر عوامل مهم که از نظر اهمیت، امتیاز حدود ۴ یا بالاتر از ۴ را کسب کردند، عبارت از کیفیت زیرساختهای ارتباطی-مخابرات، هزینه و عرضه نیروی کار ماهر، مالیات بر درآمد شرکت‌ها، کیفیت خدمات بانکی و مالی، نگرش به سرمایه‌گذاران خارجی و مشوق‌های سرمایه‌گذاری می‌باشند.

1- United Nation Conference on Trade And Development

2- World Association of Investment Promotion Agencies

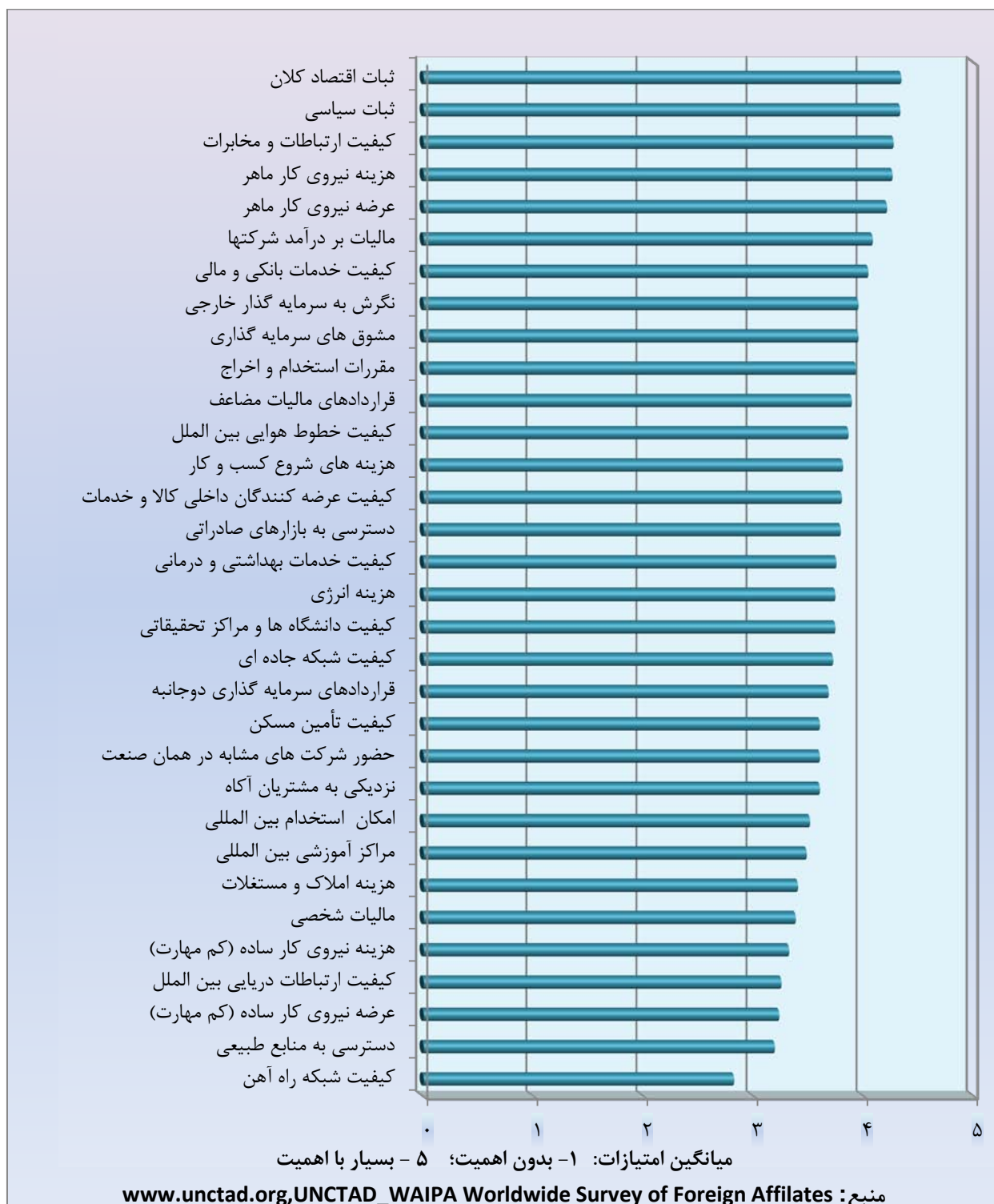
۳- منظور از بخش مبتنی بر منابع طبیعی، تولیدات حاصل از منابع طبیعی (محصولات چوبی، محصولات پتروشیمی، فلزات و محصولات فلزی) و معاملات نفت و گاز و مواد معدنی می‌باشد.

از سوی دیگر، عواملی مثل کیفیت شبکه راه آهن، دسترسی به منابع طبیعی و عرضه نیروی کار ساده (کم مهارت) از اهمیت کمتری برخوردارند. البته نتایج تحقیق تحت تأثیر نوع صنعت است. به عنوان مثال کیفیت شبکه راه آهن و دسترسی به منابع طبیعی برای شرکت‌های فعال در صنایع مبتنی بر منابع طبیعی از اهمیت بالاتری برخوردار است، اما به دلیل تعداد کمتر شرکت‌های بر پایه منابع طبیعی نسبت به خدمات و تولیدی، اثر پاسخ‌های آن‌ها در کل کمتر نشان داده شده است. این نکته برای ایران که کشوری بر پایه منابع طبیعی است در جذب سرمایه‌گذاری خارجی قابل توجه است و نشان می‌دهد که هرچند دسترسی به منابع طبیعی برای شرکت‌های تولیدی و خدماتی اهمیت بالایی ندارد اما برای شرکت‌های فعال در صنایع پایه‌ای می‌تواند مهم باشد. بر این اساس عوامل مهم از نظر پاسخ دهندگان فعال در صنایع مبتنی بر منابع طبیعی نشان می‌دهد که از دید این دسته از سرمایه‌گذاران ثبات سیاسی در درجه اول اهمیت می‌باشد. سایر عوامل مهم شامل ثبات اقتصادی، کیفیت شبکه مخابرات، کیفیت شبکه جاده‌ای و عرضه نیروی کار ماهر می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت که نتایج این تحقیق برای دولت‌ها و سازمان‌های مشوق سرمایه‌گذاری خارجی در جهان راهگشا خواهد بود. اهمیت این عوامل از دید سرمایه‌گذاران خارجی نشان می‌دهد که چه عواملی برای سرمایه‌گذاران مورد نظر در صنعت یا یک منطقه خاص از اهمیت بیشتری برخوردار است و این نوع سازمان‌ها به همراه دولت‌ها، با توجه به اهداف تعریف شده در جذب سرمایه خارجی باید بر روی چه عواملی تمرکز کنند. علاوه بر این نشان می‌دهد که کشورها در چه حوزه‌هایی ضعیف عمل کردند و در چه بخش‌هایی نقاط قوت دارند. به عنوان نمونه، نتایج این تحقیق نشان داد که کشورهای در حال توسعه و گذار باید توجه بیشتری به ثبات سیاسی و زیرساخت‌ها داشته باشند و کشورهای توسعه یافته باید از ضعف خود در مشوق‌های مالیاتی و سرمایه‌گذاری آگاه باشند.

بر اساس نظرسنجی آنکتاب اهمیت عوامل مختلف در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری از دید مدیران شرکت‌های چندملیتی فعال در سراسر دنیا و در تمام بخش‌ها در نمودار ۳-۱ نشان داده شده است.

اهمیت عوامل محیطی موثر بر تصمیم سرمایه‌گذاری از دید مدیران شرکت‌های خارجی در دنیا



وضعیت ایران از دیدگاه مدیران ارشد بنگاه‌های اقتصادی کشور

نظر مدیران ارشد بنگاه‌های اقتصادی در هر کشوری از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا که منعکس‌کننده نگرش آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری است که در نهایت تعیین کننده حجم فعالیت‌های سرمایه‌گذاری یک کشور است. دیدگاه مدیران اقتصادی در هر کشور، منبع بینش و تصویر کیفی از وضعیت اقتصادی و تجاری آن کشور در مقایسه با سایر کشورهاست.

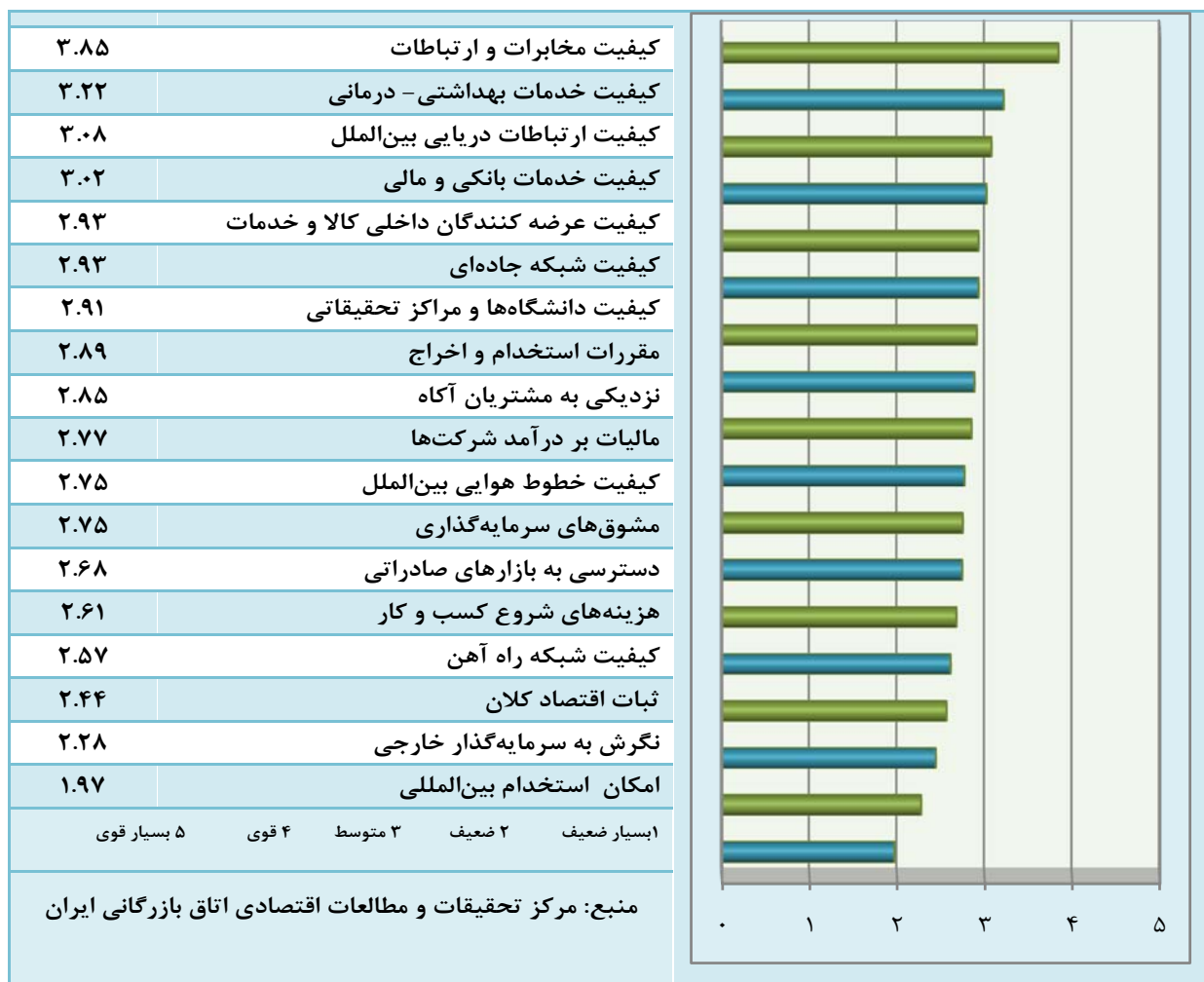
به منظور مطالعه همه‌جانبه دیدگاه مدیران بنگاه‌های اقتصادی از وضعیت اقتصاد ایران و محیط کسب‌وکار تحقیق جامعی توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی ایران در ابتدای سال ۱۳۸۸ در سراسر کشور انجام شد. در این تحقیق از مدیریت ارشد بنگاه‌های اقتصادی ایران خواسته شده که نظر آگاهانه و دقیق خود را در مورد جنبه‌های مختلف محیط اقتصادی ایران از طریق یک پرسشنامه استاندارد در حوزه‌های مختلف ابراز کنند. در این پرسشنامه از مدیران بنگاه‌های اقتصادی خواسته شده بود که کیفیت عوامل مطرح شده را ارزیابی کنند؛ نحوه ارزیابی در این پرسشنامه به این صورت است که، امتیاز ۱ به معنای بسیار ضعیف و امتیاز ۵ به معنای بسیار قوی می‌باشد. نتایج حاصل از این نوع نظرسنجی‌ها اطلاعات کیفی را برای کارشناسان و دولتمردان سیاسی و اقتصادی فراهم می‌کند که می‌تواند در شرایط مختلف به‌خصوص در مواردی که منابعی برای آمار کمی وجود ندارد و یا بسیار محدود می‌باشد، مورد استفاده قرار گرفته و مکملی برای آمار کمی نیز باشد. این پرسشنامه بهار سال ۸۸ برای ۱۶۰۰ بنگاه اقتصادی فعال در صنایع مختلف، به ۲۹ استان کشور ارسال شد که با حمایت اتاق بازرگانی ایران و همکاری نزدیک اتاق بازرگانی شهرستان‌ها مورد استقبال مدیران بنگاه‌ها قرار گرفت. در جدول ۲-۳ توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس سه معیار (جغرافیایی، تعداد کارکنان، حوزه فعالیت) به تفکیک آمده است.

توزیع پاسخ‌دهندگان به تفکیک بر سه مبنا

حوزه فعالیت	تعداد کارکنان	جغرافیایی
صنعت ۶۸٪	بیشتر از ۱۵۰ نفر نیروی کار ۴۲٪	تهران ۲۱٪
غیرصنعت (خدمات و کشاورزی) ۳۲٪	کمتر از ۱۵۰ نفر نیروی کار ۵۸٪	سایر شهرستان‌ها ۷۹٪
کل ۱۰۰٪	کل ۱۰۰٪	کل ۱۰۰٪

نظرسنجی انجام شده توسط مرکز تحقیقات اتاق ایران، پرسشنامه‌ای چند جانبه با ۱۳۵ سوال در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله مسائل ناظر بر سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور بوده که فقط از برخی از آن نتایج که در راستای سرمایه‌گذاری و مرتبط با تحقیق آنکتاب بوده در این گزارش استفاده شده است. تعداد بسیار محدود و کمتر از یک درصدی شرکت‌هایی که تمام و یا حداقل درصدی از آن در تملک سرمایه‌گذار خارجی باشد در این نمونه ۱۶۰۰ موردی خود گواه دیگری مبنی بر عملکرد ضعیف ایران در جذب سرمایه خارجی می‌باشد.

میانگین امتیاز عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی از دید مدیران ارشد بنگاه‌های اقتصادی ایران - سال ۸۸



در جدول فوق برخی از عوامل مورد بررسی و نتایج آماری حاصل از نظرسنجی مرکز تحقیقات که در ارتباط مستقیم با گزارش حاضر بوده، ارائه شده است و نشان می‌دهد به عقیده مدیران ارشد بنگاه‌های اقتصادی ایران، تمام عوامل مورد بررسی امتیازی کمتر از ۴ کسب کردند یعنی هیچکدام از عوامل از دید مدیران قوی و یا بسیار قوی ارزیابی نشدند و بیشتر حول محور متوسط و یا ضعیف قرار گرفتند.

به عقیده مدیران کیفیت مخابرات و ارتباطات و خدمات بهداشتی- درمانی نسبت به سایر عوامل نام برده در نمودار ۳-۳ بهتر ارزیابی شدند، در حالی که امکان استخدام بین‌المللی، نگرش به سرمایه‌گذاران خارجی و ثبات اقتصاد کلان ضعیف ارزیابی شده و کمترین امتیاز را کسب کردند.

با توجه به تحقیق آنکتاب در زمینه اهمیت عوامل مؤثر بر انتخاب مکان سرمایه‌گذاری در دنیا و ترکیب اطلاعات حاصل از آن با تحقیق انجام شده توسط مرکز تحقیقات اتاق بازرگانی ایران مبنی بر ارزیابی مدیران اقتصادی از وضعیت محیط کسب و کار ایران، به نتایج قابل توجه‌ای می‌توان دست یافت.

به عقیده مدیران شرکت‌های چندملیتی در تحقیق آنکتاب، از ۳۲ عامل، چهار عامل ثبات اقتصادی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری، نگرش به سرمایه‌گذاران خارجی و هزینه‌های شروع کسب‌وکار از جمله عوامل مهم در انتخاب مکان سرمایه‌گذاری ارزیابی بوده و همگی در نیمه بالای نمودار ۳-۱ قرار گرفته و امتیاز حدود ۴ و یا بالاتر از ۴ (در مقیاس ۵) کسب کردند که نشان‌دهنده اهمیت بالای آن‌هاست. برای مقایسه، وضعیت این چهار عامل را در ایران بررسی می‌کنیم؛ طبق نظرسنجی مرکز تحقیقات اتاق ایران از مدیران ارشد اقتصادی چهار عامل نام‌برده ضعیف ارزیابی شده و امتیازی بالاتر از ۲/۷۵ کسب نکردند، هر چهار عامل در نیمه انتهایی جدول قرار گرفته‌اند. در برخی از موارد آمار کمی که توسط سازمان‌های مربوطه از جمله بانک مرکزی منتشر می‌شود نیز تأییدکننده این آمار کیفی است. ارزیابی مدیران از سایر عوامل و درجه اهمیت آن در نمودار زیر نشان داده شده است. توجه داشته باشید که در نمودار زیر نمودار آبی اهمیت عامل مورد نظر در دنیا و نمودار سبز امتیاز آن عامل را در ایران نشان می‌دهد، (هر دو نمودار در مقیاس ۵ تعریف شدند)

(۱) قوانین و مقررات :

الف - قوانین

ب - آئین نامه ها

ج - دستورالعمل ها

د - بخشنامه ها

(۲) سیاست گذاری

الف- نهادهای مشورتی و تصمیم ساز حاکمیتی

ب - دولت

ج - مجلس

د- شوراها و مجامع ملی

ه- وزارتخانه ها و سازمانها

(۳) اجرایی و اداری

الف - وزارت امور اقتصادی و دارایی

ب - وزارت بازرگانی

ج - وزارت کار و امور اجتماعی

د- سازمان تامین اجتماعی

ه - وزارت نفت و شرکتهای تابعه

و - وزارت نیرو

ح - وزارت جهاد کشاورزی

ط - وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی

ی - موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی

ک - وزارت راه و ترابری

ل - سازمان امور مالیاتی

م - گمرک

ن - شهرداری

س - سازمان سرمایه گذاری خارجی

۱) قوانین و مقررات:

الف- قوانین:

یکی از مهمترین موانع فعالیت اقتصادی دست اندر کاران ، وجود قوانین مزاحم ، بازدارنده، قدیمی ، زائد و دست و پا گیر است که مشکلات عدیده ای را برای ادامه فعالیت فعالان اقتصادی کوچک ، متوسط و بزرگ در بخشهای خصوصی ، دولتی و سازمانهای عمومی با مأموریت حرفه ای ایجاد می کند و تفاوت مهمی که بین بخش خصوصی و سایر بخشهای ذکر شده وجود دارد این است که سایر بخشها با توجه به نفوذ دولتی و شبه دولتی به راحتی قانون را به نفع خود تفسیر کرده و در این مسیر به منافع حتی بیش از حد انتظارشان دست می یابند. و تمامی تبعات منفی این مشکلات فقط گریبانگیر بخش خصوصی می شود و در نتیجه این مشکلات و گرفتاری ها ست که بخش خصوصی هر روز ضعیف تر میشود و در عوض سایر بخشها به دلیل حمایت های قانونی دولتی فرجه تر گردیده و اقتصاد ملی بیش از پیش دولتی شده و نهایتاً معیشت مردم بدان محتاج تر و وابسته تر خواهد شد . البته تمامی این وابستگی ها تا زمانی است که ثروت ملی (نفت) وجود دارد و قیمت آن در سطح بازارهای جهانی بالا است.

از جمله مقررات بازدارنده بر سر راه فعالیت های اقتصادی عبارتند از :

- در حال حاضر قانون و آئین نامه در کشور وجود دارد که بیشتر آنها نیز اعمال می شود که یک فعال اقتصادی در هزار توی آن گم می شود.
- بیشتر قوانین اقتصادی کشور شامل:
- یا قوانین مرتبط اقتصادی شامل:

بیشتر قوانین فوق مربوط به دهه های قبل از انقلاب اسلامی می باشند که به دلایل متعدد بازنگری مجدد نگردیده و در نتیجه با وضعیت اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی داخلی و بین المللی حال که در طی چندین دهه متحول گردیده همخوانی و سازگاری لازم را ندارد که از جمله آن می توان به قوانین تهیه و تنظیم شده در سال و اشاره کرد.

در مورد زائد و دست و پا گیر بودن قوانین باید به قوانین صادرات و واردات اشاره کرد که در حال حاضر دارد و البته قبلاً بوده است که بعدها بنابر ضرورت اصلاح مجدد گشته است.

در نهاد های پژوهشی و تحقیقاتی مراجع قانونگذاری ایران و قبل از آن در واحدهای پژوهشی و حقوقی سایر دستگاهها و نهادهای دولتی تهیه و تنظیم کننده لوایح، اقدامات کارشناسی عمیق و ریشه ای فرابخشی و با محوریت نظرخواهی از دست اندرکاران و متولیان امر انجام نمی گیرد و اکثر قوانین در پشت درهای بسته و بدون توجه با تبعات و آثار عملی آن که ممکن است بر سایر بخش های اقتصادی تاثیر گذار باشد گرفته می شود که بعدها و پس از اجرا و تخریب منافع و منابع ملی، اثرات منفی آن مشخص خواهد شد.

همچنین باید یادآور شد که برخی از قوانین و مقررات تصویب شده بدون توجه به سایر قوانین موجود وضع می‌گردد که بعضاً در مغایرت و تضاد با یکدیگر قرار دارند. که این مشکل نیز ناشی از عدم کار کارشناسی ذکر شده در بند فوق است. حداقل تبعات این مشکل آن است که این طور قوانین از یکسو بعدها مجریان دولتی را در اجرا سردرگم می‌کند و از سوی دیگر راه را برای قانون‌گریزی فراهم می‌کند که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به قوانین ذیل اشاره کرد:

ب- آئین نامه ها

کل آئین نامه های تدوین شده در دستگاه های اقتصادی کشوری در حال حاضر می باشد که بیشتر آنها نیز بخشی و بدون توجه به سایر آئین نامه های دستگاه ها و وزارتخانه های دیگر و یا حتی قوانین جاری در کشور به تصویب می رسد که بعد ها در اجرا مشکلاتی را هم برای سازمان ها و نهادهای متولی اجرا و هم برای مخاطبین اصلی فراهم می کند . که از جمله آن می توان با آئین نامه های ذیل اشاره کرد.:

۲) سیاستگذاری

الف- نهادهای مشورتی و تصمیم ساز حاکمیتی

ب- شوراها و مجامع ملی

ج- وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی

د- دولت

ه- مجلس

الف- نهادهای مشورتی و تصمیم ساز حاکمیتی

معمولاً سیاستگذاری های اقتصادی در تمامی کشورهای دنیا توسط مجلس و دولت انجام می گیرد ولی در ایران نهادهای مشورتی و تصمیم ساز حاکمیتی به همراه شوراها و مجامع ملی به انجام این کار بویژه در امور مهم و سرنوشت ساز اقتصادی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اقدام می کنند. که در عین حال نیز این وظایف آنان در بیشتر موارد نارسا و نامشخص است و با سمت و سوی مشخصی حرکت نمی کند و بعضاً در تناقض با یکدیگر و یا با سایر قوانین و مقررات است . متأسفانه این گونه سیاستگذاری ها نیز معمولاً بخشی و بدون توجه به واقعیت های روز جامعه و دنیا انجام می گیرد، به گونه ای که این سیاستگذاری ها چه از بعد شکل گیری ، هماهنگی ، تصویب و اجرا دچار نقصان زیادی می باشد به طوری که بعضاً این سیاست ها منجر به آن می شود که قوانین و

قواعد الزام آور کشور رعایت نگردیده و کشور ملزم به رعایت معیارهای نامحدود حاکم بر سیاستگذاری تخصصی و کارآمد شود.

همچنین باید یادآور شد که امر سیاست گذاری کلی و تدوین برنامه های بلندمدت و استراتژیک در کشورهای مختلف حسب مورد به قوه مقننه یا دستگاه های دولتی و اجرایی اعم از رئیس حکومت، رئیس دولت، اعضای کابینه، برخی وزارتخانه ها، سازمان ها، برنامه ریزی یا کمیسیون های ویژه تخصصی واگذار می شود. که البته همواره و در بیشتر موارد چنین نیست.

از سوی دیگر بررسی قوانین اساسی کشورها نیز نشان دهنده آن است که سیاستگذاریها در روند همکاری میان دولت، مجلس و رییس دولت و یا رییس کشور صورت می پذیرد. زیرا ماهیت تخصصی سیاستگذاری ایجاب می کند که شکل گیری سیاست های کلی در دولتی که دارای امکانت کارشناسی نیرومندی است صورت گیرد و سپس این سیاست ها برای تصویب و تائید در اختیار نهاد قانون گذاری گذاشته شود. این فرایند مشارکتی و جمعی و عدم تمرکز در فرایند سیاست گذاری می تواند به تدوین سیاست های مناسب تر و مفید تر منجر شود که متأسفانه باز هم در ایران اینگونه نیست.

لازم به ذکر است که سیاست ها یا خط مشی ها از لحاظ دایره شمول وسیع تر از قوانین و مقررات، استانداردها و اصول هستند. سیاست ها بر خلاف قوانین، آثار و نتایج تعیین شده و مشخصی را به دنبال ندارند و بیشتر در چارچوب فرایندها شکل می گیرند. به همین دلیل سیاست ها برای اجرایی یا عملیاتی شدن مستلزم تنظیم برنامه و وضع قوانین و مقررات جاری، خود جزیی از سیاست ها به شمار می آیند. این معنای موسع از سیاست ها بیانگر این امر است که بدون مشارکت نظام تقنینی تعیین سیاست ها در مرحله تدوین و فرایند شکل گیری با موانعی روبرو خواهد بود.

ب- شوراها و مجامع ملی

در کشور ما نهادها و شوراهای متعدد تصمیم گیر و موازی وجود دارند که وظایف آنها اساساً مشورتی و صرفاً تصمیم سازی است اما بعضاً به تدوین سیاست های کلان اقتصادی جامعه می پردازند که بعضاً با برخی قوانین و مقررات مصوب و جاری کشور نیز در تضاد کامل است.

از جمله آن می توان به ابلاغیه سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران اشاره کرد.

اشکال دیگر این است که تدوین و تنظیم سیاست های کلان اقتصادی گاهی اوقات به شوراها و مجامعی که زیر نظر یک قوه اداره می شود واگذار و از دستگاه های اجرایی درخواست می گردد که آنرا اجرا کنند در حالی که اگر همین مصوبات با همفکری تمامی قوای سه گانه کشور و دیگر نهادها و شوراها و سازمان های تصمیم گیرنده و تصمیم ساز تدوین شود بر غنای آن افزوده خواهد گردید و با هم اندیشی بین دستگاه ها هم از موازی و دوباره کاری جلوگیری و هم در تصویب و اجرایش وحدت رویه و فرماندهی بوجود خواهد آمد که مطمئناً کارآمدی بهتری خواهد داشت.

د- وزارتخانه ها و سازمان ها :

هم اکنون نیز هر سازمان و وزارتخانه اقتصادی و یا غیر اقتصادی اقدام به تدوین سیاستهای کلان حوزه تحت امر خود و یا بعضاً سیاستهای کلان اقتصادی کشور می نماید در حالی که به دلیل چند رشته ای و بین رشته ای بودن سیاستهای کلان اقتصادی اگر سایر دستگاه ها و وزارتخانه ها در تدوین و تنظیم آن مشارکت نداشته باشند مشکلات و تبعات سیاستگذاریها همه جامعه را در بر خواهد گرفت و موجبات سردرگمی و تشویش اذهان مجریان و وضع کنندگان قانون و مخاطبین آنرا را فراهم خواهد کرد که دستاورد آن باز هم از هم گسیختگی فعالیت های اقتصادی و تضعیف اقتصاد ملی و هدر رفتن منابع و منافع داخلی خواهد شد .

۳ (مشکلات اجرایی و اداری

مشکلات اداری:

- ناهماهنگی بین درآمدها و هزینه های کارکنان
- نارسائی های اطلاعاتی در تصمیم گیری ها
- ناکارآمدی ساختار اقتصادی
- غیر واقع بینانه بودن راهبردهای سیاسی
- ضعف در تولید ، توسعه و کاربرد صحیح دانش
- بی توجهی به آینده در قانون گذاری
- عدم کارایی کافی سازمان های دولتی
- عدم مسؤولیت پذیری و پاسخگویی اجتماعی در سازمان های اداری
- بی توجهی به اصول اخلاقی در سازمان ها
- تمرکز گرایی ساختار اداری
- مدیریت هیأتی در لفافه شعار تفکر سیستمی
- افزایش بی حد و اندازه حوزه عمل دولت
- مشکلات مدیریتی
- عدم استفاده از روش های نوین اداری و تأکید بر استفاده از روش های سنتی

مشکلات اجرایی فعالان اقتصادی با وزارت خانه ها و سازمان:

